

توقیعات مبارکه حضرت ولیّ امرالله خطاب به احبّای شرق

* * *

۱. توقیع مبارک نوروز ۸۸ بدیع
۲. توقیع مبارک رضوان ۸۹ بدیع
۳. توقیع مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع
۴. توقیع مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع
۵. توقیع مبارک نوروز ۱۰۸ بدیع
۶. توقیع مبارک نوروز ۱۱۰ بدیع
۷. توقیع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع
۸. توقیع مبارک نوروز ۱۱۳ بدیع

* * *

توقیع مبارک نوروز ۸۸ بدیع

ممثّلین آئین حضرت ربّ البریه در بلدان و ممالک شرقیه اعضای مجلّله محافل مقدّسه روحانیّه علیهم آلاف التّحیة و الثّناء طرّاً
ملاحظه نمایند

یا امناء الرّحمن بین خلیقته و صفوته فی برّيته تبارک الله ربّنا المقمّدر المتجبر المتباهی البهیّ الأبهی بما کشف برقع السّتر عن
وجه شریعته السّمحاء و افاض علی اهل البهآء فی مشارق الأرض و مغاربها بفیوضاته المتتابعه من الرّفرف الأسمى و اظهر من
خفیّات سرّه الأکتم الأخفی ما عجزت عن عرفانه ادراکات العارفين له العزّة و السنآء و له الرّقة و الضیآء و له العظمة و الکبریآء
بما اظهر بدائع وعده و وفی بميثاقه و انار قلوب اصفيائه و رفع شأن اودآئه و امنائه بین الخلائق اجمعين "لن یمنعه شیء عن
حکومته و لن یصدّه امر عن سلطانه و انه لهو الفرد العلیّ العالیّ العظیم"

ایها المتمسّکون بالعروة الوثقی حمد یقیاس ایزد متعال را شایسته و سزا که در این روز فیروز و عید نوروز که جهان ترابی
حلّه موهبت در بر نموده و بحلیه حیات جدید مزین گشته تأثیرات حیرت بخش جلوه ربیع الهی نیز در کلّ آفاق باشد اشراق
ظاهر و باهر و نفحات مسکیه اش از مهبّ ریاض قلوب ستاینندگان اسم اعظم در اکثر بلدان ساطع و متضوّع برد قارس شتا
برطرف گشت و اشعه ساطعه تأیید از مرکز انوار بر جمع اهل بهاء بتایید اریاح لواقح که در مدّت هشتاد سال منبت شجره
مبارکه را من جمیع الجهات احاطه نموده بود بتقدیر ربّ قدیر تسکین یافت و ثورت طغیان و طوفان انقلابش فرو نشست غیوم
کثیفه هموم و کروب لاتعدّ و لاتحصی از افق آن صقع جلیل دفعه واحده متلاشی شد و دلبر آمال بدر منیر سعادت ابدیه از

پس حجابات غلیظه اشراق بر ساکنین فلک بهاء کرد ظلمت تعدّیات و تجاوزات که از هیاکل بغضیّه و نفوس منعیّه سنین متوالیه بر حزب مظلوم وارد بوسائل غیبیه زائل گشت و شجره خبیثه ظلم و نفاق بنیروی ملیک آفاق از بیخ و بن برافتاد نهال امید اهل بهاء در مزرعه جهان انبات نمود و از ریزش باران جفا سقاییت گشت سیل جارف بلیات متنوعه را در این سنین عدیده یک مقاومت نمود و از ریخ عقیم و برد زمهریر مأمون و مصون بماند از زوبعه امتحان متزلزل نگشت و از تندباد غضب و جفای اهریمنان مقطوع و مستأصل نشد بر نشو و نما بیفزود و از هبوب نسّمات دلکش ربیع موعود آن نهال نورسته الهی ببرگ و شکوفه‌های گوناگون تزیین یافت اغصان رفیعّه منیعّه‌اش در اقصی ممالک غریبه و اقطار شمالیه سایه بیفکند و از حفیف اوراق و اهتزاز افانش ولوله‌ئی محیّر العقول در اعلی المقامات بینداخت

تعالی تعالی هذه الشجرة المرفوعة المنتبة فی بحبوحه الفردوس قد علت و اخضرت و تورقت و ذاعت و شاعت صیبتها بین العالمین أ حسب الذين اتخذوا هذا الأمر هزواً بأنّ افول کوکب الميثاق فرّق جمعنا و شتت شملنا و اضلّ سبیلنا و اضاع آمالنا أ زعموا بأنّ هذه الدوحة الالهية و السدرة الازلیة قد انقعدت و اغصانها قد یست و اوراقها قد انشرت و زفیرها قد خدمت و حیاتها قد انعدمت و بطلان امرها قد تحققت لا فوربّ العماء سوف تتفتح ازهارها و تتضوّع عبیرها و تنضج اثمارها و تنشعب فروعها و تمتدّ ظلّها علی من علی الأرض اجمعین

سبحان صانعها و واضعها و مغرسها و منبتها و الحافظ علی کیانها و الناشر لآثارها له القدرة من قبل و من بعد و أنّه لعلی

کلّ شیء قدیر

ای آشفستگان جمال ذو الجلال یوم یوم اشراق انوار است و دور دور ظهور و بروز تجلیات سلطنت حیّ لایزال هرچند جهان منقلب و جهانیان در غمرات بلایا و متاعب مستغرق ولی هزار شکر حضرت بدیع الأوصاف را که با وجود موانع عدیده و انقلابات ملکیه و امتحانات متابعه و فقدان وسائل ظاهره آئین نازنین اسم اعظم روح الوجود لعظمته الفداء یوماً فیوماً در اتّساع و شعله فروزنده‌اش آناً فاناً در ارتفاع صیتش در اقالیم عالم منتشر و پرچم عزّت و استقلالش بر اعلی المقامات مرتفع و متموّج روح مقدّسش در عروق و شریان شعوب متمدّنه راقیه نبّاض و از ولوله آهنگ دلربایش ارواح مؤمنین در طرب و اهتزاز

نام جهان‌آرایش در السن و افواه اعظم امم از قریب و بعید و وضع و شریف متداول و بمبادی قیمه سامیه‌اش قلوب صافیّه مجردئی در قطعات خمسّه عالم متوجّه و متمایل بنیان متین معبد عظیم الشّانّش در قطب امریک در این بحران اعظم علم برافراخته و گنبد رفیعش بر ابنیه شاهقه آن قطر جلیل سایه افکنده ولوله بیت اعظمش در خطّه عراق زلزله بارکان دولت و ملت انداخته و در مقامات رسمیه در قلوب زمامداران اقالیم غریبه رعیه شدید و اضطرابی جدید تولید نموده رافعان لوایش در بسیط غبرا بعزمی آهنین بایفای وظائف موکوله مفروضه خویش مشغول و بتشید روابط روحانیه و استحکام مؤسسات امریه و ترویج مصالح هیئت اجتماعیه و تنفیذ احکام منصوصه الهیه و تهیه مقدمات مشروعات عظیمه جلیله آینده مألوف و مأنوس اسرار مکنونه‌اش که در خطّه ایران در پس سبحات غلّ و بغضا سنین متوالیه مستور بمساعی جلیله جند اهل بهاء در آن موطن اعلی ظاهر و پدیدار گشت و عروس آمال دیرینه آن ستمدیدگان رغماً لکلّ افّاک حسود نقاب از رخ بیفکند ناموس اکبرش بهمت مبارزان دلیر در ممالک فرنگ حجاب ستر بدرید و منصوصات کتاب اقدسش مشهور و مرکوز ذهن اولو الألباب شد غبار ظلم اهل شرور بنشست و سدّ متین شبهات مرتفع گردید حجاب غلیظ ترهات و اراجیف مکذّبین و مبطلین امر بهاء برخاست و حباثل تسویف و انکار اهل ادبار بسرینجه قدرت منقسم شد مقامات مقدّسه‌اش در ارض نورا و بقعه بیضا مطمح نظر و مزار و نزهتگاه فرق و طوائف متنوعه متباینه گردید و در انظار ولایة امور از معابد مشروعه و معاهد مستقلّه دینیّه معتبره محسوب و موصوف گشت قصر مبارکش پس از چهل سال انتظار از تسلّط اهل فتور برهید و چون لؤلؤ لالا زینت‌بخش مرج عکا شد قوائم و دعائم دیوان عدل اعظمش بیمین قدرت در اقالیم متعدّده منصوب گردید و اصول و فروع شریعت غرایش گوشزد اقوام و ملل

از قریب و بعید گشت تابشیر مدنیّت سرمدیّ الآثار حضرت بهاءالله از افق عزّت دیرینه باراده ازلیّه مالک البریه طالع شد و نوامیس و شعائر اسم اعظم باصبع اقتدار خیمه و خرگاه برافراشت سلطه محیطه روحانیه اش پدیدار گردید و وعود مبرمه اش تحقق یافت علمای رسوم خصم الدّ آئین حضرت قیوم در پنجه تقلیب گرفتار و محافل مجلّله روحانیه واضعان شرع بدیع بر سریر عزّت و قدرت مکین و استوار امت ممسوخه یحیی در اسفل درکات قنوط ساقط و نام و نشان اتباع و اشباعش مفقود و منعدم سردار نقض و سالار نکث در حفره ظلمانی خزیده و چون خفّاش در مقابل اشراق اشعه تأیید در گوشه عزلت کور و مأیوس طپیده از تلاطم بحر البحار فیوضات ملیک آفاق آن محور نفاق و قطب شقاق پریشان و حیران و از مهابت فریاد ثابتان بر عهد و میثاق نالان و هراسان له الغلبه و الهیمنه و الاستقلال لا رادّ لأمره و لا مبدلّ لکلماته و لا مفرّ من قضائه و تقدیره هذا ما وعدنا به مولانا فی السّرّ و الاجهار من فمه الدّرّیّ الطّاهر الصّادق البدیع قوله عزّ بیانه

"سینکشف القناع باذن الله عن وجه الأمر و یسطع هذا الشّماع فی آفاق البلاد و یعلو معالم الدّین و تخفق رایات ربّکم المجدید علی الصّرح المشید و یتزلزل بنیان الشّبهات و ینشقّ حجاب الظّلمات و ینفلق صبح الیّنات و یشرق بأنوار الآیات ملکوت الأرض و السّموات اذاً ترون اعلام الأحزاب منکوسه و وجوه الأعداء ممسوخه و احکام رؤساء السّوء منسوخه و المؤمنون فی فرح عظیم و المکذّبون فی خسران مبین"

ای برادران و خواهران روحانی چه مقدار عظیم است امر الهی و چه شدید است سیاط قهر آن محتسب حقیقی فرخنده نفسی که در ظلّ ظلیلش محشور و مستظلّ گشت و خجسته قلبی که از شعشعات انوارش مستمدّ و مستفیض شد وای بر نفسی که از الواح نصحیه قلم اعلی و نعماً و آلاء این دور امنع ابهی رو بتافت و میثاق غلیظ حیّ لایموت را واهی و موهون بشمرد و تطوّرات و تقلّبات لازمه این امر خطیر را میزان بطلان و علامت نقصان و انقراض آئین لایزال ایزد متعال بینداشت امر عظیم است عظیم و حوادثش بس خطیر و جسیم صرصر امتحانش شدید است و صراطش احدّ از سیف حدید جز جبال بادخه و اطواد شامخه مقاومت ریح عقیم نتواند و جز اقدام ثابته مستقیمه از این منهج قویم نگذرد شعله انقلابش شریار است و صاعقه قهرش اشدّ از لهیب نار "النّاس هلکاء الا المؤمنون و المؤمنون هلکاء الا الممتحنون و الممتحنون هلکاء الا المخلصون و المخلصون فی خطر عظیم"

ای یاران ممتحن جمال ابهی و یاوران برگزیده حضرت عبدالبهاء اگرچه شئونات و حوادث این امر خطیر مهیج و مخیف است و انقلاباتش عجیب و مهیب ولکن شمس حقیقت که از ذروه علّیین بر گروه ثابتین لاینقطع مشرق پرتوش بی نهایت شدید است و تأثیراتش در حقائق ممکنات بغایت عظیم در لوحی از الواح لسان عظمت باین بیان ناطق قوله جلّ بیانه "قد کنز فی هذا الغلام من لحن لو یظهر اقلّ من سمّ الابره لتندکّ الجبال و تصفرّ الأوراق و تسقط الأثمار من الأشجار و تخرّ الأدقان و توجّه الوجوه لهذا الملك الّذی تجده علی هیکل النّار فی هیئه النّور و مرّه تشهدده علی هیئه الأمواج فی هذا البحر الموّاج و مرّه تشهدده کالشّجره الّتی اصلها ثابت فی ارض الکبریاء و ارتفعت اغصانها ثمّ افانها الی مقام الّذی صعد عن وراء عرش عظیم" و در مقامی دیگر میفرماید "چه قدر از لالیّ بیشمار که ناسفته در صدف قلب مانده و چه مقدار حوریّات معانی که در غرفه های حکمت مستور گشته که احدی مسّ آنها نموده لم یطمهنّ انس قبلهم و لا جان"

قوای جهان مقاومت فیض مدرار نتواند و آشوب و غوغای جهانیان تابش انوار را مانع و حائل نگرده بلکه هر قدر آئین مقدّس بر شهرت و اتّساع بیفزاید و صحیحه پیروانش بلندتر گردد و آبهت و سطوتش در انجمن عالم بیشتر جلوه نماید انقلاباتش هائل تر و جوش و خروشش عظیم تر و فریاد و فغان اعدایش مرتفع تر و زفیر افتنانش شدیدتر شود و هر قدر طوفان انقلاب و غلیان غلّ و بغضا در قلوب مشرکین تزاید جوید و صولت هجوم احزاب و قبائل بر جند الهی شدّت نماید اشعه تأیید بر اشراق بیفزاید

و بدایع قدرت قدیمه و لطایف حکمت الهیه و ظهورات غلبه و قهاریت کلمه نافذه جامعه بر مدعیان مکشوفتر و واضحتر گردد "سنه الله التي قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلاً"

ای حامیان حصن حصین الهی نظری بگذشته این امر عظیم اندازید و در حوادث دوره اولیه این قرن مشعشع الهی تفکر نمائید و مراحل پیموده را یک یک بیاد آرید لعلکم بمواقع امره تطّلعون و من آیات قدرته تتذکرون و فی آفاق علمه تتفرسون ظلمی نماند که بر اصل شجره نابتة الهیه وارد نگشت و طعنی نماند که از نفوس واهیه ساهیه سافله بر پیروان امر حضرت ربّ البریه متوجه نگردید از بدو طلوعش از آن اقلیم پربلا آن نجم بازغ هدی طلعت اعلى روح الوجود لمظلومیته الفداء در خلف حجبات محن و رزایای لاتعدّ و لاتحصی محجوب و روی چون مه تابانش در خسوف حسد و بغضا مخسوف و مقنوع سهام مفترین و طعن مشرکین و دسائس مغلین آن هیکل الطف اعزّ اعلا را آنی فارغ و آسوده نگذاشت و از اجرای نوایا و مقاصد مقدّسه اش ظاهراً مانع و حائل شد ایام پرتلاطم حیاتش پایان رسید و در انظار محتجبین آمال دیرینه اش در عرصه شهود جلوه نمود کوته نظرائی چند که بظواهر امور ناظر و از حقیقت کلیه محیطه فائضه که در هویت امر الهی مکنون و مندمج است غافل در آن ایام چنان انگاشتند که هر قدمی که آن محیی رمم در سبیل اعلاّی امر اعظمش در ایام حیاتش برداشت اثر و ثمری جز یأس و حرمان و پشیمانی و خذلان نبخشید قائم موعود بزعم آن قوم جحد و لولهئی در جوار بیت الحرام نینداخت و جمّ غفیری را از سگان حجاز مفتون امرش نمود پیام مبین را که در مکه مکرمه بطلعت قدوسی رسول امینش بسپرد شریف مغرور اجابت نکرد و در زاویه نسیان نینداخت و از حقیقت مطلب مستفسر نشد غوغای عوام آن مظهر ربّ الأنام را پس از زیارت حرمین از سفر عتبات و زیارت کوفه منصرف نمود و از اعلان آئینش علی رؤوس الأشهاد بازداشت و در قلوب عدهئی از اصحاب که مترصد ظهور آثار الهی بودند تولید تزلزل و ارتباب بنمود تعلیمات و دستورات کافیّه وافیّه که خود بنفسه بحروفات خویش در مدینه شیراز در سنه ستین تلقین و ابلاغ نمود اکثرش انجام نیافت و از شدت هیجان امتحان و هجمات عنیفه اهل شرک و عدوان اثر و ثمری نبخشید ناشر لواء اقدسش که خود از بین نخبه اصحابش برانگیخت و بتبشیر آئین رحمن در ممالک عثمانیان مأمور ساخت در اولین وهله اسیر دام ستمکار گشت و در دیار غربت جام شهادت بکمال مظلومیّت بنوشید شیخ هندی که بامر مظهر رحمن در سنه اول ظهور باقلیم هندوستان رهسپار گشت پس از تحمّل متاعب بیکران نفسی را جز سیدی ضریر در آن سامان مستعدّ اقبال و اذعان نیافت و عاقبه الامر آن سید جدید الاقبال در لرستان طعمه شمشیر بامر حاکم غدار گشت معتمد مقتدر که بکمال فتوت و شجاعت و ثبوت و استقامت بر خدمت و حمایت آن مظهر ربوبیت قیام نموده بود و جز خضوع و تسلیم مرکز سلطنت تلقاء سریر سلطان احدیّت آمال و آرزویی نداشت دفعه واحده هدف تیر قضا گشت و مخدوم جلیل خود را اسیر در قبضه گرگین پرکین بگذاشت وزیر بی تدبیر خیردار شد و فریاد و فغان برآورد و بانواع حیل از ورود آن ذات مقدّس بعاصمه مملکت و وفودش در بساط سلطنت که نفس مظهر عبودیت از شهریار عادل تمنا و مسئلت نموده بود مانع شد آن محور نفاق کمر ظلم بیست و همت بگماشت و آرام نگرفت تا آنکه محبوب آفاق را بظلمی مبین در قلعهئی از قلاع آن سرزمین مسکن و مأوی داد و در ابعده نقطهئی از قلال آذربایجان محصور و مسجون نمود

در توفیعی از توفیعات آن طلعت نوار که بافتخار سلطان ایرانیان در آن زندان نازل این کلمات درّیات مدون و مسطور "الا انّی انا رکن من کلمة الأولى الّتی من عرفها عرف کلّ حقّ و یدخل فی کلّ خیر و من جهلها جهل کلّ حقّ و یدخل فی کلّ شرّ... قد جعل کلّ خیر احاط به علمه فی طاعتی و کلّ نار یحصبها کتابه فی معصیتی... قد جعل الله کلّ مفاتیح الرضوان فی یمینی و کلّ مفاتیح النیران فی شمالی... انا النقطه الّتی ذوت بها من ذوت و انّی انا وجه الله الّذی لا یموت و نوره الّذی لا یفوت من عرفنی ورائه الیقین و کلّ خیر و من جهلنی ورائه السّجین و کلّ شرّ... قسم بسید اکبر اگر بدانی در چه محلّ ساکن هستم اول کسی که بر من رحم خواهد کرد حضرتت میبود در وسط کوهی قلعه ایست در آن قلعه از مرحمت

آن حضرت ساکن و اهل آن منحصر است بدو نفر مستحفظ و چهار سگ حال تصوّر فرما چه میگذرد الحمد لله كما هو اهله و مستحقّه ... قسم بحقّ الله که آن کسی که راضی باین نوع سلوک با من شده اگر بداند با چه کسی است هرگز فرحناک نشود الا اخبرک بسرّ الأمر کأنه احبس کلّ النبیّین و الصّدیقین و الوصیّین ... در این جبل فرد ماندهام و بموقفی آمدهام که احدی از اولین مبتلا نشده و احدی هم از مذنبین متحمّل نشده فحمداً له ثمّ حمداً لا حزن لی لأنتی فی رضآء مولائی و ربّی و کأنتی فی الفردوس متلذذ بذکر الله الأكبر و انّ ذلك من فضل الله علیّ و الله ذو الفوز الکبیر"

طولی نکشید که در مشرق ایران حادثه مؤلمه مازندران وقوع یافت و شرر بدودمان جند رحمن زد شعله فروزنده اش بعنان آسمان متواصل گشت و در زندان آذربایجان این خبر دهشت اثر بر تأثرات و احزان بی پایان آن محبوب امکان بیفزود نقطه آخری طلعت قدوسی طعمه شمشیر سعید شقی شد و حسین بشروئی هدف تیر سردار تبه کار گشت اعوان و انصارش بعضی قتیل و جریح و برخی در دست ظالمان اسیر و جمعی متشتت بی معین و مجیر عالم نحیر و وحید فریدش در واقعه نیریز با عدهئی از نخبه اصحابش شربت شهادت بنوشید و جسد مطهر حجت اکبرش در محاصره زنجان معرض تعدّیات و تجاوزات دشمن بی امان گشت اعمده آئین گرانهایش در این مخاطرات عجیبه و حوادث غریبه یک یک از پا برافتاد و بر گروه پیروانش در کلّ اطراف و اکناف مملکت امطار بلیات از سحاب قضا بی در پی بیارید در بحبوحه انقلاب امیرکبیر که بر مسند صدارت جالس در فکر قلع و قمع اصل شجره الهیه بیفتاد و حکم مبرم شهادت آن مظلوم یکتا را در مدینه تبریز صادر کرد آن هیکل نازنین را در هوا بیاویخت و سینه مطهر را برصاص اولو البغضاء مشبک نمود در این گردباد بلا انقلابی اعظم در عاصمه مملکت رخ بنمود و بر اثر حادثه رمی شاه بقایای فئه مؤمنین را در آن سرزمین اسیر و دستگیر کرد آتش نمرودی برافروخت و طاهره زکیّه مشتعله ثابته بی گناه را زهر جفا بچشانید کاتب وحی را که حامل و حافظ اسرار الهی بود در قعر زندان بینداخت و عاقبه الأمر بدست جلّاد سفاک و بی باک بسپرد نیز آفاق یگانه امید و منقذ آن جمع بی نوا را چهار ماه در حفره ظلمانی در مقرّ سارقان و قاتلان مسکن و ماوی داد و بر عنق مطهر ثقل فادح سلاسل و اغلال بنهاد بشارکت در این امر فضیح و عمل شنیع متهم نمود و عاقبه الأمر بیدار غربت منفی ساخت حال ملاحظه نمائید که چه هیجان و انقلابی و شورش و اضطرابی ید تقدیر بحکمت کبرایش در سنین اوّلیه کور بدیعی احداث فرمود و چه وحشت و دهشتی حضرت مقلّب القلوب در صدور پیروانش بیفکند سلطان مغرور ایران که در آن ایام بر اریکه ظلم جالس و بر نواب و مصائب مستولیّه بر حزب مظلوم واقف و مطلع بزعم باطل خویش چنان تصوّر نمود که بسیف شاهرش شجره لاشرقیه و لاغرینه را از ریشه برانداخت و فئه قلیله مقهوره را رسوای خاصّ و عامّ بنمود روح آزادش را بسرنجه اقتدار از جریان و سریان در عروق و شریان جهان مانع گشت و یگانه امید پیروانش را بقوه تدبیر از وطن مألوف بکمال یأس و ذلت اخراج کرد غافل از آنکه آن رجفه کبری و زندان پربلا نتیجه اش ظهور تابشیر اوّلیه عصر اعظم ابهی شد و آن حفره تنگ و تاریک معرض تجلّی اشعه ساطعه الهامات غیبیه الهیه گشت نسائم سبحان بر مظلوم عالمیان در آن زندان از مهّب عنایت بوزید و اریاح مشیت رحمن بر آن مقام ظلمانی مرور نمود جمال ابهی موعود نقطه اولی نقاب از رخ بیفکند و جبرئیل امین با بشارت کبری بین جدران آن سجن مظلم نزول یافت اشعه ساطعه ظهور چون برق خاطف بر صدر منورش بتابید و ورقاء روح الامین در آن قلب ممرّد ندا درداد الا الا قد ظهر سرّ الامر و ظهر عن خلف الحجاب من بشر به نقطه البیان و عن ورائه کلّ النبیّین و المرسلین

در رساله ابن ذئب قلم اعلی بنفسه المهمینه علی الأشياء شهادت داده و باین امر خطیر بأحلی البیان اشاره فرموده قوله جلّ بیانه "و بعد از توجّه حکایت حضرت سلطان ایده الله تبارک و تعالی واقع و در آن ایام امور منقلب و نار غضب مشتعل جمعی را اخذ نمودند از جمله این مظلوم را لعمر الله ابداً داخل آن امر منکر نبودیم و در مجالس تحقیق هم عدم تقصیر ثابت مع ذلک ما را اخذ نمودند و از نیاوران که در آن ایام مقرّ سلطنت بوده سر برهنه و پای برهنه پیاده با زنجیر بسجن طهران بردند

چه که یک ظالمی سواره همراه کلاه از سر برداشت و بسرعت تمام با جمعی از میرغضبیان و فرّاشان ما را بردند و چهار شهر در مقامی که شبه و مثل نداشت مقرّ معین نمودند اما سجن که محلّ مظلوم و مظلومان بوده فی الحقیقه دخمه تنگ و تاریک از آن افضل بوده و چون وارد حبس شدیم بعد از ورود ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه پله سرایش گذشتیم و بمقرّی که معین نموده بودند رسیدیم اما محلّ تاریک و معاشر قریب صد و پنجاه نفس از سارقین اموال و قاتلین نفوس و قاطعین طرق بوده مع این جمعیت محلّ منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام از وصفش عاجز و روائح منتنه اش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی لباس و فرّاش الله يعلم ما ورد علینا فی ذاک المقام الأتّن الأظلم و در ایام و لیالی در سجن مذکور در اعمال و احوال حزب بابی تفکر مینمودیم که مع علوّ و سموّ و ادراک آن حزب آیا چه شده که از ایشان چنین عملی ظاهر یعنی جسارت و حرکت آن حزب نسبت بذات شاهانه و بعد این مظلوم اراده نمود که بعد از خروج از سجن بتمام همت در تهذیب آن نفوس قیام نماید و در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمه علیا اصغا شد انا نصرک بک و بقلمک لا تحزن عمّا ورد علیک و لا تخف أنّک من الآمنین سوف یبعث الله کنوز الأرض و هم رجال یصرونک بک و باسمک الذی به احیا الله افئدة العارین"

و در مقامی دیگر میفرماید "و در ایام توقّف در سجن ارض طاء اگرچه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود ولیکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلاّی رأس چیزی بر صدر میریخت بمثابه رودخانه عظیمی که از قلّه جبل باذخ رفیعی بر ارض بریزد و بآن جهت از جمیع اعضا آثار نار ظاهر و در آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصغاء آن احدی قادر نه"

ای برادران و خواهران روحانی اهرق دم مقدّس نتیجه اش انبات شقائق و سنبلات ظهور اعظم ابهی شد و غربت و اسارت و مقهوریت ظاهره جمال قدم عاقبتش استقرار عرش اسم اعظم در خطّه عراق گشت "و الله یدعو الی دار السّلام و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم لهم دار السّلام عند ربّهم و هو ولیّهم بما کانوا یعملون" جمعی از بلها و سفها چنان انگاشتند که این لیل دیجور را صبح هدی در پی نه و این شام ظلمانی را آفتاب تابانی از عقب نبوده و نیست بئس ما ظنّوا و ساء ما فعلوا هرچند نجم درّی قائم موعود در مغرب زندان متواری گشت و فئه انصار و اشیاعش در دامگاه عصبه غرور بیفتاد و اسیر و مقتول شد ولیکن طولی نکشید که اشراقی اعظم و ظهوری اکمل و اتمّ از افق مدینه الله در انجمن بنی آدم جلوه نمود و از خلف خیام غیب صمدانی هیکلی مبعوث و مشهود گشت که چون اسرافیل حیات روح جدیدی در کالبد حزب مظلوم بدید و امت مقهور مأیوس متشتت را عزیز دو جهان کرد کریم ائیم از نهیب این قیام انگشت حیرت بدنان بگرفت و شاه غدار از آثار این نهضت جدیده مبهوت و حیران شد چه مطابق است این وقوعات عجیبه و حوادث غریبه با حدیث صحیح نبوی در شأن اصحاب این ظهور که شرح آن در فتوحات مکیّه شیخ ابن العربی مذکور و مسطور است "و یقتلون کلّهم الاّ واحد منهم ینزل فی مرج عکاء فی المأدبة الالهیه الّتی جعلها الله مائدة للسّباع و الطیور و الهوام"

پس از استقرار عرش مالک انام در مدینه دارالسّلام در کتاب مستطاب ایقان در وصف مشرکین این کلمات درّیات نازل "هر چه میشنوند که این امر بدیع الهی و حکم منبع صمدانی در اطراف ارض ظاهر شده و هر روز در علوّ است ناری جدید در قلوبشان مشتعل میشود و آنچه ملاحظه مینمایند از قدرت و انقطاع و ثبوت این اصحاب که هر روز بعنایت الهی محکم تر و راسخ تر میشوند اضطراب تازه در نفوسشان ظاهر میگردد در این ایام که بحمد الله سطوت الهی چنان غلبه فرموده که جرئت تکلم ندارند ... و عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همه بلاد مرتفع بینی و آثار غلبه و سلطنت او را در جمیع دیار ظاهر مشاهده فرمائی"

طولی نکشید که باراده غالبه محیطه الهیه و حکمت بالغه صمدانیه اریاح لواقح امتحان و افتتان مره اخری بوزید و اریاح منتنه کرپه نفاق و شقاق پیروان نیر آفاق را از کل اطراف احاطه نمود صوت ناعق اعظم در ارض سر مرتفع شد و عجل سامری بندا آمد و اوراق ناریه در دو خطه عراق و ایران منتشر نمود حیة رقطا هیکل الطف اعز ابهی را سم جفا بچشانید و بغی و فحشای اتباع و اشباع آن خصم لدود ذیل مطهر را ملوث ساخت اختلافات داخله بر جرئت و جسارت ولایه امور بیفزود و قوای دو مملکت قوی شوکت بر اضمحلال حزب الهی برخاست و حکم فصل و تبعید و نفی مؤید باخرب مدن عالم از مصادر رسمیه در مدینه کبیره صادر شد

سلطان ایران و مرکز دائرة خلافت عثمانیان بالاتفاق در قلع و قمع امر نیر آفاق همت بگماشتند و آهنگ انقراض و اضمحلال فئه بیگناه را هر یک بأعلی التداء بنواختند در این بحران اعظم جمال قدم روحی لسطوته الفداء بمفاد آیه مبارکه "و لما اخذت الظلمة کل البریه اظهرنا نفسنا الحق فضلاً من لدى العزیز الحکیم" حجاب ستر را از وجه امر بالمره بدرید و در خطابات قهریه و الواح نصحیه و اندازات شدید و صحائف بدیعہ لمیعہ منیعہ سر اکتف و رمز منمنم را بر ملا مکشوف کرد ملکوک و مملوک را در خاور و باختر دعوت باعتناق آئین الهی فرمود و اصول شریعه غرا و شرائط سلوک در منهج بیضا را بر قریب و بعید ثابت و مدلل ساخت انقلابات ارض سر نتیجه اش استقرار عرش قدم در سجن اعظم شد و حوادث فجیعہ مدینه کبیره حاصلش ورود فلک بهاء بساحل بقعه بیضا گشت طغیان حزب یحیی بساط نعمت بیمنتها در مرج عکا بگسترد و همزات آن سفیه بی وفا اثر و ثمرش ایصال رسالات بهاء بملوک و امرا گردید خود در جزیره شیطان در حفره یأس بخزید و عاقبه الامر باسفل درکات نیران راجع شد سلطان سریر لاهوت بر عرش کبریا مستقر گردید و ماء حیوان احکام کتاب اقدس خود را بر عالمیان مبذول فرمود بشارات کتب مقدسه پدیدار شد و وعود الهیه تحقق یافت میقات امم منقضی گشت و بهاء کرمل نمودار شد صهیون بندا آمد و اورشلیم بنفحات یوم عظیم احیا گشت ندا از مکمن ابهی بلند شد و اصبع جمال قدم کوس اعظم در آن سجن مکرم بکوبید که "قد اتصل نهر الأردن بالبحر الأعظم و الابن فی الواد المقدس ینادی لییک اللهم لییک و الطور یطوف حول البیت و الشجر ینادی قد اتی المقصود بمجده المنیع ... قل قد جاء الأب و کمل ما وعدتم به فی ملکوت الله ... قد اخذ الاهتزاز ارض الحجاز و حرکتها نسمة الوصال تقول یا ربی المتعال لک الحمد بما احتیی نفحات وصلک بعد الذی امانتی هجرک طوبی لمن اقبل الیک و ویل للمعرضین انار جبل الطور من اشراق الظهور و قال قد وجدت عرفک یا اله من فی السموات و الأرضین تلک ارض فیها بعثنا النبیین و المرسلین قد ارتفع فیها نداء الخلیل ثم الکلیم و من بعده الابن کل اخباروا و بشروا العباد بهذا النبیا العظیم و وروده فی تلک الدیار کذلک نزل فی الألواح من لدن منزل قدیم" اینست معنی حدیث مشهور "توقعوا الصوت یأتیکم بغتة من قبل الشام فیہ لکم فرج عظیم" و همچنین حدیث دیگر که میفرماید "خیر المساکن یومئذ البیت المقدس لیأتین زمان علی الناس یتمنی احدهم انه من سکاانه" کهنه دوزانی چند چنان تصور نمودند که نفی و تبعید آن مظلوم فرید باخرب مدن دنیا علت انقراض آئین بهاء گردد و احداث شقاق و نفاق در جمع پیروان نیر آفاق نتیجه اش انحلال و اضمحلال امر ذو الجلال شود اف لهم و تعساً لهم سراپرده این امر اعظم بقوه بازوی آن محیی رمم در سجن اعظم عمودش بلندتر گردید و ساختش وسیعتر شد روح حیات باقلیم هندوستان سرایت کرد و در ممالک روس علم برافراشت به بریه الشام صیت امر مولی الأنام برسید و بر اقطار مصریه دوحه الهیه سایه بیفکند

و چون میقات لیله لایلا و غروب شمس بهاء از بسیط غربا فرا رسید کره اخری طوفان بلا برخاست و نائره امتحان شعله اش بعنان آسمان رسید ریح عقیم بر سدره الهیه اشد از قبل بوزید و فتنه عمیا ظهور یافت ناقض اکبر حجاب خود بدرید و بذر حسد و خصومت در قلوب جمعی از سست عنصران بکاشت انقلاب اعظم احداث شد و کابوشش جمره محرقه در دلها بینداخت سهام افترا پزان شد و روضه غنا چندی جولانگاه شغالان نقض و ریا گشت طیور لیل بحرکت آمد و بدر منیر عهد

مولی الأنام در خسوف اهل ظنون و اوهام مخسوف و مقنوع گشت خصم الدّ فرحناک شد و امت مأیوس یحیی امیدوار گردید محور میثاق در سجن نیر آفاق قلعه‌بند گشت و عبدالحمید پلید باغواى آن حزب عنید بر آن مظلوم فرید حمله‌ئی شدید بنمود عیون سگان ملاً اعلی خون بگریست و یوم "تالله تفتن کلّ شیء فی کلّ شیء من کلّ شیء الی کلّ شیء بنفس کلّ شیء" بوقوع بیبوست حال ملاحظه نمایند که این زوبعه کبری چه بهار جان‌افزائی از پی داشت و این فتنه صمّا چه انعکاسی در حیّز ادنی بینداخت طوفانی اعظم از این سفینه حمرا را از بدایت جریانش در دریای بلا احاطه نموده بود و تندبادی اشدّ از این ریج جفا بر نهال بیهمال پرورده دست بهاء از بدو نشسته‌اش در عالم ادنی نوزیده بود با وجود این بلیّه کبری طولی نکشید که باثر کلک دائم الجولان مرکز عهد و میثاق غبار تیره نفاق و شقاق فرو نشست و دلبر آمال در خلوتگاه قلوب جلوه‌ئی محیر العقول بنمود صاعقه غیرت بغتّه درخشید و فئه ناکصه متکبران و گردنکشان را در اسفل درکات قنوط بینداخت غضنفر میثاق در بیشه حقیقت غرشی بنمود که از نهیب فریادش شغالان نقض فریاد و اوایلا برآوردند و در حفرات یأس مقرر گزیدند و رقاء ایکه عبودیت چنان نغمه و ترانه‌ئی برد که در اقصی ممالک غریبه آن رنه ملکوتیه گروهی از پاکان و صاف‌دلان را از خواب غفلت بیدار کرد و بفکر زیارت آن روضه غنا و حدیقه غلبا بینداخت ولوله در امریک بیفتاد و پرچم امر بهاء در بعضی از عواصم اروپا منصوب شد اولین هیئت مجلله زوار بقعه احدیه احرام کعبه مقصود بیست و هلهله کنان آهنگ زیارت تربت بهاء بنمود بساط احزان اهل حرم را در ارض اقدس در هم پیچید و اهل شکوک و عدوان را بنار اسف شدید بگداخت رستخیز کبری در نقطه واقعه بین‌البحرین برپا شد و جالس بر اریکه ظلم و جفا را از اوج سریر سلطنت بینداخت و بخاک مذلت بنشانند طوق اسارت از عنق مرکز عهد سلطنت احدیت برداشت و بگردن آن ظالم بی‌باک بنهاد هدهد وفا از تنگنای زندان برهید و باقالیم پرفسحت فرنگ پرواز نمود و بدایع الحان پیام سلیمان سریر ملکوت ابهی را باهل مدائن آن دیار برسانید باصبع اقتدارش حجر زاویه اولین معبد الهی را در قطب آن مملکت بگذاشت و بنیاد بنیان متین قصر مشید بهاء را بقوه‌ئی حیرت‌انگیز در قلوب برگزیدگان بنهاد در دامنه کرم الهی هیکل موعود را بنا فرمود و بدست مطهر عرش ربّ اعلی را در آن مقام مقدّس مسکن داد مشروع عظیم اولین معبد پیروان امر الهی در مدینه‌العشق بر اثر تعلیمات بهیه‌اش اتمام پذیرفت و تموّجات روحانیّه از آن مرکز انوار و مشرق اذکار سرایت باقالیم مجاوره بنمود نمایندگان ملل و نحل از اروپا و امریک و آسیا و افریک و ترک و تاجیک در ظلّ سراییده اسم اعظم محشور و بر خوان نعمتش وارد و از بدایع فیوضاتش مرزوق و مستمدّ محافل مقدّسه روحانیّه واضعان اساس مدنیت بهیه الهیه در خاور و باختر بدالالت آن میین آیات رحمانیه تأسیس یافت و حقیقت فائضه کلّیه قدسیّه در جمع آن نمایندگان امر حضرت ربّ البریه مجسم گشت تباشیر یوم موعود که در سوره هیکل حضرت مقصود بآن اشاره فرموده از افق عزّت طلوع یافت و علائم اوّلیّه‌اش پدیدار گردید قوله عزّ بیانه "سوف یخرج الله من اکمام القدره ایادی القوه و الغلبه و ینصرنّ الغلام و یظهرنّ الأرض من دنس کلّ مشرک مردود و یقومنّ علی الأمر و یفتحنّ البلاد باسمی المقنتر القیوم و یدخلنّ خلال الدّیار و یأخذ ربّهم کلّ العباد هذا من بطش الله انّ بطشه شدید"

ای احبّای الهی آواره مردود چون ناقض حسود و یحیای جحود و کریم عنود و عن ورائهم کلاب الأرض کلّها چنان تصوّر نمودند که ایجاد انقلاب و احداث فتن و اضطراب و ترویج شقاق و نفاق سدره الهیه را از اشراق بازدارد و ماء ملح اجاج زفیر و لهیبش را بیفسرد غافل از آنکه انقلاب بنفسه ممدّ آئین نازنین است و امتحان و افتتان از لوازم ضروریّه تقدّم و استحکام اساس امر حضرت رحمن در لوحی از الواح این کلمات عالیات از سماء مشیت نازل "قل یا قوم اتمکرون فی امر الله و تخادعون به فی انفسکم فانّ الله اشدّ مکرراً لو انتم من العارفين فسوف یأخذکم بمکرکم و یرفع امره کیف یشاء و یعلن برهانه و یشیت آیاته ولو یکرهونها هولاء المبغضین" و همچنین میفرماید "قد جعل الله البلاء غادیه لهذه الدّسکرة الخضراء و ذبالة لمصباحه الذی به اشرقت الأرض و السّماء" و ایضاً میفرماید "بالبلاء ربّینا الأمر فی القرون الماضیه سوف تجد الأمر مشرقاً من

افق العظمة بقدرة و سلطان ... قد جعل الله البلاء اكليلاً لرأس البهاء سوف تستضيء منه الآفاق" و در مقامی دیگر میفرماید "قل انّ البلاء مآء لما زرعناه فى الصّدر سوف تنبت منه سنبلات ينطق كلّ حبّة منها أنّه لا اله الاّ هو العزيز الحكيم" و ايضاً میفرماید "تالله الحقّ لو يحرقونه فى البرّ أنّه من قطب البحر يرفع رأسه و ينادى أنّه اله من فى السموات و الأرض و لو يلقونه فى بئر ظلماء يجدونه فى على الجبال ينادى قد اتى المقصود بسلطان العظمة و الاستقلال و لو يدفونه فى الأرض يطلع من افق السماء و ينطق بأعلى النداء قد اتى البهاء بملكوت الله المقدّس العزيز المختار" تالله الحقّ بما فعلوا زاد لهيبها و اثمرت اغصانها و ارتفعت نداءها و اشتهرت آثارها و استحکمت اصولها و امتدّت ظلّها على العالمين

ای برادران و خواهران روحانی قدری تفکرّ نمائید و در حوادث این سنين اخيره تفرّس فرمائید که بعد از افول کوكب ميثاق آن کاذب لعين و فاجر مهين چه طوفان عظیمی برپا نمود و چه هجوم عینفی بر مؤسّسات و مقدّسات شرع بهاء کرد پرده حیا آن سفیه مجنون بالمرّه بدرید و بر اصل شجره بهتانی نماند که وارد نیارود بتمام قوی بر قلع و قمع و تحقیر و تزیف آئین مقدّس برخاست و بنشاط و امیدی زائدالوصف کوس انقراض آتیّه امر حیّ لایموت را بر ملا بکویید بدشمنان داخل و خارج پیوست و چون رقشا زهر جفا بحامیان امر بهاء بچشانید تیغ بجگرگاه فدائیان اسم اعظم زد و سیول دموع از عیون سگان ملاً اعلی جاری کرد جند بهاء مقاومت نمودند و اعتنائی بترهات و اراجیف و اکاذیب و همزات و لمزات آن ابلیس پرتدلیس نکردند در موارد باساء و ضرّاء بعروة الوثقی توکل و تفویض تمسّک جستند و بکمال ادب و وقار از آن منشأ فساد و مزبله شیطانی احتراز جستند و تجتّب نمودند از حرکات شیطانیّه اش هراسان نگشتند و بسعی و جدّیتی خلل ناپذیر در ایفای وظائف روحانیّه و استحکام مؤسّسات امریّه قدم بفشردند و ثبات و استقامت بنمودند هزار شکر ربّ عزّت را که بتأییدات لاریبّه محیطه متابعه غیبیه اش آنچه را آن سباحان بحر بلا در موطن اعلی متجاوز از هشتاد سال است در طلب و انتظارش گریان و نالاند از پس پرده قضا نمودار شد و دلبر آمال در موطن اصلی جمال ذو الجلال برقع از عذار بیفکنند نحیب و اوایلا از منابر و مقاعد علمای سوء مرتفع گشت و فریاد جان افزای واطویی و وابشری از حنجر جنود منصوره جمال ابهی برآمد دو خصم الدّ آئین حضرت بهاءالله از اوج ماه بقعر چاه بیفتاد و طنطنه و دمدمه کبری مبدل بمقهوریت عظمی گشت سلسله ملوک فاجار در اولین قرن دور بهائی منقرض شد و نجم سلطنت و خلافت عثمانیان در مغرب زوال افول نمود اهل بهاء در خطه ایران از زندان غم برهیدند و در ظلّ ملک عادل حلاوت آسایش بچشیدند دست تطاول کوتاه گشت و صبح آمال بدمید معبد جلیل القدر در قطب امریک برپا شد و ولوله بیت اعظم بغداد سطوت امر ملیک آفاق را در سبّ طباق ذائع و شائع نمود اعمده دیوان عدل الهی بر اساس رزین و متین محافل مقدّسه روحانیّه منصوب گشت و آثار اولیّه ارتفاع گنبد رفیعش در ارض میعاد در سایه مقامات مقدّسه پدیدار شد منهج بیضا در کلّ ارجا نمودار گشت و میزان عدل منصوب شد و صراط امر کشیده گشت و المؤمنون کالبرق علیه یمرّون

حال ای برادران و خواهران روحانی اگر چنانچه در مستقبل ایام ناعقی دیگر بندا آمد و هیاهو و عربدهائی جدید بینداخت هراسان نگردید و اعتنا مکنید بیان احلاى مولای توانا مرکز عهد بهاء حضرت عبدالبهاء را بیاد آرید که در بحبوحه بلا در سجن پرايتلا خطاباً لأفنان سدره المنتهی این کلمات درّیّات را رقم فرمود "امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید عنقریب نعره قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود و کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأییدی از ملکوت ابهی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان جند هنالک مهزوم من الأحزاب را ثابت و آشکار کنند" و ايضاً میفرماید "این موهبت عظمی و این منقبت کبری حال اساسش بید قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت دور مقدّس است

ظاهر و آشکار گردد الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات در آخر این قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی"

ای برگزیدگان حضرت کبریا روحی لِحَبِّکُمْ و خلوصکم و استقامتکم الفداء وقت آنست که پیاس این عنایت کبری و منحه عظمی و بشارت منع ابهی هر یک از جان بخروشیم و از روان بنوشیم و از تن بکوشیم تا بآنچه لازمۀ عبودیت صرفه بحتۀ تامه است در این کور بدیع و قرن مجید موفّق گردیم "لیقضی الله امرأ کان مفعولاً" از انقلاب خائف نگردیم و از تلوّنات و حوادث این عالم ترابی نیندیشیم و از تطوّرات این امر اوعر خطیر مندهش و حیران نشویم بلکه بر ثبوت و استقامت و تعاون و تعاضد بیفزاییم و بقدر مقدور بکوشیم تا در این چند روز حیات باقیه بخدمتی که لائق آن استانست موفّق گردیم

و اختتم القول بما نطق به لسان العظمة و الاقتدار فی لوحه البدیع "امر عظیم است و مطلب بزرگ و یوم یومی است که میفرماید یا بنیّ انّها ان تک مثقال حبّة من خردل فتکن فی صحرة او فی السموات او فی الأرض یأت بها الله انّ الله لطیف خبیر"

ای قویّ قدیر دست تضرّع بیارگاه قدست مرتفع امنای امرت را مأیوس مفرما و السن کائنات بذکر بدایع قدرتت ناطق وراثت امرت را بیش از پیش مدد بخش جمعی از ظهور خفیات امرت و بروز لطایف حکمتت واله و حیرانند مصداق وعود منصوصه کتاب اقدست را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن ملائکه تأیید پی در پی بفرست و آن موطن اعلی را جنّت ابهی نما صوت رجال امرت را گوشزد اقالیم بعیده نما و مدینه منوره طهران را مطلع سرور عالمیان و مطمح نظر جهانیان کن عمود دیوان عدل اعظمت را باصبع اقتدار بلند نما و امم و قبائل متنازعه را در ظلّ ظلیلش درآور نقاب از وجه ناموس اعظمت بیفکن و بر فراز کرم الهی در ارض میعاد سراپرده وحدت عالم انسانی منصوب ساز نهر دافق آئین نازنین را از قلّه شاهقش جاری نما و حیات جدید بر عالم و عالمیان مبذول کن بیت اعظمت را از پنجه اهل عدوان برهان و قدر و منزلتش را بر مدعیان ظاهر و آشکار کن حزب جائز را از شمال وهم بیمین یقین بکشان و بر زخم دل آن ستمدیدگان برحمت کبرایت مرهم نه مدینه عشق را شور و نشوری جدید عطا کن و اقالیم مجاوره را از چنگ آن قوم پرلوم نجات بخش وراثت امرت را از تحدیدات ملکیه و شعونات آفاقیه و ظهورات ناسوتیه کونیه پاک و منزّه نما و خلعت عزّ قدسی بهر یک پیوشان از قید عسرت نجات بخش و باب رخا بر وجه منادیان امر بهاء بگشا اسرار علم لدنی بیروانت بیاموز و چشمه صنایع بدیعه و اکتشافات عظیمه از آن قلوب مجرّده صافیه جاری نما قوائم و دعائم صلح اعظم را بسرنجه اقتدار استوار فرما و محکمه کبرایت را بقوه تعلیمات بهیهات در انجمن عالم تأسیس کن این مور ضعیف را بخدمت امنای امرت موفّق دار و در اجرای وصایای محکمهات تأیید بخش و بآنچه مایه سرور و روحانیت عزیزان تو است در جمیع شعون دلالت فرما

تویی معجیر تویی دستگیر تویی مقتدر و تویی توانا

نوروز سنه ۸۸

بنده آستانش شوقی

توقیع مبارک رضوان ۸۹ بدیع

حامیان امر الهی برادران و خواهران روحانی در بلدان و ممالک شرقیّه علیهم اطیب التّحیّه و الثّناء ملاحظه نمایند

ای سپاهیان ملکوت سلطان سریر لاهوت حضرت ربّ الجنود در این ربیع رحمانی و رضوان خوش روحانی ستایندهگان اسم اعظمش را از اعلی رفارف قدس ندا میفرماید ان یا عشّاقی و انصارى و حملة امانتى بین خلقى ان استمعوا ندائى اننى انا حىّ فى افق الأبهى ان یا احبائى ایای فاشهدون قد خلقتکم لأمرى و اختصاصتکم لنفسى و اجبتیکم لعرفانى و ربّیتکم لاعزاز کلمتى و اقمتکم على اظهار سلطنتى و جعلتکم ائمة بین عبادى و جعلتکم الوارثین ان انتظروا یا اخلائى سأریکم آیاتى و سأمدکم بتأییداتى و اتمّم ما وعدتکم به فى الواحى و انصرکم على اعدائى و احقّق آمالکم بقدرتى و سلطانى المهیمن على العالمین انصرونى فى ارضى انصرکم من ملکوتى الشّامخ الباذخ المشعشع الممتنع الرّیق ان یا خزنة اسرارى اما ترون خفیّات امرى و بدائع حکمتى و اسرار شریعتى قد بدت خالعة العذار عن خلف الحجاب و سیسطع شعاعها فى الآفاق باسراق لم تر شبهه القرون الأوّلون ان ابشروا فى قلوبکم و اطمئنّوا فى انفسکم بأنّ هذه الدّوحة الالهیة و الشّجرة المرفوعة الأزلیّة قد ثبت اصلها فى قلب العالم و انشعبت فروعها و امتدّت افنانها بین الأمم و ارتفع حقیف اوراقها و نضجت و انتشرت اثمارها بین الخلائق اجمعین لکم البشارة العظمى یا اهل البهّاء بما کشفنا الثّقاب عن وجه امرنا البهّیّ الأبهى و ارفعنا برقع السّتر عن سرّنا المستسرّ الأکنم الأخفى یهلّلنّ و یستبرکننّ بذلک هیاکل الصّافین و الکرویین فى الملاء الأعلی و عن ورائهم کلّ التّبین و المرسلین فى الرّفرف القصوى و سوف ترون بأعینکم ما اودعناه بأیادى الفضل بحکمة من عندنا و قدرة من لدنّا فى هذا الأمر الأوعر المبرم الخطیر "اذا تشهدون آثارها و تحدّثون اخبارها و تفتخرون بأسرارها" تعالی تعالی هذا الاقتدار لا تشکّوا فیه و لا تضطربوا منه انه کان فى امّ الكتاب امرأ مقضیاً محتوماً

کینونتی و ما اعطانی ربّی فدآء حبّکم یا ملاء المحبّین چه مقدار مرتفع است امر الهی و چه عظیم است بدائع آثار اوّلین قرن دور بهائی شعشعات انوارش را جز خفّاش کورصفت احدی انکار نتواند و تصرّقات لاریبیّه حیرت انگیزش را جز علیلان روزگار نفسی شبهه نماید روائح طیب سنایش در کلّ اکناف متضوّع مشام مزکومان از شمیمش محروم و رنّه ملکوتیش در سبع طباق منتشر آذان متکبّران از استماعش مهجور و ممنوع سیطره محیطه اش را قلوب صلده صلبه ادراک نماید و بعمق حکمتهاى بالغه اش افهام کوته نظران پی نبرد عقول عقلا از کشف رموزش قا صر و عرفان عرفا از تبیین و تشریح قوّه جاذبه دافعه اش عاجز ناموس اعظمش بافکار بالیه قاصره نفوس سقیمه قیاس نگرده و مبادئ سامیه مؤسّسات روحانیّه اش بعقائد سخیفه و قواعد باطله نفوس سافله واهیه تشبیه و تطبیق نشود مدنیّت سرمدیّ الآثارش را توانگران نابالغ که بر وسائد عزّ متکئنند قدر ندانند و سیاست الهیّه اش را همج رعاع که در دام هوی گرفتارند نشناسند کلمات جعلیه که از نفوس بغضیه چون سیل جارف منهمر اساس این آئین مبین را متزعزع نماید و هیاهو و عربده اهریمنان سست عنصر آوازه جان افزایش را از ارتفاع باز ندارد اریاح سموم سراج وهاجش را خاموش نکند و اسنادات مبطلین و اراجیف متوهّمین حقیقت فائضه نافذه اش را ننگین نگرداند ارتداد ملحدین و انکار مدبرین در صفوف مجتده مجاهدانش رخنه نماید و دسائس مغلّین روح آزادش را از جریان و سریان در شریان امکان ممنوع نسازد دانشمندان ارض از سرّ غلبه اش حیرانند و حسودان بی امان از حرارت لهییش نالان و سوزان دانایان امم بتعلیمات قیمه بهیّه اش متوجّه و حولش طائف و از انوارش مقتبس

"ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار"

فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست"

قل سبروا فی الأرض لثرون آثار قدرة ربکم الأبهی قد تجلّت و علت و استشرقّت و امتلأت منها الخافقین
ای آشفنگان جمال کبریا بشارت باد یارانرا که در این رضوان اعزّ ابهی و بهار جانافزا در چهل اقلیم از اقلیم دنیا
راکبین سفینه حمراء باحتفال این عید اعظم و تهلیل و تکبیر آن اسم مکرم مشغول و مألوفند جند بها روحی لقبامهم الفداء در
این اقلیم شاسعه در خاور و باختر چون ملائکه ناشرات منتشر و از تنابع تأیید که از مکنن اعلی متواصل است کلّ شاد و
مستبشر اقلیم فرنگ از بروق انوارش در اهتزاز است و قطعاً آسیا از فوران نار محبتش در سوز و گداز امریک هلهله کنان است و
افریک از نهیب این قیام حیران شمال مقتبس از شعله شرربار است و جنوب مستفیض از این امر گهربار ندای واطربا از شش
جهت بلند است و فریاد و اوایلا از حنجر اعدای امر بها مرتفع بالکان ندای الست را اجابت نموده و پرچم هدایت عظمی
برافراشته و بساط تبلیغ گسترده بذلک تحقّق ما نزل من القلم الأبهی فی لوح الرئیس قوله جلّ بیانه " قد خرج الغلام من هذه
الدیار و اودع تحت کلّ شجر و حجر و دبعه سوف یخرجها الله بالحقّ کذلک اتی الحقّ و قضی الأمر من مدبر حکیم"
جزائر محیط اعظم در اقصی جنوب عالم از این رنه ملکوتی مدهوش و در مسابقه روحی با امم غریبه همدم و مألوف
شجره الهیه بر ماوراء البحار سایه افکنده و در ابعاد مدن دنیا قبائل متأخره متباغضه را در ظلّ ظلیلش مجتمع ساخته امه چین از
خواب کابوسی بیدار و بهمت مردان دلاور از نفحات مسکینه ظهور الهی آگاه و پیرانباه رسولان اسم اعظم در عواصم اوروپ
بهتک استار و کشف اسرار و اعلان جامعیت و استقلال شریعت ربّ مختار مشغولند و در احقاق حقّ مظلومین و دفع شرّ
غاصبین و استحکام اساس امر حضرت ربّ العالمین لیلاً و نهاراً سعی و جاهد با اعظم رجال در اعلی المقامات مرتبند و
بوسائل فعّاله متمسک و متشبّث عروس آمال در مجمع نمایندگان عصبه امم نقاب از رخ برانداخته و در خلوتخانه قلوب
زامداران دول مقهوره جلوه نموده و رعبی شدید افکنده

ای احبّای الهی علمای رسوم در موطن اصلی حضرت قیوم چنان انگاشتند که زجر و عقوبت و ظلم و اسارت و نفی و
شهادت علت انقراض آئین گرانبهای الهی گردد و سبب تشتّت و اضمحلال جمع پیروان تیر آفاق شود تبّاً لهم و تعساً لهم انهم
و اعوانهم لفی عمه عظیم ای بیخبران سر از نوم غفلت بردارید و از حفرات یأس در این روز فیروز قدم بیرون گذارید و خاک
سیاه بر سر ریزید و نظری بر اشراقات این کوکب نوار اندازید که چگونه این امر معصوم و مظلوم که سنین متوالیه در پنجه
تقلیب گرفتار و محصور بود و هر یومی بجفای جدیدی از عصبه غرور معذب ناگاه از چنگ ظلم و جفایتان نجات یافت و
روح آزادش از تنگنای آن اقلیم پرپلا برهید و باقالیم مجاوره سرایت نمود و در ممالک پرفسحت فرنگ انتشار یافت و بابعد نقاط
ارض برسید و در مقامات عالیه خیمه و خرگاه برافراشت و در مؤسّسات جدیده و معاهد بدیعه و معابد فخیمه مجللهئی آن روح
مقدّس مجسّم و مصوّر گشت صلایش را اعظم رجال بشنیدند و جلوه‌اش را ملوک و مملوک هر دو بشناختند دستتان بالأخره
کوتاه شد و شعار اقدستان بر خاک مذلت بیفتاد جمعتان متشتّت گشت و کوکب سعادتتان آفل شد ولی این امر الهی هرچند
مدّتی در آن محیط کدرانگیز در کسوف حسد مکسوف بود و در قناع بغضا متواری عاقبه الامر رغماً لأنفکم و لمن کان
یعینکم در آسمان غرب از خلف حجبات غلیظه ظاهر و پدیدار گشت و چنان فروغ خورشیدش پرتو بینداخت که از
انعکاساتش کلّ مرعوب و حیران گشتید

ای احوهای روزگار آیا نشنیده‌اید که قلم اعلی در اینمقام چه فرموده "نالله الحقّ لو یحرقونه فی البرّ انه من قطب البحر
یرفع رأسه و ینادی انه اله من فی السموات و الأرض و لو یلقونه فی بئر ظلّماء یجدونه فی علی الجبال ینادی قد اتی المقصود
بسلطان العظمة و الاستقلال و لو یدفونونه فی الأرض یطلع من افق السماء و ینطق بأعلى النداء قد اتی البهآء بملکوت الله
المقدّس العزیز المختار ... لو یسترون التور فی البرّ انه یظهر من قطب البحر و یقول انّی محیی العالمین ... ثمّ اعلموا یا ملأ

الأعجام بأنكم لو تقتلونني يقوم الله احد مقامى و هذه من سنّة الله التّى قد خلّت من قبل و لن تجدوا لسنته لا من تبديل و لا من تحويل"

ای بیخردان اهل بها از بلا شکوه نمایند و از تابع محن و شدّت ابتلا آزرده و مایوس نگردند مولای بیهمتا ارواحنا لمظلومیته الفداء میفرماید "قل البلیا دهن لهذا المصباح و بها یزداد نوره ان کتتم من العارفين ... بالبلاء ربینا الأمر فی القرون الماضیه سوف تجد الأمر مشرقاً من افق العظمه بقدرة و سلطان ... قد جعل الله البلاء اکیلاً لرأس البهَاء سوف تستضیء منه الآفاق ... قد جعل الله البلاء غادیه لهذه الدسکرة الخضراء و ذبالة لمصباحه الذی به اشرفت الأرض و السماء ... قل انّ البلاء ماء لما زرعه فی الصدور سوف تنبت منه سنبلات تنطق کلّ حبه منها انه لا اله الا هو العزیز الحکیم"

ای کودکان مهد ظلمتان شجره لاشرقیه و لاغرینه را سقایتم نمود و جورتان صیت مظلومیّت و بزرگواری آئین الهی را باقصی ممالک عالم برسانید اینکلمات درّیات که از قلم گهربار مرکز میثاق که در بحبوحه بلا مخاطباً للذین کانوا مثلکم نازل بیاد آرید "از سرشک دیده یتیمان ستمدیدگان حذر لازم زیرا سیلخیز است و از دود آه مظلومان پرهیز باید زیرا شررانگیز است و الله ولیّ المظلومین ... قل ما لکم لا تتبهون و ویل لکم لم لا تتیقظون ا حسبتم انفسکم ایقظاً کلاً انکم لفی مضاجع الجهل ترقدون ا زعتم انکم تبصرون او تسمعون هیهات هیهات بل انکم صمّ بکم عمی فی صقع الميثاق تحشرون و انکم الأخرسون فسوف فی غمرات الذلّ تعرفون"

یا نصرآء الرّحمن و حلفاء حبه سرشک دیده ستمدیدگان است و دود آه عزیزان ایران که قلب ملکه نیک اختر را متوجه بآئین الهی فرموده و از کلک ملوکانه اش اینکلمات درّیات صادر فرموده که کلّ حکایت از عظمت امر الله و استقلال دین الله و جامعیت تعالیم الله و حقیقت رسالت رسول الله مینماید و در این ایام اعلان رابعش که بخطّ خود بنام فخر المبلّغین و المبلّغات حضرت میس مارثا روت ارسال نموده بارض اقدس رسیده و قلوب عاکفان کعبه مقصود را سرور و امیدى جدید بخشیده و آن کلمات اینست "آئین بهائی منادی صلح و سلام است و مروّج حسن تفاهم در بین انام سالکان وادی حیرت که در ره امید پویانند در آغوش خود گرفته و در ظلّ واحد مجتمع ساخته پیامش مصدّق ادیان الهیه است و مبدأش موافق معتقدات سابقه هیچ بابی را سدّ ننماید و هر سیلی را مفتوح گذارد در حینیکه قلم از مخاصمات متمادیه پیروان مذاهب عدیده محزون بود و روح از حمیّه جاهلیّه آنان خسته و آزرده نظرم بتعلیمات بهائی بیفتاد و روح حقیقی حضرت مسیح که بسا از نفوس ندانسته و نشناخته در آن تعالیم ظاهر و پدیدار گشت و این تعالیم جوهرش وفاق است نه خلاف امید است نه قطع رجا مهر است نه بغضا اطمینان اعظم است لمن فی الانشاء"

ای برادران و خواهران روحانی در لوح اقدس جمال قدم جلّت عظمت میفرماید "انه قد اشرق من جهة الشرق و ظهر فی الغرب آثاره تفکروا فیہ یا قوم و لا تکنوا کالذین غفلوا اذ جاءتهم الذکری من لدن عزیز حمید" و همچنین در لوحی از الواح این خطاب مستطاب بافتخار کنیزی از کنیزان جمال ابهی در سنین اوّلیّه ظهور امر الله در ممالک فرنگ نازل "یا امة الله انی ادعو الله ان یبعث نفوساً مقدّسه منزهة نورانیة فی الأقطار الغریبه و الأقالیم الشماليّه حتّی تكون تلك النفوس آیات الهدی و آیات الملاء الأعلى و ملائکة ملکوت الأبهی عند ذلك تجدین الغرب افق الشرق و الأنوار تتلألأ کالأقمار فی تلك الأقطار" و همچنین میفرماید "ثمّ اعلم بأنّ الشرق قد استضاءت آفاقها بأنوار الملکوت و عنقرب تتلألأ هذه الأنوار فی مطالع الغرب اعظم من الشرق و تحیی القلوب فی تلك الأقالیم بتعالیم الله و تأخذ محبّه الله الأفئدة الصّافیة" و همچنین میفرماید "اگر این سجن و زنجیر نبود حال حضرت بهاءالله بر افکار عمومی اروپا مستولی شده بود ... اگر بهاءالله در اروپا ظاهر شده بود ملل اروپا غنیمت میشمردند و تا بحال بسبب آزادی جهانرا احاطه نموده بود" و همچنین میفرماید "قطعه امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار"

ای برادران و خواهران روحانی قدری تفکر نمائید که در این قرن اوّل دور بهائی چه آثار عظمت و غلبه و هیمنه‌ئی در دو قارهٔ اروپا و امریکا بلکه در تمام جهان ظاهر و پدیدار گشته و این نیست مگر از تأثیرات نافذۀ علقم جفا که چون عسل مصفاً متعمّسین بحر بلا در آن اقلیم پرابتلا سالیان دراز از دست اولو البغضاء چشیدند

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که قلب ممرّد علیا حضرت ملکه را متوجّه باین نهال نورستهٔ الهی نموده و باین خطابه‌های مهیجۀ متتابعهٔ عالمی را بیدار و پراستیا ساخته

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که فارسان مضماری الهی را در قطب امریکا براف و اتمام بنیان رفیع الشان اوّلین مشرق‌الاذکار اقطار غریبهٔ موفّق و مفتخر فرموده و جمّ غفیری را از اجناس و مذاهب و فرق و طبقات متباینه شیفته و آشفته آن رمز مبین و کشف امین و هیکل نازنین حضرت ربّ العالمین نموده

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که علمداران حزب مظلوم را در مغرب اقصی بمؤسّسات مجلّله و تأسیس اوقاف امریّه و تحصیل اعتبارنامهٔ رسمی از مصادر و مقامات عالیّه و اجرای نوامیس و شعائر الهیّه و وضع دستور محافل ملیّه روحانیّه هدایت و موفّق فرموده

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که ولولۀ بیت اعظم را در دوائر عصبهٔ امم انداخته و افکار و قلوب زبردستان را بحقوق مسلوبه و مبادی سلیمهٔ حزب مظلوم متوجّه ساخته و اعضای آن انجمن محترم را بر آن واداشته که از دو حکومت قوی شوکت احقاق حقوق مظلومین را از غاصبین مطالبه نمایند صدق الله ربّنا البهیّ الأبهی "فسوف یظهر الله قوماً یذکرون آیامنا و کلّمنا ورد علینا و یطلبون حقّنا عن الذینهم ظلّمونا بغیر جرم و لا ذنب مبین"

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که متمسّکان بعروة الوثقای ایمان را در اقلیم آلمان بشبوت و رسوخی مبعوث فرموده که با وجود هبوب صرصر امتحان و ریح عقیم هذیانات دشمنان که بجز در امریکا باین شدّت بر آفاق غریبهٔ نوزیده این اطواد باذخه مقاومت هر افتتانی نمودند و از صراط دقیق نلغزیدند بلکه بر اشتعال و شهادت و تعاون و استقامت افزودند و در اتّساع نطاق امر الله و دائرة نشریات امریّه و استحکام مؤسّسات امریّه در اقلیم خویش بیش از پیش همّت بگماشتند

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که بدست باسلان میدان عبودیت در دیار مصریّه علم استقلال شرع بها را بر اعلی قلل آن اقلیم برافراشته و بسطوت و تجرّدی و بسالت و شهادتی در انجمن بنی آدم مبعوث فرموده که شبه آنرا تواریخ ادوار سابقه ثبت و تدوین ننموده

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که رسولان الهی را در مغرب زمین بفتح اقلیم جدیده سوق و دلالت فرموده مبارزان میدان انقطاع بسرمداری سرخیل عاشقان امه‌الله الفریده سرور مؤمنین و مؤمنات کتاب "بهاءالله و العصر الجدید" که یادگار آن مؤلف شهیر و نفس نفیس است و اخیراً بدوازده لغت از لغات شرقیّه و اجنبیّه ترجمه و طبع گردیده بدست گرفته نعره‌زنان در دیار الله سائرند و بر صفوف و الوف غافلان مهاجم چون باد بادیه پیمایند و چون اسرافیل حامل نفخهٔ حیات بهدم بنیان عتیق تعصّبات وطنیّه و سیاسیّه و جنسیّه و اقتصادیّه آن قارهٔ پر شور و اضطراب مفتخرند و بدفع اسقام مزمنهٔ اسیران و علیلائش مألوف

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که یاران عزیز موطن اصلی جمال قدم را از مخالب سباع ضاریه نجات داده و بر مقاعد عزّت نشانده و بر دشمنان دیرین غالب و مسلّط فرموده و سایهٔ ملک عادل را بر آن کشور مقدّس گسترده و مفساد قویّهٔ مزمنه را از بیخ و بن برانداخته و این اصلاحات باهرهٔ جدیده را از حیّز غیب بعرضهٔ شهود درآورده و آثار عزّت و تباشیر مدنیت ابدیّ القرار حضرت بهاءالله را در اکناف و اطراف آن صقع جلیل ظاهر و پدیدار فرموده

اهراق دمآ مطهّره شهیدان ایران است که عاقبة الأمر آن اقلیم را جنّة النّعم فرماید و بفرموده مرکز میثاق بها حضرت عبدالبهآء "دولت وطنی جمال مبارک را در جمیع بسیط زمین محترمترین حکومت و ایران را معمورترین بقاع عالم" نماید

اهراق دمآ مطهّره شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهرافشان اعزّ ابهائی روی زمین را بهشت برین نماید و سرپرده وحدت عالم انسانی را کما نزل فی الألواح در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد و صلح اعظم را تأسیس فرماید و عالم ادنی را مرآت جنّت ابهی گرداند و یوم تبدل الأرض غیر الأرض را بر عالمیان ثابت و محقّق نماید

در لوحی از الواح این بیان احلی از قلم ابهی صادر "حال ارض حامله مشهود زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مشاهده شود تعالت نسمة قمیص ربک الرّحمن قد مرّت و احیت طوبی للعارفین"

ای برادران و خواهران روحانی دمآ بریئه مسفوکة فی سبیل الله است و سرشک دیده مظلومان امر الله که شجره آمال اهل بها باین اثمار منیعه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مزین و مخصّص گشته و بمرور ایام بیش از پیش کما ینبغی لعلو امره و عظمة شأنه و عزّ مقامه مفتخر خواهد گشت

ای حبیبان باوفا بیان پرحلاوت حضرت عبدالبهآء را کره آخری در این مقام بیاد آرید "این موهبت عظمی و این منقبت کبری حال اساسش بید قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت دور مقدّس است ظاهر و آشکار گردد الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات در آخر اینقرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی"

یا احبآء الله این امر کریم و نبأ عظیم اعظم از آنست آنچه را بعقول محدوده خود تصوّر نموده ایم و اجلّ از آنست آنچه را بادراکات قاصره خود پنداشته ایم بلی ظهوراتش محیر عقول است و شئونات و تصرّقاتش اعجب از کلّ عجیب ولی آنچه را این مشت ضعفا تا بحال فهمیده و ادراک نموده قطره ایست نسبت ببحر البحار اسرار مکنونه در این آئین ابهی و ذره ایست نسبت بشمس الشّمس لآلی مودعه در این امر گرانها "هیچ ادراکی سبقت نیابد بر کیفیت ظهور او و هیچ عرفانی احاطه نماید بر کمیّت امر او"

در کتاب مستطاب ایقان در بیان مقامات ظهور قائم موعود ربّ معبود و ملیک غیب و شهود باین ترانه الهی مترنم "العلم سبعة و عشرون حرفاً فجمیع ما جاءت به الرّسل حرفان و لم یعرف النّاس حتّی الیوم غیر الحرفین فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرین حرفاً"

و بعد میفرماید قوله عزّ بیانه "حال ملاحظه فرمائید که علم را بیست و هفت حرف معین فرموده و جمیع انبیا از آدم الی خاتم دو حرف آنرا بیان فرموده اند و بر این دو حرف مبعوث شده اند و میفرماید قائم ظاهر میفرماید جمیع این بیست و پنج حرف را از این بیان قدر و رتبه آنحضرت را ملاحظه فرما که قدرش اعظم از کلّ انبیا و امرش اعلی و ارفع از عرفان و ادراک کلّ اولیاست و امری است که انبیا و اولیا و اصفیا بآن اطلاع نیافته و یا بامر مبرم الهی اظهار نداشته اند" و همچنین در بیان استقامت آنجمالی اینکلمات درّیّات از قلم ابهی صادر "آیا میشود این بغیر امر الهی و مشیت مثبتة ربّانی قسم بخدا که اگر کسی فکر و خیال چنین امری نماید فی الفور هلاک شود و اگر قلبهای عالم را در قلبش جا دهی باز جسارت بر چنین امر مهمّ نماید"

در بیان مقامات اصحابش قلم ابهی باین ذکر احلی متحرک "آیا هرگز در هیچ تاریخی از عهد آدم تا حال چنین غوغائی در بلاد واقع شد و آیا چنین ضوضائی در میان عباد ظاهر گشت ... گویا صبر در عالم کون از اصطبارشان ظاهر شد و وفا در ارکان عالم از فعلشان موجود گشت"

و اما آنچه را که خود حضرت در بیان عظمت و احاطه ظهور خود فرموده از جمله اینکلمات عالیات است "یا قرّة العین آنک انت النّبأ العظیم فی الملاء الأعلى و علی ذلك الاسم عند اهل العرش قد کنت بالحقّ معروفاً... قل انّی انا البیت قد کنت بالحقّ مرفوعاً و انّی انا المصباح فی المشکوة قد کنت باللّه الحقّ علی الحقّ مضیئاً و انّی انا النّار فی النور علی نور الطّور فی ارض السّرور قد کنت حول النّار مخفیاً... یا اهل لجة الفردوس قولوا علی اسمی لحویریّة الحجرات اخرجن من مساکن القدس عریاناً و انصتن علی لحن الکلیم الحییب فانّ الذّکر قد شاءَ کما شاءَ و لا مردّ لأمر اللّه الحقّ و قد کان الحکم فی امّ الکتاب مقضیاً... و ما ارسلنا من نبیّ الاّ و قد اخذناه بالعهد للذّکر و یومه الاّ انّ ذکر اللّه و یومه فی المنظر الأعلى لدى ملائکة العرش قد کان بالحقّ علی الحقّ مشهوداً... و انا نحن لو نشاء لهدینا الأرض و من علیها علی حرف من الأمر اقرب من لمح العین جمیعاً... لو ارادت نملة ان تفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السّر الصّمدانیّة قد تلجلج فی حقیقة الکائنات"

حال ملاحظه فرمائید که صاحب همچه مقام اعزّ اجلّ اسنائی و مظهر ظهور ارفع امع اعلائی چه شهادتی راجع بان نور الأنوار و جوهر الجواهر مظهر کلیّه الهیه هیکل مکرمّ جمال قدم و اسم اعظم روحی لسلطنته المحیطة فدا داده در مقام مناجات میفرماید "سبحانک اللهمّ یا الهی ما اصغر ذکری و ما ینسب الیّ الاّ اذا ارید ان انسبه الیک فلتقبّلنی و ما ینسب الیّ بفضلک آنک انت خیر الفاصلین"

و همچنین در قیوم اسماء جمال اعلی مخاطباً لمحبوبه الخفیّ الجلیّ الأبهی میفرماید "یا سید الأكبر ما انا بشیء الاّ و قد اقامتنی قدرتک علی الأمر ما اتکلت فی شیء الاّ علیک و ما اعتصمت فی امر الاّ الیک و انت الکافی بالحقّ و اللّه الحقّ من ورائک المحیط و کفی باللّه العلیّ علی الحقّ بالحقّ القویّ نصیراً یا بقیّة اللّه قد فدیت بکلیّ لک و رضیت السّبّ فی سیبک و ما تمّیت الاّ القتل فی محبتک و کفی باللّه العلیّ معتصماً قدیماً و کفی باللّه شاهداً و وکیلاً" و همچنین در این سفر کریم مخاطباً لمن ینظر کلمة اللّه الأكبر میفرماید "هنالك فأظهر من السّر سرّاً علی قدر سمّ الابرة فی طور الأكبر لیموتنّ الطّوریون فی السّینا عند مطلع رشح من ذلك النور المهیمن الحمراء باذن اللّه الحکیم و هو اللّه قد کان علیک بالحقّ علی الحقّ حفیظاً" و همچنین در مقام دیگر میفرماید "نطفه ظهور بعد اقوی از جمیع اهل بیان بوده و خواهد بود... و قد کتبت جوهرة فی ذکره و هو انه لا یستشار باشارتی و لا بما ذکر فی البیان... مقام او صرف ظهور است حتّی نفس ظهور در نفس ظهور در ظلّ او ظاهر"

اینست ای احبّای الهی نصّ شهادتی که نقطه اولی و ربّ اعلی با وجود عظمت شأن و امتناع مقام و احاطه کلیّه اش بر مظاهر قبل از قلم اعلایش در حقّ مؤسس آئین بهائی و شارع مقدّس آسمانی و ظهور کلیّ الهی صادر فرموده و این کلمات عالیات و آیات بینات بنحوی اکمل و اتمّ از قلم ابهی مؤیداً و مبیناً لما صدر من قلم مبشره الأعلى نازل بعضی از آن تذکراً للعموم و اظهاراً و اعزازاً لحقائق امره المکشوف المعلوم در این اوراق ثبت میگردد قوله جلّت قدرته و عزّ بیانه "و اگر الیوم کلّ من فی السّموات و الأرض حروفات بیانیّه شوند که بصد هزار رتبه از حروفات فرقانیّه اعظم و اکبرند و اقلّ من آن در این امر توقّف نمایند از معرضین عندالله محسوند و از احرف نفی منسوب" و همچنین میفرماید "الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کاتب از عهده برآید معادل بیان فارسی از سماء قدس ربّانی نازل میشود و کذلک بشأن الآیات علی لسان عربیّ بدیع" و ایضاً میفرماید "هذا یوم لو ادرکه محمّد رسول اللّه لقال قد عرفناک یا مقصود المرسلین و لو ادرکه الخلیل لیضع وجهه علی التراب خضّعاً لله ربّک و یقول قد اطمئنّ قلبی یا اله من فی ملکوت السّموات و الأرضین و اشهدتنی ملکوت امرک و جبروت اقتدارک و اشهد بظهورک اطمأنت افئدة المقبلین لو ادرکه الکلیم ليقول لک الحمد بما اربتنی جمالک و جعلتنی من الزّائرین" و همچنین میفرماید "تالله الحقّ انّ الأمر اعظم من ان یذکر و اظهر من ان یستر و اعلی من ان یصل الیه اعراض کلّ"

معرض او مکر کلّ ماکر عنیداً" و ایضاً میفرماید "قل انّ روح القدس قد خلق بحرف ممّا نزل من هذا الرّوح الأعظم ان انتم تفقهون ... قد ظهر فی هذا الظهور ما لا ظهر فی ازل الآزال ... قد کنز فی هذا الغلام من لحن لو يظهر قلّ من سمّ الابرة لتندکّ الجبال و تصفرّ الأوراق و تسقط الأثمار من الأشجار و تخرّ الأذقان و توجّه الوجوه لهذا الملك الّذی تجده علی هیکل الثّار فی هیئة الثّور و مرّة تشهدہ علی هیئة الأمواج فی هذا البحر الموّج و مرّة تشهدہ کالشّجرة الّتی اصلها ثابت فی ارض الکبریّاء و ارتفعت اغصانها ثمّ افانها الی مقام الّذی صعد عن وراء عرش عظیم"

ای حاملان امانت الهیّہ از جہتی آوازہ امر الهی بلند است و تابشیر عصر حضرت بهاءالله بر عالم و عالمیان لائح قدرت غالبہ اش بر مدعیان آشکار است و آثار نهضت محیّہ اش در آفاق نمودار شمامہ عنبرینش در جمیع اقطار منتشر است و لآلی بی شمارش از گنجینہ اسرار بر جهانیان منتشر و از جہتی انقلابات عالم ناسوت یوماً فیوماً در ازدیاد و قلاقل و اضطرابات ملکّیہ اش آناً فاناً در انتشار افق سیاست تاریک است و بحران اقتصادی بغایت شدید مدنیت مادّیہ در معرض خطرات عظیمہ است و ہیئت اجتماعیہ اساسش متزعزع و متزلزل افکار در هیجان است و نظم جهان پریشان ظلمت عصیان و طغیان عالمی را احاطہ نموده و نورانیت عدل و وفاق از دیدہ جهانیان پنهان گشته در مشرق اقصی نائزہ جنگ پراشتعال است و در اقطار غریبہ دائرہ فساد و شقاق در اتّساع قوای اقوام مختلفہ بر اطفاء سراج دین برخاستہ و در ترویج قواعد باطلہ ظاہر الاستحاله ہمت بگماشتہ شرق در جنبش و هیجان است و غرب از ثقل فادح آفات متراکمہ نالان و ہراسان حزب شمال بتمام قوی بر ایجاد فتنہ و افساد عقیدہ و ترویج مبادئ سقیمہ قائم و در تولید بغض و خصومت و ہدم بنیان دیانت ساعی و جاہد مکاید سیاسیہ در میان است و مقاصد خفیہ در جولان حکومات عالم بمنازعات وطنیہ و تعصبات مختلفہ شدیدہ گرفتارند و بذیل تقالید عتیقہ متشبّث ثقہ و اعتمادشان بیکدیگر مسلوب و از تعاون و تعاضد محروم و مأیوس بصرف مبالغ باہضہ در تہیہ معدّات حربیہ و مهمّات عسکریہ و آلات جہنمیہ سراً و جہراً مشغولند و بکمال جدّیت باستحکام اساس استقلال سیاسی و اقتصادی خویش مألوف سرمست بادہ غرورند و اسیر دام حمیہ جاہلیہ دول مقہورہ در قطعہ اروپا تشنہ انتقامند و در تولید ضغائن و دسائس پر سعی و اہتمام اقلّیات قومیہ ہر یک مستعدّ فتنہ و فسادند و در توسعہ دائرہ انقلاب و ہدم بنیان اعتساف متّحد و متّفق میزانیہ اغنی حکومات عالم مختلّ و مشروعات تجاری و صناعی و زراعی اکثر طوائف و امم معوّق و معطلّ

حنین و این رنج بران در دو قارہ اروپا و امریک بلند است و خسائر فادحہ و بلیّات ہائلہ بر سرمایہ داران از کلّ اطراف مهاجم عدہ عاطلین و محتاجین در اقطار غریبہ در این ایّام بہ چہل کرور او ازید بالغ و این جمّ غفیر بحدی پریشان و مہیّای فسادند کہ قوای حکومات قاہرہ مجربہ مقتدرہ از تسکین و سدّ احتیاجات ضروریہ آنان عاجز و قاصر اینست کہ حضرت عبدالہیاء در اواخر ایّامش در لوحی از الواح صریحاً اخبار فرمودہ قولہ جلّ بیانہ "این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنہ شفا نیابد بلکہ روز بروز سخت تر شود و بدتر گردد بالکان آرام نگیرد از اوّل بدتر شود دول مقہورہ آرام نگیرند بہر وسیلہ تشبّث نمایند کہ آتش جنگ دوبارہ شعلہ زند حرکتہای تازه عمومی تمام قوّت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهند نمود حرکت شمالیہ خیلی اہمّیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد ... در مستقبل حربی شدیدتر یقیناً واقع گردد قطعاً در این شبہہ نیست"

ای یاران روحانی این خطرات عظیمہ و مفسد قویہ و اسقام مزمنہ و اغتشاشات متزایدہ بعضی منبعث از نتایج وخیمہ جنگ اخیر است کہ بر ضغائن دیرینہ بیفزود و فتنہ و انقلابی جدید احداث کرد و چنان بار گرانی از غرامات و تعویضات مالیہ بر عہدہ دول مقہورہ بگذاشت کہ کلّ از ادایش عاجزند بلکہ غالب و مغلوب ہر دو از مضرت و عواقب سیئہ اش گرفتار و متألّمند و بعضی ناشی از اجراءات و تبلیغات مستمرّہ متواصلہ عصبہ غرور است کہ قوی را بتمامہا حصر و متوجّہ در ہدم ارکان دین و ترویج لامذہبی نموده و بعضی نتیجہ اشتداد تعصبات وطنیہ و انہماک در تقالید قومیہ و ظنون و اوہامات بالیہ و تمسّک

مفرط باستقلال سیاسیّه و عدم توجّه بوحدهت اصلیه بشریّه و قلّت ارتباط و تعاون بین دول شرقیّه و غربیّه و اهمال در تأسیس محکمه کبرای الهیّه است ان انظروا و تدبّروا فیما نزل من قلم القدم فی سجنه الأعظم عن لسان احد من عباده "عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً در تزیاد و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجّه و اینفقره شدّت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشأنیکه ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام میروند و اذا تمّ المیقات يظهر بغتة ما ترتعد به فرائض العالم اذا ترتفع الأعلام و تغرد العنادل علی الأفنان"

ای احبّای الهی چه مطابق است حال حاضر پرملال حکومت و ملل عالم با آنچه را قلم اعلی در سنین اولیّه ورود سجن اعظم مخاطباً لمن فی العالم انذار و اخبار و تبیین و تشریح فرموده و در الواح نصحیه و قهریه خود مدوّن فرموده قوله جلّت قدرته و عزّ بیانه "تدبّروا و تکلموا فیما یصلح به العالم و حاله لو انتم من المتوسّمین فانظروا العالم کهیکل انسان انه خلق صحیحاً کاملاً فاعتزته الأمراض بالأسباب المختلفة المتغایرة و ما طابت نفسه فی یوم بل اشتدّ مرضه بما وقع تحت تصرف اطباء غیر حاذقة الذین ركبوا مطیة الهوی و كانوا من الهائمین ... و الّذی جعله الله الدریاق الأعظم و السبب الّتم لصحّته هو اتّحاد من علی الأرض علی امر واحد و شریعة واحدة هذا لا یمکن ابداً الاّ بطیب حاذق کامل مؤید لعمری هذا لهو الحقّ و ما بعده الاّ الضلال المبین ..."

یا معشر الملوک انا نراکم فی کلّ سنة تزادون مصارفکم و تحملونها علی الرعیة ان هذا الاّ ظلم عظیم اتقوا زفرات المظلوم و عبراته و لا تحملوا علی الرعیة فوق طاقتهم ... ان اصلحو ذات بینکم اذا لا تحتاجون بکثرة العساکر و مهمّاتهم الاّ علی قدر تحفظون به ممالککم و بلدانکم ایّاکم ان تدعوا ما نصحتم به من لدن علیم امین ان اتحدوا یا معشر الملوک به تسکن اریاح الاختلاف بینکم و تستریح الرعیة و من حولکم ان انتم من العارفین ان قام احد منکم علی الآخر قوموا علیه ان هذا الاّ عدل مبین"

و همچنین میفرماید "اهل ثروت و اصحاب عزّت و قدرت باید حرمت دین را بأحسن ما یمکن فی الابداع ملاحظه نمایند دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیه الله ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نماید اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد ... قلم اعلی در این حین مظاهر قدرت و مشارق اقتدار یعنی ملوک و سلاطین و رؤسا و امرا و علما و عرفا را نصیحت میفرماید و بدین و بتمسک بآن وصیّت مینماید آنست سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان سستی ارکان دین سبب قوّت جهّال و جرأت و جسارت شده برآستی میگویم آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرار افزود و نتیجه بالأخره هرج و مرج است اسمعوا یا اولی الأبصار ثمّ اعتبروا یا اولی الأنظار" ایضاً میفرماید "ابهی ثمره شجرة دانش اینکلمه علیاست همه بار یکدارید و برگ یک شاخسار لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم"

و همچنین حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه میفرماید "بلی تمدّن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افزاد که چند ملوک بزرگوار بلندهمت چون آفتاب رخشنده عالم غیرت و حمیّت بجهت خیریت و سعادت عموم بشر بعزمی ثابت و رأی راسخ قدم پیش نهاده مسئله صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و بجمع وسائل و وسائط تشبّث نموده عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهده قویّه و میثاق و شروط محکمه ثابته تأسیس نمایند و اعلان نموده باتفاق عموم هیئت بشریّه مؤکد فرمایند این امر اتمّ اقوم را که فیالحقیقه سبب آسایش آفرینش است کلّ سکان ارض مقدّس شمرده جمیع قوای عالم متوجّه ثبوت و بقای این عهد اعظم باشند و در این معاهده عمومیّه تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیّه و روابط و ضوابط مابین هیئت حکومتیّه بشریّه مقرر و معین گردد و کذلک قوّه حرّیه هر حکومتی بحدی معلوم منحصّص شود چه اگر تدارکات محاربه و قوّه عسکریّه دولتی ازدیاد یابد سبب توهم دول

سائره گردد باری اصل مبنای این عهد قویم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من بعد شرطی از شروط را فسخ نماید کلّ دول عالم بر اضمحلال او قیام نمایند بلکه هیئت بشریّه بکمال قوّت بر تدمیر آن حکومت برخیزد اگر جسم مریض عالم باین داروی اعظم موفق گردد البتّه اعتدال کلیّ کسب نموده بشفای باقی دائمی فائز گردد ...

و بعضی اشخاص که از همم کلیّّه عالم انسان بیخیزند این امر را بسیار مشکل بلکه محال و ممتنع شمرند نچنانست بلکه از فضل پروردگار و عنایت مقرّبین درگاه آفریدگار و همّت بیهمتای نفوس کامله ماهره و افکار و آراء فراند زمانه هیچ امری در وجود ممتنع و محال نبوده و نیست همّت همّت غیرت غیرت لازم است چه بسیار امور که در ازمئه سابقه از مقوله ممتنع شمرده میشد که ابداً عقول تصوّر وقوع آنرا نمینمود حال ملاحظه مینمائیم که بسیار سهل و آسان گشته و این امر اعظم اقوم که فی الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیت و سبب فوز و فلاح و راحت و نجاج کلّ است از چه جهت ممتنع و محال فرض شود و لابدّ بر اینست که عاقبت شاهد این سعادت در انجمن عالم جلوه گر گردد چه که آلات و ادوات حرّیه بر این منوال بدرجهئی رسد که حرب بدرجه ما لا یطاق هیئت بشریّه واصل گردد"

و همچنین میفرماید "در هر ظهوری که اشراق صبح هدی شد موضوع آن اشراق امری از امور بود ... در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و موضوع شریعت الله رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسانست ... در دورهای سابق هرچند ائتلاف حاصل گشت ولی بکلیّ ائتلاف من علی الأرض غیر قابل زیرا وسائل و وسائط اتحاد مفقود و در میان قطعات خمسّه عالم ارتباط و اتصال معدوم بلکه در بین امم یک قطعه نیز اجتماع و تبادل افکار معسور لهذا اجتماع جمیع طوائف عالم در یک نقطه اتحاد و اتصال و تبادل افکار ممتنع و محال اما حال وسائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات خمسّه عالم حکم یک قطعه یافته و از برای هر فردی از افراد سیاحت در جمیع بلاد و اختلاط و تبادل افکار با جمیع عباد در نهایت سهولت میسر بقسمیکه هر نفسی بواسطه نشریات مقتدر بر اطلاع احوال و ادیان و افکار جمیع ملل و همچنین جمیع قطعات عالم یعنی ملل و دول و مدن و قری محتاج یکدیگر و از برای هیچیک استغنائی از دیگری نه زیرا روابط سیاسیّه بین کلّ موجود و ارتباط تجارت و صناعت و زراعت و معارف در نهایت محکمی مشهود لهذا اتفاق کلّ و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محروم زیرا این قرن انوار عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیّتی دیگر دارد اینست که ملاحظه مینمائی در هر روزی معجز جدیدی مینماید و عاقبت در انجمن عالم شمعهای روشنی برافروزد و مانند بارقه صبح این نورانیّت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته شمع اولّ وحدت سیاسی است و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده و شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد و شمع سوم وحدت آزادیست آن نیز قطعاً حاصل گردد و شمع چهارم وحدت دینی است این اصل اساس است و شاهد این وحدت در انجمن عالم بقوّت الهیّه جلوه نماید و شمع پنجم وحدت وطنیّت در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز بنهایت قوّت ظاهر شود جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند و شمع ششم وحدت جنسی است جمیع من علی الأرض مانند جنس واحد شوند و شمع هفتم وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند این امور که ذکر شد جمیعاً قطعاً الحصول است زیرا قوتی ملکوتیّه مؤید آن"

حال ای عزیزان الهی ملاحظه نمائید که چگونه قلم اعلی و کلک اطهر حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیّه و زبر قیمه مقدسه الهیّه تلویحاً و تصریحاً اخبار از وقوعات حالیه نموده و تصریح فرموده که این تعصبات جاهلیّه ازدیاد یابد و مفسد قویّه شدّت نماید و حرکتهای تازه عمومی بر هیجان و انقلاب بیفزاید و غفلت و لامذهبی در بین جمیع طبقات رواج یابد و آفات و

بلیات من کلّ الجهات هیئت اجتماعیّه را احاطه نماید و عاقبة الأمر طغیان این طوفان منتهی بانقلابی گردد که شبه آنرا چشم عالم ندیده و در هیچ تاریخی ثبت و مدوّن نگشته

و این انقلاب اعظم بنفسه ممدّ آئین الهی است و مؤسس وحدت عالم انسانی تعصبات را زائل نماید و کافّه دول و امم را در بسط زمین متوجّه و متمسک و مروج وحدت اصلیه گرداند جهانیانرا بتأسیس محکمّه کبرای الهی دلالت فرماید و رؤسای ارض را بر رفع لواء صلح اعظم مطابقاً لما نزل من القلم الأعلى و من مبین آیاته الکبری مؤید و مفتخر گرداند عالم را یکوطن نماید و مصداق اذاً ترى الأرض جتّه الأبهی بر کافّه انام ظاهر و آشکار فرماید ملکوت الله را ترویج و تأسیس نماید و بسط غبراء را آئینه ملاً اعلی گرداند کرّه اخری نصّ صریح وعده الهی را بیاد آرید که میفرماید "و مدّتی بر این نهج ایام میروند و اذا تمّ المیقات يظهر بغتّه ما ترتعد به فرائص العالم اذاً ترتفع الأعلام و تغرد العنادل علی الأفنان"

ای عشاق امر بها وقت آنست که کلّ پیاس این عنایات عظمی اعزازاً لأمره المقدّس الأبهی و تسریعاً لتحقّق کلمته الجامعة العلیا متوجّهاً الیه منقطعاً عمّا سواه در سبیل ترویج وحدت اصلیه و هدم بنیان عتیق تعصبات جنسیّه و سیاسیّه و وطنیه جانفشانی نمائیم و در تولید حسن تفاهم و تعاون و تعاضد بین ملل و اقوام متغایره و تحدید نطاق منازعات آتیه و تقلیل و تخفیف ثقل عظیم بلیات حتمیه آینده بهمّتی خلل ناپذیر و شجاعت و شهامتی بدیع در انجمن عالم مبعوث گردیم و چنان قیامی نمائیم که سکّان ملاً اعلی ندای واطوباً برآرند و بهتاف بشری لکم یا ملاً البهآء تحسین و تهنّت نمایند از زوابع امتحان و شدائد افتتان خائف و هراسان نگردیم و از حوادث خطریره آتیه و وقوعات هائله کدره مرعوب و مضطرب نشویم از تحدیدات ملکیه و شئونات آفاقیّه و ظنون و اوهامات ناسوتیه چون برق درگذریم و در وضع قوائم و دعائم مدنیت جدیده بدیعه الهیه همّتی شایان بگماریم با احدی از جالسین بر وساده عزّت و منصب مداهنه نمائیم و با هیچ دولتی سرّاً مرتبط نگردیم از اقاویل و اباطیل انفس سافله لاهیه چشم پوشیم و بنفع عموم پردازیم از نصوص صریحه قاطعه الهیه انحراف نورزیم و در مناصمات و مناقشات و مجادلات احزاب ادنی مداخلهئی را جائز ندانیم باغراض مشتیه نفسیه این پیام الهی را آلوده و نگین نگردانیم و میراث مرغوب لا عدل له را بزخارف این دنیای دنیّه مبادلّه نمائیم از تظاهر و تقیه و تملّق پیرهیزیم و حبال تسویف اهل تدلیس را بسرینجه قدرت و شهامت منقصم سازیم از مدینه وهمیه قدم بیرون گذاریم و حجبات غلیظه غفلت را بنار محبتش محترق سازیم اقالیم شرق و غرب را یکوطن شماریم و ملل و اجناس متباغضه را اعضا و ارکان یک دودمان پنداریم مبادی سیاست الله را علی رؤوس الأشهاد اعلان و ترویج نمائیم و از مداخله در سیاست رؤسای ارض در کلّ اقطار احتراز و اجتناب جوئیم صفوف مقلّدین و متوهّمین را بقوه توکل در هم شکنیم و جرثوم رقابت و خصومت را در انجمن بنی آدم محو و زائل نمائیم مصالح شخصیّه و وطنیه را در هیچ موردی مقدّم بر مقتضیات اساسیه وحدت حقیقیّه بشریه نشمریم و بذر پاک حبّ عالم انسانیرا در مزرعه قلوب صافیّه سلیمه بیفشانیم عزّت و زینت ظاهره فانیه را طالب نگردیم و از مطامع ارضیه و مآرب شیطانیه ساحت دل را منزّه و مقدّس گردانیم فریب اهریمنانرا نخوریم و رغائب و امیال مستکبرین و مغرضین را ترویج نکنیم ضیاء این امر نفیس را بغبار نفس و هوی تیره نمائیم و زمام و مقالید این آئین گرانها را بنفوس سارقه کاذبه نسپریم از ملامت حسودان و ذمّ و قدح بیخردان و نابالغان سست و پریشان نگردیم و از انتقادات و اسنادات کوته نظران اندیشه نمائیم بلکه در جمیع موارد بیقین مبین بدانیم که آنچه واقع گردد خیر و صلاح امر الله است و وسیله تحقّق وعود حتمیه مولای بیهمتا ممهّد سبیل است و ممدّ شریعت ربّ یکتا چنانچه میفرماید "لن يظهر فی الأرض من شیء الا و قد قدر فیهِ مقادیر القدر من حکیم علیم و لن یحرک من ذرّه الا و قد قدر فیها حکمه بالغه و کیف هذا التبا الأعظم القویم"

و همچنین میفرماید "ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع آن ایام و عوالم قسمتی مقدّر

و عيشى معين و رزقى مقرر است البتّه بجميع أنّها رسيدته فائز گرديد"
و اختتم الكلام بما نزل من القلم الأعلى فى مقام آخر "تالله الحقّ لو يقوم واحد على حبّ البهآء فى ارض الانشاء و
يحارب معه كلّ من فى الأرض و السماء ليغلبه الله عليهم اظهاراً لقدرته و ابرازاً لسلطنته . . . و من يفتح اليوم شفتاه لذكر مولاه
يؤيده جنود وحى الله بالهام بديع و يجرى الله عن فمه كوثر العرفان و ينطقه بالحكمة و البيان على شأن لن يقدر ان يتكلم بين
يديه احد من الخلائق اجمعين"

بنده آستانش شوقى

رضوان سنه ٨٩

توقيع مبارك نوروز ١٠١ بديع

احبائى الهى و اماء الرحمٰن برادران و خواهران روحانى در بلدان و ممالك شرقيه عليهم اطيب التحيه و التناء ملاحظه نمايند

الحمد لله الفرد الأحد الأزليّ الصمد الحقيقة الفائضة و الهويّة الجامعة الغيب المنيع و الكنز الخفيّ مبدأ الفيض علّة العلل مبعث الرّسل شارع الأديان وحده لا شريك له فى الملك و لا نظير له فى الابداع كلّ عباد له و كلّ بأمره قائمون و بمشيئته يتحرّكون و من فضله سائلون كلّ بدئوا منه و كلّ اليه يرجعون سبحانه سبحانه عمّا يصفه المرسلون او يذكره البالغون

و الصلوة و التناء على اعظم نور سطع و لاح من مطلع الاشرار على الآفاق جمال القدم و الاسم الأعظم و الرّمز المنمنم بهاء الله الأفخم الأكرم حقيقة الحقائق جوهر الجواهر نور الأنوار الاسم المكنون و السرّ المصون الأصل القديم و التّبأ العظيم المظهر الكلّيّ الالهى مطاف الرّسل و الموعود فى الكتب و الصّحف و المذكور بلسان التّبيين و المرسلين ربّ الجنود مكلم الطّور بانى الهيكل مطهر العلل الجالس على كرسيّ داوود الأب السّماوى الألف و البياء ملك الملوك ربّ الملكوت مالك يوم الدين صاحب العهد ربّ الميثاق نير الآفاق الظّاهر باسم القيوم الملقّب فى الكتاب المجيد بمن يظهره الله بقيّة الله المنتظر و المنظر الأكبر للبشر مظلوم العالم و محبى الرّم و رافع بيان الصّالح الأعظم بين الأمم الذى بظهوره فكّ الرّحيق المختوم و امتحن الله حقائق التّبيين و المرسلين و ظهرت الطّامة الكبرى و الرّادفة العظمى و نفخ فى الصّور مرّة اخرى اذا اشرفت الأرض بنور ربّها و حدثت اخبارها و اخرجت ائقالتها تعالى عزّه و بهائه و مجده و علائه و سلطنته و جبروته و كبريائه

و التّحيه و البهاء على مبشره الفريد قرّة عين التّبيين باب الله الأعظم و ذكر الله الأكبر الأكرم الأفخم و حجّة الله بين الأمم الدّرة الأولى و العلىّ الأعلى و التقطّة الأولى الظّاهر باثار جميع الأنبياء وجه الله الذى لا يموت و نوره الذى لا يفوت القائم الموعود المهديّ المنتظر صبح الهداية صاحب الرّمان سلطان الرّسل الذى بظهوره قامت القيامة و اتت السّاعة و انشقت الأرض و انفطرت السّماء و مرّت الجبال و انصعقت الكائنات و امتدّ الصّراط و نصب الميزان و سعرت النّيران و وضعت كلّ ذات حمل حملها و انفلق فجر الهدى و ظهرت البشارة الكبرى و اقترب بزوغ شمس البهَاء السّاطعة انوارها على الخلائق اجمعين و التّكبير و التّناء على انبياء الله و سفرائه هياكل التّوحيد و حقائق التّجريد المظاهر الالهية و المرايا الصّافية و الكلمات التّامة و الكينونات المقدّسة الذين اختارهم الله و جعلهم مظاهر نفسه و مهابط و حيه و مطالع انواره و مشارق امره و اماناء سرّه و مظاهر صفاته و يبايع حكمته و مكامن الهامه و كنائز علمه و مخازن بيانه و اعلام قدرته و سرج هدايته و مشاعل حبه و حملة امانته و مصادر احكامه و بهم اظهر امره و انزل كتابه و اسّس شريعته و اثبت برهانه و بلّغ رسالته و بشرّ الخلق بيوم اللّقاء يوم الحساب يوم الميعاد يوم التّلاق يوم الله المخيف يوم يقوم الناس لربّ العالمين

و الصّلوة و السّلام على مركز عهد الله و ميثاقه غصن الله الأعظم سرّ الله الأقوم الأكرم و الخليج المنشعب من بحر القدم المثل الأعلى حضرة من طاف حوله الأسماء حضرة من اراده الله قرّة عين البهَاء و وديعته بين خلقه و مبين آياته و كلماته و حصن امره و درع دينه و مروّج شريعته و امين سرّه و شارح اصول نظمته و رافع لواء نصره و المتوّج باكليل العبودية فى خدمة امره

و الرّوح و الضّيآء على اولياء الله و اوصيائه و اصفيائه و انصاره و ادلائه و شهدائه و نقبائه الذين اختارهم التّبيين و المرسلون لتنفيذ احكام الله و تبيين كلماته و استحكام دعائم شريعته و نصره امره و اعلاء شأن دينه و بسط دعوته و اثبات قدرته و احقاق حقّه و دفع شرّ اعدائه و خصمائه و التّسليم و التّناء على اهل البهَاء اصحاب الرّاية البيضاء و الرّاكبين فى السّفينة

الحمراء و على آله و اوراق دوحته و فروع سدرته و حروفات كتابه و ايدى امره و ادلاء صراطه و الثابتين على عهده و المتمسكين بعروة ولايته و المستشهدين فى سبيله و الناشرين لنفحاته و المؤسسين لأركان نظمه البديع وليد شريعته و ثمرة ميثاقه الأعرز الأرفع الأقدس الممتنع الفريد

يا معشر المؤمنين در اين دم كه قرن اول افخم كور اعظم جمال قدم كه بشهادت مركز ميثاق آن محبى روم آفتاب روشن قرون اولى و نير منور قرون اخري است در شرف اختتام است بانگ ياطوبى و يابشرى از اهل ملاما اعلى بلند است و صوت تهليل و تكبير و تقديس و تسبيح در حول حرم كبريا از اعلى غرفات جنّت ابهى متصاعد

تبارك هذا القرن الأبدع البديع و العصر الدرّي المشعشع المبارك المنيع الذى ما رأت شبهه عيون الأولين و الآخرين
تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذى فيه انشأ الله بمشيئته الغالبة و ارادته النافذة السدرة الالهية و الدوحة الصمدانية فى قطب الآفاق فنمت و اخضرت و اورقت و ازهرت و اثمرت و فرعت و امتد ظلها الظليل على العالمين

تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذى فى أول ليلة منه شق حجاب الستر و عبقت نفحة الله و اهتزت ارض الوجود و طوى بساط الأولين و ظهرت الألف القائمة و قامت القيامة و فتح باب الأعظم على وجه الأمم و سطع عن افق الفارس نور الله العلى الأعلى و رفع النقاب عن وجه الغلام الأبطحى العلوى و برزت و تجلّت النقطة الأولية التى تدور فى حولها ارواح المرسلين
تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذى فيه اتى الله فى ظلل من الغمام و قام الروح و خرج جمال القدم عن خلف الف الف حجاب من النور و كشف عن وجهه النقاب و اظهر فى ارض العراق رشحا من النور المهيمن الحمراء اذا نفخ فى الصور مرة اخرى و استقرّ مكلم الطور على عرش الظهور و اتى الرب من ربوات القدس و ظهر من طاف حوله نقطة البيان و غرد روح الأعظم فى صدر البهاء و كشف برقع الستر عن جمال الحسين بعد القائم و ظهر الأب بمجده العظيم و نزل رب الجنود فى ارض الميعاد و ارتفعت الصيحة و نادى المناد من مكان قريب

تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذى فيه زلزلت الأرض زلزالها و خرجت اثقالتها و ذهلت كلّ مرضعة عما ارضعت فتبايعت الزوابع و نسفت الجبال و انفطرت السماء و اندكت ارض الوجود و اسودت الوجوه و ظهر سرّ التنكيس لرمز الرئيس و برزت الفتنة العمياء الصمّاء و ظهر الفزع الأكبر و نعق الناقع و سقط الصنم الأعظم و ناح الطاغوت و تزلزلت اركان الجبت و انصعق الطوريون و تبدل النور بالنار و ظهرت ايام الشداد و تحركت طيور الليل و هبت روائح التقض و اشتدت عواصف الامتحان و يبست الأغصان و اصفرت و انتشرت الأوراق و وضجت القبائل و اضطرم نيران الحرب و القتال فى الآفاق و ظهر ما ارتعدت به فرائص العالم و ارتفع الضجيج و العويل و احترقت المدن و تابعت صواعق يوم القهر و ظهر انتقام الله الأكبر و هبت ارياح كره عقيم

تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذى فيه تلالأت انوار الصّدق و الصّفاء فى وجوه الأولياء و اضطرم نار الحبّ و الولاء فى صدور الوف من الأصفياء المتمسكين بالعروة النوراء و السالكين فى المنهج البيضاء عشاق جمال الأبهى و الطلعة الأولى الأعلام الخافقة و الشهب القاقبة و النجوم الدررهمه و الأطواد الباذخة خيرة الخلق و صفوتهم الذين خصصهم الله لهذا الشرف العظيم و اجتباهم لاثبات حجّته بين العالمين و تثبتهم على عهده القويم و رفع بهم رايات امره المبين و نصب بهم اركان نظمه البديع و البسههم حلل التقديس و التنزيه و بلغ بهم رسالاته و ارسلهم الى مشهد الفداء بآيات استجذبت منها حقائق النبيين و المرسلين
تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذى فيه فكّ الرّحيق المختوم بأنامل القويم و كشف الحجاب عن الحقائق المودوعة فى كنانز العصمة و خرجت حوريات المعانى من غرفات الكلمات و انكشفت الأسرار و ظهرت البشارات و تحققت الوعود و النبوات و انجلت الرموز و الاشارات المستورة فى بطون الآيات من التوراة و الزبور و الانجيل و الفرقان و عن ورائهم احاديث سيد المرسلين و ائمة الطاهرين و صحف اولياء الله و اخبار امنا سرّه و مصادر احكامه من الأولين و الآخرين

تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذي فيه اقصرت جلود المنكرين و المعرضين و الظالمين من الملوك و السلاطين و الخلفاء و الأمراء و العلماء و الفقهاء و الوزراء و السفراء و الأغنياء و الأعرّاء في مشارق الأرض و مغاربها الذين استكبروا على الله في القيامة الأولى ثم في القيامة الأخرى ثم في عهد مركز ميثاقه الأعزّ الأمتن الأرفع الأسمى و اعتزلوا عنه و جاحدوا بآياته و كذبوا ببرهانه و افتوا على قتله و هتكوا ستر حرمة و حكموا بنفيه و سجنه و سجن اهله و اصحابه و استهزؤوا برسله و سفرائه و غصبوا حقّ اوليائه و حاربوا مع امنائه و حروفاته و ادلائه و اودائه و سفكوا دمآء عشاقه و خدمة امره و شتتوا شمل احبائه و غفلوا عن حجّته و بيناته و انذاراته قد خابت آمالهم و حبطت اعمالهم و طوى فراشهم و محى الله آثارهم و بدّد شملهم و قطع دابرهم و اخذهم بقدرة من عنده و قهر من لدنه و رجعهم الى مآلهم في قعر الجحيم

تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذي فيه ظهرت الآية الكبرى و سطر الرقّ المنشور بأثر من القلم الأعلى و نزل الكتاب المكنون الموصوف بالصّحيفة الحمراء و تأسس البنيان المرصوص في ظلّ شجرة انيسا عهد الله الوثيق و ميثاقه الغليظ الذي اخذه الله في ذرّ البقاء القسطاس الأعظم مغناطيس التأييد سفينة التجاة العروة الوثقى اللوآء المعقود و الجبل الممدود بين الأرض و السماء الذي جعله الله ميزان كلّ شيء و اختصّه لهذا الظهور اظهاراً لقدرته و اثباتاً لعظمته و اعزازاً لشريعته و حفظاً لكيان امره الغالب المقدّس المهيم الأوعر الخطير

تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذي فيه نزل التأموس الأكبر و رشّ البحر الأعظم على الأمم و نفخ روح الحيوان في جسد العالم و جرت سفينة الأحكام و نصب ميزان العدل و نزلت اورشليم الجديدة من السماء و صدر الكتاب المقدّس الأقدس من يراعة مالك الأنام الرقّ المنشور السفر القديم الصّحيفة العليا و المرجع الأعلى و الحجّة العظمى فرات الرّحمة بين البرية و مشكاة الفلاح في ملكوت الابداع قسطاس الهدى بين الورى و برهان الرّحمن لمن في الأرضين و السموات

تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذي فيه نصبت دعائم قصره المشيد و نظمه البديع وليد شريعته السّمحاء الذي بشّر بظهوره ذكر الله الأكرم و باب الله الأعظم في كتابه المبارك المجيد و صرّح به مؤسسه الفريد في كتابه المقدّس الأقدس و بين اصوله و شرح فروعه غصن الله الأعظم المنصوص من القلم الأعلى مركز عهد الله و ميثاقه في كتاب وصيته بأثر من قلمه المبارك المقدّس الشّريف

تبارك هذا القرن الأبدع البديع الذي فيه تتابعت البشارات العظمى الصّادرة من القلم الأعلى و المؤيّد بيراعة مركز عهده الأوفى و الناطقة بقرب تأسيس المدنيّة الالهية و السلطنة الأزيّة و ظهور ملكوت الله و سطوع انوار الصّالح و الوئام بين الأنام و نصب سرادق العدل في قطب الآفاق و ارتفاع اعلام استقلال الشريعة السّمحاء و توثيق عرى الاتّحاد و الاتّفاق و الأخوة البشريّة و الوحدة الأصليّة بين العموم من كافّة الأجناس و الأوطان و الطّبقات و الأديان و بلوغ العالم الى درجة الكمال بحيث تبدّل الأرض غير الأرض و تصبح قطعة من الفردوس تنعكس فيها انوار الملائ الأعلى اذا ترى الأرض جنّة الأبهى يومئذ يفرح المؤمنون يا ليلة القدس عليك من التّحيّات اكملها و ابهاها و من الصّلوات اطيبها و ازكيها يا قرّة عين الابداع و غرّة أيام الله و مطلع العصر الأعزّ الأكرم و مبدأ القرن المبارك الأفخم بحلولك فتح باب الأعظم على وجه العالم و ظهر السرّ الأكنم و سطع النور الأقدم و امتدّ الصّراط الأقوم و عبقت روائح الرّوح على كلّ الأمم بذكرك استفرح الخليل في قلبه و استبشر الكليم في ذاته و استجذب الرّوح بكليّته و اهتزّ الحبيب طرباً في نفسه و سبّح و هلّل اهل ملاّ العالين من الكرويين و القديسين و الملائكة المقرّبين بك انارت الأرضون و السموات و فيك بعثت اللّيالى و منك استضاء الأيّام و حولك طافت ليلة القدر و بظهورك ابتسم نغر الوجود و تشهق طاووس الأحديّة في قطب الجنان و دلغ ديك العرش حول حرم الكبرياء و تموّج البحر الأحمر و ظهر جمال الورد و كشف الثّقاب عن جمال المعشوق بشأن تحيّرت افئدة النّبیین و المرسلين

طوبی الف طوبی لمن عرف شأنک و حفظ حرمتک و شهد آثارک و استفاض من فیوضاتک و افتخر بأسرارک و اقرّ و اعترف بسلطانک و مقامک المتعظّم المتعزّز المتعالی المشعشع المقدّس الباذخ الفرید

ای اهل بها ملاحظه نمائید چگونه ید قدرت الهیّه مشتی از مستضعفین عباد را که بطائفه شیخیّه منشعبه از فرقه شیعه اثنی عشریه منسوب و در سلک طلاب محشور و در انظار جمهور هموطنان از علما و فقها و ادبا و فضلا و متشرّعین و ارباب مناصب عالیّه بنظر حقارت منظور و از مضلّین و منحرفین از صراط سیّد المرسلین محسوب و در چنگ ملّتی جاهل و متعصّب و متوحّش گرفتار و بقهر و سخط سلطانی معذّب و از اسباب ملکیه و زخارف دنیویّه و شوکت و عزّت و مکنت و ثروت ظاهره بی بهره و نصیب مبعوث و مؤید فرمود و نصرت و برکنی عنایت کرد و عزّت و سطوتی بخشید که در اندک زمانی متدرّجاً با وجود هجمات عنیفه سلاطین و امرای سلسله قاجاریّه و تعرّضات شدیدۀ ملوک و خلفای اسلام و لطمات واردۀ از علما و فقهای ملّت فرقان و دسائس و مفتریات حزب شیطان و رؤسای بیان و تحریکات و وسوس ناقضان و ناکثان عهد و پیمان و تزویر و تدلیس متمرّدان و بی وفایان و اعتراضات و دسائس مبشّرین ملّت روح این فئه قلیله آوازه‌اش در سبع طباق منتشر گردید و صیت عظمتش جهانگیر گشت امتی قویّ البیان ثابت الأركان ممتدۀ الفروع در هشتاد ۸۰ اقلیم از اقلیم جهان ایجاد نمود و بتأسیس آئینی جدید و نظمی بدیع و جامعۀئی مستقلّ مؤیّد و موفق گردید

در آغاز انتشارش این امر مبین از خطّه فارس مهد آئین نازنین بممالک مجاوره عراق و هندوستان سرایت نمود و در ممالک عثمانیان خیمه و خرگاه برافراخت در مدینه کبیره مرکز خلافت عظمی و ارض سرّ رنه ملکوتیش مرتفع شد و زلزله بارکان دولت جائره بینداخت سپس در ارض میعاد لانه انبیا و مرسلین مقرّ و مأوی جست و در مرج عکا ملحمه کبری وادی النبیل مآدیه اللّه مدینه محصنه بقعه مبارکه بیضا استقرار یافت از سجن اعظم ندای مهیمنش گوشزد ملوک و سلاطین گشت و پرچم هدایت کبرایش در بریّه الشّام و اقلیم مصر و قفقازیا و ترکستان منصوب گردید سراپرده عظمتش در جبل کرمل در قرب مقام حضرت ایلیا مرتفع گشت و شریعه غرّایش از صهیون جاری شد صحه‌اش از مکان قریب بلند شد و هیکل موعود بایادی قدرت حضرت قیوم بنا گشت اندک‌اندک انوار الهیّه‌اش در ممالک فرنگ سطوع یافت و در قطب امریک مهد مدنیّت الهیّه جلوه‌ئی حیرت‌انگیز نمود و در عواصم قاره اروپا قلوب شیخ و شاب و وضع و شریف را باهتزاز آورد و قبائل بعیده متباغضه را بوحدت اصلیه دعوت نمود و در ظلّ سراپرده میثاق مجتمع ساخت چین را بحرکت آورد و در اقلیم ژاپان و اقصی جنوب قاره افریک و بلاد شاسعه استرالیا و جزائر نائیه محیط اعظم نغمه جان‌افزایش را بگوش خاصّ و عام برسانید در آفاق غریبه و اقلیم شمالیه و ممالک جنوبیه بساطی جدید بگسترانید و قلوب جمعی را از امیر و حقیر بمغناطیس حبّش برپود بر خصم لدود عاقبه الأمر غالب گشت و از قیود اسارت و ذلّت برهید و صفوف دشمنان داخل و خارج و قدیم و جدید و دینی و سیاسی را متفرّق و متشتّت ساخت چندی نگذشت عرش مطهّر مبشّر فریدش در دامنه کرم الهی استقرار یافت و دو معبد عظیم الشّان در قلب قاره آسیا و امریک بهمت فدائیان بی‌نظیرش باحسن وجه و اتقن وضع تأسیس شد علم هدایت کبرایش رفته‌رفته در شصت مملکت از ممالک مستقلّه عالم در خاور و باختر مرتفع شد و کتب نفیسه و زبر قیمه‌اش به چهل لغت از لغات شرقیه و غریبه ترجمه و طبع و منتشر گشت

دشمنان دیرینش از اهل سنّت و جماعت در اقلیم مصر بحکم رؤسای شرع حجاب ستر را بدست خویش بدریدند و حقائق خفیّه و اسرار مکنونه شریعت مقدّسه الهیّه را علی رؤوس الأشهاد اعلان نمودند و بانفصال و اصالت و استقلال شرع مبین خود بنفسه شهادت دادند و حکم صارم قاطع صادر نمودند متعاقب این قضیه نظم بدیع جهان‌آرایش نقاب از رخ برانداخت و دعائم قصر مشیدش بید حامیان دلیرش در نهایت استحکام بر حسب وصایای محکمه متقنه مرکز عهد اقومش مرتفع و منصوب گردید در خلال این احوال مروّجین مبادی سامیه‌اش در بسیط غبرا بعزمی آهنین و انقطاعی بی‌نظیر متشتّت

گشتند و با بعد مدن عالم مهاجرت نمودند و در جزائر بعیده دو محیط اعظم متوکلاً علی الله متوطن گشتند قلب ممرّد اصفای علیاحضرت ملکه معظمه را بمغناطیس محبت الله بر بودند و در اعلی المقامات کوس استقلال شرع بهاء را بکوفتند و در تشریح و تبیین اصول مدنیت الهیه و اقامه شعائر دینیّه و تنفیذ احکام الهیه و اعلان انفصال جامعه و اثبات اصالت شریعت سماویّه و تشکیل و تسجیل و تزئید عدد محافل روحانیّه و وضع دساتیر و قوانین و انظمه محکمه متینه و تشیید حظائر قدس و معاهد دینیّه و توسعه دائره مشروعات متنوعه مفیده و تألیف و ترجمه و طبع کتب و رسائل نفیسه و تعیین و ابتیاع بقاع متبرکه و مشاهد مقدسه و اماکن تاریخیّه و تأسیس اوقاف امریه در مدن و قری در ممالک مختلفه چنان همّتی بگماشتند و شهامت و بسالت و تعاون و تعاضد و ثبات و استقامتی بنمودند که عاقبه الامر سراج الهی مشعل گشت و حبه صغیره خرمی عظیم تشکیل نمود و حزب مظلوم بزرگوار شد و فئه مقهوره قلیله مبدل بهیئت جامعه و موفق و مفتخر بوضع نظمی بدیع و اعلان آئینی مستقلّ و تشریح شرعی مبین و تأسیس مدنیّتی جدید گشت

تعالت هذه القوة القدسیّة الدّافعة السّاریة فی حقائق الكائنات تعالت هذه القدرة الأزلیّة الصّمدانیّة و السّلطة البارزة الالهیّة المهيمنة علی من فی الأرضین و السّموات تعالت هذه الشّجرة المباركة المنبئة المرفوعة ثابتة الأصل غلیظة الدّوحة منشعبة الفروع ممتدة الأغصان كثيرة الأثمار سبحان من انشأها سبحان من غرسها و انتبها و سقاها و حفظها و رفع شأنها و مقامها و جعل ظلّها الظلیل ملجأً و ملاذاً للعالمین

ای ستاینندگان اسم اعظم چه مقدار عظیم است این امر الهی و چه بلند است شأن و منزلت این کور امنع افخم اکرم اعزّ مشعشع صمدانی در بیان اعظمیّت و اکملیّت و قهاریّت و جامعیت این امر فخیم و علوّ و سموّ این یوم عظیم و رفعت و جلالت و شرافت این عصر کریم این کلمات دریّات از سماء مشیّت ربّ الآیات البیّنات نازل قوله تبارک ذکره و عزّ بیانه "امروز عالم بانوار ظهور منور و جمیع اشیاء بذکر و ثنا و فرح و سرور مشغول در کتب الهی از قبل و بعد بیاد این یوم مبارک عیش اعظم برپا طویی از برای نفسی که فائز شد و بمقام یوم آگاه گشت"

"امروز آفتاب دیگر اشراق نموده و آسمان دیگر بثوابت و سیارات مزین گشته عالم عالم دیگر است و امر امر دیگر" "امروز یوم الله است و حقّ وحده در او ناطق لا یدکر فیہ الا هو" "امروز سیّد روزها و سلطان ایامهاست" "نوروز امروز است و فی الحقیقه بصر ایام است بلکه بصر عالم بان روشن عالم زمان بساعتی از ساعاتش معادله ننماید" "این یوم غیر ایام است و این امر غیر امور" "یوم یوم الله است و امر امر او طویی از برای نفسی که از عالم گذشت و بمشرق وحی الهی پیوست" "این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابه بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابه نور است از برای ظلمت ایام" "آفتاب و ماه شبه این یوم را ندیده ... شکّی نبوده و نیست که ایام مظاهر حقّ جلّ جلاله بحقّ منسوب و در مقامی بایام الله مذکور ولکن این یوم غیر ایام است از ختمیّت خاتم مقام این یوم ظاهر و مشهود" "این ظهور اعظم در جمیع کتب سماوی بذکری فوق الأذکار و بامری فوق الأمور و بنوری فوق الأنوار مرقوم و مذکور ... این ظهور در جمیع کتب بطراز تخصیص اعظم مزین" "ارض معرفت را امروز از نیسان مکرمت انباتی دیگر و ظهوراتی دیگر است این رحمت مخصوص این ایام است و این کرم لایق این اوقات" "ذره این یوم بمثابه خورشید مشاهده میگردد و قطره اش مانند دریا اگر نفسی یک نفس فی حبّ الله و لخدمته برآرد او از سیّد اعمال از قلم اعلی مسطور" "امروز بایی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجه کلّ عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جیل مشاهده میشود یک قطره آب اگر در سیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده میشود ... اگر از عظمت یوم الهی علی ما هو علیه ذکر شود البتّه اکثر ناس منصعق شوند بلکه صرعی مشاهده گردند" "مقصود از آفرینش ظهور این یوم امنع اقدس که در کتب و صحف و زبر الهی بیوم الله معروف است بوده" "براستی میگویم احدی از اصل این امر آگاه نه ... و مظاهر قبل هیچ یک بر کیفیّت این ظهور بتمامه آگاه نه الا علی قدر معلوم" "آنچه در

این ظهور امع اعلى ظاهر شده در هيچ عصرى از اعصار ظاهر نشده و نخواهد شد" و همچنين محبوب ابهى مالک ارض و سماء بلغت فصحي باين بيان اتمّ احلى ناطق "قد ظهر فى هذا الظهور ما لا ظهر فى ازل الآزال" "قد ظهر ما كان مخزوناً فى ازل الآزال فى علم الله عالم الغيب و الشهود" "قل قد اشرقت الشمس باشرافات ما اشرقت بمثلها فى اعصار القبل" "قل بشر كلّ نبيّ بهذا اليوم و ناح كلّ رسول حباً لهذا الظهور" "تالله الحقّ تلك ايام فيها امتحن الله كلّ النبيين و المرسلين ثمّ الذين هم كانوا خلف سرادق العصمة و فسطاط العظمة و خباء العزة و كيف هؤلاء المشركين"

"هذا يوم فيه فازت الأذان باصغاء ما سمع الكليم فى الطور و الحبيب فى المعراج و الروح اذ صعد الى الله المهيمن القيوم" "قل هذا فجر فيه ظهر كينونة المكنون و غيب المخزون و فيه اخذ جمال القدم كأس البقاء بأنامل البهاء و سقى أولاً بنفسه ثمّ انفق على اهل ملائكة الانشاء من كلّ وضع و شريف فى حبداً لمن اقبل و اخذ و سقى بحبه العزيز المنيع و انّ ثمرة منها نطقت بما نطقت سدرة السينا على بقعة المباركة البيضاء و سمعت منها اذن الكليم ما انقطع عن الممكنات و قرّبه الى مقرّ قدس مكين فى حبداً من جذب الله المقنن العليّ العظيم و ثمرة اخرى نطقت بما استجذب منه الروح و صعد الى سماء عزّ ميين فى حبداً من هذا الروح الذى قد قام تلقائه روح الأمين بقبيل من الملائكة المقربين و ثمرة اخرى نطقت بما استجذب منها قلب محمد رسول الله و استعرج من هذا النداء الأجل الى سدرة المنتهى و سمع نداء الله عن وراء سرادق الكبرياء عن سرّ اسمى المقدس العليّ العظيم فى حبداً من هذه السدرة التى ارتفعت بالحقّ ليستظلّ فى ظلّها العالمين" "هذا لهو الذى ارسل من عنده المرسلين و جاء من لدنه معشر النبيين" "و لو يكون مشارق الوحي كلّها فى هذا الحين الذى فيه ينطق لسان العظمة و الكبرياء و يتوقفنّ فى هذا الأمر اقلّ من آن ليهبط اعمالهم كذلك قضى الأمر من لدى الحقّ علامّ الغيوب ... تالله انه لا يقاس بما اتى و يأتي يشهد بذلك عباد مقرّبون"

"تالله قد اتى من كان مخزوناً فى افئدة الأنبياء و مسطوراً من القلم الأعلى فى كتب الله ربّ العالمين" "قل هذا لهو الذى لولاه ما ارسل رسول و ما نزل كتاب يشهد بذلك كلّ الأشياء" "هذا لهو الذى قد اخذ نقطة البيان عهده فى ذرّ البيان و محمد رسول الله فى ذرّ الفرقان و الروح فى ذرّ الانجيل و الكليم فى ذرّ التوراة و الخليل فى ذرّ الأمر ان انتم من العالمين" "و ظهر منه حجّة علىّ ثمّ برهان محمد ثمّ دليل الروح ثمّ ما اتى به الكليم و من وراء ذلك قد ظهر بسطان ما شهدت عين الابداع شبيهه و لا عيون ملائكة المقربين" "لولاه ما اشتعلت النار فى سدرة السينا على بقعة الطور لموسى الكليم و ما جعل النار نوراً لاسمنا الخليل و ما ثبت امر الله بين خلقه و ما اشرقت عن افق القدس شمس البقاء باسم ربكم العليّ الأعلى" "هذا لغلام الذى فى حبه سفكت دماء النبيين و المرسلين" "قل تالله قد رقم قلم القدس من رحيق المسك على جبينى البيضاء بخطّ ابهى ان يا ملاء الأرض و السماء انّ هذا لهو المحبوب الذى ما شهدت عين الابداع مثله و لا عين الاختراع شبيهه و انه لهو الذى قرّرت بجماله عين الله الملك العزيز الجميل" "قد خلق فى شاطئ هذا البحر بيداء ما احاط احد اولها و آخرها و فيه ارتفع نداء الله عن كلّ الأقطار و ما مرّ عليه من نبيّ و لا من رسول الا و قد اخذته نفحات الله فى هذا الواد و اذا وصلوا الى قبة الأبهى التى خلقت من نور الذات فى وسط هذا الواد خرّوا بوجوههم على التراب خضعاً لهذا الجمال الذى ظهر بالحقّ فى هذا القميص الذى يجدنّ المخلصون منه رائحة الرحمن و كذلك كان الأمر مقضياً" "هذا لظهور يظهر نفسه فى كلّ خمسمائة الف سنة مرّة واحدة كذلك كشفنا القناع و رفعنا الأحجاب" "قل انّ معراج محمد قد عرج سبعين الف سنة الى ان بلغ الى فناء هذا الباب" "قل انّ روح القدس قد خلق بحرف ممّا نزل من هذا الروح الأعظم ان كنتم تفقهون" "لعمركم انّ تالله لما نزلت الآيات من سماء المشيئة سجد النقطة الأولى و قال آمنتم بك يا مالک الوجود"

"هذا يوم لو ادركه محمد رسول الله لقال قد عرفناك يا مقصود المرسلين و لو ادركه الخليل ليضع وجهه على التراب خضعاً لله ربك و يقول قد اطمئنّ قلبى يا اله من فى ملكوت السموات و الأرضين و اشهدتنى ملكوت امرک و جيروت اقتدارک"

و اشهد بظهورك اطمأنت افئدة المقبلين و لو ادركه الكليم ليقول لك الحمد بما اريتني جمالك و جعلتني من الزائرين " ان الحبيب ينادى قد اتى المحبوب بسلطان مبین و الروح ينادى امام الوجه قد ظهر ما هو المكنون فى سماء مشية ربكم العليم الخبير و ابن عمران يقول تالله هذا ربكم الرحمن قد اتى بأمر لا يقوم معه من فى السموات و الأرضين و الخليل يقول قد اتى الجليل ان اسرعوا اليه بالقلوب و لا تتبعوا كل متوهم مريب قد ظهر سيد الأيام و فيه استقر ملك الأنام على عرش اسمه العظيم " "قد اخذ اهتزاز اللقاء طور السينا و ارتفع ندائه الأحدى فى ذكر ربه الأبهى و يقول اى رب اجد عرف قميصك كأنك تقربت بالآثار و شرفت بقدمك تلك الديار طوبى لشعبك لو يعرفونك و يجدون عرفك فويل للراقدین"

"قل قد اتى ايليا و طاف العرش فى البكور و الآصال" "قد تحركت بيت لحم من نسمة الله نسمع ندائها تقول يا رب الكريم اين استقر مجدك العظيم قد احيتنى نفحات وصلك بعد الذى اذابنى هجرتك لك الحمد بما كشفت السبحات و جئت مع القوات بجلال مبین" "قد اتصل نهر الأردن بالبحر الأعظم و الابن فى الواد المقدس ينادى لبيك اللهم لبيك و الطور يطوف حول البيت و الشجر ينادى قد اتى المقصود بمجده المنيع" "هذا يوم فيه فاز الكليم بأنوار القديم و شرب زلال الوصال من هذا القدح الذى به سجت البحور قل تالله الحق ان الطور يطوف حول مطلع الظهور و الروح ينادى من الملكوت هلموا و تعالوا يا ابناء الغرور هذا يوم فيه سرع كوم الله شوقاً للقائه و صاح الصهيون قد اتى الوعد و ظهر ما هو المكتوب فى الواح الله المتعالى العزيز المحبوب" "قد اهتز كوم الله من نسمة الوصال انه سمي بكرم ينادى قد اتى بانى الهيكل و مطهر العلل طوبى للفاثرين" "قد اخذ الاهتزاز ارض الحجاز و حركتها نسمة الوصال تقول يا ربى المتعال لك الحمد بما احيتنى نفحات وصلك بعد الذى امانتى هجرتك طوبى لمن اقبل اليك و ويل للمعرضين" "قد اخذ اهتزاز الوصال شطر الجنوب و الشمال نسمع نداء البطحاء تقول لك الحمد يا ربى الأبهى بما تزوع عرف قميص وصلك فى تلك الديار و من جهة اخرى ارتفع النداء من المسجد الأقصى يقول لك الحمد بما احيتنى نفحات قريبك بعد اذ امانتى هجرتك يا محبوب من فى الأرضين و السموات"

در كتاب مبارك قيوم الأسماء ورفاء بقا طلعت اعلى در بيان احاطه و عظمت و آهت ظهور جمال اقدس ابهى در قيامت اخرى باين نعمة جان افزا مترنم "يا قره العين لا تجعل يدك مبسوطة على الأمر لأن الناس فى سكران من السر و ان لك الكره بعد هذه الدورة بالحق الأكبر هنالك فأظهر من السر سراً على قدر سم الابرة فى الطور الأكبر ليموتن الطوريون فى السينا عند مطلع رشح من ذلك التور المهيمن الحمراء باذن الله الحكيم و هو الله قد كان عليك بالحق على الحق حفيظاً" در مقام مناجات اين كلمات عاليات از لسان آن عاشق دلداده خطاباً لمحبه الأبهى نازل "يا سيد الأكبر ما انا بشيء الآ و قد اقامتنى قدرتك على الأمر ما اتكلت الآ عليك و ما اعتصمت فى امر الآ اليك و انت الكافى بالحق و الله من ورائك المحيط و كفى بالله على الحق بالحق القوى نصيراً يا بقیة الله قد فديت بكلى لك و رضيت السب فى سيلك و ما تمنيت الآ القتل فى محبتك و كفى بالله معتصماً قديماً و كفى بالله شاهداً و وكيلاً" "سبحانك اللهم يا الهى ما اصغر ذكرى و ما ينسب الى الآ اذا اريد ان انسه اليك فلتقبلتنى و ما ينسب الى بفضلك أنك انت خير الفاصلين"

و همچنين در ذكر مقامات رفيعه و مراتب شامخه جليله پيروان جمال ابهى و متمسكين بعروة وثقاى آن جوهر وجود و مظهر معبود در اول و اعظم و اكبر كتب خود اين شهادت عليا از كلك گهريارش صادر "و لقد خلق الله فى حول ذلك الباب بحوراً من ماء الاكسير محمراً بالدهن الوجود و حيواناً بالثمرة المقصود و قدر الله له سفناً من ياقوته الرطبة الحمراء و لا يركب فيها الآ اهل البهاء باذن الله العلى و هو الله قد كان عزيزاً و حكيماً" و همچنين ميفرمايد "و قد كتبت جوهرة فى ذكره و هو أنه لا يستشار باشارتى و لا بما نزل فى البيان" و ايضاً ميفرمايد "نطفه ظهور بعد اقوى از جميع اهل بيان بوده و خواهد بود" در اين مقام مؤيداً لما صدر من فمه الدررى الطاهر المنيع اين كلمات باهرات از قلم اعلى نازل "اگر اليوم كل من فى السموات و الأرض حروفات يبايته شوند كه بصد هزار رتبه از حروفات فرقانيه اعظم و اكبرند و اقل من آن در اين امر توقف نمايند از معرضين

عندالله محسوبند و از احرف نفی منسوب" و همچنین میفرماید "اگر نقطه بیان روح ما سواه فداه این ایام حاضر بود امام وجه بتحریر مشغول میشد" در کتاب مبارک ایقان نیز در این مقام نازل "آن سلطان هوّیه قادر است بر اینکه جمیع بیان و خلق آن را بحرّفی از بدایع کلمات خود قبض روح فرماید و یا بحرّفی جمیع را حیات بدیعه قدمیه بخشند و از قبور نفس و هوی محشور و مبعوث نماید"

و همچنین از قلم معجزشیم مرکز عهد جمال قدم غصن الله الأعظم و سرّه الأقوم این کلمات عالیات صادر "حضرت اعلی روحی له الفداء میفرماید لو ارادت نملّة ان تفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السرّ الصمدانیة قد تلجلج فی حقیقة الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال مبارک روحی لأحبّائه الفداء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود" در مقامی دیگر از کلک میثاق مطابقاً لما نزل من القلم الأعلی و مؤیداً لما جرى من یراعة النّقطة الأولى این کلمات تامّات و اشارات عالیات صادر "فرنها بگذرد و دهرها بسر آید و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل طلوع و سطوع نماید ... اولیاء پیشینیان چون تصوّر و تحطّر عصر جمال مبارک مینمودند منصعق میشدند و آرزوی دقیقه‌ئی میکردند"

و همچنین میفرماید "جمیع اولیا در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آئی از ایام الله را مینمودند و در این حسرت از این عالم فانی بجهان باقی شتافتند" "جمیع ادله و براهین معقوله و منقوله مرجع و مرکزش جمال مبارک و حضرت اعلی بود و منتهی شد دیگر من بعد انتظاری جائز نه مگر بعد از پانصد هزار سال" "و اما المظاهر المقدّسة الّتی تأتي من بعد فی ظلل من الغمام من حیث الاستفاضة هم فی ظلّ جمال القدم و من حیث الافاضة یفعل ما یشاء" "این ظهور اعظم مثلش آفتابست و ظهورات سائره در اکوار سابقه و لاحقه نجوم و اقمار مگر بعد ادهار و احقاب که اقلّ از پانصد هزار سال نبوده و نباشد" "اگر در این کور بدیع و دور جدید بیصر حدید ملاحظه نمائی مشاهده میفرمائی که جهان در این تجلّی جمال قدم از مطلع اعظم بخلق جدید فائز گردیده و حقیقت وجود بجمیع کمالات غیب و شهود مزین گردیده و انوار تقدیس از افق توحید بر مطالع تجرید ساطع گشت و غمام تسبیح بامطار تمجید هامر شمس حقیقت از برج اسد لامع شد و باشد حرارت در اشرف نقطه ظاهر حال بحسب ظاهر اگرچه آثار باهره این طلوع الهی بتمامه در حیّز شهود مشهود نه اما در حقیقت وجود تحقّق یافته و بمقتضای استعداد این عباد ظاهر و عیان گردد"

یا حزب الله فی المدن و الدیار در این اوان که ختام اولین قرن ساطع الأنوار عصر جهان‌آرای جمال کبریاست محبوب است که نظری بحوادث حیرت‌انگیز این قرن عظیم از حین طلوع فجر هدی از افق آن اقلیم پرابلا الی یومنا هذا اندازیم و در تصرّقات عجیبه این امر جلیل تفکر نمائیم و وقائع جسیمه و انقلابات هائله و انتصارات باهره و تأسیسات بدیعه و مشروعات بهیّه‌اش را بیاد آریم و از آنچه واقع گشته و در اثر بروز و ظهور این قوه قدسیّه در عرصه شهود تحقّق یافته عبرت گیریم که چگونه انقلابات و امتحانات و بلایا و رزایا و زجر و حرق و طرد و نهب و ضرب و شتم و اسر و نفی و حبس و قتل هیچ یک مانع از پیشرفت این امر نازنین نگشت و فتوری در همّت پیروان و مدافعینش در اقطار مختلفه عالم احداث نمود و علّت اعتلال و اختلال در نظم بدیعی و انشقاق و انقسام و تفرقه و انشعاب در صفوف جنود مجنده‌اش نگردید بلکه اگر بنظر دقیق ملاحظه شود معلوم و واضح گردد که نفس انقلاب و تتابع مصائب و نوائب و شدائد و متاعب و محن و مصاعب ممدّ نفوذ ذاتیه‌اش گشت و بر قوه دافعه ساریه‌اش بیفزود از هبوب عواصف و بلایا و اشتداد زوابع امتحان و افتتان یوماً فیوماً ساحتش وسیعتر و عمودش مرتفعتر و اساسش محکمتر و جلوه‌اش شدیدتر و سرایتش سریعتر و سطوت و غلبه‌اش ظاهرتر و ثابت‌تر گردید هر لطمه‌ئی که از دست ستمکار بر جامعه پیروان امر پروردگار در خارج وارد گردید علّت بروز فتح و ظفری جدید شد و هر انقلابی که تدبیر و تدلیس خائن تبه‌کار در داخل ایجاد نمود مورث حدوث نصرتی عظیم و ظهور جلوه‌ئی بدیع گشت

طلوع فجر هدایت از افق اقلیم فارس و بعثت قائم موعود در مدینه طیبه معظمه منوره شیراز و فتح باب اعظم بر وجه اهل عالم در آن لیلۀ مبارکه و اظهار امر اعزّ افخم در بیت مکرم به اول من آمن و صدور آیات مهیمنه مهیجه کتاب مستطاب قیوم اسماء خطاباً للملوك و ابنا الملوك و به وزیر اعظم و بعموم ملل و طوائف در مشرق و مغرب عالم و تعیین حروفات بیانیه که بفرموده جمال قدم بصد هزار مرتبه از حروفات فرقاتیه اعظم و اکبرند و نزول توفیق منبع خطاب به شاه ایران و سلطان عثمانیان و اعزام رسول به ارض طاء مقرّ سریر سلطنت و طواف بیت الله و ابلاغ امر الله به شریف مکه و ارتفاع ندا در اقلیم حجاز و قیام حروف حیّ بتبشیر و اعلان امر بدیع در بلاد ایران و اقلیم مجاوره زلزله بارکان دولت و ملت بینداخت و علمای رسوم را بحرکت آورد و نائره فساد و بغض و عداوت را مشتعل نمود و منجر بتوقیف نفس مظهر ظهور و احضار در دار الحکومه و ضرب و تویخ و تحقیر و توهین در محضر حاکم ظالم حسین شقی و جمعی کثیر از علما و فقهای بلد و زجر و عقوبت اتباع حضرت و صدور حکم وزیر بی تدبیر بتبعید و سجن مظهر مظلومیت کبری در جبال آذربایجان و حبس در قلعه ماکو گردید این اسارت و محبوسیت در مدت سه ۳ سال در دو قلعه ماکو و چهریق و انفصال از اصحاب و احباب نتیجه اش صدور کتاب بیان و تشریح احکام و نزول آیات بینات کالغیث الهائل و تأسیس میثاق ربّ اعلی و بشارت بقرب ظهور من یتظهره الله و کشف نقاب و کسر حدود و نفخ صور در ارض بدشت بقیادت جمال ابهی و معاضدت نقطه جذیبه طاهره مطهره و همّت و شهامت جمعی از اصحاب و اعلان قائمیت بی پرده و حجاب در عاصمه ایالت آذربایجان در مجلس حکومت در محضر ولیعهد و علمای شیخیّه و فقها و مجتهدین عظام بواسطه نفس مظهر ظهور گشت این ظفر عظیم و اعلان خطیر علت فوران نار عداوت و حسد جهال گردید و رعب و خوف را در قلوب حکام و رؤسا بینداخت و دولت و ملت را در قلع و قمع حزب مظلوم متحد و متفق نمود ندای واشریعتا و وامدھا از منابر بلند شد و فئه قلیله در چنگ گرگان خونخوار بیفتاد دشمنان از هر جهت دست تطاول گشودند و بسفک دماء بریئه و نهب اموال و اسر نساء و اطفال همّت بگماشتند

در حادثه مؤلمه مازندران در مدت یازده ماه و سپس در دو واقعه هائله نیریز و زنجان و فاجعه شهادت شهدای سبعة در مدینه طهران جمعی از فحول رجال و انصار و رؤسا و حروفات بیان علقم بلا را بچشیدند و در دام اشقیا بیفتادند و بانواع بلایا و رزایا مبتلا گشتند و جام شهادت کبری نوشیدند جوهر تقدیس و سادج تنزیه طلعت قدوس اسم الله الآخر که بلقب نقطه اخری در تفسیر آیه مبارکه کُلّ الطّعام از قلم مالک انام ملقب و بشهادت منزل بیان بعدد هشت واحد از مرآت الله بر مقعد خود بوده و از شدت نار محبت او کسی قدرت بر قرب بهم نرسانده و در تفسیر صاد صمد پانصد هزار بیت از قلم معجزشیمش صادر جسد مطهر چنین نفس مقدسی را اشرار بتحریک اشقی الأشقیاء سعیدالعلماء در مدینه بارفروش قطعه قطعه نمودند و در آتش بینداختند شخص شخیص وحید اکبر که سی هزار حدیث از بر داشت و در کتاب ایقان بوحد عصر و فرید زمان خود موصوف عمّامه را از سر برداشته بگردن انداختند و بانواع بلایا معذب نمودند و جسد مبارکش را با ریسمان باسب بسته در میدان نیریز جولان دادند و در کوچه و بازار بکشانیدند و سنگ بارانش نمودند جوهر صدق و صفا و رافع رایت سودا و آیت استقامت و شهامت النجم الساطع و البدر اللامع حضرت اول من آمن که بلقب مرآت اولیّه ملقب و بشهادت قلم اعلی لولاه ما استوی الله علی عرش رحمانیّه و ما استقرّ علی کرسی صمدانیه مفتخر و تربت مبارکش را طلعت اعلی پنج میل در پنج میل شفای هر مریض و سقیم فرموده چنین نفس نفیسی در مقابله مازندران هدف تیر سردار غدار گشت

حضرت حجّت که از قلم میثاق بشخص شاخص و صاحب قول نافذ و عالم نحیر و متبحر شهیر موصوف در حادثه زنجان بکمال مظلومیت شربت شهادت را بنوشید جسد منورش را بحکم حاکم پر تللیس و تللیس از مدفن بیرون آورده و ریسمان بگردن انداخته در کوچه و بازار گردانیدند و سه ۳ شبانه روز در میدان مدینه بینداختند در خلال این وقوعات هائله و مصیبات وارده بر اصحاب اولیّه فاجعه عظمی در تبریز بلاانگیز رخ بنمود و مصیبتی اشد و اعظم بر فئه مظلومه وارد گشت امر

میرم اتابک سفاک و بی‌باک بر قتل و اعدام شارع امر اعظم و اهراق دم مطهر آن سید امم صادر شد هیکل الطف اعزّ اعلی را در هوا آویختند و صدر مقدّس را برصاص اولو البغضاء مشبک ساختند و اعضای آن جسد منیر را شرحه شرحه نمودند و در کمال تحقیر و توهین بکنار خندق در خارج آن مدینه بینداختند و در همان سنه بشهادت کلک میثاق بیش از چهارهزار نفر کشته و جمّ غفیری اطفال و نساء بی کس و پرستار پریشان و سرگشته پامال شده تلف گشتند سپس مذبحه کبری در ارض طاء در اثر حادثه رمی شاه برپا گشت و رستخیز اعظم پس از افول نجم درّی افق هدایت کبری از افق عالم برخاست آتش غضب شاهانه مشتعل گشت و سرصر امتحان باعلی درجه شدت بوزید غوغا و وضوا در اطراف و اکناف آن صقع جلیل شدت یافت و شور و آشوبی جدید در عاصمه مملکت و اکثر ولایات احداث گشت علمای عظام ناله آغاز نمودند و رؤسا و حکام بالاتفاق بر استتصال شجره الهیه و اضمحلال اصحاب باقیه و رؤسای معدوده امت مقهوره کمر همت بستند فرمان سلطانی بحکام و منتفدین در قلع و قمع طائفه بایه صدور یافت و حکام ولایات و رؤسای ملت در نهب اموال و هتک ناموس و قتل نفوس و تعرّض بر نساء و اطفال گوی سبقت را از یکدیگر برپودند

ورقه زکیه طاهره طیبه مطهره که بفرموده مرکز میثاق جمال ابهی در تقریر آفت دوران بود و در احتجاج فتنه جهان و در سلک حروفات بیانیه محشور و سرحلقه نساء دوره بیان محسوب و در ارض بدشت بنصرتی محیر العقول مفتخر در مدینه طهران پس از توقیف و محبوسیت در چنگ سیاه خونخوار گرفتار گشت و جان در سیل جانان بیاخت سید عزیز کاتب وحی و انیس و جلیس باب اعظم در جبلین شامخین در همان ایام طعمه شمشیر گشت و کاتب دیگر که رکن عظیم امر مبین و محلّ وثوق و اعتماد آن سید ابرار بود نیز برتبه شهادت کبری در این فتنه عظمی فائز شد در این اثنا یگانه ناصر امر وهّاب و مقتدای حقیقی اصحاب و احباب و درع اعظم امر حضرت ربّ الأرباب جمال اقدس ابهی بغتّه هدف سهام عموم شد و در تحت توقیف درآمد بدستور امیر سفاک و امر شاه غضبناک آن وجود نازنین و یگانه ملجأ و ملاذ مؤمنین و زعیم حقیقی پیروان امر ربّ العالمین را از نیاوران در قلب الأسد تابستان حافی الأقدام مکشوف الرّأس در تحت سلاسل و اغلال به انبار طهران حرکت دادند و چند مرتبه در راه از شمیران تا طهران برمی احجار و قدح و ذمّ از لسان اشرار مبتلا نمودند و در سیاه چال جمال ذو الجلال را مدّت چهار ماه محبوس نمودند و زنجیر قره کهر بر گردن مقدّس نهادند و با مجرمین و عاصین و یاغین محشور نمودند

در این مقام مظلوم عالم در رساله ابن ذئب بنفسه المقدّس شهادت داده و این کلمات درّیات را از قلم اعلایش صادر فرموده قوله عزّ یبانه و عظم کبریانه "در آن ایام امور منقلب و نار غضب مشتعل جمعی را اخذ نمودند از جمله این مظلوم را ... از نیاوران ... سر برهنه و پای برهنه پیاده با زنجیر به سجن طهران بردند چه که یک ظالمی سواره همراه کلاه از سر برداشت و بسرعت تمام با جمعی از میرغضبان و فرّاشان ما را بردند و چهار شهر در مقامی که شبه و مثل نداشت مقرّ معین نمودند اما سجن که محلّ مظلوم و مظلومان بوده فی الحقیقه دخمه تنگ تاریک از آن افضل بوده و چون وارد حبس شدیم بعد از ورود ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه ۳ پله سرایش گذشتیم و بمقرّی که معین نموده بودند رسیدیم اما محلّ تاریک و معاشر قریب صد و پنجاه نفس از سارقین اموال و قاتلین نفوس و قاطعین طرق بوده مع این جمعیت محلّ منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام از وصفش عاجز و روائح منتنه اش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی لباس و فراش الله یعلم ما ورد علینا فی ذاک المقام الأظلم" و همچنین میفرماید "چهار شهر در مقدمه حضرت سلطان بغدادی معذب که ذکر و شرح آن از قلم و مداد برنیاید و لسان از ذکرش عاجز و قاصر است" و در مناجاتی نیز این کلمات عالیات در وصف مصیبات وارده نازل "لم ادر من ایّ بلائی اشکو الیک اشکو یا الهی عن سجنی فی اشهر معلومات او عمّا ورد علیّ فیه من سلاسل الّذی کسرت عنقی من ثقلها او حدید الّذی کان علی رجلی عمّا اکتسبت ایدی الأشقیاء ... او اذکر یا الهی حین

الَّذِي اخذونى و اذهبونى من قرية الى مدينة و كان رأسى عرياناً و رجلى متحافياً و عنقى مغلولاً و يداى مشدوداً ثمّ اجتمعوا علىّ العباد و منهم عرفونى و منهم الذين ما عرفونى و الذين عرفونى فمنهم كانوا قائمون و متحيرون فى امرى فمنهم كانوا ان يشمتونى و الذين ما عرفونى رموا كلهم نحوى ما تيسر لهم من الحجر و الخشب كأنهم ما شربوا خمر الانصاف و ما شمّوا روائح الائتلاف فوجمالك القديمة و انوار وجهك البديعة وردوا علىّ ما استحيى ان اذكره بين يديك و القلم لن يحرك عليه و المداد لن يجرى به و اللّوح لن يحمل و النفوس لن يطيق" و در مناجاتى ديگر اين كلمات از مخزن قلم اعلى صادر "گردنى را که در میان پرند و پرنیان تربيت فرمودى آخر در غلهای محکم بستى و بدنى را که بلباس حرير و ديبا راحت بخشيدى عاقبت بر ذلتّ حيس مقرر داشتى قلّدتنى قضائک فلاندا لا تحدّ و طوّقتنى اطوافاً لا تفک"

در اين هنگام در حينى که فحول اصحاب حضرت نقطه اولى مقتول و پروان امرش اکثر مخفى و مشتت و مرعوب و نجم درى هدايت الهى غارب و جمال ابهى بمخاطرات عظيمه محاط و تحت سياست شديده واقع و در اعماق آن مقام اتن مسجون و مغلول بگتّه صاعقه غيرت الهى درخشيد و مستغاث العالمين فرياد و استغاثه مستضعفين اهل بيان را اجابت نمود در سرّ سرّ بفرموده هيکل موعود نفوس مقدّسه مطهّره زكيه تکميل گشتند و ميقات اهل بيان منقضى شد دوره اولى قرن اول عصر اعظم منتهى گشت و سرّ سنه تسع آشکار شد روح اعظم بر قلب الطف ارقّ اصفاى ممرّد سلطان قدم تجلّى نمود و جنين امر بمقام احسن التّقويم رسيد و هلهله فتبارک الله احسن الخالقين و احسن المبدعين در اعلى غرفات جنّت عليا مرتفع گشت مصداق و انّ لکم بعد حين امر ستعلمون تحقّق يافت و فرق قائم و قيوم و اعظم و عظيم واضح و معلوم گرديد و مقصود بيان طلعت اعلى اننى انا حىّ فى الأفق الأبهى خطاب به اول من اعرض عن الله ظاهر و پديدار گشت انوار صبح هدايت مرّه اخرى بر آفاق عالم پرتو انداخت و عهد اعزّ افخم اقدس جمال قدم و اسم اعظم نقاب از رخ برانداخت و بشارات و رموزات و دلالات کتاب مجيد آشکار شد و وعده صريح نقطه اولى و فى سنة التسع كلّ خير تدرکون تحقّق يافت قلم اعلى در رساله مذکوره در اثبات اين امر و ميقات آن باين بيان احلى ناطق قوله عزّ اعزازه "در شبي از شبيها در عالم رؤيا از جميع جهات اين کلمه عليا اصغا شد انا نصبرک بک و بقلمک لا تحزن عمّا ورد عليك و لا تخف أنّک من الأمنين سوف يبعث الله کنوز الأرض و هم رجال ينصرونک بک و باسمک الذى به احيا الله افئدة العارفين" و نیز ميفرمايد قوله جلّ کبريائه "در ايام توقّف در سجن ارض طاء اگرچه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قليل بود ولكن بعضى از اوقات که دست ميداد احساس ميشد از جهت اعلاى رأس چيزى بر صدر ميریخت بمثابه رودخانه عظيمى که از قلّه جبل باذخ رفيعى بر ارض بريزد و بآن جهت از جميع اعضا آثار نار ظاهر و در آن حين لسان قرائت مينمود آنچه را که بر اصغاء آن احدى قادر نه"

طولى نکشيد که زوبعه اخرى شمس طالع از افق ابهى را در پس ابرهاى تير و تاريک متوارى نمود و در سنين معدوده از فيض و اشراق بازداشت پس از خروج جمال قدم از آن سجن مظلّم فرمان رئيس الظّالمين باخراج آن محيى رمم از خاک ايران و هجرت و غربت آن جمال مبين صادر گشت پس از يك ماه مهلت در اواسط زمستان با جمعى از عيال و اطفال پس از نهب املاک و اموال بمظلوميّت عظمى به عراق عرب متوجّه و حزب مظلوم بى ناصر و معين در چنگ ظالمان متروک و گرفتار در مناجاتى که در آن ايام از قلم سلطان ظهور صادر اين كلمات حزن انگيز در وصف بلايى وارد و مصائب متواتره نازل قوله تبارک ذکره "عاقبت حکم قضا نازل شد و امر امضا بخروج اين بنده از ايران دررسيد با جمعى از عباد ضعيف و اطفال صغير در اين هنگام که از شدت برودت امکان تکلم ندارد و از کثرت يخ و برف قدرت بر حرکت نيست بعضى از اطفال از مفارقت احباب آيات فراق قرائت مينمايند و برخى بعلتّ يأس از وطن و ديار کتململ السليم ناله ميکنند و در بيابان حيرت سرگردان ميگرديد و در صحراهاى حسرت رجای ترا ميطلبيم که شايد نسيم رحمت تو آيد و احسان قديم تو دررسد"

در خلال این احوال انقلاب داخله منضمّ بلطومات خارجه گردید و باعث غیبت و هجرت جمال ابهی وحیداً فریداً بجبال کردستان در مدّت دو سال گشت علامات اوّلیّه محاربه با اصل شجره الهیّه متدرّجاً آشکار شد و رایات متشابهات در هر گوشه و کنار مرتفع گردید و رائحه حسدی بوزید که بشهادت قلم اعلی از اوّل بنای وجود عالم ... تا حال چنین غلّ و حسد و بغضائی ظاهر نشده و نخواهد شد اعلام نفاق مرتفع گشت و اخلاق حزب بابی بدرجهئی تدنّی نمود که اغیار جسور گشتند و مدّعیان محبّت ذیل امر الله را باعمال نالایقه ملوّث نمودند بفرموده جمال ابهی هر نفسی محملی بست و بهوای خود خیالی نمود بشهادت مرکز عهد و میثاق بیست و پنج نفر از اصحاب و احباب جسورانه در عراق عرب و ایران علم استقلال برافراشتند و ادّعی مقام من یظهر اللهی نمودند شخص موهوم که خود را جالس بر مسند امر نقطه بیان می پنداشت در این طوفان جدید مضطرب و هراسان و منزوی و مخفی از انظار و باغوا و اتّفاق سیّد لئیم اصفهانی که او را شهید اعظم نامیده در بغداد و کربلا اعمال شنیعه قبیحهئی را عامل که قلم از وصفش عاجز نفسی که خود را وصی نقطه اولی میدانست و بلقب مرآت ازلیّه مفتخر پرده عصمت علیّ اعلی را بدرید و آن خیانت اعظم را در غیبت جمال قدم مرتکب گشت ابن عمّ حضرت را شهید نمود و خادم الله را بتمهیدات شیطانی به طهران اعزام نمود و بقتل ملک ایران مصمّم گردانید و حکم بر قتل نفسی داد که نقطه اولی مخزن امانت حقّ و مکمن لآلی علم الهی و حرف ثالث مؤمن به من یظهره الله فرموده و علم مکنون مخزون را باو تعلیم نموده نار حبّ الهی در سنین اوّلیّه اقامت جمال قدم در عراق عرب در نتیجه این فضائع و اعمال و هجرت و غیبت آن مظهر جلال بکلّی مخمود و امر الله مهجور و دشمنان مسلّط و اصحاب در اشدّ اضطراب و در نهایت ذلّت و مسکنت و مورد طعن و شتم دشمنان و بیگانگان

جمال قدم در لوح مریم در بیان حال اصحاب پس از رجوع به دارالسلام خود شهادت داده قوله تبارک ذکره "نفسی چند مشاهده شد بیروح و پژمرده بلکه مفقود و مرده حرفی از امر الله مذکور نبود و قلبی مشهود نه" در ایران بشهادت نبیل اعظم که در آن ایام در آن دیار سیّار بود سراج امر خاموش و ارباب دواعی در جوش و خروش و نظم امر الهی پریشان و محبّین و مخلصین سرگردان و نالان و در مدینه قزوین مؤمنین بچهار فرقه منقسم و از صراط بیان منحرف در کتاب ایقان این بیان جانگداز در وصف بلایای وارده و احزان شدید بقلم اعلی مشبوت "این عبد در اوّل ورود این ارض چون فی الجمله بر امورات محدثه بعد اطلاع یافتیم از قبل مهاجرت اختیار نمودم و سر در بیابانهای فراق نهادم و دو سال وحده در صحراهای هجر بسر بردم و از عیونم عیون جاری بود و از قلبم بحور دم ظاهر چه لیالی که قوت دست نداد و چه ایام که جسد راحت نیافت ... قسم بخدا که این مهاجرتم را خیال مراجعت نبود و مسافرتم را امید مواصلت نه" و همچنین در لوح کلّ الطّعام که در آن ایام قبل از مهاجرت نازل این بیانات از قلم مولی الأنام صادر قوله عزّ اجلاله "ان یا کمال اسمع نداء تلك الثّملة الذّلیلة المطرودة الّتی خفی فی وکره و یرید ان یخرج من بینکم و یغیب عنکم ممّا اکتسبت ایدی النّاس ... فاه آه فوالذی قد استکفّ ورقاء المحزون فی صدر البهّاء لنسیت کلّ ما شهدت من اوّل یوم الذی شریتم لبن المصفّی من ثدی امّی الی حیثذ بما اکتسبت ایدی النّاس"

و ایضاً در لوح مریم جمال کبریا باین ترانه حزین مترنّم قوله عزّ کلمته "ای مریم از ارض طاء بعد از ابتلای لایحصى به عراق عرب بامر ظالم عجم وارد شدیم و از غلّ اعدا بغلّ احبّاً مبتلا گشتیم و بعد الله یعلم ما ورد علیّ تا آنکه از بیت و آنچه در او بود و از جان و آنچه متعلّق باو بود گذشته فرداً واحداً هجرت اختیار نمودم و سر بصحراهای تسلیم نهادم بقسمی سفر نمودم که جمیع در غربتم گریستند و جمیع اشیاء بر کرتم خون دل بیاریدند با طیور صحرا مؤانس شدم و با وحوش عرا مجالس گشتم ... تالله حملت ما لا یحمله البحار و لا الأمواج و لا الأثمار و لا ما کان و لا ما یکون" و نیز در قصیده ورقائیه که در ایام مهاجرت از قلم محبوب ابهی نازل این ابیات مسطور

"فطوفان نوح عند نوحی کادمی"

و ایقاد نیران الخلیل کلوعتی

و حزنی ما یعقوب بثّ اقلّه

و کلّ بلاء اّیوب بعض بلّیتی"

در حینی که اثری از تجرّد و انقطاع و استقامت و استغنا و شهامت اصحاب اولیّه حضرت اعلی بالأخصّ اصحاب قلعه مازندران و اصحاب حضرت وحید در نیریز و اصحاب حضرت حجت در زنجان باقی نمانده بود و حزب الله در شرف انحلال و اضمحلال ید غیبی از جیب اقتدار برون آمد و از مصدر امر الهی حکم رجوع صادر گشت نسیم عنایت مرّه آخری بوزید و مدینه الله بخلعت جدیدی مخلّع و مطرّز گشت خطّه دارالسلام از ورود و قیام محیی الأنام نشئه‌ئی جدید یافت و روح حیات در کالبد سرگشتگان بادیه فراق و گمگشتگان وادی ضلال جاری و ساری شد عزم الهی بر استحکام امر جدید و دفع مفاسد و تزکیه اخلاق و تربیت نفوس و انتشار آثار و ارتفاع شأن جامعه ابرار و تشتت شمل اعدا و اظهار امر اعزّ اشرف افخم ابهی قرار یافت بیت اعظم محلّ توجه عموم از خاصّ و عام و اعراب و اعجام و اکراد و علما و شاهزادگان و ارکان دولت و اجلّه اصحاب و منتسبین نقطه بیان گردید و نائره محبت الله در قلوب افسرده بفروران آمد و توقیعات منبیه و رسائل مختلفه و تفاسیر عدیده و ادعیّه متنوّعه و الواح الهیه در اثبات وحدانیت الهیه و وحدت مظاهر مقدّسه و تبیین و تشریح تعالیم سماویّه و مبادی سامیه و منع از تعرّض و فساد و جدال و نزاع و ترویج اتّحاد و اتّفاق و تحریص بتمسک بذیل صداقت و امانت و دیانت و تقدیس و تنزیه و صبر و انقطاع چون غیث هامل در لیالی و ایام نازل گردید کتاب مستطاب ایقان و صحیفه فاطمیّه و رساله سلوک متتابعاً از قلم اعلی جاری گشت و مراتب سلوک سالکین معلوم و واضح شد و تکلیف متمسکین بعروه وثقی و مستظلمین در ظلّ سدره قصوی معین گردید ختم اناء مسک احدیّه بید قدرت ربّانیّه مفتوح گشت و حوریّات معانی که در حجرات کلمات الهیه مقنّع نقاب از رخ برانداختند اخلاق تعدیل گشت و افکار روشن شد بنیان امر مستحکم گردید و صیتش ارتفاع یافت و نفوذ کلمه الله پدیدار گشت و دشمنان جسور و عنود که در کاظمین مجتمع و بتحریک شیخ خبیث و خان پرتدلیس جسورانه بر اطفاء نار موقده قیام نموده بودند مغلوب و مقهور و خجل و شرمسار گشتند

جمال قدم بنفسه المقدّس الأکرم در این مقام باین بیان ناطق قوله عزّ بهائه "بعد از ورود باعانت الهی و فضل و رحمت ربّانی آیات بمثل غیث هامل نازل و باطراف ارض ارسال شد و جمیع عباد را مخصوص این حزب را بمواعظ حکیمانه و نصائح مشفقانه نصیحت نمودیم و از فساد و نزاع و جدال و محاربه منع کردیم تا آنکه از فضل الهی غفلت و نادانی ببرّ و دانائی بدل گشت و سلاح باصلاح" حضرت عبدالبهاء مؤیداً لما صدر من القلم الأعلی نیز شهادت داده میفرماید "بعد از رجوع بهاءالله در تربیت و تعلیم و آداب و تنظیم و اصلاح احوال این طائفه جهد بلیغ نمود بقسمی که در مدّت قلیله جمیع این فساد و فتن خاموش گردید و منتهای قرار و سکون در قلوب حاصل شد" و ایضاً میفرماید "چون این اساس در قلوب این طائفه استقرار یافت بقسمی در جمیع بلاد حرکت نمودند که در نزد اولیای امور بسلامت نفس و سکون قلب و نیّت صحیحه و اعمال حسنه و حسن آداب مشتهر گشتند" و همچنین میفرماید "زلزله در ارکان عراق انداخت و اهل نفاق را همیشه خائف و هراسان داشت سطوتش چنان در عروق و اعصاب نفوذ نموده بود که نفسی در کربلا و نجف در نیمه شب جرئت مذمّت نمینمود و جسارت بر شناعت نمیکرد" نار عشق در قلوب صافیّه زکیّه چنان مشتعل شد و کلمه الله بدرجه‌ئی در ارواح نافذ گشت و محبّه الله در افئده طائفان کعبه رحمن بحدی غلیان نمود که ذبیح کعبه وفا بدست خود سر خود را از تن جدا کرد و جان خود را فدا نمود و جمعی از طائفین نیز در این فکر و خیال افتادند که خود را در منای قرب قربانی نمایند و رجال دولت از این التهاب متحیر و مضطرب و امر مبارک صادر که مهاجرین به ایران بدیار خود مراجعت نمایند

در کتاب نبیل اعظم که خود در آن ایام حاضر و ناظر بود این شهادت در وصف حال اصحاب در صفحات تاریخش مشبوت و مرقوم "نفحات نسفات صبح ظهور چنان همه را سرمست نموده و از دست برده بود که از هر خاری دامن دامن گل در بروز و از هر دانه خاکساری خرمن خرمن سنبل در ظهور ... چه خوش اوقات و خوش ایامی بود ... بیرونی بیت اعظم که خرابه‌ئی بود از دست افتاده بیمن مقدم محبوب ابهی غیرت فردوس اعلی گردید با آنکه دیوارش کوتاه با مهر و ماه هم‌سری می‌نمود و با آنکه جز یک سریر شاخه نخل خرما که محلّ جلوس سلطان اسماء بود چیزی از اسباب و زخرف دنیا در آنجا پیدا نبود دل‌های ابنای ملوک را می‌ربود ... چنان شاریان کأس وصال از ریحی جمال نشاه‌مند که در نظرشان قصور ملوک را بقدر بیت عنکبوت دوام و ثبوت نبود ... عیش و عشرتی داشتند که ملوک ارض در خواب ندیده‌اند و اکثر شبها را ده نفر بیک قمری خرمای زاهدی می‌گذرانیدند و معلوم نبود که کفش و عبا و قبائی که در آن منازل است صاحبش کیست هر کس که در بازار کار داشت کفش باو تعلق داشت و هر کس بحضور مبارک مشرف میشد عبا و قبا باو تعلق داشت حتی اسمهای خود را فراموش کرده بودند و جز هوای جانان چیزی در دل و جانشان باقی نمانده بود ... و اکثری از نفوس که طائف حول کعبه جمال بودند چنان در مقام تصفیه و تزکیه نفس مراقبت می‌نمودند که کلمه‌ئی بغیر ما اراد الله تکلم نمی‌کردند ... و هر دو نفسی با هم هم‌قسم و همعهد شده بودند که یکدیگر را متذکر نمایند و اگر یکی از آن دو نفس بکلمه‌ئی از روی هوی در مابین روز مبتلا میشد هنگام شب رفیق همعهد خود را مطلع مینمود و از او استدعای جریان آن حد را که با هم عهد نموده بودند میکرد و تا آن حد جاری نمیشد از طعام و شراب ممنوع بود"

این نهضت حیرت‌انگیز و فوران نار الهی در قلوب و تقلیب نفوس و تحسین اخلاق و ترقی افکار و تعدیل مسلک و رفتار و صدور الواح و انتشار آثار و ذلت و خذلان دشمنان تبه‌کار منتهی بکشف نقاب از وجه جمال ذو الجلال گردید در حین حرکت از زوراء به مدینه کبیره در باغ نجیبیه پس از انقضای سنین مهلت در میقات معلوم جمال مستور نقاب از رخ برانداخت و سلطان قیوم بر سریر سلطنت الهیه جالس گشت و مکلم طور بر عرش ظهور استقرار یافت روائح روح متضوع شد کون بحرکت آمد و جمیع ممکنات در بحر طهارت منغمس گردید و کلّ اشیاء بقمیص اسماء مزین گشت و سفینه حمرا بر بحر احمر جاری شد میعاد هزار و دویست و نود که حضرت دانیال در اصحاب اخیر کتابش بآن اشاره نموده در رسید و سلطان ظهور بر جمیع اشیاء بجمیع اسماء حسنی تجلی فرمود و مصداق بیان نقطه اولی و ان تمنّ علیّ بلقائک فی الرضوان و نفحاتک فی ارض السلام تحقّق یافت حسین موعود از خلف الف الف حجاب من التور قدم بیرون نهاد و رشحی از نور مهیمن حمرا بر عالمیان مبذول داشت و مالک یوم الدین بفرموده مبشر امر ربّ العالمین در انتهای واحد و ابتدای ثمانین ظاهر و باهر گشت جشن اعظم و بزم اتمّ برپا شد و ناقور افخم در کره آخری هیاکل وجود را باهتزاز آورد نسائم غفران از مهبت عنایت بر هیاکل اکوان مرور نمود و هیاکل ممکنات از تضوع این نفحات تجدید گشت و حوریّات بقا از غرف حمرا بیرون دویدند و ماء حیوان را بر عالمیان مبذول نمودند

طولی نکشید که این نهضت روحانی و اظهار امر صمدانی و کشف نقاب از وجه جمال لایزالی باعث حدوث فتنه کبری و اعظم انقلاب قرن اول عصر ابهی گشت در مدینه کبیره خلیفه اسلام و دو وزیر اعظمش عالی و فؤاد و کلای ملت با سفیر عجم متفق و پس از چهار ماه اقامت در آن مدینه جمال موعود را با آل و اصحاب مرّه آخری بذلت کبری در موسم زمستان به سجن بعید در خلف جبال در قطعه رومیلی سرگون نمودند مظلوم عالم خطاب بخلیفه اعظم چنین شهادت داده قوله جلّ ذکره "و اخرجونا عنها بذلّة الّتی لن تقاس به ذلّة فی الأرض ان انت من المطّلین و اذهبونا الی ان دخلونا فی مدینه الّتی لن یدخل فیها احد الا الذینهم عصوا امرک و کانوا من العاصین ... و ما رحموا علینا و فعلوا بنا ما لا فعل مسلم علی مسلم و لا مؤمن علی کافر و کان الله علی ما اقول شهید و علیم و حین اخراجنا عن مدینتک حملونا علی خدور الّتی تحمل علیها

العباد ائقآلهم و اوزارهم ... فلماً وردنا ما وجدنا فيها من بيت لنسكن فيها لذا نزلنا فى محلّ الذى لن يدخل فيه الا كلّ ذى اضطرار غريب ... و لن يكن لأهلئ و لذئبهم كانوا معئ من كسوة لتقبهم عن البرد فى هذا الزمهرير"

در این اثنا در سنين اولئئ ورود جمال ابهى به ارض سرّ مطلع اعراض و منبع اغماض يحيى بئ حيا كه بشهادت قلم اعلى در ابداع شبه این نفس در حبّ رياست و جاه دیده نشده و جميع اهل ابداع از احصائى حسد و بغضائى نفسش عاجز حجاب را دفعئ بدرید و چون حئء رقطا جمال كبريا را بگزید آن طير قبيح با نسر سماء علئین دعوى همپرى نمود و بخلافت معجوله متمسك گشت و بر نفسئ كه خلافت و ولايت و رسالت و مافوق آن باشارئ اصبعش تحقّق یافته بمحاربه قيام كرد فتنئ عمياء صمّا برپا شد و ضجيج و انين كروين و اهل ملاً عالين بلند گشت و عيون طلعات فردوس بر مظلوميّت جمال مبین بگريست بتحريك و دلالت آن وسواس ختّاس ناقض عهد جمال علىّ اعلى علم اختلاف را برافراخت و هيكل اعزّ ابهى را مسموم نمود و يكئ از خدّام را بر قتل مظهر معبود بگماشت متّحداً متّفقاً بنشر اراجيف و اباطيل و نسبتهاى نالايقه و مفتریات عجيبه و ايقاد نائزئ فساد و فتنه در ادرنه و مدینه كبريه مشغول گشتند و افكار دولتيان را مشوّش نمودند آتش حرص و طمع افروخته گشت و الواح نارئء در بلاد منتشر شد آنچه از قلم ابهى در حين مهاجرت از عراق در الواح شتئ نازل تحقّق يافت سامرى ظاهر شد عجل بندا آمد نعاق ناعق اعظم مرتفع گشت فصل اكبر واقع شد سنين شداد چهره بگشود جمال قدم از كلّ عزلت اختيار فرمودند و اصحاب خون گريستند و دشمنان فرحناك و اميدوار گشتند و بر جرئت و جسارت افزودند يوسف بهاء در جبّ حسد يفتاد و نئير آفاق پس از اشراق از افق عراق بكسوف مبتلا گشت و اركان امر متزلزل گرديد

در این مقام مظلوم عالم خود باين بيان دلخراش ناطق "قسم بافتاب معانى كه از ظلم اين ظالمان قامتم خم شده و مويم سفيد گشته البتئ اگر بين ىدى العرش حاضر شوى جمال قدم را نمئ شناسئ چه كه طراوتش از ظلم مشركين تبديل شده و نضارتش تمام شده تالله قلب و فؤاد و حشا جميع آب شده" "تالله يا اعرابئ لو تنظرونئى لن تعرفونئى و قد ابضّ مسك السّود من تتابع البلايا و ظهرت الف الأمر على هيئة الدّال من توالئ القضايا ثمّ اصفرّ هذا الوجه المحمّر المنير" و همچنين ميفرمايد "فيا ليت كنت فانئاً و ما ولدتنئ امئى و ما سمعت ما ورد عليه من الذّين هم عبدوا الأسماء و قتلوا منزلها و خالقها و محقّقها و مرسلها ... يا عين ابكى لضرئى و بلائئى و يا قلب ضجّ بما ورد على نفسئ قسم بذكر اعظم كه بلائئى بر اين عبد وارد شده كه مظلومان عالم از اوّل دنيا الى حين بر مظلوميّت نوحه مينمايند" "فاه آه آه ثمّ آه آه لو كان نقطة الأولى فى تلك الأيام و يشهد حزنى ليرحم بئ و يتلطّف علىّ و يشوقنئى فى كلّ حين و يؤيدنئى فى كلّ آن فاه آه ليتنئى متّ بعده قبل تلك الأيام ام كنت نسيأً منسيأً" و در مقام ديگر ميفرمايد "و كان قدّامئ ثعبان القهر و فتح فمها ليلعنئى و عن ورائئ غضنفر الغضب و يريد ان يشقّنى و عن فوقئى يا محبوبئى سحاب القضاة و يمطر علىّ امطار البلاء و عن تحتئى نصب رماح الشّقا ليحرج اعضائئى و بدنئى" و همچنين ميفرمايد "انك لو تسمع بسمعئ لتسمع بأنّ عليأً ينوح على نفسئ فى الرّقيق الأبهى و محمّداً بيكئ فى الأفق الأعلى و الرّوح يضرب على رأسه فى سماء القضاة بما ورد على هذا المظلوم من كلّ فاجر ائيمأً" قلم اعلى خطاب بآن ناقض امر حضرت ربّ الأرباب باين بيان ناطق قوله عظم سلطانه "تالله الحقّ عزّ روح الأمين رأسه عن فعلك ... و جلس حوريات الغرفات على الرّماد من ظلمك و انك تكون فى نفسك من الفرحين" "ان يا اخئ فعلت بأخيك ما لا فعل احد بأحد و وردت عليه ما بكت عنه عيون ملاّ البقاء على غرفات عزّ منيرا ... تالله بما جرى من قلمك قد خرّت وجوه العظمة على رماد السّوداء و شقت ستر حجب الكبرياء فى الجنئ المأوى و تشبكت اكباد المقربين على مقاعد القصوى و اضطربت افئدة كلّ فطن بصيرا ... تالله ما بقئ من جسدى من محلّ الاّ و قد ورد علىّ رماح تدبيرك و انك لو تنكر يشهد بذلك قلم لسان صدق عليماً" و همچنين ميفرمايد "انّا حفظنا الحية الرقطاء فى الشّتاء تحت جناحئ فلماً اشرفت شمس الصّيف تحرّكت و لدغتنئى اوّل مرئء

يشهد بذلك عباد مكرمون" و ايضاً ميفرمايد "ارتكب ما لا ارتكب نفس من الذينهم كفروا بالرّحمن في كلّ الأعصار" "لو اذكر ما فعل لن تتمّه بحور الأرض لو يجعلها الله مداداً و لن تنفده الأشياء ولو يقلّبها الله اقلماً"

متعاقب اين بليّة عظمى و رجفۀ كبرى و فتنۀ صمّا بمفاد آيۀ مباركۀ قل انّ القضاء مؤيّد لهذا الأمر و البلاء معين لهذا الظهور آثار نصر مبين و ظفر جديد متدرّجاً نمودار گردید سقوط صنم اعظم نتيجه اش اعلان امر اتمّ افخم جهرةً باهل عالم و رؤسای اديان و امم در خاور و باختر گردید شمس حقيقت كه از برج حمل در سنۀ ستّين طالع شده بود در سنۀ ثمانين از برج اسد از اعلى افق عالم اشراق نمود و در نقطۀ احتراق بدرخشيد و فائض بر آفاق گشت با وجود بلاياى لاتعدّ و لاتحصى جمال ابهى بانزال الواح و سور و رسائل شتى در ليل و نهار قيام نمود قيام تحيّر و استجذبت منه افئدة التّبين و المرسلين

جمال ابهى در اين مقام بنفسه المهيمنة على الموجودات شهادت داده قوله تبارك ذكره "بشأنى از غمام فضل امرية و سحاب فيض احديّه هاطل كه در يك ساعت معادل الف بيت نازل" و همچنين ميفرمايد "اليوم فضلى ظاهر شده كه در يك يوم و ليل اگر كاتب از عهده برآيد معادل بيان فارسى از سماء قدس ربّانى نازل ميشود و كذلك بشأن الآيات على لسان عربى بديع" و ايضاً ميفرمايد "و حال معادل صد هزار بيت در اين ارض (ادرنه) موجود و هنوز سواد نشده تا چه رسد بجلد" و همچنين ميفرمايد "از اهل بيان نفسى نه كه اثر الله نزدش موجود نباشد و من دون ذلك آنچه در اين ارض (ادرنه) موجود كتاب از تحريرش عاجز مانده اند چنانچه اكثر بي سواد مانده" بملوك ارض و خليفۀ اسلام و ملوك مسيحيه و ناپليون سوم و شاه ايران و صدر اعظم عثمانى و وكلاى سلطان و سفير ملك پارس و سفير عجم در مدينۀ كيبه و مشايخ مدينه و حكما و اهالى آن و ملأ اعجام و فلاسفة ارض خطابات مهيمنة شديدة مهيجۀ قهرية متتابعاً از يراعه مظلوم عالم صادر و در نصيحت و عتاب و انذار و كشف اسرار و بيان حقائق و اقامة دلائل و اتمام حجّت قلم اعلى ليلاً و نهاراً متحرّك در سنۀ ستّين در مدينۀ طيبة شيراز قائم موعود در قيوم اسماء معشر ملوك و ابناء ملوك را بندای جانفزاى انصرفوا عن ملك الله جميعكم على الحقّ بالحقّ جميلاً و بخطاب مستطاب اتقوا الله يا معشر الملوك عن البعد بالذّكر بعدما قد جاءكم الحقّ بالكتاب و الآيات من عند الله مخاطب ساخت در سنۀ ثمانين در ارض سرّ سلطان قيوم در سورة ملوك معشر سلاطين را باين كلمات عاليات و آيات باهرات متذكّر فرمود قوله تعالت عظمته و عظم استقلاله "ان يا ملوك الأرض اسمعوا نداء الله من هذه الشجرة المثمرة المرفوعة التي نبتت على ارض كتيب الحمراء بريّة القدس و تغنّ بانه لا اله الا هو العزيز المقتدر الحكيم ... اتقوا الله يا معشر الملوك و لا تحرموا انفسكم عن هذا الفضل الأكبر فألقوا ما فى ايديكم فتمسّكوا بعروة الله العلى العظيم و توجّهوا بقلوبكم الى وجه الله ثم اتركوا ما امركم به هواكم و لا تكوننّ من الخاسرين ان يا عبد فاذا ذكر لهم نبأ على اذ جاءهم بالحقّ و معه كتاب عزّ حكيم و فى يديه حجّة من الله و برهانه و دلائل قدس كريم و انتم يا ايّها الملوك ما تذكّرتم بذكر الله فى ايامه و ما اهدتكم بأنوار التّى ظهرت و لاحت عن افق سماء منير ... اياكم ان لا تغفلوا من بعد كما غفلتم من قبل فارجعوا الى الله بارئكم و لا تكوننّ من الغافلين ... اياكم ان لا تمنعوا عن قلوبكم نسمة الله التي بها تحيى قلوب المقبلين ... و ان لن تستنصحو بما انصحناكم فى هذا الكتاب بلسان بدع مبين يأخذكم العذاب من كلّ الجهات و يأتيكم الله بعدله اذا لا تقدرون ان تقوموا معه و تكوننّ من العاجزين ... ان يا ايّها الملوك قد قضت عشرين من السنين و كنّا فى كلّ يوم منها فى بلاء جديد ... و انتم سمعتم اكثرها و ما كنتم من المانعين ... و ان لم تفعلوا بما امرتم فى كتاب الله لن يذكر اسمائكم عنده بالعدل و انّ هذا لغبن عظيم ... دعوا ما عندكم و خذوا ما امركم الله به ثمّ ابتغوا الفضل من عنده و انّ هذا لسبيل مستقيم ثمّ التفتوا الينا و بما مستنا البأساء و الضّراء و لا تغفلوا عنّا فى اقلّ من آن ثمّ احكموا بيننا و بين اعدائنا بالعدل و انّ هذا لخير مبين ... ان يا عبد ذكّر العباد بما القيناك و لا تخف من احد و لا تكن من الممترين فسوف يرفع الله امره و يعلو برهانه بين السموات و الأرضين فتوكّل فى كلّ

الأمر على ربك وتوجه إليه ثم اعرض عن المنكرين فاكف بالله ربك ناصرًا ومعين أنا كتبنا على نفسنا نصرک فی الملک و ارتفاع امرنا ولو لن يتوجه اليك احد من السلاطين"

و همچنین به حبر اعظم و ملکه لندن و امپراطور روس و امپراطور آلمان و امپراطور نمسه و رؤسای جمهور در امریک و رؤسای کنیسه ملّت روح از بطارقه و مطارنه و اساقفه و قسسین و رهبان و همچنین به ملاً انجیل و ملاً تورات و علمای اسلام از سنی و شیعه و ملّت مجوس و رؤسای بیان و ملاً حکما و شعرا و ادبا و عرفا و تجار و صدر اعظم و وزیر خارجه عثمانی و اصحاب مجالس در ممالک و دیار جمال مختار بتبشیر دین الله و ابلاغ کلمه الله و اعلان امر الله و نصیحت و انذار در ایام اخیره اقامت در ارض سرّ و سنین اولیّه ورود بمدینه محصنه عکا مشغول گشت و الواح الهیه و توقیعات منیعه بمقامات عالیّه و جهات مختلفه متتابعاً مترادفاً فرستاد شعله امر الله بلند شد و آوازه اش به قفقازیا و دیار مصریه و سودان و بریه الشام رسید فرائض حج بیت اعظم و بیت مکرم از قلم محیی روم در الواح مخصوصه نازل و تعیین گشت و الواح صیام از یراعه مالک انام صدور یافت و سوره غصن بشارت دهنده کتاب عهد و کتاب بدیع در اثبات امر رفیع منیع و سوره مبارکه رئیس مترادفاً متواتراً از قلم عزّ نزول یافت تحیت الله اکبر بتحیت الله ابهی مبدل شد و اهل بهاء جالسین سفینه حمرا و سائرین بر قلم کبریا از ملاً بیان و امت ممسوخته یحیی بی وفا ممتاز و منفصل گشتند شیفتگان جمال احدیت و باسلان و مبارزان میدان خدمت بعزمی آهنین تأسی بجمال مبین نموده در کشف حقائق مستوره و ردّ من ردّ علی الله و بسط دعوت الهیه و نعت و مدح مظهر احدیه رسائل استدلالیه و خطب بدیعه و قصائد متعدده تألیف نمودند و حزب شیطان را مأیوس و مخذول و مخجول و منکوب نمودند اذاً تحقّق ما انبأ به قلم نیر الآفاق فی ارض العراق قوله عزّ ثنائه "اذا سمعت بأنّ سراج الحجاز ترک مشکاة العراق لا تحزن لأنّ فیہ اسرار عظیم فسیوقد فی بلور اخری و هذا تقدیر من عزیز قدیم ... قل انّ فی اخراج الروح عن جسد العراق لآیات بدیعه لمن فی السموات و الأرض فسوف تجدون هذا الفتی الالهی راکباً علی براق التصر اذاً یتزلزل قلوب المغلین" و همچنین قلم میثاق چنین شهادت داده "آن جوهر وجود در محلّ منفی بقدرتی عظمی و قوتی کبری ظاهر شد که خوف و هراس قلوب اهل آن سامان را مستولی شد که مبدا این شعله در آن خطّه (ادرنه) جهان افروز گردد"

متعاقب این قضایا از پس پرده قضا انقلابی جدید ظاهر گشت و لطمه‌ئی دیگر بر جامعه جدید التّاسیس اهل بهاء وارد شد سلطان عثمانیان باتّفاق سلطان عجم و بتحریک دو وزیر بی تدبیر و سفیر پر تدلیس و تزویر فرمانی مخصوص خطاب بمشیر مفخّم و رؤسای دیگر در تبعید و نفی مؤبد و مسجوتیت سلطان ظهور و طائفین حولش در اخرب مدن عالم که برداشت آب و هوا موصوف و منفای مجرمین و سارقین و قطع طریق محسوب بود صادر کرد و از معاشرت و اختلاط با اهالی آن مدینه نهی اکید نمود ضباط عسکریه بغتة بیت الله را محاصره نمودند و بذلت کبری جمال ابهی و آل و اصحاب را حرکت دادند چنان ولوله‌ئی برپا گشت که اغیار بر حال احباب گریستند و یکی از اصحاب در مفارقت محبوب ابهی حنجر خود را بدست خود برید در لوح رئیس این بیان اعزّ اعلی از قلم ابهی نازل قوله عزّ اجلاله "زحف الناس حول البيت و بکی علینا الاسلام و التّصاری و ارتفع نحیب البکاء بین الأرض و السماء بما اکتسبت ایدی الظالمین" دشمنان دیرین فرصت را غنیمت شمرده دست تطاول گشودند و جمعی از مظلومان را در ایران و عراق عرب و مصر دستگیر و پریشان و اسیر و شهید نمودند

در حین ورود به حصن عکا پس از آنکه سه ۳ مرتبه در عرض راه سفینه را تجدید نمودند در غرف مخروبه قشله نظام مالک انام و آل الله و مهاجرین را محلّ و مأوی معین نمودند و بدست اولاد افاعی سپردند و باب قشله را بر وجه کلّ مسدود نمودند شب اول بشهادت آن مظلوم عالم کلّ از اکل و شرب ممنوع گشتند آب طلیبند اجابت نمودند باب لقا مسدود گشت و بشهادت قلم اعلی ظلمی باسرا و غربا وارد شد که شبه آن از اول دنیا دیده نشده و شنیده نگشت مقارن این احوال غصن ابهی المخلوق من نور البهآء و کنزه و ودیعه فی هذه الدیار در سیبل حیات عباد و اتّحاد من فی البلاد فدا گشت و

برفیق اعلی اسیراً مظلوماً صعود نمود نحیب بکا بفرموده سلطان ارض و سماء از اهل سرادق ابهی مرتفع گشت و بکمال مظلومیت آن غصن شهید بدست اغیار در خارج مدینه مدفون گردید سپس فتنه داخله منظم به انقلابات خارجه و احزان وارده و رزایای متابعه گردید دجال خبیث و ابلیس پرتدلیس که بفرموده جمال ابهی از وجهش اثر جحیم ظاهر و از نفسش رائحه اهل سجین که با رفقاییش بجاسوسی مشغول و با موظفین دولت مرتبط فسادی برانگیخت و عرصه را بر مهاجرین بحدی تنگ نمود که عدهئی از اصحاب بقتل پنج نفر از آن نفوس خبیثه با وجود نهی اکید سرّاً اقدام نمودند ولوله عظمی برپا شد و جمال ابهی در مقرر حکومت احضار گردید و غصن اعظمش در لیمان اسیر غل و زنجیر گشت و بیست و پنج نفر از اصحاب در زندان محبوس گشتند صرصر امتحان بشدتی بوزید که جمال ابهی در مناجاتی که در بحبوحه انقلاب سجن اعظم نازل باین بیان ناطق قوله جلت عظمته "قد تلبل اجساد الأصفیاء علی ارض البعد این بحر قریک یا جذاب العالمین ... قد قام المشرکون بالاعتساف فی کلّ الأطراف این تسخیر قلم تقدیرک یا مسخر العالمین قد ارتفع نباح الکلاب من کلّ الجهات این غضنفر غیاض سطوتک یا قهار العالمین ... قد بلغت البلیة الی الغایة این ظهورات فرجک یا فرج العالمین ... قد طالت الأعناق بالنفاق این اسیاف انتقامک یا مهلک العالمین قد بلغت الذلّة الی النهایة این آیات عزّتک یا عزّ العالمین" اینست که در مقام دیگر در بیان اعظمیت بلایای وارده در آن ارض که مرکز میثاق به بئر مظلّم تشبیه نموده و رزایای وارده را ببلائی مبرم موصوف داشته قلم اعلی چنین مرقوم فرموده "ثمّ اعلم انّ فی ورودنا هذا المقام سمیناه بالسجن الأعظم و من قبل کنا فی ارض اخری تحت السلاسل و الأغلال و ما سمی بذلك قل تفکروا فیه یا اولی الألباب"

ولی طولی نکشید که از عربین قوت غضنفر قدرت قدم بیرون نهاد و لیل مدلهم ذلت و بلا بطلوع صبح عزّت و رخا منقضی شد تضییقات شدید بتدبیرات الهیه و وسائل غیبیه اندک اندک تخفیف یافت و عظمت و اشتهار و قدرت و غلبه ظاهره مظهر مظلومیت کبری و غصن برومند فریدش در انظار بیگانه و آشنا جلوه نمود

امّالکتاب کتاب مقدّس اقدس از قلم آن سادج روح مؤیداً لما صدر للملوک و الأمرآ و العلماء من قبل و ناسخاً لما شرع فی البیان و متمماً لما نزل علی النبیین و المرسلین نازل گشت مدینه مقدّسه و اورشلیم جدیده از آسمان نازل شد و سماء جدیده و ارض جدیده که در مکاشفات یوحنا به عروس آراسته تشبیه گشته ظاهر و باهر گشت و مرکز عهد الله و محور میثاق الله و مبین کتاب الله بتلویحی ابلغ از تصریح تعیین شد و احکام و مبادی نظم بدیع جهان آرای الهی که نقطه اولی بان در کتاب بیان بشارت داده صادر گشت در صدر این رق منشور سلطان ظهور شارع اعظم باین کلمات اکمل و اتمّ ناطق قوله عزّ بیانه "یا ملأ الأرض اعلموا انّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی کذلک نزل الأمر من سماء مشیه ربکم مالک الأدیان ... لاتحسینّ انا انزلنا لکم الأحکام بل فتحنا ختم الرّحیق المختوم بأصابع القدرة و الاقتدار یشهد بذلك ما نزل من قلم الوحی تفکروا یا اولی الأفکار" و همچنین خطاب بسلاطین عالم میفرماید قوله جلّ اعزازه "یا معشر الملوک قد اتی المالك و الملك لله المهیمن القیوم الا تعبدوا الا الله و توجّهوا بقلوب نورآ الی وجه ربکم مالک الأسماء هذا امر لا یعادله ما عندکم لو انتم تعرفون ... یا معشر الملوک قد نزل التاموس الأكبر فی المنظر الأنور و ظهر کلّ امر مستتر من لدن مالک القدر الذی به اتت الساعه و انشقّ القمر و فصل کلّ امر محتوم یا معشر الملوک انتم الممالیک قد ظهر المالك بأحسن الطراز و یدعوکم الی نفسه المهیمن القیوم ایاکم ان یمنعکم الغرور عن مشرق الظهور او تحجبکم الدنیا عن فاطر السماء قوموا علی خدمة المقصود الذی خلقکم بکلمه من عنده و جعلکم مظاهر القدرة لما کان و ما یتصرف فی ممالککم بل جئنا لتصرف القلوب ... انا ما اردنا منکم شیئاً انما ننصحکم لوجه الله و نصبر کما صبرنا بما ورد علینا منکم یا معشر السلاطین" رؤسای ادیان را قلم اعلی در این کتاب مستطاب باین خطاب مخاطب ساخته "قل یا معشر العلماء لا تنزوا کتاب الله بما عندکم من القواعد و العلوم انه لقسطاس الحقّ بین الخلق قد یوزن ما عند الأمم بهذا القسطاس الأعظم و انه بنفسه لو

انتم تعلمون تبکی علیکم عین عنایتی لأنکم ما عرفتم الذی دعوتومه فی العشی و الاشرار و فی کلّ اصیل و بکور توجّهوا یا قوم بوجوه بیضاء و قلوب نورآء الی البقعة المبارکة الحمراء الّتی فیها تنادی سدرۃ المنتهی أنّه لا اله الا انا المهیمن القیوم یا معشر العلماء هل یقدر واحد منکم ان یستنّ معی فی میدان المکاشفة و العرفان او یجول فی مضمار الحکمة و التّیابن لا وربّی الرّحمن کلّ من علیها فان و هذا وجه ربّکم العزیز المحبوب ... لو عرفتم الأفق الذی منه اشرفت شمس الکلام لبذتم الأنام و ما عندهم و اقبلتم الی المقام المحمود ... انا خرقتنا الأحجاب ایاکم ان تحجبوا التّاس بحجاب آخر کسّروا سلاسل الأوهام باسم مالک الأنام و لا تکنونّ من الخادعین" و همجنین خطاب بعموم من فی العالم این بیان اتمّ از قلم سرور امم نازل "یا ملاً الانشاء اسمعوا ندآء مالک الأسماء أنّه ینادیکم من شطر سجنه الأعظم أنّه لا اله الا انا المقتدر المتکبّر المتسخر المتعالی العلیم الحکیم أنّه لا اله الا هو المقتدر علی العالمین لو یشاء یأخذ العالم بکلمة من عنده ایاکم ان تتوقفوا فی هذا الأمر الذی خضع له الملاً الأعلى و اهل مدائن الأسماء اتقوا الله و لا تکنونّ من المحتجبین احرقوا الحجابات بنار حبّی و السّبحات بهذا الاسم الذی به سخرنا العالمین" در الواح مقدّسه در وصف اعظمیّت و اکملیّت این رقّ منیع این کلمات عالیات نازل قوله جلّ احسانه "ان اعمل یا عبد بما نزل فی الکتاب الأقدس تالله أنّه لمیزان الهدی بین الوری و برهان الرّحمن لمن فی الأرضین و السّموات ... طوبی لنفس عملت بما انزله الرّحمن فی کتابه الأقدس الذی تزین بالأحكام قل انّ الکتاب هو سمآء قد زینّاها بأنجم الأوامر و التّواهی یشهد بذلك من عنده امّ الألواح ... قل ما حدّد فی الکتاب لیس لأحد ان ینظره کما ینظر الی حدود الّتی ظهرت من ظنونات المتوهّمین ... کتاب اقدس بشأنی نازل شده که جاذب و جامع جمیع شرائع الهیّه است طوبی للقرائن طوبی للعارفین طوبی للمتفکرین طوبی للمتفرّسین و بانبساطی نازل شده که کلّ را قبل از اقبال احاطه فرموده سوف ینظر فی الأرض سلطانه و نفوذه و اقتداره انّ ربّک لهو العلیم الخبیر"

طولی نکشید که جمال ابهی پس از نه سال محبوسیّت در آن مدینه پربلا بمرج عکّا قدم نهاد و در قصر رفیع "المقام الذی جعله الله المنظر الأكبر للبشر" جالس و مستقرّ گشت باب لقا بر وجه زائرین از دیار مختلفه مفتوح شد و علم سلطان السّلاطین در خطّه هندوستان و برما و ترکستان بدست رسولان جمال رحمن منصوب گردید از امم بعیده از کلیمی و زردشتی و بودائی در سلک اهل بهاء داخل شدند و ایادی امر الله بر ایفای وظائف مفروضه مقدّسه مرجوعه قیام نمودند و مبلّغین و رافعین لواء امر مولی العالمین و اقدر الأقدیرین در اطراف و اکناف بنشر نفحات الله مشغول شدند و بطبع کتب و رسائل پرداختند خیام عزّ در صفح جبل کرمل مرتفع شد و کوم الله به صهیون بشارت داد و لوح کرمل از انامل محبوب نازل گشت وعد الهی ظاهر شد و بهاء کرمل نمودار گشت و بر اودیه و اتلال ارض جلیل و عن وراثها مدینه اورشلیم و مسجد اقصی پرتو بینداخت محلّ استقرار عرش ربّ اعلی بر حسب تعلیمات صادره از فم مطهر تعیین شد و اراده نافذ الهیّه بر انتقال رسم مطهر از ارض مقدّسه طهران به ارض اقدس تعلق گرفت اراضی مجاوره مقررّ بعثت حضرت روح مطابقاً لما اراده الله بهمتّ غصن اعظم ابهی اتباع شد و نهر اردن به بحر اعظم متصل گشت و صحف قیمه و رسائل عدیده و ادعیه مختلفه و الواح قدسیّه از قبیل اشراقات و بشارات و کلمات و طرازات و تجلیات و رساله ابن ذئب که بعضی متمّم احکام منصوصه کتاب اقدس است از سمآء وحی الهی مترادفاً نازل گردید و وحدت عالم انسانی و عدم کفایت حبّ وطن بیان احلای همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم در الواح الهی بعالمیان اعلان گشت و عظمت و جامعیت امر الله و غلبه و نفوذ دین الله رغماً لأنف ناصرالدین ظالم و عزیز جائر و یحیی بی شرم و حیا بر کلّ ظاهر و مبرهن گردید جمال قدم خود یومی از ایام باین بیان ناطق "شاه ایران چون از دست جاهلان آسیب دید آنچه کرد راه بجائی داشت ولی سلطان آل عثمان بدون سبب و جهت بر ظلم قیام نمود و ما را به حصن عکّا فرستاد و در فرمان شاهانه مقررّ داشت که احدی پیش ما نیاید و بشدّت تمام مبعوض خاصّ و عام باشیم لذا دست قدرت ربّانی بزودی انتقام کشید و سمیرین و وزیرین بی نظیرینش عالی

و فؤاد را اول بیاد فنا داد و بعد از آن دست قدرت ببرجیدن بساط عزت عزیز گشاد و اخذه اخذ عزیز مقتدر" بشهادت قلم میثاق "سجن مبارک تأیید اعظم شد و ایران از برزخی ببرزخی منتقل گردید"

و همچنین این بیان از فم مبارکش صادر "این شخص جلیل در سجن اعظم امرش را بلند کرد و نورش باهر شد و صیتش جهانگیر گشت و آوازه بزرگواریش بشرق و غرب رسید و الی یومنا هذا چنین امری در عالم وجود واقع نشده" و ایضاً این شهادت از قلم مبارکش صادر "عظمت امر بقسمی در سجن اعظم ظاهر شد که هر کس حاضر میشد گمان سلطنت مینمود در ساحت اقدسش جمیع اعناق خاضع بود و کلّ رقاب ذلیل جمیع طوائف و ملل بخضوع تام قائم و کلّ قبائل و امم ببرزگواری و عظمت و علو منزلت و سمو مرتبت جمال قدم قائل و معترف" اینست که از قلم اعلی راجع بمدینه مبارکه عکاً این بیان احلی در لوحی از الواح صادر "هذا المقام الأعلى الذی سمی مرّة بالسجن الأعظم و اخری بسماء السماء" و قبل از افول شمس حقیقت از مغرب این زندان کتاب عهد باثر من قلمه المبارک الشریف اتماماً للحجّة و اکمالاً للنعمه نازل گشت و جمال قیوم عهد وثیق از پروان امر مقدّسش بگرفت و میثاقی غلیظ بنهاد عهدی را که قلم میثاق شهادت داده که از اول ابداع نظیر و مثیل نداشته و آن کتاب مبین را شارع امر اقوم بغصن اعظمش بسپرد و مظفراً منصوراً پس از قیادت جند الهی در مدّت سی و نه سال به ممالک اخری المقامات الّتی ما وقعت علیها عیون اهل الأسماء که ذکرش در لوح رؤیا نازل گشته عروج نمود و در عالم ترابی هزاران نفوس از عشاق جمالش و پرورده ید عنایتش و متمسّکین بحبل ولایش از خود یادگار بگذاشت

غروب شمس بهاء از افق عالم ادنی و اعلان و انتشار کتاب عهد و صحیفه حمرا و تعیین مرکز و مقّر امر الله و ارتقا و جلوس مرجع منصوص بر سریر خلافت عظمی و حلول دوره ثالث قرن اعظم افخم اسنی بر حسب حکمتهای مقنّعه بالغه الهیه بهبوب اریاح قضا و حدوث خطوب و کروب توأم و مقارن گردید سفینه حمرا را امواج بلا مرّة اخری احاطه نمود و اریاح سموم از شش جهت بوزید رائحه دفرا منتشر گشت و طوفان نقض شجره الهیه را حرکتی شدید داد و تندباد امتحان زلزله بارکان جامعه اهل بهاء بینداخت و بدر میثاق در خسوف حسد و بغضای ناقضین عهد الهی مقنوع و محجوب گشت غصن اکبر نابت از سدره رحمانیه و منصوص کتاب عهد مولی البریه و پرورده لب عنایت الهیه در سنین متوالیه قصد مبارزه با لیث عرین میثاق نمود و تیشه بریشه سدره منتهی زد امانت الله را بدزدید و آیات الهی را تحریف نمود و در هدم بنیان مرصوص و هتک حرمت امر الله همت بگماشت و اسم مبارک مرکز میثاق را با اسم شیطان تطبیق نمود و هیکل عهد را رئیس المشرکین نامید و فریاد برآورد که مدّعی ظهور جدیدی پیدا شده و ندای انّی انا الله مرتفع گشته و مرکز منصوص تفوق به جمال قدم و اسم اعظم و مظهر ظهور اکمل و اتمّ نموده اغصان دیگر در نشر این اراجیف و اباطیل باو گرویدند و اوراق شجره از اهل حرم و آل الله باو پیوستند و کاتب وحی الهی و بعضی از افنان منشعبه از سدره ربّانی و عدهئی از مهاجرین و مجاورین را منحرف نموده عصبهئی تشکیل داده در قصر مبارک در حول مرقد مطهر تمرکز یافتند و در غصب خلافت و هدم بنیان الهی و تزییف و اذیت هیکل میثاق لیلاً و نهاراً جهد بلیغ مبذول داشتند و فتنه و فسادی عظیم در ارض اقدس برانگیختند و عبدالبهاء را در بیت عکاً مهجور و فرید بی انیس و معین بجز ورقه مبارکه علیا و ثمره سدره منتهی گذاشتند امت مأیوس یحیی را امیدوار نمودند و دشمنان خارجه را فرحناک و جسور گردانیدند روح مطهر را در ملکوت ابهی بیازردند و قلوب ستمدیدگان و ماتمزدگان را در ایران و اقالیم سائره بگذاختند طبع و انتشار اوراق شبهات بکمال تدبیر و منتهای تزویر اقدام نمودند و بتخدیش اذهان و القاء بغض مرکز عهد و پیمان در قلوب بیگانه و آشنا بکمال سعی و اجتهاد پرداختند یوسف بهاء چندی در جبّ حسد متواری و در لیالی از وقوع این خطب جسیم و بلیّّه جدید و زویعه شدید بحنین و انین دمساز و در آتش حسرت سوزان و روبهان نقض و ثعالب نکث در جولان و جمعی متزلزل و پریشان و مخلصین نالان و سرگردان و علامات ظهور تابوت عهد از بروق و اصوات و رعد و زلزله و برد عظیم که در مکاشفات یوحنا بان اشاره گشته در اطراف و اکناف ظاهر و نمایان

در لوحی از الواح که در بحبوحه آن انقلاب نازل مرکز میثاق حیّ لایموت باین ندای حزین مترنّم "الهی تری وحدتی و غربتی و کربتی و تشاهد نحول جسمی و ذهول نفسی و خسوف بدری و کسوف شمسی و ضعف ارکانی و تزلزل اعضائی و تزعزع وجودی و تضییق صدری و خفقان قلبی و زهاق روحی و عدم شروحو و شدّة بلائی فی سیبک و کثرة ابتلائی فی محبتک ای ربّ استأصلت الزّوابع دوحتی النّاشئة و اقلعت الزّلازل ارومتی الثّابتة و اخذتني اعاصیر البلوی و اهلکتني شدائد البأساء و الضّرّاء" "یا محبوبی ... انحنی ظهري و ابيضّ شعری و ذاب لحمی و بلی عظمی و تقطّعت کبدی و احترق قلبی و اتّقدت نار الأسی بین اضالعی و احشائی" و در مقامی دیگر میفرماید "ترانی هدفاً لكلّ سهام و غرضاً لكلّ نصال و خائضاً فی غمار البلاء و غریقاً فی بحار المصائب و الأزراء ارحمني بفضلک و جودک یا ذا الأمثال العلیا و ریّحني عن کلّ کرية و بلاء و ارحني بنداء الرّجوع الی جوار رحمتک الکبری و ارفعني الیک لأنّ الأرض ضاقت علیّ و الحیاة مريرة لدىّ و الآلام تتموج کالبحور و الأحزان تهجم هجوم الطیور علی الحبّ المنتور فنهاری من آلامی لیل بهیم و صباحی مساءً مظلم بهموم عظیم و عذبی عذاب و شرابی سراب و غذائی علقم و فراشی اشواک و حیاتی حسرات و میاهی عبرات و اوقاتی سكرات و بعزّک لقد ذهلت عن کلّ شیء و لا اکاد افرق بین لیلی و نهاری و غداتی و عشائی و سهری و رقادی بما اشتدّت الأزراء و عظم لی البلاء و عرض دآء لیس له دواء" جمال قدم بنفسه المحیطة علی ما کان و ما یكون در لوحی از الواح باین رزیّه کبری چنین اشاره فرموده "تالله یا قوم بیکی عینی و عین علیّ فی الرقیق الأعلى و یضجّ قلبی و قلب محمّد فی السّرادق الأبهی و یصیح فؤادی و افئدة المرسلین عند اولی النّهی ان انتم من النّاطرین لم یکن حزنی من نفسی بل علی الذی یأتی من بعدی فی ظلل الأمر بسلطان لانح مبین لأنّ هؤلاء لا یرضون بظهوره و ینکرون آیاته و یجحدون بسلطانه و یحاربون بنفسه و یخادعون فی امره کما فعلوا بنفسه فی تلك الأيام و کنتم من الشّاهدین" و ایضاً میفرماید "هل یمکن بعد اشراق شمس وصیّک من افق اکبر الواحک ان تزلّ قدم احد عن صراطک المستقیم قلنا یا قلمی الأعلى ینبغی لک ان تشتغل بما امرت من لدىّ الله العلیّ العظیم لا تسأل عمّا یدوب به قلبک و قلوب اهل الفردوس الذّین طافوا حول امری البدیع"

دیری نگذشت که صاعقه غیرت الهی کرّه اخری بدرخشید و انین و استغائنه مولای فرید و وحید اجابت گشت غیوم کثیفه متراکمه متلاشی شد و قمر میثاق در آسمان امر نیر آفاق جلوهئی حیرت انگیز بنمود بمفاد آیه مبارکه قل البلاء دهن لهذا المصباح و بها یزداد نوره شجره لاشرقیه و لاغربیه نابت گشت و قلزم میثاق اجساد میته را بر ساحل دمار بینداخت و اغصان یاسه و اوراق مصفرّه از سدره الهیه منفصل شد غصن اکبر بعلت انحراف بنصّ قاطع الهی تالله الحقّ لو نأخذ عنه فی اقلّ من الحین فیوضات الأمر لیصفّر و یسقط علی التراب ساقط گشت و به حطب اکبر مبدّل شد و تگرگ عذاب بر شکندگان عهد و پیمان مالک الرقاب بیارید اهل بهاء و اصحاب وفا چون سدّ قویم مقاومت سیل منهمم اراجیف فئه ناقضه را بنمودند و بثبوت و استقامتی محیر العقول مبعوث شدند و صفوف مارقین و ناکصین را در هم شکستند و در ردّ مرکز نقض و قطب شقاق رسائل عدیده متقنه متینه تألیف نمودند و انتشار دادند سدره منتهی اصلها ثابت و فرعها فی السّماء سایه بر آفاق غریبه بینداخت و فروعش بممالک نائیه فسیحه ایالات متّحده امریک در ماوراء البحار امتداد یافت آوازه امر الله در قاره اروپا مرتفع شد و علم مبینش در دو عاصمه از عواصم عظیمه غریبه منصوب گردید جمعی از مؤمنین و مؤمنات اروپا و امریک احرام کعبه مقصود بستند و بساط احزان را در ارض اقدس در هم پیچیدند و بزیرات مطاف ملاً اعلی خاضعاً خاشعاً مبتهلاً متذکراً مفتخر و نائل شدند و در حول سراج میثاق مجتمع گشتند و از انوارش استفاضه نمودند و پس از کسب تعلیمات عالیّه کامله و دستورات متقنه وافیه کافیه باوطن خود منقطعاً عن الجهات با شور و جذبی بدیع و عزمی بی نظیر و همّتی بی عدیل مراجعت نمودند و بتبشیر دین الله و تأسیس ملکوت الله پرداختند و با وجود حدوث امتحان و افتتان و انحراف و سقوط اولین مؤسس بنیان امر الهی در خطّه امریک در تأسیس مراکز جدید و مشروعات بهیه و تشکیل محافل روحانیّه قیامی عاشقانه نمودند اذاً ظهر ما بشر

به القلم الأعلى قوله عزّ و جلّ "انّه اشرق من جهة الشّرق و ظهر فى الغرب آثاره" در كتاب قيوم اسماء نقطه اولی باين خطاب بديع اهل غرب را مخاطب ساخته و آنان را باين عنایت عظيمه مخصّص داشته قوله عزّ اجلاله "يا اهل المغرب اخرجوا من دياركم لنصر الله... فأصبحوا فى دين الله الواحد اخواناً على خطّ السّوء قد احبّ الله فيكم ان تكون قلوبكم مرآة لاخوانكم فى الدّين انتم تتعكّسون فيهم و هم يتعكّسون فيكم هذا صراط الله العزيز بالحقّ و كان الله بما تعملون شهيداً" و همچنين در كتاب اقدس رؤسای جماهير آن قاره مبارکه باين شرف اعظم و دستور افخم مفتخر قوله جلّ احسانه

"يا ملوك امريكا و رؤساء الجمهور فيها... زيّنوا هيكل الملك بطراز العدل و التقى و رأسه باكليل ذكر ربّكم فاطر السّماء كذلك يأمركم مطلع الأسماء من لدن عليم حكيم... اجبروا الكسير بأيدى العدل و كسّروا الصحيح الظالم بسياط اوامر ربّكم الأمر الحكيم" و از كلك ميثاق اين كلمات باهرات راجع بممالك غربيّه و آن قاره وسيعه على الخصوص ايالات متّحده و ملّت مستعده آن نازل "عنقريب ملاحظه خواهيد كرد كه از انوار بهاءالله غرب شرق ميشود ابر رحمت پروردگار ميارد جميع قلوب سبز و خرّم ميشود... هميشه از ابتدا تا حال چنين واقع شده كه نور الهى از شرق به غرب تايبده لكن در غرب سطوح شديد يافته امر حضرت مسيح روحى فداه از شرق ظاهر شد چون پرتو نورانى بر غرب انداخت نور ملكوت در غرب انتشار بيستر نمود" و ايضاً ميفرمايد "ثمّ اعلم بأنّ الشّرق استضاءت آفاقها بأنوار الملكوت و عنقريب تتألاً هذه الأنوار فى مطالع الغرب اعظم من الشّرق و تحيى القلوب فى تلك الأقاليم بتعاليم الله و تأخذ محبّة الله الأفئدة الصّافية" و ايضاً ميفرمايد "اميد از فضل و موهبت ربّ جليل در اين عصر جديد چنانست كه اقليم غرب شرق شمس حقيقت گردد و احبّاي الهى مطالع انوار و مظاهر آثار شوند" و همچنين ميفرمايد "قطعاً امريك در نزد حقّ ميدان اشراق انوار است و كشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار" و ايضاً در لوحى از الواح منيعه خطاب بجمهور مؤمنين و مؤمنات در ايالات متّحده و اقليم كندا اين كلمات دريآت از قلم ميثاق صادر

"اى حواريون بهاءالله روحى لكم الفداء... ملاحظه نماييد كه حضرت بهاءالله چه ابوابى از براى شما گشوده است و چه مقام بلند اعلى مقدّر نموده است و چه موهبتى ميسر کرده است" و ايضاً خطاب بآن مؤمنين و مؤمنات ميفرمايد "اذا جمعتم الكلمه و اتفقتم على المقصد الاصلى و المحبّة المتّحده و حقّ من فلق الحبّة و برأ النّسمة تتألاً الأنوار من وجوهكم الى عنان الأوج الرّبيع الاعلى و يشيع صيت علوكم و يذيع آثار سموكم فى جميع الأرجاء و تنفذ قوتكم فى حقائق الأشياء و تؤثر نواياكم فى الأمم العظيمة الكبرى و تحيط ارواحكم بالكائنات كلّها و ترون انفسكم ملوكاً فى اقاليم الملكوت و متوجّاً بأكاليل جليلة من عالم اللاهوت و تصبحون قواداً لجيوش السّلام و امرآء لجنود الحياة و نجومأ فى افق الكمال و سرجأ موقدة ساطعة الأنوار بين الأنام" و ايضاً خطاب بجمهور مؤمنين و مؤمنات در آن سامان ميفرمايد "حال موقّيت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته عنقريب خواهيد ديد كه هر يك مانند ستارههاى درى درخشنده در آن افق نور هدايت بخشيديد و سبب حيات ابدية اهل امريك شديد... اين نداء الهى چون از خطّه امريك به اوروپ و آسيا و افريك و استراليا و جزائر پاسيفيك رسد احبّاي امريك بر سرير سلطنت ابدية جلوس نمايند و صيت نورانيت و هدايت ايشان بافاق رسد و آوازه بزرگواريشان جهانگير گردد" مقارن اين احوال و انتشار امر حضرت ذو الجلال در اقليم غربيّه و ارتفاع رنة الهيّه و نعمة ملكوتيه در بلدان نائية ايالات متّحده عرش مطهر نقطه اولى طبقاً لما اراده الله و بر حسب تعليمات غصن اعظم الهى پس از آنكه پنجاه سال مخفى و متوارى بود و از محلّى بمحلّى منتقل از ارض طاء محفوظاً سالمأ بساحل ارض اقدس و اصل گشت و تسليم مركز عهد جمال ابهى شد ارض اعلى در جبل كرملاً رغماً لأنف النّاقضين ابتياع گشت و حجر زاويه اش بدست حامل امانت الهيّه و مركز ميثاق ربّ البريه گذاشته شد و بنای مقدّس شروع گشت و صندوق مطهر بآن جبل مقدّس انتقال يافت

طولی نکشید که این انتصارات عظیمه و فتوحات باهره علی‌الخصوص ورود زائرین و زائرات دسته‌دسته بمدینه مبارکه بیضا و بقعه نورا محرک عرق عصبیت دشمنان لود و ناقضین جهول و عنود گردید نار حسد غلبانی جدید نمود و نائره بغضا فورانی شدید کرد حزب فتور و عصبه غرور فکر جدیدی نمودند و بوسائل دیگری تشبث نمودند نائره فساد را اشد از قبل در دوائر دولتی افروختند و بترتیب لوائح و ارسال آن بمقامات رسمیه پرداختند بحکام و ولایة بلاد و عبدالحمید پلید و رؤسای اسلام و مبشرین ملت حضرت روح متوسل و مرتبط گشتند و بکمال تذلل بذیل دشمنان متشبث شدند و بتزویر و خدعه و تدلیس و رشوه بايجاد فتن و فساد مشغول گشتند و در اعدام عبدالبهاء کمر همت بستند آیات و کلمات الهیه را تسلیم حکومت نمودند و بتصنیع مکاتیب و مراسلات افترائیه پرداختند عبدالبهاء را عدو حکومت گفتند و نسبت فساد دادند و به باب عالی نوشتند که علم عصیان را برافراخته و با مسیحیان و اهل امریک سرراً متفق گشته و در جبل کرمل قلعه‌ئی بنا نموده و رایة اختلاف و فساد را در قری و مدن مرتفع ساخته و عشائر و قبائل را تحریک نموده و خود را ابن الله نامیده و مبالغ باهظه اندوخته و اراضی وسیعه مالک گشته و معدّات حربیه حاضر و آماده نموده و در غصب مقام سلطنت و تأسیس حکومت مستقله مصمم گشته در اثر این دسائس و وسوس فرمان از طرف سلطان جائز در تجدید سجن مرکز عهد و پیمان و احبای الهی صادر گشت و هیئت تفتیشیه تعیین گردید و بمدینه عکا اعزام گشت و پس از ورود از مرکز حکومت اعضای آن هیئت با مرکز نقض و اعوان و دوستانش فوراً مرتبط گشتند و در ارسال لوائح عدیده بمقرّ سریر سلطنت اقدام نمودند و بناقضین ناکثین وعده دادند که قتل و صلب عبدالبهاء مبرم و محتوم است بفرموده مرکز میثاق نفس مدعیان و مفتریان در تحقیق و تفتیش با مأمورین سهیم و شریک شدند و مدعی و حاکم و شاهد نفوس واحده گردید

خطر عظیم بمرجع منصوص متوجه گشت و مدّت هفت سال طوفان شدید مرکز امر الهی را احاطه نمود و غموم و هموم بر قلوب یاران در ارض اقدس و ایران و اقالیم دیگر مستولی شد در کتاب وصایا که در بحبوحه آن بلایا نازل گشته این کلمات حزن‌انگیز از قلم میثاق در مقام مناجات صادر "ربّ و محبوبی و مقصودی انک لتعلم و تری ما ورد علی عبدک المتذلّل بیاب احدیتک و ما جنی علیه اهل الجفآء الناقضون لمیثاق فردانیتک التاکثون لعهد حضرة رحمانیتک انه ما من یوم الا رمونی بسهام البغضاء و ما من لیل الا و یتوا یشاورون فی ضرری فی السرّ و الخفیّ و ما من صباح الا ارتکبوا ما ناح به الملاء الاعلی و ما من مساء الا ان سلوا علیّ سیف الاعتساف و رشقونی بنصال الافتراء عند الأشقیاء ... ربّ و رجائی و معینی و منائی و مجیری و معینی و ملاذی ترانی غریقاً فی بحار المصائب القاصمه للظهور و الرّایا المضیقه للصدور و البلایا المشتهة للشمل و المحن و الآلام المفترقة للجمع و احاطتنی الشدائد من جمیع الجهات و احدقت بی المخاطر من کلّ الأطراف خائضاً فی غمار الطامة الكبرى واقعاً فی بئر لا قرار لها مضطهداً من الأعداء و محترقاً فی نیران البغضاء من ذوی القربی ... تری یا الهی یکی علیّ کلّ الأشیاء و یفرح ببلائی ذوو القربی فوعزّتک یا الهی بعض الأعداء رثوا علی ضرری و بلائی و بکوا بعض الحساد علی کربتی و غربتی و ابتلائی"

در حینی که سیل بلا منحدر و اضطراب عظیم قلوب را اخذ نموده و طائفین حول متشتت و پریشان و اهل حرم حیران و نگران و جاسوسان در حول بیت مواظب و مراقب و سفینه در بین حیفا و عکا در حرکت و حاضر و مستعدّ که هیکل میثاق را به صحرای فیزان انتقال دهد و هیئت تفتیشیه در مدینه حیفا و اطراف مقام اعلی بتفحص و تجسس مشغول و ناقضین سبک‌مغز در وجد و سرور که ناگاه بمفاد آیه مبارکه قل انّ القضاء مؤید لهذا الأمر و البلاء معین لهذا الظهور ابرهای متراکمه دفعه واحده منقشع و متشتت شد و پرتو تأیید ساطع و باهر گشت افق تیر و تاریک روشن شد و بدر میثاق که سنین عدیده بخسوف حسد و بغضا مبتلا بود اشراقی جدید نمود واقعه هائله و حادثه خطیره زلزله بارکان مدینه کبیره بینداخت و توپ خدا

بفرموده حضرت عبدالبهاء صدا نمود و شهريار ظالم را بحدی مرعوب و مضطرب ساخت که از تحقيق و تعقيب قضيه منصرف شد

طولی نکشید که شورش عظیم در عاصمه آن اقلیم برپا گشت و مشروطیت در تمام آن مملکت اعلان گردید منقون سیاسی کلّ از قید اسارت برهیدند و سلطان جبّار خود مبتلا و گرفتار شد و مخلوع و منفی گشت و رقای ایکه عبودیت از قفس سجن اعظم پس از چهل سال محبوسیت رهائی یافت و در دامنه کرم الهی ایامی چند لانه و آشیانه اختیار کرد و در همان سنه که سلطان عثمانیان از اوج عزّت بحضیض ذلّت بیفتاد حامل امانت الهیه بدست مبارک خویش هیکل مقدّس نقطه اولی و عنصر اعزّ الطّف اطهر اعلی را پس از آنکه مدّت شصت سال از محلّ بمحلّی منتقل در صندوق مقدّس بنهاد و در حضور جمعی از یاران شرق و غرب در مقام اعلی در قلب کرمل مقابل قبله اهل بهاء روضه غنا و بقعه مطهّره مقدّسه علیا و محطّ رحال ملاً اعلی و در قرب مقام حضرت ایلیا استقرار داد اولین معبد بهائی در مدینه عشق بنا گشت و اراضی اولین مشرق‌الذکار امریک امّ المعابد غرب ابتیاع شد و اولین محفل روحانی بهائی در ممالک غریبه بر حسب دستور مرکز عهد مولی البریه انتخاب و تأسیس گشت سپس اولین مؤتمر ملّی بهائی در امریک در مدینه شیکاگو تشکیل شد و هیئت تنفیذیه مشرق‌الذکار از طرف عموم وکلای بهائیان آن دیار انتخاب گشت و اراضی معبد رسماً باسم آن هیئت منتخبه انتقال یافت مدارس بهائی در عاصمه اقلیم ایران و نقاط دیگر متتابعاً تأسیس گشت و عدد محافل مقدّسه روحانیّه در موطن اصلی جمال قدم در اثر کلک دائم الجولان مرکز عهد اقوم تزیاید یافت مجاهدین امریک از رجال و نساء دامن همّت بر کمر زدند و لسان بتبلیغ گشودند و باقالیم بعیده و جزائر محیط اعظم مسافرت نمودند و در کشور مقدّس ایران اقامت اختیار کردند و بتقویت معاهد جدید التّأسیس آن اقلیم پرداختند آوازه امر الهی بممالک آلمان و چین و ژاپان و عربستان و جزائر محیط در شرق اقصی برسید و دائره نشریات و مطبوعات امریه در دو قاره اروپ و امریک اتّساعی عظیم و سریع یافت الواح عدیده و صحف قیمه الهیه بلغات مختلفه ترجمه و طبع و منتشر گردید و بر اشتها آئین الهی بیفزود

در خلال این احوال پس از استقرار عرش مطهّر و انجام این مشروع خطیر و تأسیس بی نظیر مرکز عهد ربّ قدیر آهنگ آفاق غریبه نمود و در مدّت سه سال در دیار مصریه و انگلستان و فرانسه و آلمان و مجرستان و نمسه و در قریب چهل مدینه از مدن مهمّه ایالات متّحده و اقلیم کندا سیار گشت و در مجامع عظمی و انجمنهای لاتعدّ و لاتحصی و دارالفنونهای مهمّه و کنائس مسیحیان و معابد کلیمیان و مجامع زنادقه و اشتراکیون و صلحجویان و فلاسفه و ما دونها با وجود ضعف مزاج و تقدّم سنّ نعره یابهاه‌الابهی برآورد و باثبات حقیقت الوهیت و وحدت مظاهر مقدّسه و ابلاغ امر بدیع و بسط مبادی سامیه اساسیه و کشف اسرار مدنیت الهیه و حلّ مشاکل اقتصادیه و اعلان وحدت عالم انسانی و انذار بوقوع بلای ناگهانی بی پرده و حجاب لیلاً و نهاراً پرداخت حجر زاویه اولین مشرق‌الذکار امریک را در ایّام رضوان بنهاد و مقصد اصلی عهد وثیق و میثاق غلیظ جمال ابهی را در مجمع پیروان امر عزیزش در مدینه میثاق مکشوف و مدلل ساخت در انجمن شور روحانی نمایندگان مراکز امریه آن اقلیم وسیع بنفسه حاضر شد و روح حیات در کالبد مشروعات بهیه جدید التّأسیس علمداران حزب مظلوم بدمید کتائب تأیید متتابعاً نازل شد و ولوله عظیم در آن قطر کریم در دلها بیفتاد آهنگ تسییح و تقدیس در مجامع عظمی بلند شد و فریاد یابهاه‌الابهی و یاعلی‌الاعلی قلوب جمّ غفیری را باهتزاز آورد و اوصاف و نعوت امر ابهی و مرجع اهل بهاء در جرائد و مجلّات و کتب و صحائف لاتعدّ و لاتحصی منتشر گردید بلایای وارده بر جمال قدم و مظلوم عالم و شهادت مبشّر اسم اعظم و اهراق دماء برینه پیروان امر اعزّ افخم اثر و ثمرش پدیدار گشت و شدّت و ذلّت عظمی برخا و عزّت کبری مبدل شد در لوحی از الواح که در ایّام توقّف در اقطار غریبه از یراعه میثاق صادر این کلمات عالیات مسطور "وعده‌هایی که از فم مطهّر شنیده بودم کلّ تحقّق یافت و هذا من فضل ربّی الابهی" در سفرنامه مبارک مدوّن و مذکور که یومی از ایّام "برای

مجلس ثالث تشریف میبردند از شدت مسرت صدای مبارک چنان بلند بود که هنگام تاخت و تاز کالسکه عابریں صوت مبارک را میشنیدند میفرمودند ای بهاءالله چه کرده‌ئی ای بهاءالله بقرابانت ای بهاءالله بفدایت ایام را بچه مشقت و بلا گذرانیدی چه مصائبی تحمّل فرمودی آخر چه اساس متینی نهادی و چه علم مبینی بلند نمودی" و ایضاً در آن سفرنامه مذکور "وقتی حین مشی و گردش در ذکر و یاد جمال مبارک ناطق و عباراتی حزن‌انگیز ذکر ایام سلیمانیه و وحدت و مظلومیت طلعت قدم میفرمودند با آنکه مکرّر این حکایت را فرموده بودند ولی آن روز بغتۀ حال مبارک منقلب شده های‌های بنای گریه گذاردند بقسمی که صدای مبارک تا دور میرفت و جمیع خدام بگریه درآمدند و از استماع بلایای جمال قدم و رقت قلب سرّ اکرم کدورت و اندوه شدید روی نمود"

متعاقب این نصرت عظیم و اعلان امر مقدّس در آن قطر کریم و مسافرت و قیام حیرت‌بخش فرع منشعب از اصل قدیم که در ادوار سابقه و عصور غابره سابقه نداشته و ذلت و خذلان خصم خصیم و عدوّ لئیم و ناقض ائیم الّذی رجع کیده الی نحره و بآء بغضب من الله نائره جنگ بین‌المللی بغتۀ مشتعل گشت و اندازات صریحه قلم ملهم میثاق تحقّق یافت ارکان هیئت اجتماعیه متزلزل شد و سیل بلا بر عالمیان منحدر گشت و انقلاباتش به ارض اقدس سرایت نمود و در مدّت چهار سال مقامات مقدّسه را در مرجع عکا و جبل کرمل در مخاطره عظیم بینداخت مقابلید امور بدست جمال سفاک و بی‌باک سپرده شد و فتنه‌ئی جدید برپا گشت عصبه غرور و اصحاب فتور که از تابش انوار تأیید و مهابت غرّش شیر بیشه میثاق مرعوب و متشتت و مأیوس و متفرّق گشته بودند مرّه آخری امیدوار گشته فرصت را غنیمت شمردند و بتولید فساد و نشر اراجیف و تخدیش اذهان پرداختند با بیگانگان مرتبط شدند و در اجرای مقاصد و تحقّق نوایای سیئه خویش همّت بگماشتند ابواب مخابره و مراسله با مراکز امریه در شرق و غرب مسدود گشت و بیم و اضطراب بر قلوب جمعی از یاران در خاور و باختر مستولی شد سالار غدار بخاصّانص صریحاً اظهار نمود و کراراً تهدید کرد که پس از فتح اقلیم مصر و شکست و مغلوبیت دشمنان خارجه بدفع ضرّ مفسدین داخله و اعدام مرکز میثاق علی رؤوس الأشهاد حتماً اقدام نماید و مقام مقدّس را منهدم سازد و با خاک یکسان نماید شدائد و رزایا از داخل و خارج مرکز امر بهاء را در مدّت چهار سال احاطه نمود و اشتعال نار جنگ و قتال و حدوث آفات و ورود اخبار موحشه و سدّ سبل و انقطاع اخبار بر احزان مستولیّه بر قلب مرکز امر کردگار بیفزود در مناجاتی که در ایام جنگ از قلم میثاق صادر این کلمات مسطور "الهی الهی تری قد اشتدّ الظلام الحالک علی کلّ الممالک و احتترت الآفاق من نائره التّفاق و اشتعلت نیران الجدال و القتال فی مشارق الأرض و مغاربها فالدماء مسفوکة و الأجساد مطروحة و الرؤوس مذبوحة علی التراب فی میدان الجدال ربّ ربّ ارحم هؤلاء الجهلاء و انظر الیهم بعین العفو و الغفران و اطفئ هذه النّیران حتّی تنقشع هذه الغیوم المتکاثفة فی الآفاق حتّی تشرق شمس الحقیقه بأنوار الوفاق و ینکشف هذا الظلام و یستضیء کلّ الممالک بأنوار السّلام ... ربّ قد طالّت الحروب و اشتدّت الکروب و تبدّل کلّ معمر بمظمور ... ربّ ابعث فی بلادک نفوساً خاضعةً خاشعةً منورةً الوجوه بأنوار الهدی منقطعةً عن الدّنیاء ناطقةً بالذکر و الثّناء ناشرةً لنفحات قدسک بین الوری"

طولی نکشید که باثر این مناجات جنگ جهان‌سوز پایان رسید و مرکز امر الله و دو بقعه مقدّسه مطهّره نورا از خطر عظیم برهید سپاه انگلیز غالب و منصور گشت و جمال پروبال مغلوب و مقهور شد و بسرعت تمام فرار اختیار کرد و خائب و خاسر گشت دولت قاهره در ارض مقدّسه علم برافراخت و سالار انگلیز بر حسب تعلیمات و سفارشات اکیده وزیر خارجه بشرف مثول فائز گشت و در حضور مرکز میثاق بزیرت مرقد نیر آفاق فائز و نائل شد مخاطرات عظیمه که در مدّت شصت و پنج سال در اثر تعدّیات و تجاوزات حکّام و مأمورین عثمانی در عراق عرب و مدینه کبیره و ارض سرّ و حصن عکا جمال ابهی و مرکز میثاق را احاطه نموده بود بکلی زائل شد و سدّ منبع مرتفع گشت مصداق آیات کتاب اقدس ظاهر شد و حنین برلین

مرتفع گشت و امپراطوری آلمان و نمسه منقرض شد و وسائل هجرت و توطن ابناء خلیل و وراثت کلیم در اراضی مقدسه فراهم گشت باب لقا بر وجه مشتاقان و سوختگان آتش حرمان مفتوح شد و دائرهٔ مخابرات و مراسلات وسعت یافت الواح عدیده و رسائل متعدده از قلم میثاق نازل و بسرعت تمام و بکمال آزادی در اطراف جهان منتشر گشت فرمان الهی خطاب بفارسان مضممار خدمت در امریک رسماً ابلاغ گشت و یرلیغ بلیغ تبلیغ که بصورت الواح مخصوصه از قلم میثاق خطاب بجمهور مؤمنین و مؤمنات در آن دیار صادر در انجمن روحانیان در عید رضوان در آن سامان تلاوت گشت و اعلان شد نقشهٔ بدیع معبد عظیم الشان یاران را در آن سامان هیئت نمایندگان باتفاق آراء انتخاب نمودند و بوضع اساس آن بنیان قوی الأركان پرداختند ورقهٔ زکیهٔ شهیره فخر المبلّغین و المبلّغات قدم بمیدان تبلیغ نهاد و باستقامت عظمی برخاست و پرچم موهبت کبری را بانقطاع و شجاعتی بی نظیر مرتفع نمود جمعی از مؤمنین و مؤمنات باقالیم بعیده مسافرت نمودند و بفتح قارهٔ استرالیا و ندای بملکوت الله در اقلیم برازیل در قارهٔ جنوبی امریکا و افریقیای جنوبی و ممالک ایطالیا و سویس و هولند و مجرستان و تونس مفتخر گشتند در ارض اقدس صیت عظمت و قدرت و بزرگواری طلعت میثاق یوماً فیوماً بر ارتفاع بیفزود و مغناطیس حبش قلوب جمعی را از وزرا و امرا و علما و ادبا از انگلیز و عرب و عجم بر بود کلّ از خاصّ و عام بیارتش مفتخر و از انوار هدایتش مستفیض و بر خوان نعمتش جالس و از بحر جود و کرمش مستمدّ و بحمد و ستایش و شکرانهٔ نعم و آایش ناطق ناقصین حسود و جحود چون موش کور در حفرات خود خزیده و از تلالؤ انوار کوکب میثاق حیران و پریشان

إذا تمّ ما صدر من قلم الميثاق "این نفوس بمنزلهٔ بعوضند چندی در گل و کثافات خویش میغلطند یک عربدهٔ می اندازند و عاقبت کأن لم یکن شیئاً مذکوراً معدوم گردند" "و سترون انّ الأشعة الساطعة من شمس الميثاق احاطت الآفاق و تزلزلت ارض الشبهات و فاض غمام العهد و غیض غدیر النقص یومئذ ترون جمال العهد مستقرّاً علی کرسیّ الجلال و آیات الميثاق تنلی علی الآفاق" و همچنین در لوحی از الواح از قلم مرکز عهد در بیان عظمت میثاق الهی این کلمات عالیات صادر "ای یاران الهی سراج میثاق نور آفاق است و حقیقت عهد موهبت اشراق کوکب پیمان مه تابان است و اثر قلم اعلی بحر بی پایان ربّ مجید در ظلّ شجرهٔ انیسا عهدی جدید بست و میثاق عظیمی بنهاد ... آیا در هیچ عهد و عصری و زمان و قرنی چنین عهدی تحقق یافته و یا میثاقی باثر قلم اعلی دیده شده لا والله" و همچنین میفرماید "قوة میثاق مانند حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید و نشو و نما بخشد بهمچنین نور میثاق عالم عقول و نفوس و قلوب و ارواح را تربیت نماید" و همچنین میفرماید "العهد الذی اخذه الله فی ذرّ البقاء لمركز الميثاق" و در مقام دیگر میفرماید "هذا الميثاق الذی اخذه الله تحت شجرة انيسا یوم ظهوره و اشراقه فی ذرّ البقاء ثمّ تجسّم و تمثّل فی ملکوت الاعیان علی صورة لوح منقوش بالقلم الأعلی سبحان ربّی الأبهی" و ایضاً میفرماید "سبب اقوی و ذیل رداء کبریا عهد و پیمان حضرت یزدان است ... بدان عروهٔ وثقی که از اول ابداع در زبر و الواح و صحف اولی نازل عهد و میثاق است و ایمان و پیمان مختار علی الاطلاق" و ایضاً میفرماید "این گوهر یگانه در آغوش صدف ملکوت ابهی پرورش یافته و در سلک قلم اعلی درآمده و از اول ابداع نظیر و مثیل نداشته" و همچنین در لوحی از الواح این بشارت عظمی مسطور "قد رجع حدیث یوسف فی نفس عبدالبهاء و القوه فی البئر الظلماء اهل الجفاء و سیرد رائد البقاء و یدلی دلو الوفاء و یقول یا بشری هذا غلام البهّاء و یرضه فی معرض مصر العلی و یتجلّی بنور الميثاق عن مطالع الآفاق و ینجو من سجن اوهام اهل الشبهات و یرضه الله عزیزاً بعدما امسی ذلیلاً بین متبعی المتشابهات و مهملی المحکّمات و یقول المتکبرون تالله الحقّ انّ الأمر مشرق لائح سبحان من اختارک و جعلک مظهر التأيید و مرکز العهد الجدید" و ایضاً در بیان عظمت میثاق الهی این کلمات صادر "الیوم میزان کلّ شیء و مغناطیس تأیید عهد و میثاق ربّ مجید است ... و اگر روح القدس مجسّم گردد فرضاً ادنی توقّف نماید قسم به جمال قدم روحی لأحبّائه الفداء

که جسم معوّق و جسد معطل گردد ... و بالفرض طفل رضیعی بثبات و رسوخ تام قیام نماید جنود ملکوت ابهی نصرت او نماید و ملأً اعلی اعانت او کند عنقریب این سرّ عجیب آشکار گردد"

رجفۀ کبری و مصیبت دهما افول نجم درّی میثاق جمال ابهی و صعود یگانه مرجع منصوص و پشتیبان اعظم اهل بهاء و انفصال غصن برومند اعزّ اعلی از عالم ادنی و فقدان اب حنون و مولای بیهمتا بساط احزان را مرّۀ اخری بگسترانید و انقلابی جدید و وحشت و دهشتی عظیم احداث کرد خفاشان بحرکت آمدند و از حفرات یأس بیرون دویدند و جولانی نمودند و عریدهئی انداختند سالار نقض که سر در جیب خمول فرو برده بود فقدان درع اعظم امر الهی را غنیمت شمرده علم برافراخت و پای بفشرد و بحکم قد اصطفینا متمسک گشت و بنشر اراجیف و تحریک و تدلیس و تخدیش اذهان مشغول شد تا بنیان الهی را که بقوۀ بازوی همایون غصن یزدانی و سلوک و رفتار و بیان معجزشیمش در عالم امکان محکم و استوار گشته از بنیاد براندازد و امور مستقیمه را معوّج نماید و زحمات بیست و نه سالۀ آن مولای فرید را هدر دهد و عالمی را بخسران اندازد مثنی از نفوس موهومۀ واهیۀ سافله باو گرویدند و در ایجاد رخنه و انشقاق در جامعه بین المللی پیروان نیر آفاق همّت بگماشتند زعیم ثانی و جمعی از بلها و بلدا از خویش و اعوان در حول مقام مقدّس مجتمع گشتند و بجسارت تمام مفتاح آن مقام را از پاسبان و باغبان روضۀ مبارکه غصب نمودند و بولایة امور و رؤسای شرع متوسّل گشتند و بنشر اراجیف و هذیانات و کلمات لایسمن و لایغنی مشغول شدند و ادّعی اولویّت در تولیت مطاف ملأً اعلی و قبلۀ اهل بهاء نمودند فائق ارمنی با عدّهئی از جهلا در مدینۀ قاهره جمعیه علمیه را بهانه نموده بتخریب بنیان محفل روحانی و تشتیت شمل یاران و استحکام اساس ریاست خود قیام نمود و فساد عظیم برپا کرد زنی در امریک خودسرانه و جسورانه فریاد برآورد که وصایای مقدّسه مرکز عهد ربّ البریه بی اصل و معقول است و از درجۀ اعتبار ساقط و بکمال جدّیت و عناد در امریک و انگلستان بر اثبات مدّعی خویش برخاست و مبالغی در این سیل مصروف نمود و بحکومت فلسطین ملتجی گشت و وجهی فرستاد و اصرار و ابرام نمود که ولایة امور خود در این امر خطیر تحقیق نمایند و اقامۀ دعوی کنند و این تزویر و خدعه را در جمیع اطراف اعلان نمایند نفسی که از مؤسّسین امر اللّٰه در اقلیم آلمان محسوب و در سلک مبلغین محشور در دام این نفس غافلۀ محتجبه گرفتار گشت و از منهج قویم منحرف شد و بعضی را با خود همراه نمود و بذلت دارین مبتلا گشت قطره آسنه آواره بیچاره بر اطفاء نار موقده الهیه بهمّت تمام و بغضای عظیم و امیدواری کامل قیام نمود و بمقاومت امواج طمطام اعظم برخاست بلحنی شدید و عباراتی شنیع و تاویلاتی رکیک و کلماتی قبیح بر تحقیر و تزییف و توهین امر اعظم در تألیفات متابعه اش قیام کرد و بنشر اراجیف و هذیانات مدّتی مدید مشغول شد و بزعم باطلش کشف الغطاء نمود و آئین نازنین را رسوای خاصّ و عام کرد و شریعۀ سمحۀ بیضا را از بنیاد برانداخت با علمای سوء و مبشّرن ملّت حضرت روح و دشمنان دیگر مرتبط شد و روی اعدای پیشین را سفید نمود و از افترا و بهتان چیزی باقی نگذاشت و بخود وعده داد که در اندک زمانی امر اللّٰه را مستأصل و نظم الهی را پریشان و حزب اللّٰه را متشتت و مضمحل گرداند و اثری از دین اللّٰه در خاور و باختر نگذارد دشمنان دیرین که در عراق عرب مدّتی مواظب و در کمین بودند و از اشراق انوار امر جهان افروز الهی و اقدامات مرکز عهد یزدانی در تعمیر و ترمیم بیت اعظم در مدینة اللّٰه در سنین اخیره برآشفته و در اشدّ هیجان صعود مرکز پیمان را غنیمت شمرده دست تطاول گشودند و آن مقرّ مقدّس را جائزانه تصرف نمودند و اولیای امور را با خود متفق ساختند و ولوله و آشوبی انداختند و باستحکام تعدّیات و تجاوزات خویش بهمّت تمام پرداختند اذّاً ظهر ما اخبر به القلم الأعلی فی السنّة الأولى فی ارض السّرّ قوله المبارک المنیع "ثمّ اعلم بأنّ لیس هذا أوّل وهن نزل علی بیّتی و قد نزل من قبل بما اکتسبت ایدی الظّالمین و سینزل علیه من الدّلّ ما تجری به الدّموع عن کلّ بصر بصیر کذلک القینا الیک بما هو المستور فی حجب الغیب و ما اطّلع علیه احد الا اللّٰه العزیز الحمید ثمّ تمضی ایّام یرفعه اللّٰه بالحقّ و یرفعه علماً فی الملک بحیث یطوف حوله ملأً العارفین"

این بحران شدید و هیجان عظیم پس از افول کوکب میثاق و این لطامات متتابعه و قیام دشمنان داخله و خارجه و تعدّیات و تجاوزات اعداء دینی و سیاسی و دسائس و وساوس خصماء قدیم و جدید بمفاد آیة مبارکه قل انّ الاعراض من کلّ معرض مناد لهذا الأمر و به انتشار امر الله و ظهوره بین العالمین بر اشتهاار امر الله و استحکام بنیان رصین و رزین بیفزود شعله‌اش افزونتر گشت و صیتش مرتفعتر شد بشهادت قلم میثاق خرق علّت التیام و منع باعث تشویق گشت اهل وفا پرورده ید عنایت حضرت عبدالبهاء کثّله واحده قیامی عاشقانه نمودند و در حصن حصین وصایای مقدّسه متحصّن گشتند و متوکلاً علی الله بتأسیس نظم بدیع قیام نمودند و بایفای وظائف مقدّسه مفروضه مرجوعه مشغول گشتند

طولی نکشید تأیید شدید متتابعاً برسد و قوه قدسیّه نبعانی جدید نمود و وعد صریح الهی و نراکم من افقی الأبهی و نصر من قام علی نصره امری بجنود من الملائع الأعلی و قبیل من الملائکة المقرّین ظاهر و آشکار گشت دشمنان جسور مرّه اخری منکوب و مخذول گشتند و امر الهی نافذ و غالب گشت مفتاح آن مقام مقدّس پس از تحقیقات کامله از طرف مقامات رسمیه بواسطه حاکم انگلیز در جوار آن مرقد منور تسلیم همان پاسان و باغبان گردید و مفتریات و وساوس جهلا و بلها بر ولایة امور واضح و مبرهن گشت و مجهودات و مساعی خائنین و مغرضین و مستکبرین و طالبین ریاست کلّ بهدر رفت بلکه نتیجه بالعکس بخشید قضیه بیت اعظم جمال قدم شهرتی عظیم یافت و از محکمه شرعیّه جعفریه بمحاکم اهلیّه و سپس بمحکمه علیا در آن ارض منتقل گشت و اخیراً در بساط جمعیه امم مطرح مذاکره و مناقشه در بین نمایندگان ممالک مختلفه و وزرا و سفرا و وکلای دول شرقیه و غربیه واقع گردید و عاقبه الامر پس از تحقیقات کامله ظلم و تعدّی شیعیان ثابت و مبرهن گشت و تظلم بهائیان مقبول واقع شد و شهادتی خطیر رسماً صریحاً از طرف عصبه امم اعلان گشت و نصّ شهادت در نشریات رسمیه و جرائد مختلفه در شرق و غرب منتشر گردید و بحکومت بریطانیا از طرف نمایندگان حکومت مختلفه سفارشات اکیده کتیباً و رسماً ابلاغ گردید که بحکومت عراق تعلیمات لازمه در محافظه حقوق مسلوبه مظلومین و دفع شرّ غاصبین صادر گردد در خلال این احوال بر حسب تعلیمات الهیه و مطابق وصایای وافیه متقنه اکیده صریحه نظم اعظم ولید میثاق جمال قدم بأحسن ما یمکن فی الابداع بدست حامیان امر الله و بانیان قصر مشید دین الله تأسیس گشت و قوائم و دعائم دیوان عدل الهی در خاور و باختر متدرجاً منصوب گردید

قوه قدسیّه که در مدینه طیبه شیراز نقطه بیان در سنه ستین بان بشارت داده و در سنه تسع در ارض مقدّسه در زندان طهران متولد گشته و تصرفات اولیه اش در مدینه الله نمودار گشته و در ارض سرّ در سنه ثمانین بمنتهی درجه قدرت در حقائق کائنات سریان و نفوذ نموده و در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم بجهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم غربیه را بحرکت آورده پس از افول کوکب میثاق این قوه ساریه دافعه نافذه در مشروعات و مؤسّسات بهیّه پیروان امر خداوند یگانه حلول نمود و مجسّم و مشخص و مصوّر گشت در کتاب بیان که در سجن آذربایجان در بدو نشأه امر حضرت رحمن نازل این بشارت عظمی از قلم مبشر جمال کبریا صادر قوله الأهلی "طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربّه فانّه ینظره و لا مردّ له من عند الله فی البیان الی ان یرفع الله ما یشاء و ینزل ما یرید انه قویّ قدیر" سپس در کتاب اقدس شارع قدیر باین نظم بدیع خود اشاره فرموده قوله عزّ بهائه "قد اضطرب النظم من هذا النظم الأعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه اغتمسوا فی بحر بیانی لعلّ تطّلعون بما فیه من لآئی الحکمة و الأسرار" این نظم بدیع را که شبه آن چشم عالم ندیده و در هیچ یک از ادوار سابقه و ادیان عتیقه مثل و نظیر نداشته و حضرت اعلی بصراحت تمام بان بشارت داده و باسم مبارک موعود بیان مرتبط فرموده و اصول و احکامش را جمال ابهی خود در کتاب مقدّس اقدس که مرجع اهل عالم است نازل فرموده و کیفیت تأسیسش را طلعت میثاق در کتاب وصایا تبیین و تشریح فرموده

جالسین فلک بهاء و متمسکین بعروه وثقی و ثابتین بر عهد اوفی و بانیان این نظم اعزّ اعلی بوضع اساسش و رفع قوائم و قواعدش متّحداً متّفقاً در خاور و باختر قیام و اقدام نمودند محافل روحانیّه که اسّ اساس این نظم بدیع است متتابعاً در مدن و قری در اقالیم متعدّده تأسیس گشت و تعمیم یافت و لجنه‌های امریّه که ایادی و اجنحه آن محافل مقدّسه‌اند تشکیل شد و صندوقهای خیریّه در تحت اداره منتخبین جمهور مؤمنین و مؤمنات کاملاً ترتیب یافت در کتاب اقدس این امر اکید از قلم شارع قدیر صادر قوله عزّ اجلاله "قد کتب الله علی کلّ مدینه ان يجعلوا فیها بیت العدل و یجتمع فیہ النفوس علی عدد البهّاء و ان ازداد لا بأس و یرون كأنهم یدخلون محضر الله العلیّ الاعلی و یرون من لا یری و ینبغی لهم ان یکنوا امناء الرّحمن بین الامکان و وکلاء الله لمن علی الأرض کلّها و یشاروا فی مصالح العباد لوجه الله کما یشارون فی امورهم و یختاروا ما هو المختار کذلک حکم ربکم العزیز الغفار" در الواح مرکز میثاق راجع باین محافل روحانیّه این کلمات درّیّات نازل "فهذه المحافل الرّوحانیّة مؤیّده بروح الله و حامیها عبدالبهّاء و ینشر جناحه علیها فهل من موهبة اعظم من هذا و هذه المحافل الرّوحانیّة سرج نورانیّة و حدائق ملکوتیّه ینتشر منها نفحات القدس علی الآفاق و یشرق منها انوار العرفان علی الامکان و یسری منها روح الحیاة علی کلّ الجهات"

پس از وضع اساس این نظم بدیع محافل مرکزی که من بعد به بیوت عدل خصوصی معروف و موصوف خواهند گشت بواسطه وکلای مؤمنین و مؤمنات در اقالیم مختلفه تأسیس گشت و ارکان و اعمده این قصر مشید منصوب گردید لجنه‌های ملیّی در پی تشکیل گشت و انجمنهای شور روحانی و صندوقهای خیریّه مرکزی مرتباً تأسیس یافت دستور بهائی و قانون اساسی جامعه بهائیان بکمال دقت تدوین گشت و بلغات مختلفه ترجمه و منتشر گردید و بر انتظام دوائر امریّه و ارتباط مراکز بهائیان بیکدیگر و تقویت وحدت جامعه بیفزود سپس نمایندگان ملتّ باب مخابره با اولیای امور گشودند و بتسجیل محافل مقدّسه روحانیّه پرداختند و اعتبارنامه‌های رسمی از دوائر دولتی تحصیل نمودند محافل مرکزی بهائیان امریک و هندوستان و مصر و استرالیا و انگلستان و همچنین عده‌ئی از محافل محلّی در اقالیم هندوستان و آلمان و برما و کندا و قاره استرالیا و جزائر محیط اعظم و چهل محفل از محافل محلّیّه روحانیّه در قاره امریکا بر حسب قوانین جاریه متبوعه در این ممالک مختلفه رسماً تسجیل گشت و صفت شرعی یافت و در نظر اولیای امور از دوائر مشروعه معتبره محسوب گردید طولی نکشید که اوقاف بهائی در نهایت متانت تأسیس گشت و اماکن متبرّکه و اراضی وسیعه و معابد و حظائر مختلفه بنام این محافل معتبره مرکزی و محلّی در دوائر ثبت اسناد در این ممالک مختلفه رسماً انتقال یافت

در ارض اقدس قلب العالم و قبله الأمم نتایج و ثمرات مشروع رفیع افخم که جمال قدم بنفسه الأعزّ الأکرم در آن ارض پس از خروج از سجن اعظم تأسیس فرموده پس از ابتیاع ارض اعلی و بنای آن مقام اسنی و استقرار عرش نقطه اولی متدرّجاً ظاهر و پدیدار گشت اراضی مجاوره آن مقام محمود در قلب جبل کرمل بهمتّ یاران جانفشان الهی ابتیاع گشت و باراضی موقوفه قبل منضمّ شد و قیمت کافه موقوفات جامعه بهائی در آن بقعه مقدّسه به نیم ملیون جنیه برسد و شعبه دو محفل مرکزی بهائیان امریک و هندوستان بر حسب قوانین حکومت فلسطین تأسیس شد و قسمی از این اراضی جدید الابتیاع پس از اجرا و اتمام سی ۳۰ معامله قانونیّه در اداره ثبت اسناد رغماً لأنف الناقض الأكبر و ابنه باسم شعبه محفل ملیّی بهائیان امریک انتقال یافت طولی نکشید که این اراضی وسیعه بتمامها از رسوم دولتی معاف گشت و از اوقاف بین‌المللی جامعه بهائی محسوب شد حجرات آن ضریح مقدّس مطابق اراده نافذه بانی آن مرقد منور تکمیل گشت و طبقات آن مقام مطهر امتداد یافت محفظه آثار بین‌المللی بهائیان تأسیس شد و آثار نفیسه متشسته در سه ۳ حجره متّصل بان رس مطهر جمع و منتظم گشت گلزار مقام اعلی زهنگاه عموم از طبقات و طوائف مختلفه گردید و بر اشتها و عظمت آن مقام رفیع بیفزود موقوفات جدیده در مرج عکا و جنوب فلسطین و ماوراء نهر اردن تأسیس گشت و قصر رفیع جمال قدم پس از آنکه چهل سال مرکز و مسکن شخصی ناقصین

ناکین بود رغماً لأنفهم تخلیه گشت و تعمیر و روشن شد و از مالیات معاف گشت و از موقوفات بین‌المللی جامعه بهائی محسوب گردید و زیارتگاه عموم از یار و اغیار گشت

اماکن متبرکه در کشور مقدس ایران در ایالات مختلفه و عاصمه آن مملکت ابتیاع گشت و اراضی وسیعه که مساحتش حال از سه ۳ میلیون متر مربع متجاوز در خارج عاصمه آن اقلیم در دامنه جبل البرز مشرف بر ارض مقدسه جهت بنای اولین مشرق‌الاذکار بهائیان ایران ابتیاع شد و بموقوفات ملی بهائی در آن سامان منضم گشت حظائر قدس ملی مراکز اداری نمایندگان جامعه بهائی در مدینه‌الله و ارض طاء و در جوار امّ المعابد غرب و عاصمه هندوستان و عاصمه اقلیم مصر و اولین مرکز امر الله در قاره استرالیا تأسیس گشت و مدارس تابستانه و معاهد مختلفه متعدده جهت ترویج مصالح اماء الرحمن و جوانان و اطفال جامعه تأسیس یافت دفتر بین‌المللی بهائی در قلب قاره اروپا و مرکز جمعیه امم تشکیل شد و الواح اصلیه بر حسب تعلیمات محافل روحانیّه در ممالک شرقیه استنساخ گشت محافل جدید التّاسیس بهائیان با انجمنهای متنوعه عمومیه در امور عامّ المنفعه و ترویج مصالح هیئت اجتماعیه و مساعی خیریه اشتراک نمودند و باب مخبره و مراسله جهت تبشیر امر الله و احقاق حقوق مظلومین گشودند بملوک و امرا و وزرا و علما و ادبا کتب قیمه و صحف الهیه را تقدیم نمودند و در اثبات عمومیت و جامعیت امر الهی بکمال شجاعت و متانت من دون ستر و خفا جهد بلیغ مبذول داشتند

در این اثنا لطمه‌ئی دیگر بجامعه قوی الأركان پیروان جمال رحمن وارد گشت و از ناحیه غیر منتظره دشمنان دینی و سیاسی هجومی عیف بر مقدسات و مؤسسات امر بهائی نمودند تأسیس نظم بدیع و ارتفاع قواعد و نصب اعمده قصر مشید دشمنانی جدید مبعوث نمود و محرک عرق عصیّت اعدای قدیم گشت علمای سنت و جماعت در اقلیم مصر مرکز عالم عربی و اسلامی حجاب اعظم را بدریدند و حقائق مکنونه مستوره که در مدّت هشتاد سال در خلف حجاب حکمت مقنوع بود بصرافت طبع اعلان و اثبات نمودند محکمه شرعیّه اسلامیّه در اثر تأسیسات جدیدّه بهائیان در دیار مصریه حکم قاطع انفصال بهائیان را رسماً و کاملاً از شریعت محمّدیّه و اخراج آنان را از جامعه اسلامیّه صادر کرد و عقد ازدواج را بین بهائی و مسلم نسخ نمود و زوج را از زوجه منفصل کرد و ارتداد و کفر و الحاد متمسکین بشریعت سمحا را اعلان نمود و باستقلال امر اعظم الهی شهادت داد و بدلائل متقنه و آیات کتاب اقدس و الواح مهمّه صادره از قلم اعلی و کلک میثاق اصالت دین مبین را اثبات کرد و این حکم شدید و صریح را مفتی دیار مصریه و قاضی القضاة در مدینه قاهره هر دو تصدیق و تأیید نمودند و در جرائد و مجلات در اقلیم مصر و ممالک مجاوره انتشار دادند و باین شهادت اعظم اولین قدم را دشمنان دینی امر جمال قدم در سیل استقلال آئین اعزّ اقدس اکرم برداشتند در این حکم مبرم این عبارات صریحه مسطور "انّ البهائیه دین جدید قائم بذاته له عقائد و اصول و احکام خاصّه به تغایر و تناقض عقائد و اصول و احکام الدین الاسلامی تناقضاً تاماً فلا یقال للبهائی مسلم و لا العکس کما لا یقال بوذیّ او برهمیّ او مسیحیّ مثلاً مسلم و لا العکس للتناقض فیما ذکر" و از برای سدّ باب مراجعه بهائیان بمحاکم شرعیّه اسلامیّه و ایجاد مشکلات از برای نمایندگان جامعه و اعضای محافل روحانیّه در آخر این حکم این قید و شرط مذکور و مسطور "و من تاب و آمن منهم و صدق بکلّ ما جاء به سیدنا محمّد رسول الله ... و عاد الی الدین الاسلامی الکریم عوده صحیحه فی نظر الاسلام و المسلمین حقاً لا فی نظر الأدعیاء المبتلین ... و سلّم بأنّ سیدنا محمّد ... هو خاتم النبیین و المرسلین لا دین بعد دینه و لا شرع ینسخ شرعه و انّ القرآن هو آخر کتب الله و وحیه لأنبیائه و رسله ... قبل منه ذلک و جاز تجدید عقد زواجه و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین"

متعاقب این انفصال و اخراج و در اثر ضوضا و غوغا و تعرضات و تعدّیات شدیدّه اشرار و متعصّبین در آن اقلیم و منع دفن اموات بهائی در مقبره مسلمین فتوای مفتی دیار مصریه بر حسب خواهش وزارت عدلیّه صادر گشت و نصّ آن فتوی در جرائد منتشر شد در این فتوای خطیر که متمّم حکم محکمه شرعیّه محسوب این عبارات مدوّن و مسطور "انّ هذه الطائفه

لیست من المسلمین ... و من کان منهم فی الأصل مسلماً اصبح باعتقاده لمزاعم هذه الطائفة مرتدّاً عن دین الاسلام و خارجاً عنه تجری علیه احکام المرتدّ المقرّرة فی الدین الاسلامی القویوم و اذا كانت هذه الطائفة لیست من المسلمین لا یجوز شرعاً دفن موتاهم فی مقابر المسلمین سواء منهم من کان فی الأصل مسلماً و من لم یکن كذلك" این حکم شدید علمای دین و اخراج صریح از جامعه مسلمین و تولید مشاكل عظیمه و وقوع امتحانات شدیدة از برای مؤمنات و مؤمنین در آن سرزمین و اقلیم دیگر در ممالک اسلامیّه منضمّ بلطومات دیگر از طرف سیاسیون و حکام گشت محن و بلایای پیروان شجیع و دلیر جمال ابهی در ترکستان و قفقازیا در این اثنا شدّت یافت و منجرّ بتوقیف و استنطاق نمایندگان بهائی و منتهی بالغاء محافل روحانیّه و لجنه‌های امریّه و معاهد دینیّه و منع مخابره با مراکز خارجه و ضبط کتب و اوراق و الواح الهیّه و نهی از تبلیغ و ابطال دستور بهائی و بستن مدارس و حجز و استملاک مشرق‌الاذکار و حبس و زجر و تبعید اکثر مؤمنین و مؤمنات در آن دیار گشت در خلال این حوادث جان‌گداز و وقوعات خطیره هائله مرّه‌ای اشعه تأیید ساطع گشت و فیالحق توفیق بر حاملان امانت الهیّه و رسولان حضرت ربّ البریه نازل شد بمفاد آیه شریفه قد جعل الله البلاء غادیه لهذه الدسکرة الخضراء و ذبالة لمصباحه الّذی به اشرقت الأرض و السّماء قیام امرا و حکام و وزرا و حکم اخراج و نسبت کفر و الحاد از طرف رؤسای شرع و تعدّیات و تجاوزات رؤسا و زمامداران پر شوکت و اقتدار باعث نصرتی جدید و فتحی مبین گشت اعلان یوم رهیب فصل و تولید مشاكل متنوعه جدیدة و حدوث امتحانات عظیمه و تضحیقات شدیدة پیروان اسم اعظم را دقیقه‌ئی از ایفای وظائف مقدّسه خویش بازنداشت و عریده و هیاهوی جهال علّت فتور و اضطراب و اختلال نگردید

جند هدی حامیان امر الهی علی‌الخصوص نواب جامعه بهائی فرصت را غنیمت شمردہ علم مبین را علی رؤوس الأشهاد برافراشتند و در اعلی المقامات کوس استقلال امر بهاء را بکوفتند دامن همت بر کمر زدند و باعلان حقائق مستوره و کشف اسرار مخزونه و تنفیذ احکام الهیّه من دون کتمان و تقیّه بکمال صراحت و شجاعت و متانت اقدام نمودند باب مخابره را رسماً با ولایة امور در اقلیم مختلفه گشودند و در احقاق حقّ مظلومین و ردّ مفترین و مبطلین و دفاع از شریعت حضرت ربّ العالمین و کشف اصول و اقامه حدود و تعظیم شعائر و تشهیر مناقب و نوامیس دین مبین و ترتیب و تدوین احکام کتاب اقدس و ترجمه مجموعه مندرجات مهمّه آن کتاب مستطاب بلغات مختلفه و طبع و انتشار و تقدیم آن باولیای امور همت بگماشتند از دوائر شرعیّه و کنائس و معابد ادیان عتیقه جامعه را رسماً منفصل ساختند و عدم قبول وظائف شخصیّه را در معاهد و مؤسّسات دینیّه از مسیحی و کلیمی و اسلامی و هندی و بودائی و زردشتی در نشریات خود من دون تردید و مدهانه در شرق و غرب اعلان نمودند تهدید و توقیف و حبس و تبعید و تحقیر و تزییف و ضبط اوراق و حرق کتب و تعطیل دوائر و بستن مدارس ادنی خللی و یا فتوری در عزم و استقامت نمایندگان جامعه بهائی ایجاد نمود و علّت انحراف گروه مجاهدین از صراط مستقیم و منهج قویم نگشت میزان عدل الهی منصوب شد و منصوبات کتاب اقدس راجع به صوم و صلوة و ازدواج و طلاق و میراث و تجهیز و تکفین و تدفین اموات و احتراز از مشروبات و محرّمات دیگر تعمیم و تنفیذ گشت تعطیل عمومی دوائر امریّه در ایام متبرکّه محرّمه در ممالک شرقیّه و غربیّه اعلان گردید و رسمیت آئین مولی البریّه تحقّق یافت و حکم انفصال اداری متمرّدین و منحرفین از جامعه بهائی و محرومیت آنان از حقّ انتخاب و عضویت محافل روحانیّه در اقلیم مقدّس ایران و اقلیم دیگر جاری شد در ارض اقدس شعائر امریّه بی پرده و حجاب مجری گشت و تسجیل عقدنامه بهائی در دوائر حکومتی و معافیت مقامات مقدّسه و توابع آن از رسوم دولت از طرف اولیای امور تصویب گردید اجازه رسمی از طرف ولایة امور در قطر مصر جهت تأسیس مقابر بهائی پس از مناقشات طولانی و مفاوضات رسمی صادر شد و زمین از طرف حکومت مصریّه تعیین و تخصیص و تسلیم امنای محفل مرکزی در آن اقلیم گشت

در قاره آمریکا در پنج ایالت از ایالات متحده محافل روحانی محلی باخذ تصریح کتبی رسمی از برای اجرای عقد بهائی و عدم مراجعه بمحاکم مدنی و دوائر دینی و ثبت عقدنامه امری در دوائر دولتی موفق و مفتخر گشتند و از طرف وزارت جنگ و رؤسای لشکر محفل مرکزی آن اقلیم بثبت اسم اعظم بر مرقد بهائیان در مقابر حکومتی لأجل امتیاز از مقابر مسیحیان و کلیمیان مأذون گشت رفته رفته شریعه غرا و طریقه سمحه بیضا شهره آفاق گشت و سرّ مصون و کنز مخزون ظاهر و پدیدار شد و مسلک اهل بهاء رغماً لکلّ افّاک ائیم بر مدعیان و زمامداران مکشوف گردید اعلان انفصال شریعت حضرت ذو الجلال توأم باقبال ملکه نیک طینت خوش خصال بامر ملیک متعال گشت و بر اشتهار امر الهی بیفزود قلب ممرّد آن ملکه فرخنده اختر حفیده ملکه انگلیز و امپراطور روس که بافتخار هر یک از قلم جمال قدم در حین ورود به سجن اعظم توقیع مکرّم افخم نازل گشته در اثر مطالعه کتب امریه و مکالمه و مذاکره با آن نفس منقطعۀ زکیّه و قبسه نار محبت الهیه مجذوب تعالیم سماویّه گشت و آثار بهیّه اش در عالم اشراق نمود و در بسیط غربا منتشر گشت

طولی نکشید که بصرافت طبع بانتشار اعلانیهای متتابعه در جرائد متعدده در اقلیم شرقیه و غربیه پرداخت و با وجود نفوذ رؤسای کنیسه و ارتباط به بطریک اعظم در عاصمه مملکت علناً باسلوبی بدیع و بیانی فصیح و ملیح و شجاعتی بی نظیر شهادت بمقام جمال قدم و رسالت رسول اکرم و علویّت و جلالت آئین اسم اعظم داد و در مکاتیب متعدده بدوستان و متعلقین خویش و بام روحانی خود ستایش از تعالیم الهیه بنمود کتب امریه را از لندن خود رأساً طلبید و سنین متوالیه بمطالعه و تفرّس در آن آثار نفیسه مشغول شد و از سرچشمه آب حیات نصیبی وافر برد سپس با صبیّه خویش عزم زیارت و طواف مقامات مقدسه نمود و در جرائد شرق و غرب خود این نیّت را اعلان کرد و وارد مدینه مبارکه حیفاً شد و از حصول مقصد و مرامش ممنوع و محروم گشت و از منع سیاسیون در نامهئی مخصوص بخطّ خویش شکایت و اظهار تأسّف و تحسّر بنمود

در نامهئی که بخطّ خود این ملکه ادبیه فاضله مرقوم نموده این عبارات عالیّه مسطور "پیام حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهّاء نورانیّتی عظیم در من احداث نمود این بشارت ... چون تخم پاک در ارض دل تمکنی تام یافت کوچکترین صبیّه من نیز تقویت روح و تسلیت خاطر موفوری از تعالیم این دو مولای محبوب احساس مینماید او و من هر دو این پیام را از فم بومی میرسانیم و بهر نفسی که ابلاغ میگردد فی الفور سطوح انوار در وجهش لامع و نمایان میگردد ... بعضی از همقطاران من تعجب مینمایند و این جرئت و اقدام مرا در اعلان کلماتی که تفوهش از عادات تاجداران عالم نبوده تصویب نمی نمایند ولی محرّک روحی مرا چنان تحریک باین اقدام مینماید که مقاومت نتوانم" در اعلان اولش خطاب بعموم اهل عالم این ملکه بلند اختر باین نصیحت عظمی ناطق گشته "هر هنگام نام بهاءالله یا عبدالهّاء بسمعتان رسید از تمعن در آثارشان غفلت نمائید در آثار و کتبشان تعمق نمائید و بگذارید کلمات و تعالیم بهیّه صلح آورنده محبت دهنده آنها در اعماق قلوبتان چنانچه در اعماق قلب من قرار گرفته تمکن گیرد" و همچنین در اعلانیهای دیگر او این شهادت کبری مسطور و مرقوم "آئین بهائی منادی صلح و سلام است و مروج حسن تفاهم در بین انام ... پیامش مصدق ادیان الهیه است و مبدأش موافق معتقدات سابقه هیچ بابی را سدّ نماید و هر سیبلی را مفتوح گذارد در حینی که قلبم از مخاصمات متمادیّه پیروان مذاهب عدیده محزون بود و روحم از حمیه جاهلیّه آنان خسته و آزرده نظرم بتعلیمات بهائی بیفتاد و روح حقیقی حضرت مسیح که بسا از نفوس ندانسته و نشناخته در آن تعالیم ظاهر و هویدا گشت ... برای هدایت نفوسی که طالب روشنائی هستند تعالیم بهائی مانند نجم درّی است بسوی معرفت کامل و اطمینان و صلح و خیرخواهی نوع انسان ... آئین بهائی روح را اطمینان بخشد و قلب را امید عطا نماید طالبان سیبیل ایقان را کلمات اب آسمانی چشمه ایست که در پی آن گمگشتگان صحرای طلب بادیه ها بیموده و بنعمتش مرزوق و منتعم گشته"

اقرار و اعتراف باستقلال امر الهی و انفصال شریعت آسمانی و اقبال علیاحضرت ملکه بآئین یزدانی و صدور اعلانهای تاریخی در نعت و ستایش جمال لایزالی و دعوت ملوکانه بعموم عالم انسانی مصادف با قیام عاشقانه خادمان برزنده جمال رحمن در سنین اخیر قرن اول بهائی گشت فارسان مضممار الهی علیالخصوص یاران امریک پس از انتظام امور امریه و تأسیس و استقرار نظم بدیع سمند همّت را در میادین تبلیغ چنان جولانی دادند که پس از انقضای سنین معدوده امر الله کره ارض را احاطه نمود و صیبتش جهانگیر گشت امر اعظم که انتشارش در دوره اولی منحصر باقلیم ایران و ارض عراق بود و در ایام قیادت جمال ابهی به ده ۱۰ اقلیم از اقلیم شرقیه سرایت نموده بود و در عهد مرکز میثاق رایتش در بیست ۲۰ مملکت از ممالک شرقیه و غربیه مرتفع گشته بود حال دائره اش بهمّت رسولان اسم اعظم و ثابتین بر عهد اقوام چنان اتّساعی یافت که قبل از اختتام قرن اول افخم پنجاه و شش ۵۶ مملکت از ممالک مستقلّه در شرق و غرب عالم و بیست و دو ۲۲ اقلیم از اقلیم تابعه در قاره امریک و آسیا و افریک مسخّر و از نژادهای مختلفه از عرب و ایرانی و ترک و هندی و زنگی و برمانی و چینی و ژاپانی و کردی و ارمنی و انگلیزی و آلمانی و فرانسوی و ایتالیایی و روسی و مجری و سربی و بلغاری و اسوجی و نروجی و ارنوطی و هلندی و ایرلندی و فنلندی و اسپانیولی و پلندی و ماوری و اسکیموئی در ظلّ سراپرده اش وارد و از شریعت مقدّسه اش مستفیض و مستمدّ گشتند نشریات امریه بسرعت تمام در اقلیم جهان منتشر گردید و کتب و صحف قیمه از طرف حاملان امانت الهیه بملوک و امرا وادبا و علما و وزرا و سفرا تقدیم گشت و در کتابخانه های خصوصی و عمومی در ممالک مختلفه گذارده شد تألیف و طبع کتب و انتشار رسائل و ترجمه آثار بحدی ترویج یافت که در ایالات متّحده امریک در مدّت یازده ۱۱ ماه متجاوز از نوزده هزار ۱۹۰۰۰ کتاب بفروش رسید و یا آنکه مجّاناً توزیع شد و صد هزار ۱۰۰۰۰۰ جزوه انتشار یافت کلمات مکنونه به هشت ۸ لغت و کتاب ایقان به هفت ۷ لغت و کتاب مفاوضات به شش ۶ لغت و کتاب بهاءالله و عصر جدید به سی و هفت ۳۷ لغت ترجمه و طبع گردید و طبع این کتاب اخیر نه ۹ دفعه بلغت اصلی تجدید شد و متجاوز از سی و هفت هزار ۳۷۰۰۰ نسخه در شرق و غرب منتشر گشت در ایالات متّحده امریک یاران کتب امریه را بمتجاوز از هزار ۱۰۰۰ کتابخانه عمومی تقدیم نمودند و از برای محصّلین و محصّلات در دارالفنونهای مهمّه و از برای کوران و مسجونین نیز وسائل استفاضه از الواح و کلمات الهیه فراهم ساختند امّ المعابد غرب رمز مدنیت الهیه که بفرموده حضرت عبدالبهاء هزاران مشرق الأذکار از آن تولّد خواهد یافت با وجود بحران اقتصادی در آن اقلیم بنیانش در قطب امریک مرتفع گشت و اجتماع اول در آن معبد عظیم نوزده سال تمام پس از وضع حجر زایه اش بدست مرکز عهد مالک انام منعقد گردید و تزیینات خارجه اش در ایام پرانقلاب جنگ یک سال قبل از میعاد معین انجام و اتمام یافت

رسمین اطهرین غصن شهید الهی و مخدّره کبری امّ حضرت عبدالبهاء ورقه مقدّسه علیا از جوار مقبره اسلامی بجوار پرانوار مقام اعلی و حدیقه غالباً قرب ضریح خانم اهل بهاء انتقال یافت و قدم اول در سیبیل تأسیس مرکز بین المللی اداری جامعه پیروان امر اقدس ابهی مطابقاً لما نزل فی لوح الکرم من القلم الاعلی برداشته شد مرحله اولی در تنفیذ فرمان حضرت عبدالبهاء خطاب باحبای امریک که در ایام جنگ در الواح مخصوصه صادر منقضی گردید و نقشه هفت ساله آن مجاهدین فی سیبیل الله در آن قطر کریم باکلیل فتح و ظفری مبین مکمل گشت محافل روحانیه بکمال انتظام در کافه ایالات متّحده امریک و ولایات اقلیم کنده که بفرموده حضرت عبدالبهاء مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی نهایت جلیل تأسیس یافت و عدّه نقاط امریه از مدن و قری در آن دو قطر جلیل که در آن یاران باوفا متوطن گشته از هزار و سیصد ۱۳۰۰ تجاوز نمود علم هدایت کبری در هر یک از جمهوریات مرکزی و جنوبی مرتفع گشت و در عواصم یازده ۱۱ جمهوریت از این جمهوریات محافل روحانیه تأسیس شد در جمهوریت مکسیک که اهالی آن بتعصّب مذهبی معروف و در دریای تقالید مستغرق مؤسّسین نظم بدیع الهی بتشکیل سه ۳ محفل روحانی و تأسیس حظیره القدس مرکزی و تسجیل محفل روحانی در عاصمه آن مملکت

موفق گشتند در جمهوری پاناما که در میان دو محیط اعظم واقع و بفرموده حضرت عبدالبهاء در آینده اهمیت کبری خواهد یافت و هر تعالیم که در آنجا تأسیس یابد شرق و غرب و جنوب و شمال را یکدیگر ارتباط دهد نفعات قدس منتشر گشت و در مدینه بهیه که در ساحل اقلیم برازیل واقع و بشهادت قلم میثاق بالهام روح القدس باین اسم مبارک در قرون ماضیه موسوم گشته محفل روحانی تأسیس شد در دو جمهوری سیاهان در محیط اطلس که در آن الواح مخصوصه مذکور یاران امریک سراج الهی روشن نمودند و ندای ملکوت الله را بمسامع اسکیموهای شمال که نیز ذکرشان در آن الواح نازل گشته رساندند شمع هدایت کبری را در اقصی شمال امریک در اقلیم السکا که منصوص آن الواح مبارکه است برافروختند و هندیهای امریک را که اهالی اصلی آن دیارند و قلم میثاق آنان را باهالی قدیمه جزیره العرب تشبیه فرموده از نعمت کبری بهره مند نمودند زنگیان را بیدار نمودند و بوجد و حرکت آوردند و در مجامع و مدارس و معاهد آنان ندای روان بخش الهی را مرتفع ساختند مرکزی مخصوص جهت طبع کتب در عاصمه جمهوریت ارجنتین تأسیس نمودند و بترجمه آثار الهیه و تألیفات مهمه یاران پرداختند در جزیره آیسلند که در بین دو قاره اروپا و امریک و در قرب مدار قطب شمال واقع نفعه حیات دمیدند و بطبع کتب و انتشار مقالات در صحف و جرائد اقدام نمودند و در مدینه نائیه مجلانیس که در اقصی جنوب قاره جنوبی امریکا واقع و ابعد مدن جنوبیه عالم از خط استواست متوطن گشتند و متوکلاً علی الله بتبشیر دین الله قیام نمودند

و حال که ختام قرن اول ذهبی عصر بهائی و هنگام احتفال اعظم در جامعه پیروان امر الهی است و از حسن تصادف پنجاه سال بالتمام از سنه تأسیس اولین مرکز امر الله در دیار غریبه منقضی گشته جنود مجنده ابهی در آن قاره واسعه الأرجاء بتدارک اولین مؤتمر مجلل بین المللی بهائیان که مسک الختام قرن اول عصر مشعشع رب الانام است مشغول و دعوت رسمی از طرف امنای محفل مرکزی ایالات متحده صادر تا نمایندگان بیست و یک جمهوریت از جمهوریات شمالی و مرکزی و جنوبی امریکا در لیل بعثت حضرت نقطه اولی در اشرف نقطه جهان فرنگ در ظل قبه بیضای اولین مشرق الأذکار رفیع البیان جدید التأسیس یاران غرب مجتمع شوند و دو قطعه شمال و جنوب دست در آغوش یکدیگر گردند و در وضع اساس مدنیت الهیه در آن قاره مستعدّه جسیمه عظیمه مذاکره و مشورت نمایند و در این لیل مبارکه کل متفق و همعهد شوند که با وجود بعد مسافت و اختلاف جنس و مشرب و لغت کنفس واحده قیام نمایند و در قرن ثانی عصر اعظم مراحل باقیه را طی نمایند و کما امرهم محبوبهم و مولا هم امر مبین را اعلان و شرع قویم را تأسیس در اقلیم باقیه عالم نمایند طوبی لهم بشری لهم من هذا الفوز العظیم و الشرف المبین در لوحی از الواح از یراعه میثاق این وعد الهی و بشارت کبری صادر قوله الاحلی "یا امة الله انی ادعو الله ان یبعث نفوساً مقدسه منزّهه روحانیة فی الأقطار الغریبه و الأقالیم الشماليه حتی تكون تلك النفوس آیات الهدی و رایات الملائه الاعلی و ملائکه الملكوت الابهی عند ذلك تجدین الغرب افق الشرق و الأنوار تتلألاً كالأقمار فی تلك الأقطار هنالك تصیح الأرض قطعه من ریاض الملكوت و تفیض علیها السحاب من اعلی المقامات و تهتّز تلك الأرض و تربو و تنبت من ریاحین الحکمة و البیان و ازهار المعرفة و الایقان فاطمئنی یا امة الله ان هذا الفضل سیشرق انواره علی الغرب و یبعث الله تلك النفوس بقوی روحانیة و تأییدات ملکوتیه و همم عالیه و وجوه نورانیة و قلوب رحمانیه و ارواح سبحانیة و سنوحات وجدانیة ان ربکم لمقتدر قدیر"

یا مشاعل الحب و الوداد این بود شمهئی از انقلابات هائله و انتصارات باهره که در خلال این قرن ابداع افخم اسنی که بفرموده مرکز میثاق جمال ابهی سلطان قرون است از پس پرده قضا از بدایت ظهور طلعت اعلی الی یومنا هذا مرتباً متنوياً ظاهر و پدیدار گشته وقوع این حوادث خطیره و حدوث این تطورات عجیبه مدهشه در مدت صد سال کل مثبت این بیان اکمل اتم احلی که از مخزن قلم ابهی صادر قوله عزّ اعزازه و تبارک بیان "انا لم نزل ارفعنا سدرات الأمر بماء الاعراض و الدّم ان انتم من العالمین" و همچنین میفرماید "قل تالله ترتفع هذه السدرة بماء اعراضکم ولكن انتم لا تشعرون فی انفسکم و

تكوننّ من الغافلين" و ايضاً ميفرمايد "بالبلاء علا امره و سنا ذكره" و در مقام ديگر اين آيه مبارکه نازل "لو يسترون النور في البرّ انه يظهر من قلب البحر و يقول اني محيي العالمين"

تاريخ حيرت انگيز اين قرن عظيم بر مدعيان در كلّ اقطار كاملاً ثابت و مبرهن نمود كه هبوب عواصف شديدۀ علّت تقويت ريشۀ شجرۀ الهيّه گشت و حدوث امتحان و افتتان بر استحكام بنياد بنیان حضرت رحمن بيفزود ذلّت قميص عزّت گشت و بأساء و ضرّاء دهن مصباح امر الهي شد تشدّد و تعرّض سبب رسوخ و ثبوت گشت و زجر و منع بادی توجّه و اقبال و اشتهاار گشت عقوبت و مقهوريت و مغلوبيت بالمآل نتيجه اش سطوع انوار غلبه و قهاريت امر نازنين شد و انقلاب و هيجان بمرور ايام باعث تطهير و تقويت بنیۀ امر ربّ قدیر گشت نفاق ناعقين و عريده مبطلين و ضوضاء معترضين ممدّ و مساعد ارتفاع رنۀ ملكوتی شد و خرق احجاب و هتك استار بادی جلوه و ظهور حقائق و اسرار مودعۀ در هویت امر حضرت پروردگار گشت اينست كه قلم اعلى ميفرمايد "بظلمهم رفعنا الأمر و انتشر ذكر اسم ربك في البلاد بمنعهم ظهر الاقبال و بظلمهم طلع نير العدل تفكروا لتعرفوا يا اولي الالباب" و همچنين ميفرمايد "مرّةً بأیادی الظالمين يرفع امره و اخرى بأیاده الذين يرون الغافلون ككفّ تراب و ينطقون بما نطق القلم الأعلى في الأفق الأبهى"

حال در بقيۀ اين اوراق نظری بحال پروبال فئۀ ضلال از مشركين و معرضين و خادعين و خائنين و منافقين و مغليين و مفسدين و مستكبرين اندازيم كه در مدّت صد سال مسبب اين انقلابات هائله و محرّك اين فنن و دسائس شديدۀ و علّت حدوث اين امتحانات مظلمه و نزول اين بليّات و رزايای عظيمه گشته اند قلم اعلى در اين مقام در ذكر ظالمين چنين شهادت داده "چنانچه اين ظهور و مظاهر اثباتيۀ آن اعظم مظاهر است كذلك حروفات نفى اين ايام هم از جميع ازمنۀ قبليّه و بعديّه اعظمت و در اعراض ثابت تر و راسخ ترند كذلك قدرنا الأمر في لوح حفيظ" سلاطين پر قوت و احتشام در خاور و باختر بعضی دست تناول گشودند و حكم اسارت و محبوسيت شارع و مبشّر و مبين اين امر مقدّس را صادر نمودند و در قلع و قمع شجرۀ الهيّه همت بگماشتند و برخی نداء الله را اجابت نمودند و دعوت الهي را نپذيرفتند و انكار و استكبار نمودند و از نصائح مشفقانه و مواعظ حكيمانه ناصح امين رو بتافتند و از نصرت مظهر نفس الله و ابلاغ كلمۀ الله كما امرهم القلم الأعلى امتناع ورزیدند و بعضی ديگر انذارات صريحه و خطابهای شديدۀ صادرۀ در توقيعات مخصوصه را اعتنا نمودند عزّشان مطابقاً لما صدر من القلم الأعلى اخذ شد و عذاب از كلّ جهات بر آنان نازل گشت و آثار سخط و عدل الهي ارکان سلطنتشان را در شرق و غرب متزلزل و متزعزع نمود بعضی مقتول و معزول و گروهی در ممالك خود اسير و مقهور و اكثري پريشان و منكوب و حيران گشتند

خلافت عظمی خصم خصيم جمال ابهي بمقاومت قيام نمود از بنياد برفتاد و كما اخبر به النقطة الأولى في قیوم الأسماء باشد عذاب و بأس التكال در قيامت اخرى معذب گشت و بيلاى ادهم نظير نكبت عظمی و فادحة كبرى كه بر كهنه و رؤسای ملّت كلیم در قرن اول ميلاد نازل گشته گرفتار شد علمای اسلام كه بخطاب مهيمن بكم ناح الرسول و صاحت البتول و خربت الديار و اخذت الظلمة كلّ الأقطار مخاطب و بشهادت قلم اعلى علم دين مبین اسلام را منكوس و ملّت بيضا را مخذول نمودند و بهمت تمام در كمال بغضا بتوهين و تكفير و تدمير و تعذيب حزب مظلوم قيام نمودند عزّشان كما اخبر به مركز الميثاق مبدل بذلّت كبرى شد و سطوت و شوكتشان منقلب بمقهوريت عظمی گشت و نغمۀ واطوبی واطوبی منقلب بفریاد و اويلا و و اسفا گردید آفات و بليّات آن قوم ظلوم و جهول را از شش جهت احاطه نمود و اركانشان متزلزل گشت و علمشان منكوس و نفوذشان زائل و نجم سعادتشان غارب شد دشمنان داخله علم اختلاف و نفاق را برافراختند و از آل الله و منتسبين شجرۀ مبارکه و اغصان منشعبه و اوراق و افنان سدرۀ الهيّه و اصحاب اوليّه و اقطاب جامعه و كتاب كلمات الهيّه جمعی از صراط مستقيم منحرف گشتند و در توليد فساد و ايجاد رخنه در جامعۀ بيروان حضرت ربّ البريّه نظير اعداء خارجه همت

بگماشتند کلّ از ذروه امتناع بخاک مذلت بیفتادند و بخسران ابدی گرفتار گشتند قد طردهم الله و اخرجهم من ملکوته و اخذهم بقهره و جعلهم عبرة للنّاطرين امرا و وزرا و حکام و سفرا علی اختلاف مراتبهم دست تعدی گشودند و بدسائس مختلفه و وسائل متنوّعه متمسک شدند و با علمای شرع همعهد و همداستان گشتند و بر حزب الله هجومی عنیف نمودند نظیر تاجداران جهان از مسند عزّت بحضیض ذلت بیفتادند

افراد ملت ایران که بقساوتی محیر العقول و شقاوتی مبین بتنفیذ احکام ولایة امور و رؤسای شرع اقدام نمودند و ظلم و اعتسافی مرتکب گشتند که بشهادت قلم میثاق در هیچ تاریخی از قرون اولی و اعصار وسطی از ستمکارترین اشقیا حتی برابره افریقا شنیده نشد بجزای اعمالشان رسیدند و در سنین متوالیه آسایش و برکت از آن ملت متعصّب جاهل ستمکار بالمره مقطوع گشت و آفات گوناگون از قحطی و وبا و بلیات اخری کلّ را از وضع و شریف احاطه نمود و ید منتقم قهار چندین هزار نفس را بیاد فنا داد عالم انسانی از تعالیم جانپور الهی رو بتافت و غفلت ورزید و اجابت دعوت الهی ننمود و گوش بنصائح مشفقانه و وصایای محکمه قلم اعلی نداد و بتحدیرات صریحه متتابعه صادره از فم مرکز میثاق اعتنا ننمود ارکانش متزلزل و فرائض مرتعد و نظمش پریشان شد نار جهان سوز مشتعل گشت و جنگ و جدال جهان را زیر و زبر نمود بالای ناگهانی بفرموده جمال قدم نازل گشت و هرج و مرج راه یافت مدن محترق گشت و نفحات عذاب از کلّ اشطار بوزید عقاب عظیم رخ بنمود و انتقام کبیر اکبر که در احسن القصص صد سال قبل باصرح بیان از قلم مبشّر امر رحمن اخبار گشته تحقّق یافت

هیاکل بغضیه و نفوس شریزه از سلاطین و امرا و علما و فقها و وزرا و وکلا و سفرا و منتسبین بسدره منتهی که هر یک بقدر قوه و استطاعت خویش در ازمئه مختلفه و بوسائل متنوّعه در خاور و باختر تیشه بریشه شجره الهیه زدند و اعراض و اعتراض نمودند بسیاط قهر الهی معذب گشتند و خائباً خاسراً بمقرّ خود راجع شدند

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین ظالم ارض شین حسین پرکین اول من حارب الله و اسس اساس الظلم که در اولین سنه ظهور نقطه اولی حبیب و محبوب را بجسارت تمام اهانت و تحقیر نمود و مرتکب آن عمل شنیع شد معزول و مردود گردید و از لباس عزّت عریان گشت وزیر بی تدبیر که مظهر نفس الله را بجبال آذربایجان نفی و تبعید نمود بر حسب وعده صریح خطبه قهریه در اندک زمانی گرفتار شد و نفی به عراق عرب گردید و در آتش غم و اندوه بسوخت و بمقرّ خود در اسفل جحیم راجع شد اتابک اعظم تقی سفاک و بی باک که حکم اعدام سید عالم را صادر نمود و جمعی از اصحاب را در مازندران و نیریز و زنجان و طهران شربت شهادت بنوشانید دو سال بعد از آن واقعه هائله بسخط شهریار پرکین مبتلا گشت و در حمام فین باسفل السافلین راجع شد برادرش که در این عمل فظیح شریک و سهیم گشت در همان ایام بدار البوار راجع شد و قائم مقامش که در فتنه سنه حین مذبحه عظمی را برپا نمود عاقبه الامر معزول گشت و از دار الخلافه تبعید شد و مخدول و منکوب بمقرّش راجع گشت سعید شقی که مسبب فتنه هائله مازندران و شهادت طلعت قدّوس گشت بمرض عجیب مبتلا گشت و از برد شدید بحدی متالم که فریاد و فغانش مرتفع گشت و در این حال پروبال باشد حرمان و خذلان بسقر راجع شد محمود عنود که طاهره زکیه را در بیت خود توقیف و محبوس نمود پس از سنین معدوده بغضب سلطانی معذب و در ملأ عام مقتول گشت شیخ الاسلام خبیث که بدست خود در مدینه تبریز بتعزیر طلعت اعلی اقدام نمود بمرض فلج مبتلا و بذلت کبری ایام باقیه حیات را بگذرانید فوج ناصری که هیکل اعزّ اعلی را تیرباران نمودند دسته اول در همان سنه شهادت در اثر زلزله شدید بین اردبیل و تبریز هلاک گشتند و دو دسته دیگر پس از دو سال در اثر عصیان و طغیان تیرباران شدند و رئیس آن فوج در حرب محمّره هدف گلوله توپ گشت و بانان ملحق گردید هائم در هیماء جهل و عمی کریم زینم بساطش منطوی و نورش مطفی گشت و مساعی و مجهوداتش در اطفاء سراج امر الهی هدر رفت و در اسفل درکات جحیم مقرّ گزید حاجب غدار در چنگ قومی سفاک و خونخوار گرفتار گشت و باشنع عقوبات معذب و مبتلا شد سلطان ایران که بخطاب یا ملک

المسلمین در قیوم اسماء مخاطب و بتطهیر ارض مقدّسه و نصرت امر الهی مأمور و با وجود توقیعات متتابعه نقطه اولی حضرت را از ورود بآن ارض مانع گشت و حکم تبعید را بجبال آذربایجان صادر نمود و زمام امور را بدست وزیر پرتدلیسش بسپرد قریب یک سال و نیم پس از صدور حکم تبعید بمقرّی که در آن کتاب مستطاب قلم علیّ اعلیّ مقدرّ فرموده راجع گشت

مرکز خلافت عظمی و جالس بر اریکه ظلم و جفا که بدون سبب و جهت سه ۳ دفعه متتابعاً جمال ابهی را سرگون نمود و بحصن عکا اخرب و اقبیح مدن دنیا فرستاد پس از انقضای سنین معدوده معزول و مقتول گشت و بساط عزّتش مطویّ شد و سمیرین و وزیرین بی نظیرش عالی و فؤاد در همان ایّام بثمره اعمال قبیحه خود رسیدند ارض سرّ بفرموده جمال ابهی منقلب گشت و زلزله بارکان دولت جائزه بیفتاد و اضطراب عظیم ظاهر گشت و ندای ارامل و قبائل از مدینه کبیره مرتفع شد ملک پاریس الّذی استکبر علی الله و نبذ اللّوح عن ورائه اشهر معدوده پس از صدور توقیع ثانی از قلم اعلی و انذار صریح و شدید دفعه واحده در جنگ آلمان مغلوب و مقهور گشت و ولیعهدش بدست قبائل افریک مقتول شد و سلطنت بجمهوریّت مبدل گشت و بشهادت قلم اعلی ذلت از کلّ جهات آن ملک مغرور را احاطه نمود و بخسران عظیم مبتلا گشت و در دیار غربت بتراب راجع شد مهدی مکار که بفرموده جمال مختار از فعلش ناله روح القدس مرتفع در قبضه اقتدار گرفتار گشت و بمقرّ قهر در اسفل سقر راجع شد حبر اعظم که بخطاب مهیمن یا رئیس القوم دع ما عندک من الزّینة المزخرفة ثم انفقها فی سبیل الله مخاطب متعاقب صدور توقیع منیع اسیر و مقهور و منکوب و مسجون گشت و سلطه زمینیه اش محدود شد و مدینه رومیّه که هزار سال مقرّ سلطنتش بوده در تصرف خصم الدّش درآمد کاذب ارض طاء که فتوی بر قتل عامّ پیروان جمال ابهی صادر نمود بیلای عقیم مبتلا گشت و باسفل جحیم راجع شد مردود دارین و مبعوض ثقلین شیخ عبدالحسین بشهادت قلم میثاق معزول و منکوب و پشیمان و پریشان گشت سفیر عجم که بفرموده جمال قدم کان ان یشرب الخمر و یرتکب الفحشاء و فسد فی نفسه و افسد العراق مخذول و گرفتار گشت اساسش ویران گردید و بنیادش برافتاد ذنب خونخوار که قلم اعلی به بقیه اثر الشمس علی رؤوس الجبال آن جاهل مرتاب را تشبیه فرموده مخذول و معدوم گشت و بساط ریاستش منظوی شد و از شدت توهین رحلت به عتبات نمود و در آتش حسرت و اندوه بسوخت رقشا که بشهادت جمال ابهی از ظلمش انین اشیاء مرتفع گشت و فرائص اولیا مرتعد شد و چند مرتبه از ظالم ارض طفّ شقی تر بود بیلاء ادهم در اواخر ایّامش چنان معدّب گشت که اهلش از او اجتناب نمودند و بذلت بی منتهی بادنی درک سجّین راجع شد نارش کما اخبر الله فی لوح البرهان مخموم گشت و نفحات عذاب آن طاغی باغی را بشائی احاطه نمود که مدار عبرت عظیم گشت ظلّ زائل سطوت و اقتدارش معدوم شد و شوکت و جلالش بخسران و وبال تبدیل یافت

مطلع اعراض یحیی بی شرم و حیا که بخطاب عزّ روح الامین رأسه عن فعلک و جلس حوریّات الغرفات علی الرّماد من ظلمک مخاطب گشته از اعلی المقام باسفل درکات هبوط نمود و بذلت کبری ایّامی را بسر برد وصیّ اولش تائب و راجع گشت و وصیّ ثانی در ملاء عام از نقطه اولی و من انتسب الیه تبرّی جست و شهادتیش اکثر پشیمان و بیاب محبوب انام ملتجی و خود در جزیره شیطان بنار حسبان راجع شد سید لثیم خبیث اصفهانی که آن مشرک بالله را اغوا نمود در همان آتش که بدست خود در سجن اعظم مشتعل نموده بود بیفتاد و بسوخت و در قعر جحیم مسکن و مأوی جست ظالم عجم ناصر جائز که قلم اعلی بلقب رئیس الظالمین ملقب فرموده و شهادت داده بانه علّق هیکل الأمر فی الهواء و قتله بظلم بکت علیه کلّ الأشیاء هنگامی که بتهیّه و تدارک جشن خطیر ختام دوره پنجاه ساله سلطنتش مشغول بود در بقعه شاه عبدالعظیم بغتّه هدف تیر هلاک گشت و آرزویش را بخاک برد و جزای اعمال قبیحه شنیعه خود را یافت پاشای غدار که جمال مختار را خودسرانه در مدینه عکا بدار الحکومه احضار نمود و جسورانه زبان بعتاب گشود منکوب و معزول گشت و مانند ولایه و

متصرفین دیگر که تعرض بجمال ابهی و اولیای الهی نموده بودند خوار و ذلیل گشت عبدالحمید پلید خصم الدّ غصن وحید و فرید آخر الأمر بخسران مبین افتاد و مقهور و معزول و مسجون و تبعید گشت

اعضای هیئت خاسره تفتیشیه که بیغض مجسم و ظلم مصور از قلم میثاق موصوف رئیسشان مقتول و دیگری منفی و دو نفر دیگر محتاج و مفلوک و منکوب گشتند جمال ستمکار که بخود وعده اعدام مرکز امر کردگار و هدم بقعه نورا را داده بود در جنگ انگلیز مقهور و مغلوب گشت و بسرعت تمام فرار اختیار نمود و آخر الأمر بضررب رصاص مقتول گشت سید افغانی عدو لدود و حقوق بمرض سرطان مبتلا شد و زبانش مقطوع گشت و عاقبه الامر باثر این داء و بیل شربت هلاک را بنوشید پیر کفتار جمال تبه کار که باهل شرور بیبوست و ناقض جحود را تأیید و تشجیع و تقویت نمود و وعده نصرت داد محلّ سیاط قهر و غضب الهی گشت و بذلت مبین بیفتاد و بحسرت تمام با دست تهی بمقرّ خود راجع گشت سید دهجی که نیز در هدم میثاق الهی بکمال جدّیت و وقاحت قیام نمود خوار و ذلیل شد و با ابنائش بخسران مبین دچار گشت و در غایت حقارت ایام اخیره اش را بسر برد ابراهیم زینم اول من نقض عهد الله و میثاقه فی الغرب و اتحد مع التاقض الأكبر و ابنه و رفع علم الاختلاف فی تلك الأشطار دفعه واحدة از مسند عزت بخاک مذلت بیفتاد و وحیداً فریداً خائباً خاسراً مغموماً مهموماً در اقلیم امریک بتراب راجع گشت و بفته هالکین ملحق شد بدیع بدخصال غاصب مفتاح ضریح مطهر حضرت ذو الجلال در اندک مدتی مغلوب و محروم و رسوا و مقهور گشت و با جمعی از منسوبین و اعوانش از اصحاب فنور در حفره یأس و قنوط بخزید سید تمرّد الذی افتی علی مرکز الميثاق و اراد قتله خوار و ذلیل و وحید و فرید در ارض باء بدار البوار راجع گشت و ابن ارشدش بمرضش گرفتار شد و متعاقباً باو ملحق گشت فائق ارمنی خود بخود خاموش شد و جمعیه علمیه اش منحلّ و فساد و عربده اش زائل گشت طیر قبیح آواره سفیه مخذول و مردود طرفین گشت و جناحش مقروض و نعاقش خاموش شد نفس مهمله سافله که وصایای محکمه مرکز میثاق ربّ البریه را موهوم و مجعول شمرده رسوای خاصّ و عام گشت و در حفره یأس و حرمان و ذلت و خذلان بطیید خلافت عظمی عدو صائل جمال ابهی سقوط یافت و دیهیم و افسرش واژگون گشت و بطلانش بر جهانیان ثابت و عیان گردید سلطنت مبدل بجمهوریت گشت و سیاست از شریعت رسماً کاملاً انفصال یافت و ابطال و الغاء احکام شرعیّه و شعائر اسلامیّه در مرکز خلافت در مدینه شهبیره از طرف رؤسای دولت و ملت اعلان گشت

سلسله قاجاریّه منقرض گشت و امپراطوری روس و آلمان و نمسه هر سه ۳ سقوط یافت حنین برلین مطابقاً لما نزل من القلم الأعلى فی الكتاب الأقدس مرتفع شد و عزّ مبینش بذلت کبری مبدل گشت قبه الاسلام واژگون گشت و زینه ظاهره نقطه واقعه فی شاطئ البحرین زائل شد و در این سنین اخیره مرکز نقض و قطب شقاق که بهجتماتی متتابعه و دسائس متنوعه عجیبه سنوات عدیده قصد مقاومت و انعدام میثاق حیّ لایموت نموده بود پس از چهل سال انتظار از کلّ جهات مأیوس گشت و از قصر منیع مطرود و در گوشه انزوا مفلوک و خاموش و بمرض فلج مبتلا و از صولت بآس و بطش جیش عرمرم میثاق در میادین خاور و باختر حیران و پریشان خائباً خاسراً باسفل درکات نیران راجع گشت قد اخذته زبانیة القهر من لدن مقتدر قهار و بقت قصته عبره للتأظیرین و موعظه و ذکری للمتبصّیرین امت نکث کما وعدنا سیدنا و مولانا ممسوخ شد و عقده نقض مفسوخ گشت و کلمه نفی منسوخ گردید

و حال در این ایام که ختام قرن اول عصر بهائی است ملاحظه میشود چگونه در این انقلاب اعظم اهل عالم از ملوک و مملوک در شرق و غرب و جنوب و شمال بیلای ادهم گرفتار گشته اند و هرج و مرج راه یافته و ارکان هیئت اجتماعیه متزلزل شده و اختلال و اعتلال در نظم جهان آشکار و پدیدار گشته اقالیم ویران و گردباد بغضا در هبوب و قصور سلاطین منهدم و مدن محترق و سیل دماء منحدر و ناله اغنیا و توانگران مرتفع و فرع اکبر بر قلوب زمامداران مستولی و ملوک ارض باشد عذاب معذب بعضی در ممالک خویش اسیر و بعضی در بلاد غربت حیران و پریشان و بعضی دیگر در معرض مخاطرات بی پایان لیتّم

ما اخبر به القلم الأعلى في ارض السّرّ خطاباً للملوك و السّلاطين قوله عزّ بهائه و جلّ سلطانه و عظم كبريائه " و ان لن تستصحبوا بما انصحبناكم في هذا الكتاب بلسان بدع ميين يأخذكم العذاب من كلّ الجهات و يأتيكم الله بعدله اذاً لا تقدرون ان تقوموا معه و تكوننّ من العاجزين" و همچنين در آن سورة منيعه مباركه نازل "ان يا ملوك المسيحيه ... لم ما تقرّبتم به لتفوزوا بلقائه و تكوننّ من الفائزين ... و ما استقبلتم اليه و ما حضرتم بين يديه لتسمعوا آيات الله من لسانه و تطّلّعوا بحكمة الله العزيز الحكيم ... فكيف اذا سمعتم امرنا ما استفسرتم منّا ليظهر لكم الحقّ عن الباطل و تطّلّعوا بما كُنّا عليه و تعرفوا بما ورد علينا من قوم سوء اخسرين" و در كتاب اقدس نازل "يا معشر الملوك انتم المماليك قد ظهر المالك بأحسن الطراز و يدعوكم الى نفسه المهيمن القيوم اياكم ان يمنعمكم الغرور عن مشرق الظهور او تحجبكم الدنيا عن فاطر السّماء ... انا ما اردنا منكم شيئاً انما ننصحكم لوجه الله و نصبر كما صبرنا بما ورد علينا منكم يا معشر السّلاطين" تعالى تعالى اسمه المبارك المهيمن البهيّ الباهي الأبهى تعالى تعالى جماله الأظهر الأظهر الأبدى الأزليّ المشعشع الأعزّ الأقدس الأسنى تعالى تعالى امره القاهر المبرم الغالب المسخّر الأوعر المتلاطم المتهيج الأسمى تعالى تعالى عهده الأرفع الأتمّ الأحكم الأبدع الأوفى له الغلبة و الهيمنة و الاستقلال و العزّة و الاقتدار لأحبّائه و امّاء امره و المستظليين في ظلّه و الثابتين على عهده و المروّجين لشريعته و الناطقين بثنائه و المؤسّسين لأركان نظمه البديع و الرّافعين للواء دينه المبين بين العالمين

در خاتمه اين اوراق تمنّا و خواهش اين عبد از ياران ممتحن جمال قدم و هموطنان اسم اعظم و زائرين بيت مكرّم على الخصوص امنای محفل مركزى آن كشور مقدّس آنكه در اين ليله مباركه كه نمايندگان جامعه بهائى از ولايات مختلفه در مدينه طيبه شيراز مجتمع و بزيارت آن مقام مقدّس نائل و فائز و از شعشعات انوار آن مقرّ اعزّ افخم مستفيض يادى از اين عبد مستمند بنمايند و بالتيابه جبين را بر عتبه ساميه آن حجره مطهره بنهند و از صاحب آن بيت از صميم قلب عون و صون و تأييد و توفيق مسئلت نمايند و همچنين از براى مجاهدين فى سبيل الله كه در ميادين شرق و غرب بتسخير مدائن قلوب مشغولند امدادات متتابعه الهيه را ملتتمس شوند تا مراحل باقيه را بقوة ربّ الجنود يك يک طيّ نموده امر عزيز الهى را كه در سبيلش صدر مقدّس مشبك گشته و هزاران نفوس خون خويش را فدا نموده بسرمنزل مقصود رسانيم و ثمرات بهيه بديعه لطيفه طيبه قدسيه جنيّه سدره الهيه را بر جهانيان ايتار نمائيم

يا ربّنا الأعلى نسألك بحقّ دمك المرشوش على التراب بأن تجب دعائنا و تحفظنا فى صون حمايتك و كلاءتك و تمطر علينا سحاب جودك و احسانك و تؤيدنا و توفّقنا على السلوك فى سبيلك و التمسك بحبل ولائك و اثبات حجّتك و انتشار آثارك و دفع شرّ اعدائك و التخلّق بأخلاقك و اعلان امر محبوبك الأبهى الذى فديت نفسك فى سبيله و ما تمنيت الأّ القتل فى محبته اغشنا يا محبوبنا الأعلى و اشدّد ازورنا و ثبت اقدامنا و اغفر لنا ذنوبنا و كفرّ عنا سيئاتنا و اطلق السنننا بمحامدك و نعوّتك و كلّل اعمالنا و مجهوداتنا باكليل قبولك و رضائك و اجعل خاتمة حياتنا ما قدرته للمخلصين من برّيتك و اجرنا فى جوار رحمتك و ادخلنا فى فضاء انوار قريك و احشرنا مع المقرّبين من احبّتك و قدرّ لنا الوفود عليك و رنحنا بصهباء لقائك و اخلدنا فى حدائق قدسك و ارزقنا كلّ خير قدرته فى ملكوتك يا مغيث العالمين

نوروز ۱۰۱

بنده آستانش شوقى

توقیع مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع

احبای الهی و اماء الرّحمن برادران و خواهران روحانی در اقطار و ممالک شرقیه طراً ملاحظه نمایند

ایها المضطهدون فی سبیل اللّٰه و الثّابتون علی عهدہ الأوفی و المؤسسون لدعائم نظمہ الأبدع الأسنی در این حین که سنه اولای عهد ثانی عصر دوم نخستین دوره مقدّس کور مشعشع اعظم الهی اختتام یافته نظر این مستمند بسوی آن یاران ارجمند متوجّه و جان و روان این دردمند از روایح مسکّیه و نفعات قدسیّه که از شطر آن نفوس نفیسه و وجودات زکیّه و فئه ثابتّه راسخه و عصبه نورانیّه ملکوتیه در هبوب و مرور است مستبشر و مستمدّ و قلب این مشتاق از فوران نار محبت عشاق نیر آفاق در احتراق و روح این معتکف آستان حضرت رحمن از شدت اشتیاق مشاهده روی دلجوی اهل وفاق متأجج و ملتهب و از وقوع حوادث ناگوار و استمرار و اشتداد باران بلا در این سنین اخیره که از سحاب قضا در موطن اصلی جمال قدم بر متمسکین بعروه وثقی هامل و نازل متألّم و قلم این بی‌نوا و سبّاح بحر بلا و خسته تیر جفای منتسبین و متعلّقین بی‌وفا بذکر اوصاف و نعوت مقرّبان حریم کبریا که بشرافت نسبت حقیقیّه مشرفّ و در میادین مختلفه و اقطار متعدّده در ظلّ لواء معقود بتسخیر مدن و فتح دیار و حراست حصن حصین یگانه ملجأ و ملاذ جمهور ابرار و اخیار و نصب قواعد نظم نوین جهانی ساطع الأنوار حضرت کردگار در لیل و نهار مشغولند متحرّک و جوارح و ارکان از ظهورات و بروزات عجیبه که از تابشیر حلول قرن ثانی بهیّی الأنوار کور جهان‌آرای جمال ابهی محسوب و کلّ مدلّ بر همم مبذوله و مساعی مشکوره و اقدامات باهره و مشروعات بهیّیه و تأسیسات بدیعه و فتوحات جلیله جند هدی است مهترّ و لسان باین مناجات که از اعماق قلب حزین بدرگاه قاضی الحاجات ربّ الآیات البیّنات متصاعد ناطق که

ای محبوب ابهی سپاس تو را که از بدو اشراق امر اعزّ اعلایت و تأسیس بنیان قویّ الأركان مقدّس نازنینت و صدور بشارت جان‌افزای جلوه نظم بدیع جهان‌آرایت این مشت ضعفا را با وجود هطول امطار رزایا و بلایا و هبوب عواصف و قواصف لاتعدّ و لاتحصی و تتابع محن و مصائب از زجر و حبس و نهب و نفی و اسارت و سفک دماء و تسویلات و تعدّیات و دسائس اولو البغضاء و مهاجمه عنیف ملوک و خلفا و علما و امرا در ظلّ جناحت مقرّ و مأوی بخشیدی و وحدت جامعه منادیان امر اعظمت را و سالکان سبیل اقومت را از انشقاق و انقسام و انشعاب محافظه فرمودی و لؤلؤ امر گرانبهائیت را در صدف میثاق از سارقان و خائنان و اهریمنان صیانت نمودی و پرچم استقلال شریعت غرّا را بدست باسلان و مبارزان امرت در ممالک غریبه و اقلیم شمالیه و اقطار جنوبیه برافراشتی جالسین بر اریکه ظلم و اعتساف را بخاک مذلت بینداختی و صفوف ناقضین و ناکصین عهد بی مثیل و عدیلت را در دوره اولی و عهد ابهی و یوم میثاق و پس از افول کوکب پیمان از افق عالم امکان در هم شکستی و آثار بهیّیه صادره از مخزن قلم اعلایت را بید ملائکه ناشرات به ازید از پنجاه ۵۰ لغت از لغات شرقیه و غریبه در بین عالمیان منتشر ساختی و بنیاد لایتزعزع نظم اجلّ افخم اعلایت را در نود ۹۰ اقلیم در خاور و باختر استوار فرمودی و نمایندگان سی ۳۰ نژاد از نژادهای مختلفه جهان را در سلک مستظّلین رایت بیضایت محشور نمودی و اعظم و اشرف دول قاهره ارض را و جمعی از اجلّه و دانشمندان باختر را بر تجلیل و تکریم و تشهیر مبادی و تعالیم امر نازنینت برانگیختی و باعتراف باصالت شریعت سمحا و اقرار برسمیّت هیئت منتخبه جامعه پیروان امرت و نصرت مستضعفین عبادت در اقطار شرقیه بگماشتی و از قلم ملکه‌ئی از ملکات در اقلیم فرنگ خطابه‌های مهیجه متابعه در ستایش و نیایش تعالیم مقدّسه و مبادی سامیه امرت بصرافت طبع و طیب خاطر صادر فرمودی نقاب از وجه شریعت غرّایت برانداختی و سرّ مکنون و رمز

مصون را شهرة آفاق نمودی کوس استقلال دین مبین را در اعلیٰ المقامات بدست دشمنان دیرین علمای رسوم بلند نمودی و بسمع قریب و بعید رساندی و مرکز خلافت عظمیٰ خصم خصیم و عدو دود شارع امرت را از اوج عزت بحضیض ذلت بینداختی مصداق وعود حتمیّه کتاب اقدس و قسطاس اعظمت را مستمراً مترادفاً متتابعاً ظاهر نمودی و قبله اهل بها را در قلب عالم ارض میعاد لانه انبیا و اصفیا در مرجع عکا و بقعه احدیه نورا جوار مدینه منوره بیضا مستقر فرمودی و اس اساس قصر مشید نظم اعظم حجر زاویه دیوان عدل الهی را در اشرف ممالک ارض در دامنه کرم مقدس الهی بید قدرت بنهادی

ای قوی قدر این نهال بیهمال را که در مزرعه جهان باصابع اقتدار و اراده غالبه و مشیت نافذات غرس نمودی و بحرارت محبت بی منتهایت پرورش دادی و بدماء برینه بیست هزار نفس از شهیدان امرت سقاییت نمودی و از سیل بنیان کن محن و آفات گوناگون متجاوز از صد سال محافظه نمودی و اصلش را در ارض کبریا ثابت فرمودی و فروعش را در ماوراء البحار باقالیم شاسعه نائیه در قطعات خمسّه عالم رساندی از نشو و نما بازمدار و در ظل رعایت و صون حمایت خویش از صرصر امتحانات شدید و انقلابات آتیه و منازعات کویّه صیانت فرما و از فیض مدارار پر بار و شکوفه نما و از اشعه ساطعه تأیید اهتزاز جدید بخش و از اقتطاف ثمرات جنیّه بهیّه قدسیّه ازلیّه منیعه بدیعه اش جهان و جهانیان را بمرور ایام بهرمنند فرما و عود باقیه که در ام الکتاب بتلویح و تصریح بقلم اعلایت ثبت نمودی ظاهر نما و حزب مظلوم را در موطن اصلیت از قیود و سلاسل صدساله برهان دست تطاول ستمکار را کوتاه کن و قوم ظلوم و جهول را بعذاب ادهم و انتقام کبیر اکبرت معذب فرما غیوم کثیفه از افق آن اقلیم پرابتلا متلاشی کن و هیاهو و عربده جهلا و بلها و سفها را تسکین ده اهل فتور را عبره للناظرین نما و عصبه مقلدین و سالکین منهج سقیم را بشاهراه هدایت کبری دلالت نما گمگشتگان وادی شهوات را در این بحران عظیم بحلل تقدیس و تنزیه مزین کن و فئه مستکبرین و خادعین و منحرفین و منفصلین از جامعه پیروان امرت را تقلیب نما و بتلافی ما فات عنهم موفق دار دول و ملل عالم را که در هیماء ضلالت هائم و در تولید نفاق و کشتن بذر شقاق مداوم و در تسعیر نار حرب و قتال ساعی و جاهد هدایت فرما و از این سبات عمیق و کابوس ثقیل نجات ده و از خطر محقق که سقوط و هبوط باسفل درکات است محافظه فرما من علی الأرض را کما وعدتنا فی زیرک و الواحک از ادیان مختلفه و مذاهب متفرعه و اوطان متباغضه و اجناس متنوعه و طبقات متضاده و احزاب متنافره در ظل سراپرده وحدت اصلیه حقیقیه مجتمع فرما و برقع ارکان صرح مشید رفیع المنار محکمه کبرایت بگمار سلطنت الهیه و غلبه ظاهره و سلطه قاهره و سیطره محیطه اسم اعظمت را بر مدعیان کالشمس فی رابعه النهار ظاهر و آشکار فرما و وحدت سیاسی و دینی و نژادی و اقتصادی و اجتماعی نوع بشر را که از علامات بلوغ عالم و از اعظم بشارات مصرحه در صحف الهیه نازل در ادوار سابقه و محور تعالیم مقدسه در این یوم عظیم است و اشرف ثمره عصر ذهبی دوره اولای کور بهائی محسوب و مقدمه تأسیس مدنیّت لاشرقیه و لاغربیه الهیه است در انجمن بنی آدم بر اساس متین و رزین تأسیس کن تا عالم پر شور و آشوب باسایش حقیقی فائز گردد و قلوب از قید هموم و غموم برهد و از محنت عظمی و بلیّه کبری نجات یابد و عالم ناسوت بنیروی اسم اعظمت که در حقائق کائنات و هویت ممکنات جاری و ساری جلوه گاه ملاً اعلیٰ و آئینه عالم بالا و قطعئی از فردوس ابهی گردد تویی مغیث و تویی مجیر و تویی شنونده و بینا و مقتدر و توانا

یا معشر المحییین وقت آنست که بسپاس این مواهب جلیله و انتصارات باهره و عنایات مبذوله و فیوضات کامله که از بدو ظهور مکلم طور الی یومنا هذا در بسیط غبرا مترادفاً متتابعاً ظاهر و پدیدار گشته و تمهیداً لما یظهر من بعد من خفیّات امره و اسرار حکمته و اشراقات انواره و منصوصات کتابه نظر قاصر را علی قدر استعداد بکیفیّت و عظمت و امتداد و انبساط و ابتهت و جلال عدیم المثال این کور مقدس اعزّ ابهی متوجه نمائیم و بمقام مظهر نفس الله المهیمنه علی العالمین که موجد و

محرک اصلی و مبدأ و منتهای این کور است علی قدر مراتبنا پی بریم و بمعرفت شمه‌ئی از این تجلیات بدیعۀ مدهشه که امم ماضیه در قرون اولیّه و ازمنه سابقه و عصور خالیه مشاهده بل تخطّر و تصوّر آن را نموده موفق گردیم

چه مقدار عظیم و بزرگ است این ظهور اعزّ صمدانی و چه مقدار رفیع و بلند است این کور مکرم مقدّس مفخّم معزّز رحمانی اگر بنظر حدید ملاحظه نمائید و در آنچه از قلم اعلی و کلک نقطه اولی و یراعه مرکز عهد جمال ابهی نازل گشته تدبّر و تفرّس نمائید معلوم و واضح گردد که این تصرّقات عجیبه غریبه و وقائع هائله خطیره که از جریان و سریان قوه محیطه ازلیّه دافعۀ الهیه در حقائق ممکنات در سنین اولیّه این کور مقدّس در عالم امکان ظاهر و نمایان گشته کلّ از نتایج سحر است که بنفسه بشارت‌دهنده اشراق شمس سلطنت آتیۀ الهیه و مقدمه طلوع آفتاب جهان‌تاب سعادت و رفعت و عزّت موعوده عالم انسانی است که در قرنهای لاحقه و ادوار آتیۀ این کور مجید بسیط خاک را نورانی و متألّف نماید و خلعت جدید پوشاند و یک وطن نماید و بدرجه بلوغ و اوج کمال رساند و مدنیّت لاشرفیّه لاغریبۀ الهیه را تأسیس فرماید و ساکنین کره ارض را من اقصاها الی اقصاها بتنفیذ مشیت ازلیّه ربّ البریه و تحقّق وعود و بشارت مظاهر الهیه و عروج بمقامات سامیه که غایه قصوای ایجاد و تکوین هیئت اجتماعیّه و خلقت بشر و بعث رسل است موفق و مفتخر گرداند

مرکز میثاق حیّ لایموت در لوحی از الواح در وصف این قوه محیطه الهیه که در سلسله تصرّقات محیّر العقولش هنوز مرحله اولی را طیّ نموده باین بیان ناطق "حضرت اعلی میفرماید لو ارادت نملۀ ان تفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السّرّ الصمدانیّه قد تلجلج فی حقیقه الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال مبارک روحی لأحبّائه الفداء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود"

این کور اعظم افخم بشارتش در متون صحف و زبر و کتب و اسفار و الواح از آدم تا خاتم مدوّن و در تاریخ شرائع و ادیان از اولّ النبیین الی خاتم النبیین بی نظیر و عدیل و مثیل و سابقه است بشأنی بزرگوار است که امتدادش پانصد هزار سال است و مجلی و محور و مؤسّسش مظهر نفس الله جمال قدم و اسم اعظم قیوم الأرض و السموات مالک الوجود مبعث الرسل مکّم الطور ربّ الجنود اب سماوی مالک یوم الدین که در تورات و انجیل و قرآن مجید بتلویح و تصریح مذکور و بابدع نعوت منوعت و باعظم و اشرف اوصاف موصوف این کور مقدّس بشأنی منیع و رفیع است که نسبتش بحقّ داده شده و انبیای اولو العزم و مرسلین مستظّلین در ظلّ آن شارعین قدیر متعاقباً متزایداً بمقتضای نشو و ارتقای اهل ارض و استعداد روحانی عباد بان بشارت داده ولی بر کیفیت آن بتمامها آگاه نگشته و بر حسب ادراکات خلق شمه‌ئی از عظمت آن را بیان فرموده و خود را در ساحت اعزّ اعلائی مؤسس بزرگوارش احقر الوجود شمرده و آرزوی دقیقه‌ئی از ایّامش را نموده اینست که در اظهار و اثبات اعظمیّت و اکمالیّت این کور الهی مؤسس آن بذاته میفرماید

"امروز یوم الله است و حقّ وحده در او ناطق لا یذکر فیہ الا هو ... امروز سیّد روزها و سلطان ایّامهاست ... بصر ایّام است بلکه بصر عالم بان روشن عالم زمان بساعتی از ساعاتش معادله نماید ... آفتاب و ماه شبه این یوم را ندیده ... از ختمیّت خاتم مقام این یوم ظاهر و مشهود ... اگر از عظمت یوم الهی علی ما هو علیه ذکر شود البتّه اکثر ناس منصعق شوند بلکه صرعی مشاهده کردند"

و ایضاً میفرماید "قد بشّر کلّ نبیّ بهذا الیوم و ناح کلّ رسول حبّاً لهذا الظهور ... هذا یوم لو ادركه محمد رسول الله لقال قد عرفناک یا مقصود المرسلین و لو ادركه الخلیل لیضع وجهه علی التراب خضعاً لله ربّک و یقول قد اطمئنّ قلبی یا اله من فی ملکوت السموات و الأرضین ... و لو ادركه الکلیم لیقول لک الحمد بما اریتنی جمالک و جعلتنی من الزّائرین ... هذا یوم فیہ سرع کوم الله شوقاً للقاءه و صاح الصّهبیون قد اتی الوعد و ظهر ما هو المکتوب فی لوح الله المتعالی العزیز المحبوب"

در بیان عظمت ظهور خویش که مبدأ و مطلع این کور مقدّس است جمال قدم میفرماید "قد ظهر فی هذا الظهور ما لا ظهر فی ازل الآزال ... مظاهر قبل هیچ یک بر کیفیت این ظهور بتمامه آگاه نه آلا علی قدر معلوم ... و لو یكون مشارق الوحي کلّها فی هذا الحین الّذی فیہ ینطق لسان العظمة و الکبریاء و یتوقّفن فی هذا الأمر اقلّ من أن لیهبط اعمالهم کذلک قضی الأمر من لدی الحقّ علامّ الغیوب ... أنّه لهو الّذی قرّرت بجماله عین الله الملك العزیز الجمیل ... هذا لهو الّذی ارسل من عنده المرسلین و جاء من لدنه معشر التّبیّین ... هذا لهو الّذی قد اخذ نقطة البیان عهده فی ذرّ البیان و محمّد رسول الله فی ذرّ الفرقان و الرّوح فی ذرّ الانجیل و الکلیم فی ذرّ التّوریه و الخلیل فی ذرّ الأمر ان انتم من العالمین"

و در مقامی دیگر در اثبات قهاریت و امتناع و جباریت این ظهور اعظم میفرماید "تالله الحقّ تلک ایّام فیها امتحن الله کلّ التّبیّین و المرسلین ثمّ الّذینهم کانوا خلف سرادق العصمة و فسطاط العظمة و خباء العزّة و کیف هؤلآء المشرکین" و همچنین مؤیّداً لما صدر من مخزن قلمه الأعلى این کلمات درّیّات نازل "قل انّ روح القدس قد خلق بحرف ممّا نزل من هذا الرّوح الأعظم ان انتم تفقهون ... قل انّ معراج محمّد قد عرج سبعین الف سنة الی ان بلغ الی فنآء هذا الباب ... لعمر الله لما نزلت الآیات من سمآء المشیّة سجد التّقطة الأولى و قال آمنتم بک یا مالک الوجود"

و در مقامی دیگر در بیان انبساط و امتداد این کور جسم از قلم اعلی نازل "هذا لظهور يظهر نفسه فی کلّ خمس مائة الف سنة مرّة واحدة کذلک کشفنا القناع و رفعنا الأحجاب"

و همچنین از کلک میثاق متمماً لما صدر من القلم الأعلى و میبّیاً لما نزل من سمآء مشیّة مالک العرش و الثّری در بیان اکملیت و اصالت این ظهور مقدّس و کور مکرم نازل "قرنها بگذرد و دهرها بسر آید و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل طلوع و سطوع نماید ... اولیاء پیشینیان چون تصوّر و تخطّر عصر جمال مبارک مینمودند منصعق میشدند و آرزوی دقیقهئی میکردند ... جمیع اولیا در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آنی از ایّام الله را مینمودند و در این حسرت از این عالم فانی بجهان باقی شنافتند ... این ظهور اعظم مثلش آفتاب است و ظهورات سائر در اکوار سابقه و لاحقته نجوم و اقمار مگر بعد ادهار و احقاب که اقلّ از پانصد هزار سال نبوده و نباشد"

ای برادران و خواهران روحانی ملاحظه فرمائید که چگونه در یک مقام نفس مظهر کلیّ الهی تصریح فرموده که این کور اکرم امتدادش پانصد هزار سال است و در مقامی دیگر مبین منصوص آیاتش بهمان صراحت در لوحی از الواح شهادت داده که در این مدّت که اقلّ از پانصد هزار سال نبوده و نباشد مظاهر الهیّه که از شطر احدیه در بین بریّه مبعوث میگردند کلّ بمنزلّه نجوم و اقمار و مؤسس این کور وحده چون آفتاب درخشنده و تابان یعنی انبیای الهی مظاهر مقدّسه که من بعد در این کور جلیل متتابعاً مبعوث میگردند و بعضی از آنان مانند انبیای اولو العزم از پیشینیان صاحب کتاب و شارع شرع جدید و بعضی دیگر مانند انبیای بنی اسرائیل که در ظلّ شارعین شریعت الهیّه مستظللند کلّ من دون استثنا بمنزلّه قمر مقتبس از نور آن آفتابند و مستمدّ و مستفیض از فیض نیر اعظم قطب این کور منمخّم و طائف حول آن نور الأنوار نیر الآفاق حقیقة الحقائق الأصل القديم و النّبأ العظیم مطاف الرّسل "من کان مخزوناً فی افئدة الأنبیاء و مسطوراً من القلم الأعلى فی کتب الله ربّ العالمین"

و ایضاً در لوحی دیگر مبین آیات الله و مرکز عهده و میثاقه در تبیین این مبدأ اساسی و تشریح این لطیفه ربّانی تأکیداً لما ذکر من قبل باین بیان صریح الطّف احلی که فصل الخطاب است ناطق "و اما المظاهر المقدّسة الّتی تأتي من بعد فی ظلل من الغمام من حیث الاستفاضة هم فی ظلّ جمال القدم و من حیث الافاضة یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید" یعنی هرچند در این کور مقدّس که امتدادش بنصّ آیه کریمه اقلّاً پانصد هزار سال است انبیای الهی و مهابط وحی آسمانی و سفرای رحمانی که از جانب حقّ مبعوث میگردند و باقتضای زمان و مکان و بر حسب تغییرات و تطوّرات و تبدیلات هیئت اجتماعیه که از لوازم ذاتیه ضروریّه نشو و ارتقای عالم انسانی است برسالتی جدید و کتابی جدید و شرعی جدید ظاهر میگردند و احکام

و سنن و شعائر و قوانین و انظمه یکدیگر را تعدیل و نسخ مینمایند و تغییر و تبدیل میدهند و در افاضه بر عالمیان یفعل ما یشاء و یحکم ما یریدند و بدینجهت از انبیای اولو العزم محسوب ولی کلّ الی ان ینتهی هذا الکور الأعظم العظیم مستمدّ از یک مصدرند و مستفیض از یک فیض و متوجّه بیک وجه و مرتبط بیک مرکز و طائف حول یک قطب که آن جمال قدم و مشرق از مطلع اعظم و شارع دور بهائی و مؤسس این کور الهیست

همچنان که از آدم تا خاتم انبیای اولو العزم مانند موسی بن عمران و عیسی بن مریم و محمد بن عبدالله که هر یک بکتابی جدید در ازمئه مختلفه در میان قبائل و طوائف متنوعه متباغضه مبعوث گشتند و در وضع احکام و تشریح شریعت و اقامه شعائر و تأسیس سنن مختار علی الاطلاق بودند ولی کلّ در عین حال مستفیض و مقتبس از مقام محمود و فانی در ساحت مالک الوجود و میشر بیوم موعود و تأسیس ملکوت و نزول ربّ الجنود یوم یقوم الناس لربّ العالمین مظاهر آتیه نیز که پس از اشراق شمس الشّمس از مطلع اعظم ابهی در این عالم ادنی مبعوث میگرددند در مدّت پانصد هزار سال او ازید کلّ با وجود اختیار در تشریح و نسخ احکام و تبدیل سنن و شعائر مانند مظاهر قبلیّه مقتبس از آن نور الأنوار و طائف حول آن حقیقه الحقائق و مستمدّ از آن بحر البهور خواهند بود الی ان یتّم الله نوره و یخرج من بطون هذا الکور الألمع الأملع الخطیر ما اراده و یظهر فی حیّ الوجود کلّ ما قدره من خفیات هذا الأمر الأعظم الأوعر الفرید تعالی تعالی هذا الکور الأقدس الأبدع الأعزّ المشعشع المبارک المنیع الّذی لم یسبقه کور فی الابداع و الّذی نسبه الله الی نفسه و اختصّه بعطیّته و موهبته و زینّه بطراز التّخصیص و توجّه بظهور جمال القدم و الاسم الأعظم و الرّمز المنمنم بهاء من فی السّموات و الأرضین تعالی تعالی هذا الکور العظیم الّذی بشرّ به سفراء الله و امنائه و ناح حبّاً لظهوره اصفیاء الله و اولیائه و امتحن الله فیهم کلّ الأنبیاء و المرسلین و المبشّرن لدینه المبین من آدم الأوّل الی خاتم النّبیین تعالی تعالی هذا الکور العظیم الّذی خضعت لسلطانہ اعناق المرسلین فی القرون الأوّلیّه و الأدوار السّابقه و ستخضع له اعناق النّبیین فی القرون الآتیّه و الأدوار اللاحقه امرأ من لدی الله المقتدر القاهر الأمر الحکیم و اعزازاً و اجلالاً لمقامه الشّامخ الباذخ المتعظّم المتعزّز المنیع

یا امناء البهّاء و حلفاء حبّه و حملة امانته و هداة خلقه یقین مبین بدانید که این ادوار الهیّه که در آینده در ازمئه مختلفه متناوباً متسلسلاً بر حسب مشیّت ازلیّه در بین بریّه تجدید میگردد کلّ مانند شرائع قبلیّه چون حلقه های یک سلسله یکدیگر مرتبط و از اقسام و اجزاء این کور مقدّس محسوب و هر یک منتسب بمظهری از مظاهر الهیّه و خاضع و تابع سنن و احکام مخصوصه صادره از شارع آن دور مقدّس است

اول و اشرف و اعظم این ادوار دور اعزّ بهیّ الأنوار جمال اقدس ابهی که بنفسه المهیمنه علی العالمین هم شارع دور بهائی و هم مؤسس این کور متعالیست مرجع این دور کتاب اقدس الصّحیفه العلیا و الحجّة العظمی و قسطاس الهدی بین الوری بدایتش سنه ستین که بفرموده نفس مظهر ظهور مبدأ تاریخ بدیع است امتدادش بنصّ آن کتاب مستطاب اقلّاً هزار سال ما به الامتیازش تأسیس بنیان مرصوص عهد متین و میثاق غلیظ حضرت ربّ العالمین و رفع لواء معقود و نصب جبل ممدود بین السّموات و الأرضین یگانه کافل و ضامن انتظام و استحکام اساسش نظم بدیع الهی ولید میثاق یزدانی آغازش دو ظهور متعاقب و اشراق شمس حقیقت متتابعاً از خانه حمل و برج اسد مسک الختامش جلوه سلطنت قاهره الهیّه و اعلان امر مبرم حضرت احدیّه و استقرار ملکوت الله در بین بریّه و استحکام وحدت اصلیه هیئت اجتماعیه و ارتفاع علم صلح اعظم و تأسیس مدنیّت لاشرقیه و لاغربیه الهیّه در این دور مقدّس که غره کور عظیم الهیست نقره نافور و نغمه صافور مطابقاً لما نزل من القلم الأعلى مترادفاً مرتفع گشت و رستخیز اعظم بریا شد کون بحرکت آمد و عالم عالم دیگر گشت و جشن اعظم و عیش اکمل اتمّ اهل ملاً اعلی را باهتزاز آورد جمیع ممکنات در بحر طهارت منغمس گردید و کلّ اشیاء بقمیص اسماء مزین گشت نسائم غفران بر هیاکل اکوان بوزید و عالم و ما فیها را منقلب نمود و استعداد بلوغ در هیکل عالم انسانی ایجاد گشت مکلم طور سلطان سریر

لاهورت بر عرش ظهور مستقر گردید و ماء حیوان از شطر رحمن بر عالمیان مبدول گشت در این مقام از یراعه مرکز عهد الله این کلمات عالیات نازل "اگر در این کور بدیع و دور جدید بصر حدید ملاحظه نمائی مشاهده میفرمائی که جهان در این تجلی جمال قدم از مطلع اعظم بخلق جدید فائز گردیده و حقیقت وجود بجمیع کمالات غیب و شهود مزین گردیده و انوار تقدیس از افق توحید بر مطالع تجرید ساطع گشت و غمام تسبیح بامطار تمجید هافر شمس حقیقت از برج اسد لامع شد و باشد حرارت در اشرف نقطه ظاهر حال بحسب ظاهر اگرچه آثار باهرة این طلوع الهی بتمامه در حیز شهود مشهود نه اما در حقیقت وجود تحقق یافته و بمقتضای استعداد این عباد ظاهر و عیان گردد"

یا معشر المؤمنین این دور الهی که حلقه اولای کور مقدس محسوب و مبدأش مولد شریعت بهائیه و منتهاش ظهور نتیجه و ثمره آن در عالم امکان است سه ۳ عصر عظیم منقسم و این اعصار ثلاثه هرچند از یکدیگر ممتاز و هر یک باسمى موسوم و بوصفی موصوف و بشئونی مخصص و در کیفیت مختلف و در امتداد متفاوت ولی بیکدیگر کاملاً مرتبط زیرا ارتباط حقیقی هر یک از این اعصار ثلاثه بنظم بدیع الهی و ایجاد و نشو و ارتقای در عالم وجود ثابت و محقق اگر بنظر دقیق و بصر حدید ملاحظه نمائید معلوم و واضح گردد که این نظم بدیع که در هویت این دور الهی مندمج و حقیقت فائضه امر اعز ابهی بأحسنها و اکملها در آن تجلی نموده و بمرور ایام کاملاً در تأسیسات بدیعه‌اش مصور و مشخص خواهد گشت و صیت بزرگواریش ولوله در بین عموم دول و ملل و نحل و امم و قبائل ارض خواهد انداخت و قواعد و ارکانش در کل اقطار مرتفع خواهد شد و جهان و جهانیان را احاطه خواهد نمود ولید میثاق جمال قدم و اسم اعظم است زیرا از اقتران معنوی بین قوه فاعله فائضه دافعه شریعت الله که از شارع قدیر مندفع و مندفع گشته و لطیفه میثاق که در حقیقت مرکز عهد الله و مبین آیات الله مستور و مخزون و مندمج بوده ظاهر گشته و بوجود آمده تار و پود این نظم الهی احکام مقدسه متعالیه مصرحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و مبادی سامیه روحانی و اداری که در الواح و خطابه‌های مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نیر آفاق و کتاب وصایایش مدون و مسطور بشارتش فاتحه عصر اول و تکوین و تأسیسش در عصر ثانی و تصرفات کامله‌اش مسک الختام عصر ثالث دور مقدس الهی مبشرش حضرت نقطه اولی واضع احکامش جمال اقدس ابهی مهندس و مبین کیفیت تأسیسش مرکز میثاق اتم اوفی حضرت عبدالبهاء و بانیان صرح مشیدش جمهور سالکین سیل هدی اهل بها و راکب سفینه حمرا این نظم بدیع از انظمه باطله سقیمه عالم ممتاز و در تاریخ ادیان فرید و بی مثل و سابقه بنیادش بر دو رکن رکن استوار رکن اول و اعظم رکن ولایت الهیه که مصدر تبیین است و رکن ثانی بیت عدل اعظم الهی که مرجع تشریح است همچنان که در این نظم الهی تفکیک بین احکام شارع امر و مبادی اساسیه‌اش که مرکز عهد و میثاق تبیین نموده ممکن نه انفصال رکنین نظم بدیع نیز از یکدیگر ممتنع و محال

عصر اول دوره اولای کور مقدس الهی که به عصر رسولی موسوم و بعلت انتسابش بدو مظهر ظهور و مرکز عهد میثاق رب غفور بمراتب اعظم و اهم و اشرف از عصرین آخرین امتدادش هفتاد و هفت ۷۷ سال بدایتش بعثت نقطه اولی در سنه ستین در مدینه شیراز و انتهایش صعود مرکز عهد الهی در ارض اقدس در عقد ثامن قرن اول بهائی

در این عصر نورانی که فخر جمیع اعصار است قوه محیطه غالبه الهیه که در هویت امر عظیم و بطون این دین مبین و شرع مجید مکنون و مستور و مخزون بوده بر عالمیان فائض گشت و در عروق و شریان عالم امکان چون سیل جارف منهمر جاری و ساری شد و نهال بیهمال بدم اطهر نفس مظهر ظهور و خون بیست‌هزار شهید از شیفتگان جمالش و پیروان امرش سقاییت گشت شارع امر مبین عهدی متین با جمهور پیروان آئین نازنین بیست و بنیاد میثاق غلیظ باثر قلم اعلی در کتاب عهدش بنهاد بشارت نظم بدیع الهی بقلم مبشر فریدش در کتاب مجید صریحاً داده شد و احکام و اصولش از قلم اعلای

شارع قدیر در کتاب اقدس نازل گشت و کیفیت تأسیس بنیانش در کتاب وصایا از قلم مرکز عهدش تبیین و تشریح گردید آوازه امرش ولوله در اقطار غریبه بینداخت و نفوذ آئین مقدّسش بشمال و جنوب سرایت نمود

این عصر مشعشع بنفسه مانند دور اعزّ اجلّ ابهی بسه ۳ قسم منقسم عهد اوّل این عصر مبارک عهد اعلی و منتسب به نقطه اولی و مرتکز بر احکام بیان صادر از قلم آن قرّه عین انبیا و اصفیا امتدادش نه ۹ سال ابتدایش طلوع فجر هدی از افق اقلیم فارس در سنه ستّین و انتهایش بزوغ شمس حقیقت در سنه تسع در زندان طهران که خاتمه دور بیان است و حلول عهد موعود من یظهره الله در این عهد اوّل نخستین عصر دوره اولای کور مقدّس بساط اوّلین دفعه واحده منظوی گشت و نسیم الهی از شطر مدینه منوره معظّمه شیراز بوزید باب اعظم بر وجه اهل عالم مفتوح گشت و نغمه اولای صور افخم من علی الأرض را منصعق نمود شرع قدیم منسوخ گشت حروفات بیانیه باراده غالبه ازلیّه تعیین شد و ندای جانفزای طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله مرتفع گشت خطاب مهیمن در قیوم اسماء اندازاً للملوک و الأمراء و العلماء و الوزراء و عموم طوائف عالم از قلم قائم موعود صادر شد و رایت سودا در ارض خاء مرتفع گشت و ارض مازندران و نیریز و زنجان و سائر ولایات مهد آئین حضرت یزدان از دماء برینه شهیدان ریّان گشت در ارض بدشت بهمت و شهامت جمعی از انصار و اصحاب خرق احجاب و کشف نقاب گردید و در عاصمه ایالت آذربایجان اعلان قائمیت از فم محبوب انام بسمع ولیعهد و علمای اعلام و حکام عظام برسید مظهر مظلومیت کبری پس از تبعید و اسارت و محبوسیت بامر مبرم اتابک غدار در مدینه تبریز کأس شهادت بنوشید

و مذبحه کبری در ارض طاء بر اثر حادثه رمی شاه برپا شد و جمال ابهی یگانه ملجأ و ملاذ اصفیا و اولیا را بقعر زندان انتن اظلم بینداخت و اجله اصحاب و انصار و هزاران از احباب را طعمه شمشیر و اسیر و بی سر و سامان نمود

عهد ثانی این عصر مبارک منتسب بهیکل مکرم افخم جمال قدم و اسم اعظم و طائف حول آن مظلوم عالم و موعود و مقصود کلّ ملل و امم و مستند بر شرع اشرف امجد اعزّ اقدس آن محیی رمم امتدادش سی و نه ۳۹ سال ابتدایش حلول سنه تسع و دعوت سری مظهر کلی الهی و تجلی روح اعظم بر قلب اصفای ممرّد سلطان قدم در سجن مظلّم و انتهایش صعود آن منجی امم و افول آن کوکب درّی مشرق بر آفاق عالم در مغرب سجن اعظم

در این عهد مشعشع ممتاز ساطع الأنوار سرمدی الآثار عدیم المثال ارفع اکرم افخم که بمراتب اعظم و اکبر و اشرف از عهد سابق و عهد لاحق این عصر نورانی است و بمثابه بصر است در این دور اعزّ صمدانی و تاج و هاج قرن اوّل بهائی و قطب اعظم کور الهی جمال و هاب ربّ الأرباب متدرّجاً در ارض مقدّسه افق نور امّ العالم و مدینه الله دارالسلام و مدینه کبیره و ارض سرّ و مدینه محصّنه عکا سجن اعظم سماء السّماء نقاب از رخ بیفکند و سلطان قیوم بر سریر سلطنت قاهره ابدیه ازلیّه الهیه مستوی گشت اسرافیل حیات مرّه اخری در صافور افخم بدمید و سرّ سنه تسع آشکار گشت و در سرّ سرّ نفوس مقدّسه مطهره زکیه تکمیل شدند جنین امر بمقام احسن التّقویم رسید و مصداق "انّ لکم بعد حین امر ستعلمون" "و ستعلمن نبأ بعد حین" تحقّق یافت دعوت سری مظهر کلی الهی بدعوت جهری پس از خروج از بیت اعظم در حین مهاجرت از مدینه الله به مدینه کبیره مبدل گشت و سنین مهلت منقضی شد و مکلم طور بر عرش ظهور واضحاً مشهوداً جالس گشت سفینه حمرا بر بحر احمر جاری شد و مصداق بیان نقطه اولی "و ان تمنّ علیّ بلقائک فی الرضوان و نفحاتک فی ارض السلام" تحقّق یافت و سلطان ظهور مالک یوم الدّین بفرموده آن مبشّر فرید امر عظیم در انتهای واحد و ابتدای ثمانین از خلف سبعین الف الف حجاب من التور قدم بیرون نهاد و از سرّ مستسرّ علی قدر سمّ الایرة از طور اکبر ظاهر و مکشوف نمود فتنه عمیاء صمّا اعظم انقلاب قرن اوّل بهائی ارض سرّ را متزلزل نمود و صنم اعظم را بخاک بینداخت ارکان جبت متزعزع شد طوریون منصعق گشتند قمر منشقّ گشت فصل اکبر تحقّق یافت سرّ ثمانین آشکار گشت خطاب مهیمن در سوره ملوک و الواح اخری از قلم قیوم الأرض و السّماء بملوک و سلاطین جمعاً و منفرداً و خلفا و امرا و علما و فقها و وزرا و سفرا و اغنیا و فقرا و شعرا و ادبا و

حکما و عرفا و همچنين به حبر اعظم و معشر بطارقه و مطارنه و اساقفه و قسيسين و رهبان و ملوک مسيحيه و مشايخ مدينه کبيره و رؤسای جمهور در قاره امريک و رؤسای مجوس و ملأ انجيل و ابناء خليل و وراث کليم و رؤسای بيان و اصحاب مجالس در ديار کالغيث الهاطل نازل گشت و نفوذ امر الله از مهد آئين مقدس و اقليم مجاور عراق عرب بخطه قفقاز و دو اقليم هند و برما و مصر و ترکستان و سودان و ارض شام سرايت نمود سراج حجاز که بفرموده ربّ بي انباز از مشکوة عراق خارج و در بلور اخري بتقدير مالک عرش و ثرى در ارض سرّ مشتعل گشته بود رغماً لأنف الأعداء و الخصماء من الملوك و الأمراء و العلماء و الوزراء و الوكلاء در مشکوة سجن اعظم روشن و متلاًلاً گشت و بشارات کتب مقدسه و وعود الهيّه که در تورات و انجيل و قرآن مجيد مصرح کاملاً تحقّق يافت صحيفه عليا و مرجع اعلى فرات الرحمة و مشکوة الفلاح و قسطاس الهدى کتاب مقدس اقدس ام الكتاب دور اعزّ اقدس ابهى با وجود بلاى ميرم که در آن بئر مظلّم بر هيکل مظلوم عالم وارد از مخزن قلم اعلى نازل گشت و ختم رحيق مختوم باصبع سلطان قيوم برداشته شد مدينه مقدسه اورشليم جديده نازل گشت و سماء جديده و ارض جديده مصرحه در کتب مقدسه پديدار گرديد و اصول و احکام نظم بديع الهى در اين سفر قديم از قلم اعلى هدايه و تمهيداً لتأسيس قواعد و رفع دعائمه و ارکانه نازل گشت خيام عزّ در دامنه کوم الله منصوب شد و بهاء کرمّل نمودار گرديد صهيون برقص آمد بيت لحم ندای وابشري برآورد اراضى اورشليم بتجليات انوار ربّ مزين گشت هتاف ابن در وادى نهر اردن مرتفع شد خطه حجاز اهتزازى جديد يافت حنين بطحا از تضوّع عرف قميص بها مرتفع شد و هلهله طور سينا از جلوه مکلم طور بلند گرديد و مسجد اقصى بندای واطوبى وافرحة دمساز گشت جمله انبيا و معشر اصفيا و کافه اوليا و عن ورائهم هياکل الصافين و الکرويين فى الملاء الاعلى و طلعات الفردوس فى الجنة المأوى از اين جلوه حيرت انگيز ابهى مدهوش و باين نغمه جان افزا مترنّم

تعالى تعالى جماله البهى الباهى المتباهى الأبهى تعالى تعالى امره الغالب المبرم الأوعر المهيمن على من فى الانشاء تعالى تعالى نوره الأبدى الأزلّى القدمى اللّائح المشرق على من فى الأرض و السماء تعالى تعالى كوره الأعظم الأشرف الأسمى تعالى تعالى دوره الأكرم المتعالى الأعلى تعالى تعالى عصره المشعشع الألمع المتلاًلاً على كلّ الأرجاء تعالى تعالى شرعه المبارك الأكمل الأتمّ الأسنى تعالى تعالى عهده المتعالى الأفخم الأوفى تعالى تعالى نظمه الدرّى السامى الأبدع المتجلى على بسيط الغبراء له القدرة و البقاء و له الرقة و الضياء و له العزة و السناء و له العظمة و الكبرياء و له الهيمنة و السيطرة و الاستقلال عهد ثالث اين عصر پرانوار منتسب بفرع منشعب از اصل قديم غصن الله الأعظم و سره الأكرم و مستند بر ميثاق وثيق جمال قدم و منجى امم امتدادش بيست و نه ۲۹ سال افتتاحش جلوس مبيّن منصوص و حافظ بنیان مرصوص بر كرسى خلافت عظمى و ختامش عروج حمامه ميثاق برفرف اسمى و جنة عليا و ملكوت ابهى در اين عهد ثالث و اخير نخستين عصر دوره اولاي كور مقدس ارباح قضا بر مركز اعلى و مقرّ اسنى مره اخري مرور نمود و رجفه كبرى مانند فتنه عميا كه در ارض سرّ مشتعل گشته بود ارکان جامعه جديد التأسيس پروان بها را مرتعش و متزلزل ساخت و رائحه دفرا از ناحيه بقعه بيضا بوزيد و طوفان شديد نقض بدر ميثاق را در سنين معدوده بخسوف حسد مخسوف و مقنوع ساخت و آل الله را از حرم و اغصان و اوراق و افنان و اصهار از سدره منتهى منفصل نمود و بخاك مذلت بينداخت و بخذلان سرمدى گرفتار نمود اشعه امر الهى كه از دو ظهور مقدس متتابع در عهد اعلى و عهد ابهى مستمدّ رغماً لأنف الناقضين بر آفاق فرنگ ساطع گشت و علم ميبينش در قلب ايالات متحده امريك مهد مدنيت الهيّه كه بفرموده مركز عهد "ميدان اشراق انوار است و كشور ظهور اسرار" منصوب شد امانت الهيّه عرش مطهر نقطه اوليه ازليه سالماً آمناً بساحل اراضى مقدسه واصل گرديد و بنیان ثابت الأركان مقام اعلى مطابقاً لما اراده الله و بر حسب تعليمات مركز عهد الله در دامنه كرم الهى مرتفع شد و بدست بانى مقدس در عيد فيروز نوروز

پس از آنکه شصت سال از انظار مخفی و پنهان بود در ارض اعلی در حظیره غنا در جبل کرمل مقابل قبله اهل بها و جوار مقرّ حضرت ایلیا استقرار یافت

زوبعه ثانی این عهد نورانی بقعه بیضا را احاطه نمود و یوسف بها را در بئر بلا بینداخت و طوق مسجونیت بر گردن یگانه سهیم و شریک مظلوم عالم در سجن اعظم بنهاد صاعقه غیرت بغته بدرخشید و واقعه هائله در مرکز خلافت عظمی رخ نمود و مشروطیت اعلان گشت سلطان جائر عبدالحمید پرکین از سریر سلطنت بحضیض ذلت بیفتاد و روبهان نقض در حفره یأس بخزیدند و عصبه غرور هیئت خاسره تفتیشیه بجزای اعمال سیئه خود برسیدند بنیان رفیع الشان اولین مشرق‌الاذکار جامعه بهائی در مدینه عشق بدستور مرجع امر بها مرتفع گشت و اراضی امّ المعابد غرب بتشویق مرکز عهد اوفی در جوار نخستین مرکز جدید التّاسیس امر الهی در قطب امریک ابتیاع شد جمعی از نفوس منقطع زکبه در اقطار غریبه صلاهی جانفزای "یا اهل المغرب اخرجوا من ديارکم لنصر الله" که در قیوم اسماء در سنین اولیه نخستین عهد عصر ابهی از قلم نقطه اولی نازل اجابت نموده علم مبین را در دو عاصمه عظیم الشان فرانسه و انگلستان و صفحات چین و ژاپان و قاره استرالیا و آلمان و ممالک نمسه و مجرستان و افریقیای جنوبی و جمهوریت برازیل در قاره جنوبی امریک برافراشتند حمامه وفا از چنگ زاغان جفا برهید و آهنگ ریاض غریبه نمود و در مدّت سه ۳ سال بنغمه سرائی مشغول گشت آن منادی ملکوت ابهی و قدوه اهل بها در مجالس و معابد و هیاکل و کنائس و صوامع و دارالفنونهای عظیمه در ممالک انگلستان و فرانسه و آلمان و نمسه و مجرستان و چهل مدینه از مدن ایالات متّحده و اقلیم کندا باعلان و تبیین و اثبات حقائق آئین حضرت ربّ العالمین بآهنگی بدیع و قدرتی محیر العقول لیلاً و نهاراً مشغول گشت و حجر زاویه اولین معبد بهائی را در اقطار غریبه بدست مبارکش بنهاد و عظمت و کیفیت عهد نیر آفاق را در مدینه میثاق در مجمع اهل وفاق ثابت و مدلل فرمود

زوبعه ثالث این عهد پر شور و آشوب کره اخری ارض اقدس را در مدّت چهار سال در مخاطرات عظیمه بینداخت و نائره جنگ بین المللی مشتعل گشت و جمال پروبال دست تطاول بگشود و ثعالب نقض از حفرات یأس بیرون دویند و جولانی جدید نمودند باب لقا مسدود شد حیل مخابرات و مراسلات منقسم گردید و اضطراب شدید بر قلوب اهل بها مستولی گشت سپاه منصور انگلیز باحتلال اراضی مقدسه موفق گردید و بدر میثاق که بخسوف محن و بلایا مخسوف و محجوب بود در آسمان امر الله جلوهئی جدید بنمود یرلیغ بلیغ فرمان الهی خطاباً للذین اختارهم الله لتسخیر المدن والديار و رفع علم الاستقلال و حماية المستضعفين فی البلاد شامل تعلیمات کافیه وافیه و متضمن دستورات خطیره منبعه در الواح متعدده مخصوصه از قلم معجزشیمش صادر گشت و مصداق خطابهای قهریه و انذارات شدید در سوره ملوک و الواح سلاطین و کتاب اقدس متتابعاً متدرجاً تحقّق یافت امور در ارض طاء منقلب گردید و مدینه کبیره مره اخری مضطرب گشت سلطان جائر الجالس علی کرسی الظلم مانند خلیفه سابق معزول شد و بخسران ابدی گرفتار گشت حنین برلین مرتفع شد و ملک مغرورش به من کان اعظم منه شأناً و اکبر منه مقاماً ملحق گشت و بتراب راجع شد امپراطوری روس و آلمان و نمسه هر سه ۳ مبدل بجمهوریت گشت و ملک عجم ناصر غدار الملقب من القلم الاعلی به رئیس الظالمین هدف تیر هلاک گشت و مطلع اعراض ناعق اعظم الذی استکبر علی الله در جزیره شیطان بدار البوار راجع شد یوسف مصر الهی پس از قیادت امر اعزّ صمدانی در مدّت بیست و نه ۲۹ سال معزّزاً مظفراً منصوراً غالباً علی اعدائه و خصمائیه بجهان جاودانی جوار اب آسمانی عروج نمود و الواح وصایا آخرین رنه ملکوتیش را در عالم ادنی بدست اهل وفا و رافعین رایت بیضا و پرورده ید عنایت کبری و حامیان حصن حصین ابهی و ثابتان بر عهد اوفی و بانیان نظم بدیع اسنی بسپرد

حلول عصر ثانی عظیم الشان دور مشعشع کور مقدس در عقد ثامن قرن اول بهائی و واحد خامس تاریخ بیانی که موسوم بعصر تکوین و موصوف بعصر انتقال و حلقه اتصال بین عصر رسولی و عصر ثالث و اخیر دور بهائی که بعصر ذهبی

موسوم است و عصر ظهور و جلوه اعلی و ابهی ثمره نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی در عالم ادنی است مقارن باعلان کتاب وصایا منشور مبارک مقدّس مرکز عهد جمال ابهی و فرمان سالار جند بها و وثیقته مقدّسه عظمی و کاشف کیفیت تأسیس نظم بدیع در بسط غربا و متمّم کتاب مستطاب اقدس مهیمن بر کتب و صحف اولی امتدادش مجهول و در علم الهی مخزون انتهایش استقرار این نظم اکمل امتن اتمّ در شرق و غرب عالم و جلوه وحدت اصلیه در انجمن بنی‌آدم و استحکام اساس صلح اصغر بین دول و امم مولد این نظم اعظم الهی که بفرموده جمال قدم از سطوت ظهور و بروزش در عالم امکان نظم جهان مضطرب و ارکانش متزلزل خواهد گشت مصادف بانقلابات عظیمه و حوادث خطیره و امتحانات شدید و لطمات متابعه بجامعه پیروان امر مولی البریه و قیام دشمنان داخل و خارج از قدیم و جدید و دینی و سیاسی و شرقی و غربی گردید کوتاه‌نظرانی چند از اقربا و منتسبین سدره منتهی و ارکان و اقطاب جامعه اهل بها و فقها و علما و رؤسای ملت روح و زمامداران از امرا و وزرا در بقعه بیضا و مهد آئین جمال ابهی و اقالیم مجاوره مصر و عراق و دو قاره اروپا و امریکا افول کوکب میثاق و فقدان حامی و حارس امر نیر آفاق را غنیمت شمرده در تشبیت شمل پیروان امر حضرت احدیه و تزییف و تحقیر شعائر امریه و انکار صحّت و اصالت وصایای محکمه متفنه در سنین متمادیه همت بگماشتند در ارض اقدس ناقض اکبر بنشر اراجیف باهتمایی عظیم مشغول گشت و بدیع بدخصال بکمال جسارت مفتاح ضریح مقدّس را غصب نمود ولوله علمای شیعه در مدینه‌الله بلند گشت و بیت اعظم بدست غاصبین بیفتاد گروهی از بلها در دیار مصریه بتخریب اساس جامعه و استبدال آن بجمعیّه موهومه بکمال تدلیس پرداختند و در مهد آئین ذوالجلال مشتی از سفها و علی رأسهم النّاعق الأكبر بنهایت وقاحت بر هتک حرمت دین الله قیام نمودند در امریک زنی بی‌شعور خودسرانه فریاد برآورد که الواح وصایای غصن برومند شجره بها و منقوش بقلم گهربارش بی‌اصل و مجعول است و ثانی مؤسس جامعه پیروان امر رحمن در خطّه آلمان را اغوا نمود و با جمعی از ضعفا از صراط مستقیم منحرف ساخت عده‌ئی از مبشرین ملت روح در اروپا و امریک بقدرح و ذمّ دین الهی در نشریات خویش پرداختند و بقتله ضالّه دشمنان دیرین از دو حزب سنی و شیعه اقتدا نمودند امین سرّ غصن الهی بکمال غرور متهوّرانه در خطّه امریک عربده‌ئی بینداخت و بکمال دنائت در تمزیق کتاب وصایا و ایجاد رخنه در بنیان مرصوص امر بها پای بفشرد و بکتاب وحی و مترجمین که در عهدهای سابق باسفل السّافلین ساقط گشتند ملحق گشت کتائب تأیید بحمایت و نصرت بانیان این نظم بدیع هجوم نمودند مفتاح مرقد منور بواسطه ولایه امور پس از تدقیق کامل مسترد گشت صحّت و اصالت وصایای الهیه بر مدعیان ثابت و مبرهن گردید تعدی و اغتصاب رؤسای حزب شیعه پس از مناقشه در بساط لجنه انتداب جمعیّه امم مدلل گشت جمعیّه علمیه منحلّ شد و انفصال منتسبین و متعلّقین بی‌وفا فروع منشعبه از سدره منتهی و انحراف مشتی از کتاب و مترجمین و اماناء سرّ غصن دوحه بقا و ارتداد بعضی از اقطاب و مشاهیر مبلغین و مؤسّسین آئین جمال ابهی علّت تطهیر و تصفیّه امر نازنین و باعث تقویت بنیه جامعه پیروان امر حضرت ربّ العالمین گشت

سالکین سبیل وفا که در حصن حصین امر بها متحصّن و بحبل المّتین وصایای غصن دوحه بقا متمسک و از شدید القوی مستمد متوکّلین علی الله منقطعین عن الجهات متوجّهین الی نیر الآفاق مبتعدین عن اهل الشّقاق با وجود اختلاف مشارب و مسالک و عادات و اجناس و اوطان و لغات و طبقات کثله واحده بتأسیس قواعد و نصب دعائم و رفع اعمده نظم بدیع قیام نمودند نظمی را که در عهد اعلی نقطه اولی بان بشارت داده و در عهد ابهی جمال کبریا اصول و احکامش را نازل فرموده و در یوم میثاق مرکز عهد الله نقشه بدیعی را ترسیم فرموده نظمی که ولید شریعت الله و میثاق نیر آفاق است نظمی که رکن اولش ولایت الله و رکن ثانی آن دیوان عدل الهی است نظمی که کافل ظهور وحدت اصلیه در هیئت اجتماعیه و وصول عالم بدرجه بلوغ و کمال و رافع علم صلح اعظم و ضامن تأسیس مدنیت الهیه در عصر ذهبی دور اعزّ افخم کور الهیست نظمی که مثیل و نظیرش نه در شریعت موسوی و نه در شریعت عیسوی و نه در شریعت محمّدی و نه در شرائع دیگر از آدم تا

خاتم ظاهر نگشته نظمی که نه از قوانین و انظمه و دساتیر سقیمه عالم مقتبس و نه به افکار و اصول شعوب و امم شرقیه و غریبه متمایل نظمی که از دسائس احزاب و مخاصمات دول و منازعات امم در کنار نظمی که دارای بعضی از مزایا و عناصر صالحه و حقائق سلیمه انظمه عالم و از عیوب اصلیه فطریه آنان عاری و مبرا

رفته رفته قوه قدسیه ساریه جاریه دافع الهیه که در سنه ستین بان بشارت داده شده و در سنه تسع در عالم وجود احداث گشته و تولد یافته و در سنه ثمانین سرپاناش بمنتهای درجه قدرت رسیده و در یوم میثاق تصرقات اولیه اش جهان فرنگ را باهتر از آورده در این عصر نورانی در مؤسسات نظم بدیع الهی حلول نمود و تجسم یافت و در قنوت و مجاری معینه منصوصه از قلم اعلی و کلک مبین آیات جمال ابهی جاری و ساری گشت محافل محلیه اس اساس قصر مشید رسماً منظمماً در قارّات خمسّه عالم از طرف جمهور پیروان اسم اعظم از مؤمنین و مؤمنات انتخاب گردید و بر این اساس اقوم اعمده دیوان عدل الهی بیوت عدل خصوصی در ایالات متحده و جزائر بریطانیا و کشور ایران و اقلیم آلمان و خطّه هندوستان و قترین مصر و عراق و قاره قاصبه استرالیا مرتفع گشت لجنه های متعدده متنوعه محلی و مرکزی که بمثابه ایادی و اجنحه محافلند متتابعاً تشکیل شد و صندوقهای خیریه تأسیس گشت و دساتیر و انظمه متعدده که مقدمه وضع ناموس اعظم و متضمن قانون اساسی جامعه در اقلیم مختلفه است بکمال اتقان تدوین و بلغات مختلفه ترجمه و طبع و منتشر گشت انجمنهای شور روحانی ملی و ایالتی بنهایت انتظام در ممالک مختلفه در خاور و باختر تأسیس یافت و متجاوز از هشتاد ۸۰ محفل روحانی مرکزی و محلی در ایالات متحده و هندوستان و آلمان و انگلستان و مصر و بلوچستان و برما و قاره استرالیا و دو اقلیم کندا و السکا و هشت جمهوریت از جمهوریات مستقله مرکزی و جنوبی قاره امریکا رسماً در دوائر حکومت تسجیل گشت و اعتبارنامه رسمی صادر شد و اوقاف بهائی بر حسب شرع اعز صمدانی تأسیس یافت تشید

حظائر قدس ملیّه و محلیّه محور نظام اداری و مراکز بیوت عدل خصوصی و محلی در عواصم بلدان مختلفه و ایالات تابعه در شرق و غرب و جنوب و شمال انجام یافت و ثانی مشرق الأذکار عالم بهائی ام المعابد غرب رمز مدنیت الهیه در قطب امریک تأسیس گشت تشکیل مدارس و معاهد علمیه متنوعه و مؤسسات بدیعه جوانان و اماء الرحمن و اطفال تحت اشراف امنای منتخبه بر استحکام و ارتفاع شأن بنیان الهی بیفزود اراضی وسیعه که مساحتش از سه ۳ ملیون و نیم متر مربع متجاوز لأجل تشید معبد ثالث بهائی در ارض طاء ابتیاع گشت اراضی مجاوره ضریح مقدس نقطه اولی در دامنه جبل کرمیل بتصرف اهل بها درآمد و باوقاف دیگر در مدینه منوره بیضا و مرج عکا و ساحل نهر اردن و جنوب اراضی مقدسه که قیمت مجموعش از نیم ملیون جنبه متجاوز منضم گشت قسمی از این اراضی که وقف ابدی مطاف ملا اعلی است پس از اجرای سی ۳۰ معامله قانونیه باسم شعبه محفل ملی امریک و محفل ملی هندوستان منتقل و بتوقیع ابن ناقض اکبر در اداره ثبت اسناد تصدیق گشت باب مخایره بین امنای منتخبه جامعه و اولیای امور رسماً مفتوح شد و مشارکت رسمیه محافل روحانیّه در امور عام المنفعه با طبقات متنوعه در ممالک مختلفه تعمیم یافت الواح اصلیه استنساخ گشت محفوظه آثار الهیه در جوار مقام اعلی و در حظائر قدس ملیّه تشکیل شد و اماکن متبرکه مهمه در موطن اصلی مولی البریه ابتیاع گردید

ولوله عظمی بر اثر تشید ارکان نظم اعز اسنی در مدینه قاهره مرکز عالم عربی و اسلامی نقاب از وجه حقائق و نوامیس و احکام و شعائر شرع مبین بیفکند و حکم محکم محکم شرعیّه و فتوای مفتی دیار مصریه بتأیید قاضی القضاة و شیخ جامع ازهر و تصدیق وزارت عدلیّه در اعلان و اثبات اصالت و استقلال شریعت بهائیّه و انفصالش از شریعت محمدیه و انفصال زوج از زوجه و عدم جواز دفن اموات بهائی در مدافن اسلامیّه صادر گشت و این حرکت مبارکه بمهد آئین حضرت رب البریه و اقطار مجاوره عراق و هندوستان و برالشام سرایت نمود و انعکاسش در اقصی ممالک غریبه ظاهر گشت حجاب اکبر خرق گردید راز نهان پدیدار شد یوم رهیب فصل آشکار گشت خروج از کنائس مسیحیه و معاهد ادیان عتیقه در اقطار غریبه و شرقیه

و انفصال از شریعت اسلامیّه و امتناع از قبول وظائف در دوائر شرعیّه اعلان گشت ایّام مخصوصه تعیین گردید و تعطیل دوائر امریّه در ایّام محرّمه عمومیت و رسمیت یافت منتخبات احکام مهمّه کتاب اقدس تدوین و ترجمه و تعمیم و تقدیم ولایه امور گشت و عقدنامه و طلاقنامه بهائی تهیه و طبع و منتشر گردید مقابر بهائیّه ریاض ابدیه متتابعاً تأسیس شد و اعتبارنامه رسمی در ثبت اسناد ازدواج بهائی در هشت ۸ ایالت از ایالات متّحده امریک و عدم مراجعه بمحاکم مدنی از طرف ولایه امور صادر گشت و اجازه کتبی در معافیت مقامات مقدّسه و معابد و اوقاف بهائی از رسوم دولت در مرکز بین‌المللی و اقلیم دیگر بر جلوه و استحکام شرع مقدّس بیفزود

حواریون حضرت بهاءالله فارسان جیش کبریا و حامیان حزب مظلوم و مشعلداران مدنیت الهیه و علی رأسهم امه‌الله المنقطعه فخر المبلّغین و المبلّغات بتسخیر مدن و دیار و تنفیذ دستور افخم اکرم که از قلم مرکز عهد جمال قدم در الواح مخصوصه در سنین اخیره عهد ثالث صادر و طرح نقشه اولای هفت‌ساله که اعظم مشروع قرن اوّل بهائی محسوب مبادرت نمودند و بانقطاعی مبعوث گشتند و چنان همّت بگماشتند و صولتی بنمودند و در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریک جولانی نمودند و شوری انگیزند و ولوله‌ئی انداختند که ملاً اعلی باهتزاز آمد و ندای بشری لکم بشری لکم یا نصرآء الرحمن و حماة دینه اهل غرفات جنّه اعلی و سگان رفیق ابهی را بوجد و طرب آورد ملکه نیک‌خصال فرخنده‌فال ندای امر ذو الجلال را لیبیک گفت و در هفت اعلان از اعلانهای متتابعه مهیجه‌اش امر الله را ستایش نمود و عقیده راسخه‌اش را بظهور اب سماوی و حقیقت رسالت سید المرسلین بی ستر و خفا بسمع جهانیان برسانید دائرة امر الله در قاره امریک از اقصی شمال خطّه السکا در قرب مدار قطب شمال الی اقصی جنوب جمهوریت شیلی مدینه نائیه مجلانیس که اقرب مدن دنیا بقطب جنوب است امتداد یافت امر مبرم که نطاش در عهد اعلی منحصر بمهد آئین مقدّس و خطّه مجاوره عراق عرب بود و در عهد ابهی به ده ۱۰ اقلیم از اقلیم شرقیه و در عهد میثاق به بیست ۲۰ اقلیم دیگر در شرق و غرب سرایت نموده بود در این عصر نورانی پرچمش در پنجاه و نه ۵۹ مملکت دیگر از ممالک مستقلّه و اقلیم تابعه مرتفع گشت در ایالات متّحده امریک که بفرموده مرکز عهد کردگار میدان اشراق انوار است و کشف ظهور اسرار تعداد مراکز امریّه که در یوم میثاق از سی و نه ۳۹ تجاوز نموده بود و در آغاز تنفیذ مشروع اوّل هفت‌ساله یاران در آن دیار به سیصد ۳۰۰ رسیده بود در خاتمه قرن اوّل از هزار و سیصد ۱۳۰۰ تجاوز نمود قیمت مجموع اوقاف ملّی و محلّی جامعه یاران در آن خطّه مبارکه قریب به سه ۳ میلیون دلار و مخارج معبد رفیع الشاننش تا بحال بالغ به دو میلیون و میزانیّه محفل مرکزیش ثلث میلیون و عدد مطبوعاتش در یک سنه از صد و هشتاد هزار ۱۸۰۰۰۰ متجاوز در قاره نائیه استرالیا متجاوز از سی ۳۰ مرکز و در کشور پرانقلاب آلمان بیش از چهل ۴۰ مرکز و در اقلیم وسیع هندوستان بیش از هشتاد ۸۰ مرکز و در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریک بیش از صد ۱۰۰ مرکز متدرجاً تأسیس گشت و کتب امریّه به متجاوز از هزار ۱۰۰۰ کتابخانه عمومی بهمت حاملان امانت الهیه تقدیم گشت و یکی از این کتب نفیسه که از تألیفات مهمّه قیمه محسوب به پنجاه ۵۰ لغت از لغات شرقیه و غربیه ترجمه و طبع گردید و بیش از پنجاه‌هزار ۵۰۰۰۰ نسخه در خاور و باختر انتشار یافت

در این شور و آشوب مطابقاً لما صدر من یراعة نقطة الأولى و القلم الأعلی و قلم مرکز عهد الله الأوفی گرفتاری ناگهان و عقاب عظیم و عذاب کبیر فرائض عالم را مرتعد نمود دول مقهوره بفرموده مرکز میثاق آتش جنگ را مشتعل نمودند و انقلاب اکبر برپا گشت مخاطرات عظیمه در سنین عدیده ارض اقدس را از طرف غرب و جنوب و شمال احاطه نمود و مدن بفرموده جمال ابهی محترق گشت و ملوک ارض مطابقاً لما اندرهم مولا هم و مالکهم بعداب الیم مبتلا گشتند اندازات و خطابه‌های قهریه که در عهد جمال قدم باعث سقوط ملک پاریس و انقراض سلطنت ناپلیون و مسجونیت و ذلت حبر اعظم در مدینه رومیّه و خلع و قتل خلیفه اعظم سلطان عثمانیان و در یوم میثاق موجب قتل ملک عجم و عزل و نفی خلیفه ثانی در مدینه کبیره و

انقراض امپراطوری روس و آلمان و نمسه و ارتفاع حنین برلین و تبدیل سلطنت بجمهوریت در مملکت پرتقال و کشور چین گردید در این عصر نورانی اثراتش متعاقباً ظاهر و پدیدار گشت سلسله قاجاریه منقرض گشت و سلطنت آل عثمان سرنگون شد خلافت عظمی ساقط گشت و ذلت و خذلان رؤسای شیعه نمودار شد سریر ظلم در نقطه واقعه فی شاطئ البحرین منهدم گشت و زینة قبه الاسلام زائل و شرع اسلام از دوائر سیاسیّه در مدینه کبیره منفصل گشت و محاکم شرعیّه در مملکت ترکیّه مبدل بمحاکم مدنیّه گردید و بر اثر جنگ جهان سوز گروهی از ملوک معزول و منکوب و اسیر و مقهور و پریشان گشتند و عاقبه الامر در ممالک اسپانیا و سرب و البانیا و مجرستان و ایتالیا و بلغار و رومانی متعاقباً مترادفاً اساس سلطنت متزعزع گشت و بجمهوریت مبدل گردید و بیان صریح جمال قدم سلطان السلاطین مظلوم عالم که "عزت از دو طائفه اخذ شد از ملوک و علما" تحقق یافت حرکتی تازه عمومی در این انقلاب اعظم بفرموده مرکز عهد جمال قدم بکمال تهوّر و ظلم و اعتساف تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری داشتند و حرکت شمالیه اهمّیت یافت و تعالیم مادیّه منتشر گشت و باقالیم اوروپ سرایت نمود و اسباب عجیبه غریبه که در ارض موجود و از انظار مستور و در الواح الهیه مذکور ظاهر گشت اریاح عدلیّه بوزید و آثار فرع اکبر مرّه اخری در جهان نمودار شد و یوم "فیه یستغیثون و لا یغاثون" و "یغشیهم العذاب من فوقهم و من تحت ارجلهم" نزدیک گشت

ایها الناصرون لدین الله حال که مرحله اولای عصر ثانی نخستین دوره کور مقدّس منتهی گشته ملاحظه نمائید که از جهتی چه انقلابی در عالم ادنی احداث گشته و چه غفلتی دول و ملل را مبتلا نموده و چه خطر جسمی کره ارض را احاطه نموده و چه اسباب عجیبه غریبهئی در عالم کون ظاهر و نمودار گشته و چه فرع شدیدی بر قلوب جهانیان مستولی گشته و از جهتی دیگر اوّلین تجلّی نظم بدیع مشعشع جمال ابهی بر بسیط غیرا چه ولولهئی در جهان انداخته و قیام عاشقانه لشکر حیات و سپاه نجات در تأسیس و ترویج و تنفیذ مشارع مهمّه متقنه بر وفق اصول و مبادی این نظم بی همتا چه نهضتی ایجاد نموده و خطوات اوّلیه در سبیل اجرای فرمان عظیم الشان صادر از قلم سالار جند هدی غصن اعظم ابهی بعلمداران شریعت سمحا در دو قاره اوروپ و امریکا چه شور و آشوبی در قلوب افکنده و چه نصرتی از ملکوت ابهی ظاهر فرموده ظلمت ضلالت بفرموده مرکز عهد حضرت احدیت با نور هدایت در جنگ و ستیز است و سهم و سنانش بسی تند و تیز اصحاب یمین و شمال در میادین مختلفه در خاور و باختر مهاجم و قوای مادیّه و معنویّه متصادم

از جهتی مقدمات حدوث انقلاب عظیم اعظم و وقوع عذاب کبیر اکبر در عالم فراهم و آثار نفاق و ضغینه و بغضا و انشقاق در مجمع نمایندگان ملل و امم پدیدار رقابت و خصومت در بین دول و اجناس و ادیان و طبقات آناً فاناً در ازدیاد و مکاید سیاسیّه و دسائس حزبیّه و منازعات دینیّه و مخاصمات جنسیّه در انتشار معدّات حرّیه و آلات جهنمیّه و وسائل نسف و حرق و بوار و دمار در اکثر ممالک و دیار مهیا و سیل محن و آفات گوناگون از هر سوئی منحدر بحران اقتصادی شدید مشاجرات بین رنجبران و سرمایه داران متزاید نیران تعصبات جنسیّه و دینیّه و سیاسیّه مشتعل وجه عالم متغیّر و نظم جهان مضطرب و ارکان مدنیّت متزعزع دول غافل و ذاهل و امم بر اصنام اوهام عاکف سراج دین مستور دخان فساد متصاعد افکار مشوّش آراء متناقض عقائد متزلزل نجم اقبال رؤسای ادیان عتیقه آفل نفوس در غمرات شهوات مستغرق مفساد اخلاقیّه منتشر عرش سلاطین منهدم و حنین اغنیا مرتفع و ناله و فغان ایتم و ارامل و فقرا و غربا و اسرا بعنان آسمان متواصل افراد و امم در دام حرص گرفتار امم شرقیه در اشدّ هیجان و خطّه اوروپ بدو شطر منقسم و بعسرت و محنتی شدید مبتلا کشور هند منقلب ارض اقدس قلب العالم و قبله الامم در هیجان و بمخاطرات عظیمه محاط و مهد امر الله در پنجه تقلیب گرفتار و حزب مظلوم بر اثر این حرکت رجعیّه در مخالف فئه ضالّه اسیر و مقهور توازن بین المللی مختلّ حرکت شمالیه در قارّات خمسه در تقدّم فرائض اهل امریک مرتعد قبائل افریک مضطرب دول ضعیفه حیران و هراسان حقوق اقلیّات دینیّه و جنسیّه مسلوب تندباد

عصیان و نافرمانی در هبوب دریای سخط الهی پر جوش و خروش و گمگشتگان ارض از امیر و حقیر و صغیر و کبیر و حاکم و محکوم و رئیس و مرئوس از باده غفلت سرمست و مدهوش

و از جهتی دیگر ملاحظه می‌گردد چگونه اهل بها و برگزیدگان حضرت کبریا و مقتبسین از نور هدی و راکبین سفینه حمرا و متحصنین در حصن عهد اوفی با وجود ریزش باران نوائب و رزایا بی خوف و هراس و ستر و خفا بنشاطی عظیم و عزمی متین و روحی پرفروش و اتحادی کامل و نیتی خالص و قلبی مطمئن و قدمی راسخ بتشید ارکان باقیه نظم عدیم النظیر قوی الأركان جهان‌آرای الهی مشغول و از عریده و هیاهو و مکاره و مفاصد و مآرب و مقاصد و نزاع و جدال اهل ضلال در کنار و از شتون امکاتیه و کدورات و تلونات دنیای فانیه مقدّس و مبرّا و بانشاء مشاریع مختلفه و طرح نقشه‌های بدیعه و ترسیم خطط مختلفه متنوعه در اقطار شرقیه و غربیه که تابشیر افتتاح عهد ثانی دومین عصر دوره اولای کور مقدّس است مانوس و مألوف و در استقرار اساس این نظم بدیع که از جهتی محدث زلزله عظمی در ارکان مدنیّت ضالّه فاسده هالکه حاضره و از جهتی دیگر بشارت‌دهنده تأسیس مدنیّت سامیه الهیه است لیلاً و نهاراً ساعی و جاهد تا بتدریج قوه قدسیّه الهیه که در عصر رسولی دور بهائی تولّد یافته و در مرحله اولای عصر تکوین در تشکیلات و مؤسّسات این نظم بدیع متدرّجاً حلول نموده و متجسّد گشته در این مرحله ثانیه این عصر نورانی تصرفاتش بوسیله این ادوات و قنوت مشخصه معینه که حامل و واسطه ایصال فیض نامتناهی الهی باین جهان پر وحشت و انقلاب است در انفس و آفاق نمودار گردد و نتیجه و ثمر حلول و تجسّد این قوه الهیه در عالم کون ظاهر و عیان گردد

در ایالات متّحده مهد مدنیّت الهیه جنود مجنّده منصوره بر تنفیذ مشروع ثانی هفت‌ساله که مرحله ثانیه در سیل تحقیق نوایای مقدّسه مرکز عهد ربّ البریه محسوب قائم و در جزائر بریطانیا ناصران امر جمال ابهی بمشروع شش‌ساله و در کشور هندوستان یاران راستان بمشروع چهارساله و نیم و در خطّه ایران مهد آئین جمال قدم هموطنان اسم اعظم بمشروع چهل و پنج ماهه و در قاره استرالیا شیفتگان جمال کبریا بمشروع شش‌ساله و در اقلیم عراق پیروان نیر آفاق بمشروع ۳ سه‌ساله مشغول و مألوف و در اجرای این نقشه‌های بدیعه کلّ علی قدر استعدادهم و مراتبهم لیلاً و نهاراً ساعی و مداوم مؤسّسین این مشروعات جلیله امنای مجلّله محافل مرکزی در شرق و غرب عالم بهائی مجریانش محافل محلّیه و لجنه‌های تابعه و افراد جامعه پیروان امر اعزّ امنع صمدانی آغازش مقارن بانتهای جنگ ثانی بین‌المللی و افتتاح قرن ثانی بهائی و حلول عهد ثانی این عصر نورانی پایانش در بعضی از این ممالک توأم باحتفال عید مئوی حلول سنه تسع میلاد رسالت و دعوت سرّی جمال قدم و افتتاح عهد اعظم و در بعضی دیگر بصدمین سال شهادت نقطه اولی مبشّر آئین جمال قدم و موعود ملل و امم اهدافش تنفیذ آخرین وصیّت مرکز عهد ربّ البریه و تشتت حاملان امانت الهیه در میدان مختلفه در اقطار شرقیه و غربیه و تأسیس محافل روحانیّه در عواصم ده مملکت از ممالک مستقلّه قاره اروپا و اتمام و اکمال تزینات داخله امّ المعابد غرب در ایالات متّحده و اقامه سه ۳ رکن از ارکان بیت عدل اعظم و تشکیل سه ۳ محفل مرکزی در اقلیم کندها و جمهوریات جنوبی و مرکزی قاره امریکا و ایجاد نوزده ۱۹ محفل روحانی در عواصم جزیره ایرلند و ویلس و اسکتلند و مراکز دیگر در جزائر بریطانیای عظمی و اعاده تشکیل محافل منحلّه و تأسیس نود و پنج مرکز در ایالات و ولایات موطن اقدس جمال ابهی و مضاعفه عدد محافل روحانیّه موجوده در کشور هند و برما و تشکیل سی و هشت ۳۸ مرکز در قاره استرالیا و استحکام اساس دین مبین و ازدیاد مراکز امریه در شطّ العرب و الویه تابعه خطّه مبارکه عراق و اتّساع دائره جامعه جدید التأسیس در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا و تأسیس محفل روحانی در امارت بحرین و ارض حجاز و عاصمه افغانستان و تشکیل مراکز جدید در یمن و احسا و امارت کویت و عدن و عمان از اقالیم عربستان

این قیام عظیم المثل رسولان آئین ذو الجلال در غرب و شرق و جنوب و شمال در سنین اولیّه قرن ثانی فرخنده‌فال بنفسه مقدمه تحقّق نبوّات انبیا و بشارت مصرّحه در کتاب حضرت دانیال که در تبیین و تفسیرش از کلک اطهر مرکز عهد ربّ متعال این بیان جان‌افزا صادر "هزار و سیصد و سی و پنج ۱۳۳۵ مذکوره بدایتش از یوم هجرت حضرت رسول محمّد المصطفی علیه الصلوة و السّلام است که در آن تاریخ آثار علوّ و امتناع و سموّ و اعتلا از برای کلمه اللّٰه در شرق و غرب حاصل گردد" و همچنین میفرماید "بذلک التّاریخ ینقضی قرن من طلوع شمس الحقیقه و تعالیم اللّٰه تتمکّن فی الأرض حقّ التّمکّن و تملأ الأنوار مشارق الأرض و مغاربها یومئذ یفرح المؤمنون"

ای ستاینندگان اسم اعظم ملاحظه نمائید که در سنین معدوده اولیّه قرن ثانی بهائی که مقارن بافتتاح عهد ثانی دومین عصر دوره اولای کور مقدّس و آغاز ظهور ثمرات طیّبه شهبیه این مشروعات ملیّه بهیّه عظیمه تاریخیّه پیروان جمال اقدس ابهی است نیروی اسم اعظم و فیوضات آن سازج قدم چه نفوذی در شرق و غرب عالم نموده و آئین آن محیی رمم چه اشتهازی یافته و در جامعه پیروان یگانه منجی عالم چه قدرت و شجاعتی و همّت و انقطاعی و صولت و بسالتی و ثبات و استقامتی و تعاون و تعاضدی از افراد و نوّاب و وکلای جامعه ظاهر گشته و چه تأییدی از ملأ اعلی شامل گروه منادیان امر مبرمش و رافعین علم مینش و حامیان حصن حصینش و مروّجین شریعت سمحایش و مؤسّسین نظم بدیعش گشته

در قلب قاره پرهیجان اوروپ فئه ثابته راسخه در کشور آلمان سیل جارف بلیات را از توقیف و تشدید و تخویف و تهدید و زجر و غصب و ضبط و حجز در سنین متوالیه مقاومت نمودند و در آتش امتحان چون ذهب ابریز رخ برافروختند و مظفراً منصوراً پس از تسکین انقلاب اعظم قدم بمیدان مجاهدت گذاشتند و چنان همّتی بگماشتند که پس از انقضای اشهر معدوده عدّه مؤمنین و مؤمنات در آن خطّه پر شور و آشوب مضاعف گردید و تعداد مراکز امریه در مناطق مختلفه آن اقلیم از چهل ۴۰ تجاوز نمود و در قلب آن کشور حظیره القدس ملی تأسیس گشت و همچنین در جنوب شرقی قاره آسیا در اقلیم برما و جزائر محیط اعظم و شرق اقصی مجاهدین فی سبیل اللّٰه که سنین عدیده از ارض اقدس منفصل تأسی بستمدیدگان در کشور آلمان نموده در اعاده تشکیلات امریه و اثبات و دفاع از حقوق مسلوبه و تقویت بنیه جامعه و ازدیاد عدد محافل روحانیّه و ایجاد روابط متینّه با همکاران خویش در اقلیم مختلفه سعی بلیغ مبذول داشتند

در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قاره امریکا سپاهیان ملکوت باستحکام بنیاد حصن حصین که در سنین اخیره قرن اوّل بر وفق نقشه اولای هفت‌ساله یاران امریک تأسیس گشته قیام نمودند و در تهیهّ وسائل جهت تأسیس دو محفل بین‌المللی مرکزی در آن سامان که مقدمه تشکیل محافل ملیّه روحانیّه در آن جمهوریّات خواهد بود همّت بگماشتند در این جمهوریّات مرکزی و جنوبی که در عهد میثاق نطق امر اللّٰه منحصر بمدینه بهیّه در جمهوریّت برازیل بود و در انتهای قرن اوّل بهائی بر اثر همم عالیّه واضعان نقشه اولای هفت‌ساله تعداد مراکز امریه در کافه این جمهوریّات از پنجاه و هفت ۵۷ تجاوز نموده بود به صد و چهارده ۱۱۴ بالغ گشت و در شش ۶ جمهوریّت از این جمهوریّات محافل محلّیّه روحانیّه رسماً تسجیل گشت و اعتبارنامه رسمی از طرف ولایه امور صادر شد و قطعه زمینی بالغ به نود هزار ۹۰۰۰۰ متر مربّع بهمّت کنیزی از کنیزان جمال ابهی در عاصمه جمهوریّت شیلی وقف اوّلین معبد بهائی و ملحقاتش در قاره جنوبی امریکا گشت و در مدینه نائیه مجلانیس در اقصی جنوب قاره جنوبی محفل روحانی تأسیس شد و مدارس تابستانه در دو جمهوریّت ارجنتین و شیلی تشکیل گشت و اوّلین کنگره بهائی در عاصمه ارجنتین و جمهوریّت پناما تأسیس یافت و نمایندگان مراکز امریه در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قاره امریک در این دو مؤتمر تاریخی مجتمع گشتند و در تشیید روابط روحانیّه و ترویج امر تبلیغ و اعزام مبلغین با یکدیگر مشورت نمودند و باتّخاذ تصمیمات مهمّه موفق گشتند

در ایالات متّحده منشأ و مبدأ این حرکت مبارکه و مهد مدنیّت الهیّه تمهیدات اولیّه در سبیل اتمام تربینات داخله امّ المعابد غرب انجام یافت و اولین اتّفاقیانه با یکی از مشاهیر مهندسیین پس از مشاورات و تحقیقات دقیقه از طرف امنای معبد امضا گردید و میزانیّه این مشروع جلیل القدر که از نیم میلیون دلار متجاوز تعیین شد و عدّه محافل روحانیّه به صد و نود ۱۹۰ بالغ گشت و مجموع عدّه زائرین معبد مفتّح از ممالک مختلفه از ربع ملیون تجاوز نمود و عدد زوّار در یک روز به نهصد ۹۰۰ بالغ گشت و موقوفات ملیّه از دو میلیون دلار تجاوز نمود و عدّه محافل روحانیّه که رسماً تسجیل گشته و اعتبارنامه رسمی از طرف رؤسای دولت بنام آنان صادر گشته از چهل و پنج ۴۵ متجاوز گشت باب مخابرات رسمیّه بین امنای محفل مرکزی آن اقلیم جلیل و شخص شخیص رئیس جمهور و وزارت خارجه و وزارت معارف در عاصمه آن مملکت مفتوح گردید و روابط متینه با هیئت نمایندگان امم متّحده در مدینه میثاق و لجنه‌های متفرّعه آن از قبیل لجنه وصایت و لجنه حقوق نساء و لجنه امور اجتماعی و اقتصادی ایجاد گشت و بیان‌نامه‌های مختلفه متضمّن تعالیم الهیّه راجع بحقوق افراد در هیئت اجتماعیه و حقوق نساء صادر و بواسطه هیئت منتخبه تقدیم این مقامات رسمیّه و مراجع عالیّه گردید

در اقلیم کندا که بفرموده مرکز میثاق جمال ابهی مستقبّله چه از حیثیّت ملک و چه از حیثیّت ملکوت بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل بر حسب نقشه ثانی هفت‌ساله رکن بیت عدل الهی تأسیس گشت و عدّه مراکز امریّه از شصت ۶۰ تجاوز نمود و انجمن شور روحانی ملّی در اولین مرکز امر الله که بقدم مبارک من طاف حوله الأسماء مشرفّ گشته منعقد گشت و اولین محفل مرکزی آن اقلیم تشکیل شد و استقلال و انفصالش از محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده اعلان گشت

در خطّه وسیعه هندوستان یاران ستمدیده جمال رحمن نواب و بلیات و مصائب و مصاعب متنوّعه را مقاومت نمودند و در میدان تبلیغ و مجاهدت و نشر آثار و کشف اسرار امر ربّ مختار چنان همّتی بگماشتند که عدّه مراکز امریّه که در عهد ثالث اولین عصر دور بهائی از شش مرکز تجاوز نموده بود و در خاتمه قرن اول از شصت تجاوز نموده بود به هشتاد ۸۰ بل ازید بالغ گشت و دائره نشریات بکمال سرعت و وسعت یافت و حظیره القدس ملّی جدیدی در عاصمه آن اقلیم بمبلغ پانصد و هفتاد و پنج هزار ۵۷۵۰۰۰ رویه بهمتّ یاران راستان از ادیان و اجناس و طبقات مختلفه ابتیاع گشت

مبالغ باهظه متجاوز از بیست هزار ۲۰۰۰۰ جنیه لأجل اعانه ستمدیدگان در کشور نمسه و آلمان و ترویج امر تبلیغ و اتّساع دائره نشریات امریّه و استحکام اساس جامعه از طرف محافل روحانیّه و افراد جامعه در شرق و غرب جمع‌آوری گردید و کتب امریّه بهمتّ کنیزی از کنیزان مولی البریّه در اقطار شمالیه بکتابخانه‌های عمومی متعدّده در عاصمه و مراکز مختلفه جزیره گرین‌لند و مدینه نائیه اوپرناویک که ماوراء مدار قطب شمال واقع ارسال گشت اولین محفل روحانی در اقلیم السکا تشکیل شد و از اسکیموهای آن بلاد که ذکرشان از قلم میثاق در الواح مصرّح عدّه‌ئی مفتون تعالیم الهیّه گشتند و جمعی از هندیهای سرخ‌پوست امریک اهالی اصلی آن دیار که قلم میثاق ربّ مختار باهالی قدیمه جزیره العرب تشبیه نموده و استعداد فطری آنان را ستایش فرموده دفعه واحده اقبال بامر ذو الجلال نمودند و در ترویج دین الله با برادران و خواهران روحانی از جنس ایض و اصفر و اسود که از ساکنین در آن دیارند مشارکت نمودند

در ارض اقدس با وجود انقلابات متزایده سیاسیّه اراضی وسیعه باسباب غیبیه در دامنه جبل کرمل که قیمتش از چهل هزار جنیه متجاوز متدرّجاً ابتیاع گشت و منضمّ باراضی موقوفه مقام اعلی گردید و قسمی از این اراضی بنام شعبه جدید التّأسیس محفل مرکزی ملّی روحانی هندوستان رسماً منتقل گشت و این معاملات اخیره کما فی السّابق بتوقیع ابن ناقص اکبر در دائره ثبت اسناد تصدیق گشت

عقدنامه بهائی مقدمه تأسیس محکمه شرعیّه بهائیه در سه ۳ ایالت دیگر از ایالات متّحده رسماً تسجیل گشت و اعتبارنامه رسمی در اجرای حکم محکم الهی و عدم مراجعه بمحاکم مدنیّه و رؤسای کنیسه از طرف ولایه امور و حکام ولایات صادر شد

در قطر مصر و خطّه عراق با وجود محظورات و مشاغل عدیده مدارس تابستانه تأسیس و نشریات امریه ترجمه و طبع و منتشر گردید در عاصمه حبشه و عاصمه سودان بهمت مهاجران و منادیان امر رحمن محفل روحانی تأسیس گشت و هزار ۱۰۰۰ نسخه از جزوه‌ئی که متضمّن تعالیم الهیه و عقائد بهائیه است بلغت تگزینیا که در بین قبائل حبشه و اقالیم مجاوره متداول ترجمه و طبع گردید

در اقالیم ثلاثه ایرلند و ویلس و اسکتلند بنیاد نظم بدیع مجریان نقشه شش‌ساله تأسیس گشت و اولین محفل روحانی در عاصمه هر یک از این اقالیم تشکیل شد

امر الله که در عهد اول عصر رسولی نطاقش محدود و منحصر بدو مملکت و در عهد ثانی انوارش بر ده ۱۰ مملکت دیگر ساطع گشت و در عهد ثالث علمش در بیست ۲۰ مملکت دیگر از ممالک شرقیه و غربیه مرتفع گشت و از صعود مرکز میثاق تا انتهای قرن اول به چهل و شش ۴۶ مملکت دیگر از ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه سرایت نمود در این سنین اخیره اساس نظم بدیعی در سیزده ۱۳ مملکت دیگر تأسیس یافت و نشریات امریه که در ختام قرن اول به چهل و یک ۴۱ لغت ترجمه و طبع و منتشر گشته بود به نه ۹ لغت دیگر ترجمه و طبع و منتشر گردید و به دوازده ۱۲ لغت دیگر ترجمه‌اش مباشرت گشت

طلیعه جنود مجنّده الهیه و مشعلداران شریعت بهیه بهائیه در این دو سنه اخیره بر حسب دستور و فرمان امنع اقدس صادر از قلم مرکز میثاق رب البریه و بر وفق تعلیمات واضعین نقشه دوم هفت‌ساله از ایالات متّحده منشأ این حرکت مبارکه هجرت نمودند و در اقطار شمالیه و جنوبیه و غربیه و مرکزیّه قاره منقلبه اروپا امّ جامعه مسیحیه و مهد مدنیّت غربیه و قاصم شوکه جیوش اسلامیّه در اعصار غابره منقطعین عن الجهات متوکّلین علی ربّ الآیات الیّینات مستمدّین من مولا هم و محبوبهم بهاء الارضین و السموات متشتت گشتند و بتسخیر مدن و بلاد قیام نمودند و بسرعتی محیر العقول در عاصمه اسپانیا و پرتقال و ایتالیا و سویس و هولند و بلجیک و لکسمبورگ و دانمارک و اسوج و نروج اساس نظم بدیع را بنهادند و بمقدمات تشکیل اولین انجمن شور تبلیغی تاریخی در مرکز سابق عصبه امم در یوم مبعث مبشر امر جمال قدم پرداختند و جمعی از مبلغین و مروّجین این مشروع افخم برادران و خواهران روحانی خویش را در اقالیم مجاوره بحضور در این مجمع محترم دعوت نمودند و در مدینه رومیّه مرکز خلافت حبر اعظم و حصن حصین اتباع اعظم و اقدم کنائس مسیحیه نشریات امریه منتشر ساختند و به متجاوز از سیصد ۳۰۰ کتابخانه از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در مدن مهمّه کشور ایتالیا تقدیم نمودند و در دارالفنون عاصمه آن اقالیم اولین خطابه در تبیین حقائق امریه و تشریح تعالیم الهیه القا نمودند و آوازه امر الله را بمدن مهمّه دیگر در آن کشور رساندند لیظهر ما صدر من قلم الميثاق مخاطباً آياهم و اعوانهم و من سبقهم فی تلك الدیار "این نداء الهی چون از خطّه امریک به اروپا و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احتیای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیّت و هدایت ایشان بافاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد"

ای برادران و خواهران روحانی این بود شمه‌ئی از انتصارات باهره که بر اثر مساعی مشکوره و همم عالیّه و مجهودات سامیه یاران جمال ازلیّه در سنین اولیه قرن ثانی بهائی و بدایت عهد دوم عصر تکوین در این عالم پر وحشت و اضطراب ظاهر و پدیدار گشته این آثار عظیمه در سنین معدوده پس از ختام قرن اول بهائی در بسیط زمین ظاهر و آشکار گشته دیگر معلوم است چه آثاری بمرور ایام در این قرن عظیم که قرن جلوه نظم بدیع جدید التّاسیس جهان‌آرای الهی است و قرون آتیه در این

عصر مبارک ثانی دور بهائی و عصر ذہبی که عصر اخیر دور اولی کور مقدّس است در عالم کون مشهود و نمایان گردد واقعه‌ها در پیش است و حوادث جسمیّه جلیله از عقب بفرموده مرکز عهد جمال ابھی "بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات" هنگام نصب و استحکام دعائم دیوان رفیع المنار عدل الهی است و زمان اتمام و انجام مشاریع مختلفه مهمّه متعدّده پیروان امر اعزّ صمدانی و یوم یوم جهاد کبیر اکبر در سبیل تحقیق اهداف سامیه و تنفیذ وصایای محکمّه مرکز امر جمال لایزالی

در سنین آتیّه این دور بهائی دوری که امتدادش بنصّ قاطع الهی اقلّاً هزار سال است قبه این قصر مشید بر این اعمده مجلّه مرتفع گردد و بیت عدل اعظم الهی مطابقاً لما اراده المحبوب استقرار یابد و تشیید این بنیان مجید انجام پذیرد ناموس اعظم نظامنامه و قانون اساسی اعظم هیئت تشریعیّه جامعه بهائی بکمال اتقان تدوین گردد و مرکز اداری امر الله در جوار قبله اهل بها و مقام اعلی مرکز روحانی جامعه پیروان آئین حضرت کبریا در کمال عظمت و جلال تأسیس شود و مصداق آیات لوح کرمل کاملاً پدیدار گردد

تأثیرات عظیمه فرمان صادر از قلم مهیمن سالار جند بها خطاب بانصار دین الله و علمداران شریعت سمحا در قاره امریکا ولوله در قارّات خمسّه دنیا و جزائر دو محیط اعظم اندازد و بشارت کتاب حضرت دانیال تحقّق پذیرد احکام کتاب مستطاب اقدس باسلوبی بدیع تدوین و اعلان گردد و اقامه شاعر مقدّسه مابین بریه کاملاً ظاهراً بی خوف و تقیه در بسیط زمین شهرتی عظیم یابد

تشیید مقام بهیّ الأنوار نقطه اولی در قلب کرمل مطابقاً لما وعدنا مولانا و محبوبنا انجام پذیرد و قبه ذهبیه اش شهره آفاق گردد و سائل بنای توابع و ملحقات اولین مشرق‌الأذکار عالم بهائی در مدینه عشق و امّ المعابد الغرب در قلب قاره امریک بکمال اتقان و انتظام فراهم گردد و معابد متعدّده بهائی در ارض طاء امّ العالم افق نور و جبل مقدّس کرمل قلب العالم و مطاف الأمم و مرکز عالم عربی و اسلامی و مدینه الله و عواصم ممالک اخری در شرق و غرب تأسیس شود

جامعه پیروان امر اعزّ اسنی در موطن اصلی جمال ابھی و ممالک اسلامیّه و اقطار شرقیه از قید اسارت و مقهوریت رهایی یابد و انفصال شریعت الله از ادیان عتیقه کاملاً تحقّق پذیرد و علم استقلال دین الله علی رؤوس الأشهاد مرتفع گردد و بیت الله الأعظم و کعبه الأمم از چنگ غاصبان و ظالمان مستخلص گردد و زیارتگاه عالمیان شود محکمّه شرعیّه بهائیّه بکمال عظمت و متانت تشکیل گردد و علم یابهاآءالابهی بفرموده غصن اعظم سدره منتهی در قلب اولین جامعه اسلامیّه در مدینه قاهره منصوب گردد حنین رؤسای کنائس و ادیان عتیقه در هند و چین و ژاپان مانند حنین منابر و ناله علما و فقهای شریعت اسلامیّه از دور و نزدیک بلند شود اعلان صلح اصغر عالم را از بلای عقیم و داء و بیل نجات دهد موهبت وحدت عالم انسانی رخ بگشاید و قطعات خمسّه حکم یک قطعه یابد و وحدت اصلیه در هیئت اجتماعیه تحقّق پذیرد محکمّه کبری تأسیس شود دوره صباوت عالم انسانی منتهی گردد و علامات بلوغ عالم که در الواح الهیه مصرّح ظاهر و پدیدار شود ملک عادل بر سریر سلطنت در ارض طاء جالس گردد و صوت رجال از ارض خاء در ذکر ربّ غنیّ متعال گوشزد قریب و بعید گردد هیکل امر الله در انجمن بنی آدم جلوهئی محیر العقول نماید و صیحه ایادی غالبه اش مرتفع شود و سطوت اعضا قاهره اش واضح و عیان گردد رایت صلح اعظم بر اعلی الأعلام موج زند و مدنیّت لاشرقیه و لاغربیه الهیه بساطی جدید در جهان بگستراند عالم بدرجه کمال رسد و جلوه سلطنت بهائیّه و غلبه ظاهره شریعت الهیه من علی الأرض را باهتزاز آرد و ملوک و سلاطین را در ظلّ سیطره محیطه کلمه الله مجتمع گرداند ملکوت الله کما بشره الابن فی الانجیل در عالم شهود تأسیس شود و سطوت ربّ الجنود چهره بگشاید و مجد اب سماوی عالم را منور فرماید عالم ناسوت جلوه گاه عالم لاهوت و عالم ادنی مرآت ملاً اعلی و تصویر عالم بالا و قطعهئی از ریاض ملکوت ابھی گردد شلیک یاعلیّ الاعلی و یابهاآءالابهی از قطب

آفاق بلند گردد و ندا از مکنن اسنی از خلف عرش کبریا خطاب باین عالم ادنی من علی الأرض را من اقصاها الی اقصاها
یوجد و طرب آرد بأن

یا ارض بشری لک بشری لک بما القت علیک شمس البهآ ذیل شعاعها و شملتک اهداب ردائها بشری لک بشری
لک بما استوی علیک عرش البهآ و تلجلج فیک سرّ البهآ و انطبع فیک جمال البهآ بشری لک بشری لک بما جعلک البهآ
قطعة من الفردوس الأبهی و مرآة تنعکس فیها انوار الملائة الأعلى تعالی تعالی هذا الصنع الأتمّ الأبدع الأکمل المبارک الأقدس
الأرفع الأسنی فسبحان ربنا العلیّ الأعلى فسبحان ربنا البهیّ الأبهی

رضوان ۱۰۵

بنده آستانش شوقی

توقیع مبارک نوروز ۱۰۸ بدیع

احبای الهی و اماء الرّحمن در کشور مقدّس ایران و ممالک مجاوره هندوستان و افغانستان و عراق و عربستان و مصر و سودان و سوریه و لبنان طراً ملاحظه نمایند

ایها المحترقون من نار الفراق ایها المضطهدون فی سبیل امر نیر الآفاق مژده باد مژده باد که در این روز فیروز و نوروز سنه ثامن قرن ثانی کور بدیع جهان افروز تصمیم قطعی در تهیه مقدمات اولیه و لوازم ضروریّه تشیید قبه رفیعہ منیعہ بدیعہ ذهبیّه ضریح مقدّس ربّ اعلیٰ نقطه اولیه ازلیه و شجره لاشرقیه و لاغریه متوکلاً علی الله و متوسلاً بأهداب فضله و کرمه و ملتمساً عونہ و تأییدہ و هدایتہ اتخاذ گردید و این بشارت عظمی بمرکز امریه در شرق و غرب عالم بهائی رسماً ابلاغ گشت و بوضع اساس قواعد و ارکان گنبد رفیع الشان این بنیان اعزّ اجلّ ارفع ابدع اعلیٰ در این ایام که افتتاح عهد ثانی عصر دوم اولین دور کور مشعشع بهائی است مباشرت گردید جمال قدم و شارع امر افخم که فی الحقیقه مؤسس این مشروع اتمّ اقوم است و من بعده غصنه الأعظم و مرکز عهده الأکرم که اراده قاهره غالبه الهیه را تنفیذ فرمود و عرش مطهر را از مهد امر الله بساحل ارض اقدس برسانید و حجرات مرقد مطهر را بید قدرت بنا فرمود و در قلب کرم الهی امانت الله را مقرّ و مأوی داد از ملأ اعلیٰ ناظر و شاهد و عن ورائهما معشر النّیین و المرسلین که بیوم ظهور صاحب این مقام بشارت داده و بتجلیل و تکریم آرامگاه ابدی آن مظهر مظلومیّت کبری در کتب مقدسه پرداخته و در آرزوی لقایش در عصور غابره باه و حنین دمساز گشته و در این حسرت از این عالم بجهان باقی شتافته بتهلیل و تسییح و تکبیر ناطق و ارواح قدیسین و کرویین و ملائکه مقرّبین حول این مقرّ اعلیٰ طائف و از مکمن اسنی هتاف ملأ اعلیٰ مرتفع که ان یا مظلوم العالم علیک من الصّلات اکملها و ابهاها ان یا باب الله الأعظم علیک من التّحیّات اطیبا و ازکاهای سبحان من اختارک و بعثک سبحان من جعلک مبشراً لأمره و الذّبح الأكبر لدینه تعالت قدرتک یا قرّه عین النّیین و علت سلطنتک یا سلطان المرسلین و لاح کبریائک یا محبوب من فی السّموات و الأرضین و ظهر یوم انتقامک یا من فدیت بروحک و بشرت العالم بیوم یقوم النّاس لربّ العالمین

ای ستایندگان اسم اعظم چه مقدار رفیع است شأن و منزلت این ودیعہ ربّانیّه و چه بلند است مقام این هیکل اعزّ صمدانیّه که بدار آویخته و بخون آغشته و بهزار گلوله مشبک گشته و در این ضریح منور مطابقاً لما اراده المحبوب در مقابل قبله اهل بهاء و روضه مبارکه علیا مطاف ملأ اعلیٰ مدینه منوره بیضا آرمیده و از سمت یساراش مقام حضرت ایلیا و از یمینش اتلال جلیل مهد حضرت عیسی و در خلفش مسجد اقصی واقع گشته اقلام از وصفش عاجز و عقول از ادراک قوه مکنونه نافذه و سیطره غالبه محیطه اش قاصر در بیان تأثیر و نفوذ تراب منتسب بان مضجع منور از قلم میثاق در حین تسمیه ابواب خمسّه آن مقام مقدّس در لوحی مخصوص این کلمات درّیات نازل "هذا ما الهمنی تراب مطاف ملأ اعلیٰ" این حقیقت ازلیّه و نقطه اولیه و مظهر وحدانیّت الهیه همچنان که در عوالم غیبیه بفرموده حضرت ربّ البریه مطاف ارواح مرسلین است در عالم کون نیز مرکزیت مقام اعلایش ثابت و محقق و رمس معطرش بظاهر ظاهر مرکز دوائر تسعه ناسوتیه واقع دائره اولی کره ارض عالم ادنی و در قلب این کره ارض اقدس قلب العالم و قبله الأمم لانه و آشیانه انبیا و در قلب این ارض کرم الله کوه خدا جبل الرّبّ مقام حضرت ایلیا و در قلب این جبل حرم اقدس اراضی متسعه موقوفه آن مقام مقدّس و در قلب این حرم فردوس ابهی و جنة علیا حدائق وسیعه متعدده تابعه آن مقرّ اسنی و در قلب این فردوس بنیان بدیع رفیع البناء مقام اعلیٰ و در قلب این مقام که بمنزله صدف است لؤلؤ لالا قدس الأقداس ضریح مطهر که حجرات آن در یوم میثاق تشیید گشته و در قلب این

ضریح و گوهر گرانها مقرر اعز اسنی و در قلب این مقرر تابوت مقدس که بفرموده حضرت عبدالبهاء در قرآن مصرح و کتاب الله بان بشارت داده و در قلب این تابوت سکنیه الله رمس معبر منور معطر رب اعلى و نقطه اولی تعالی تعالی اسمہ العلی العالی الاعلی تعالی شأنه الأعظم الأرفع الأسنى تعالی تعالی مقرة الأبدع الأمتع الأسمى تعالی تعالی رسمه الأظہر الأقدس التآخذ فی کلّ الأشياء تعالی تعالی امره الأعزّ الأكبر المہيمن علی من فی الأرض و السماء

ای برادران و خواهران روحانی وقت آنست که پیاس این بشارت عظمی و موهبت کبری سلسله وقائع مهمه تاریخیه را از بدایت این تأسیس جلیل الی یومنا هذا بیاد آوریم و در تأثیرات عجیبه عظیمه اش که در مدت شصت ۶۰ سال متدرجاً در این ارض با وجود مقاومت مرکز خلافت عظمی و مأمورین دولت و هیئت مفتشین و فئه ضالّه ناقضین و مبشرین پرکین ظاهر و پدیدار گشته تفرس نمائیم و در انجام و اتمام این مشروع خطیر سعی بلیغ مبذول داریم الی ان یظهر ما کنز فی الواحہ و نطق بہ لسانہ و نزل من قلمہ الأعزّ المبارک المنیع

جمال قدم و اسم اعظم روحی لأدنی عبد من عبیدہ الفداء در اواخر ایام از قلعه محصنه عکا قصد مدینه مکرمه حیفا بنمود و بقدم مبارکش تلّ الهی را مشرف ساخت جشن اعظم در ملأ اعلى برپا گشت کوم الله باهتزاز آمد و بهاء کرمل نمودار شد و در دامنه اش خیمه مبارک منصوب گردید و آیات باهرات لوح کرمل در جوار مقام حضرت ایلیا بصوت مرتفع از لسان اظہر جاری شد و لسان عظمت بتعریف و توصیف بقعهئی از بقاع آن که در قلب آن جبل واقع ناطق گشت و اراده الله در آن حین بانتقال عرش ربّ اعلى علیّ حبیب بی همتایش و مظهر قبلش و میشر جمالش بان بقعه مشرفه تعلق گرفت و مقام محمود از فم مطهر مخاطباً بغصن اعظمش تعیین گشت و باصبع اقتدار بان مکان مقدس اشاره فرمود و پس از صدور امر محکم در انتقال عرش مطهر آن محیی رمم بمقرر اولیّه اش در سجن اعظم مراجعت فرمود طولی نکشید که شمس بهاء از افق زندان غارب گشت و غصن وحید اعظمش در بحبوحه طوفان نقض مطابقاً لما امره محبوبه الأبهی بتنفیذ دستور صادر از فم مقدس قیام فرمود و ارض اعلى اولین قطعه مبارکه مشرفه بقدم جمال ابهی در آن جبل مقدس با وجود دسائس ناقضین ناکصین ابتیاع گردید سپس بتأییدات موعوده جمال ابهی دستور غصن بقا در انتقال عرش اعلى از ارض طاء بمدینه مکرمه عکا صادر گشت و در همان ایام صندوق مرمر و تابوت مقدس بر حسب اراده مبارکه اش حاضر و مهیا گردید و از هندوستان آناً سالمأ وارد مدینه مبارکه حیفا شد و سنگ اساس آن مقام مقدس را غصن بهاء بدست مبارکش بنهاد طولی نکشید که بتفتین و تحریک دشمنان و ناقضان پرکین از مدینه کبیره فرمان سلطانی بمسجوتیت یوسف بهاء در قلعه محصنه عکا بغتة صادر گشت ولی با وجود موانع لاتحصی و متاعب و بلاای بی منتها جاده خصوصی مقام اعلى و قطعهئی دیگر از اراضی مجاوره آن ابتیاع گردید و حجرات بنیان مرصوص رغماً لکلّ عدوّ لدود و مکار عنود بنیروی بازوی مرکز منصوص عهد ربّ ودود مرتفع گشت و این انتصار عظیم و نصرت مبین محرک عرق عصیبت حکام جهول و برادران حسود و مورث رعب و توهم و اضطراب خلیفه ظلوم گردید و در خلال این احوال عرش مطهر که از دارالخلافه طهران و مدینه اصفهان و کرمانشاهان و دارالسلام و برّ شام و ارض باء بساحل اقدس پنجاه سال پس از شهادت آن حضرت واصل و در حجرهئی از حجرات بیت مسکونه حضرت عبدالبهاء مخفی و پنهان بود بدامنه جبل کرمل با وجود مسجوتیت غصن برومند الهی وارد گشت و در مکان معلوم مستوراً عن الأبصار مقرر و مأوی یافت متعاقب این قضایا انقلابی جدید رخ بنمود و بامر سلطان جائر هیئت ضالّه خاسره مفتشین تعیین گردید و بمدینه عکا اعزام و اعضای آن هیئت بدلال و تشویق و تأیید محرکین و ناقضین و مأمورین و مبغضین پرتدلیس بارسال لوائح و تفتیش آن مقام مقدس پرداختند ولی بفرموده حضرت عبدالبهاء بغتة صاعقه غیرت درخشید و عرش توپ خدا مرتفع گشت و اعضای آن هیئت خائباً خاسراً بمدینه کبیره بسرعت تمام مراجعت نمودند و در اثر انقلاب اعظم سلطان غدار گرفتار گردید و بدار البوار راجع شد و زنجیر از عنق عبدالبهاء مرتفع گشت و بگردن عبدالحمید پلید بیفتاد سپس حمامه وفا از قفس

زندان عکا برهید و در مدینه حيفا در ظلّ مقام بهیّ الأنوار نقطهٔ اولی مقرر و مأوی جست و در همان سنه که خصم خصیم مخلوع و مسجون گردید در یوم عید سعید نوروز مقارن با یوم افتتاح اولین مؤتمر بهائی یاران امریک راجع بتأسیس مشروع رفیع الشّان امّ المعابد غرب عرش مطهر پس از آنکه مدّت شصت ۶۰ سال از محلّ بمحلی منتقل بدست حامل امانت الهیّه و مجری ارادهٔ ازلیّه نافذه و ناشر لواء شریعت ربّانیّه در حضور جمعی از یاران خاور و باختر در تابوت مرمر در مقرر اطهر استقرار یافت و سنهٔ بعد یوسف بهاء بیدار مصریّه رحلت نمود و از آن خطّه بممالک غریبه بشتافت و در غیابش مهمانخانه‌ئی جهت زائرین و مسافرین در جوار آن مقام مقدّس تأسیس و قطعه‌ئی چند از اراضی مجاورهٔ ابتیاع گردید و منضمّ بموقوفات اولیّهٔ آن مقرر اسنی گشت سپس ناثرهٔ جنگ و جدال مشتعل گشت و انقلاب ثالث دورهٔ میثاق رخ بنمود و جمال پروبال بتحریک ناقضین بدخصال بر تهدید تخریب مقام حضرت ذو الجلال و اعدام غصن بی‌همال قیام نمود و عاقبهٔ الأمر مغلوب و مخذول و منکوب و مقتول گردید و بخلیفهٔ مخلوع و معزول ملحق گشت در آن ایام پرانقلاب که نیران جنگ مشتعل و غصن منشعب از اصل قدیم در معرض خطر عظیم واقع بیانی از فم مطهرش صادر در حینی که در مقابل آن مقام اطهر جالس و نظر مبارکش بآن بنیان مقدّس متوجّه قوله عزّ یبانه "نشد مقام اعلی ساخته شود ... انشاءالله میشود دیگر ما باینقدر رسانده‌ایم"

پس از سنین معدوده غصن منشعب از سدرهٔ الهیّه از عالم ادنی بر فبق اعلی صعود نمود و بر حسب وعود کتب مقدّسه و الواح منیعۀ صادرهٔ از مخزن قلم سلطان احدیّه و بشارات صریحهٔ مرکز عهد ربّ البریّه هجرت بنی اسرائیل و وراثت کلیم و ابناء خلیل بارض میعاد بغتۀ تزیاد و تقدّمی سریع یافت و در ابتیاع اراضی واقعۀ در سفح آن جبل مقدّس و مدینه حيفا و اطراف آن اولیای امور و مهاجرین جدید الورود بجدیّت تمام و نشاط کامل قیام نمودند و چون خطر متوجّه بآن مقرر اطهر گشت فدائیان امر الهی و حامیان حصن حصین آئین یزدانی در خاور و باختر کثلهٔ واحدهٔ در محافظهٔ اراضی مجاورهٔ آن مقرر اعزّ اعلی از تسلط و تصرف بیگانگان همّت بلیغ بگماشتند و قطعات متّسعهٔ متعدّده‌ئی که امتدادش از قلّهٔ کوه تا مدینه حيفا و در سمت شمالی و جنوبی و شرقی و غربی آن مرکز انوار واقع متتابعاً مالک گشتند سپس قسمی از این اراضی موقوفه با وجود اعتراض و مخالفت ابن ناقض اکبر بنام شعبهٔ جدید التّاسیس محفل روحانی مرکزی بهائیان امریک انتقال یافت و این اراضی واقعۀ در قلب آن جبل و تابعهٔ آن مقام اطهر بتمامها بر حسب فرمان صادر از مرکز حکومت و مندوب سامی دولت بهیّۀ انگلیز از رسوم دولت معاف گشت مقارن این قضایا طبقات مقام اعلی کما وعدنا مولانا و محبوبنا متدرّجاً امتداد یافت و حجرات ثلاثهٔ متّصل بآن مضجع منور بر حسب دستور مقدّسش بنا گشت و بنای اصلی ضریح مطهر اکمال گردید رفته رفته حدائق مقام اعلی در حول این مرقد اطهر تأسیس گشت و بر رونق اراضی وسیعه و جلوهٔ طبقات ممتدهٔ و ابّتهت و نضارت آن بقعهٔ مشرفهٔ مرتفعه بیفزود گلزار مقام اعلی نزهتگاه عموم از طبقات مختلفه و اجناس متنوّعه و ادیان و مذاهب متعدّده گردید و جبهه و طبقات مستظلهٔ در ظلّ آن بانوار متعدّده و سرچ لامعه روشن و منور گشت و مصداق طبقات من النور نور علی نور ظاهر و نمایان گردید رمسین اطهرین غصن شهید بهاء و مخدرهٔ کبری امّ حضرت عبدالبهاء با وجود اعتراض و احتجاج بدیع شیع بیوفا از جوار مدفن اسلامیان در خارج مدینه عکا بجوار مرقد ورقهٔ مقدّسهٔ علیا خانم اهل بهاء و در قرب آن مقام اعزّ اشرف اعلی منتقل گشت و بر شکوه و عظمت تأسیس عظیم الشّان جمال قدم در آن جبل مقدّس بیفزود و محور و مرکز دوائر و تأسیسات و معاهد اداری امریّه که در آینده بر حسب اشارات و رموز الواح مقدّسه در دامنهٔ این مزرعهٔ الهیّه تأسیس خواهد شد تعیین گشت و تباشیر وعود و بشارات لوح کرمل آشکار و پدیدار گردید رفته رفته نقشهٔ بدیعهٔ قبهٔ منیعۀ آن مقام پر مجد و احتشام محیی انام و مجسمهٔ مجللهٔ آن مطابقاً لما ارادهٔ المحبوب تعیین و آن رسم بدیع در یوم احتفال عید مئوی بعثت صاحب آن مقام رفیع در مجمع جمعی از مجاورین و عاکفین کعبهٔ مقصود ارائه گردید و تصمیم قطعی در تهیّهٔ مقدّمات تشیید این بنیان رزین و متین پیروان امر حضرت ربّ العالمین در شرق و غرب عالم بهائی ابلاغ و اعلان گشت سپس مهندس این نقشه و بنا بکشور ایتالیا با وجود انقلاب متزیاد

و اضطراب شدید در بقعه نورا متوکلاً علی الله جهت تهیة اعمده مجلله رواق مقام اعلى رهسپار گشت و پس از اشهر معدوده مقارن عید سعید نوروز چهل ۴۰ سال پس از استقرار عرش مطهر در تابوت مقدس با وجود موانع لاتحصی اولین سنگ این بنا که چون صدف حافظ این لؤلؤ لالا و گوهر گرانبهاست منصوب گشت و مواد لازمه از احجار منقوشه و مرمر ممتاز که مجموعش از هشتصد ۸۰۰ تن متجاوز متتابعاً سالماً بساحل ارض اقدس واصل و بسرعت تمام آن اعمده مجلله که از حیث وزن و لون و ارتفاع و جسامت و متانت و ظرافت در این صفحات کمیاب بل بی نظیر و عدیل حول ضریح مقدس از طرف شرق و غرب و جنوب و شمال مرتفع و مرتکز گردید و متعاقباً تاج رواق این مقام که قسمی از آن از رخام و بلونین حمرا و خضرا که رمز شهادت و علامت سیادت آن مظلوم عالم است ملون و باسم اعظم در صدر و زوایای اربعه آن مطرز و مذهب و مزین منصوب گشت و بر اتساع و ارتفاع و ابهت و جلال و اشتهار مرقد بهی الأتوار رفیع البیان قوی الأركان مبشر امر حضرت رحمن بیفزود و طبقه اولای این بنیان پس از انقضای صد ۱۰۰ سال از شهادت آن حضرت اتمام و انجام یافت و مرحله اولیه در تشیید آن منتهی گشت و جمهور واردین و زائرین این بقعه مشرفه علیا از دور و نزدیک و شرقی و غربی و وضع و شریف و آشنا و بیگانه و دوست و دشمن از جلوه این مقام و ظهور این عزت و احتشام و سطوع این انوار و کشف این اسرار بعضی واله و بعضی حیران و بعضی مستبشر و شادمان و بعضی در آتش بغض و حسد سوزان

در توقیع محمد شاه که از قلعه ماه کو از قلم آن مظلوم وحید و مسجون فرید نازل این خطاب جانگداز مدون قوله ما احلی بیانه و ما ابهی ذکره "قسم بخداوند اگر بدانی در عرض این چهار سال چها بر من گذشته است از حزب و جند حضرتت نفس را بنفس نمیرسانی از خشیه الله الا و آنکه در مقام اطاعت امر حجّه الله برائی و جبر کسر آنچه واقع شده فرمائی قسم بسید اکبر اگر بدانی در چه محل ساکن هستم اول کسی که بر من رحم خواهد کرد حضرتت میبود در وسط کوهی قلعه ایست در آن قلعه از مرحمت آن حضرت ساکن و اهل آن منحصر است بدو نفر مستحفظ و چهار سنگ حال تصوّر فرما چه میگردد" و ایضاً میفرماید عزّ بیانه و تعالت عظمته "در این جبل فرد مانده ام و بموقفی آمده ام که احدی از اولین مبتلا نشده و احدی هم از مذنبین متحمل نشده فحمداً ثم حمداً لا حزن لی لآنتی فی رضاء مولائی و ربی و کآنتی فی الفردوس متلذذ بذکر الله الأکبر و انّ ذلک من فضل الله علیّ و الله ذو الفوز الکبیر"

یا احبّاء الرحمن و هداة خلقه ملاحظه نمائید که در این مدّت شصت ۶۰ سال از بدایت تأسیس این مشروع اعزّ افخم و خروج مظلوم عالم از سجن اعظم و صدور فرمان جمال قدم و محیی رمم مخاطباً لغصنه الأعظم الأکرم در آن جبل مقدس مکرم الی یومنا هذا با وجود موانع جسیمه و انقلابات هائله و دسائس مختلفه و مخاطرات عظیمه و تهدیدات شدیدیه از ترک و عرب و آلمان و عجم چه نصرتی و چه ظفری نصیب حامیان و مروّجان این مشروع عظیم گشته و چه صدماتی و لطماتی بر مبطلین و معارضین و مخالفین آن وارد شده نه نقض و دسیسه منتسبین شجره الهیه و نه ظلم و جفای خلفا و اقطاب شریعت اسلامیّه و نه طغیان و فساد رؤسای احزاب سیاسیّه و نه تهدیدات و انذارات رؤسای عسکریه و نه مکاید طوائف و اقوام مبغضه ادنی رخنهئی در این بنیان مرصوص و تأخیر و تعویقی در تحقق وعود حتمیه و تبدیل و تغییری در خطّه مرسومه و فتوری در تنفیذ اراده متعالیه نافذه مؤسس عظیم الشان بی نظیرش احداث نمود و فئه مخالفین و مستهزئین و مفسدین و مبغضین و مبطلین کل متوالیاً متتابعاً در ارض اقدس و اقالیم مجاوره آن و بوسائل مختلفه و اسباب غیبیه و در اثر انقلابات عجیبه جسیمه از اوج عزت بحضیض ذلت بیفتادند بعضی مخلوع و مسجون و بعضی مغلوب و مقهور و بعضی اسیر و مقتول و بعضی پریشان و مفلوک گشتند لیظهر ما صدر من فمه الطاهر الصادق الامین و سطر من قلمه الاعزّ الأقدس المنیع اینست که در بیان عظمت شأن صاحب این مقام در همان توقیع مکرم نازل گشته قوله عزّ ذکره و جلّت عظمته "الا انّی انا رکن من کلمه الأولى

الَّتِي مِنْ عَرَفْهَا عَرَفَ كُلَّ حَقٍّ وَ يَدْخُلُ فِي كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ جَهْلِهَا جَهَلَ كُلَّ حَقٍّ وَ يَدْخُلُ فِي كُلِّ شَرٍّ "قد جعل الله كل مفاتيح الرضوان في يميني و كل مفاتيح التيران في شمالي" "من عرفني ورائه اليقين و كل خير و من جهلني ورائه السجين و كل شر"

و حال كه تصميم قطعي در نصب قواعد و تأسيس اركان قبه ذهبيه اين مقام رفيع الشأن اتخاذ گشته و لوازم ضروريه آن فراهم و مهيا گردیده مشروع بنای طبقات تسعه اين مقام اشرف اعلى نیز كه اولين طبقه آن متجاوز از بيست و پنج ۲۵ سال قبل افتتاح یافته و بيش از ده ۱۰ سال در اثر تحريكات ناقضان حسود و بيوفايان عنود معوق و معطل مانده در شرف انجام و اتمام است و بنای دو طبقه اخيره آن عنقریب بتأيدات الهيّه منتهی گردد و آنچه دلخواه حضرت من اراده الله و وعده صريح مركز عهد الله بوده كاملاً تحقّق پذيرد و اين جاده مجلل و زيبا كه امتدادش از مقام اعلى تا شهر حيفا و محاذی اعظم خيابان آن مدينه مكرّمه است و باشجار و رياحين مختلفه مزين و بسرج مضيئه لامعه منور و منظور نظر اهالی اين سامان است و مايه ابتهاج و افتخار ولاه امور در اين ارض من بعد حسب الاشارة مركز عهد الهی بشاهراه ملوك و سلاطين ارض مبدل گردد و اين تاجداران عظام و محرمان كعبه رحمن پس از وصول بساحل ارض مقصود و زيارت و طواف قبله اهل بهاء مطاف ملاً اعلى در مرج عكاً باين مدينه مكرّمه مشرفه توجه نمايند و بجبل كرمل صعود نمايند و بكمال شوق و وله و انجذاب بسوى اين مقام محمود بشتابند و از راه اين طبقات خاضعاً خاشعاً متذللأً منكرساً تقرب بآن مرقد منور مطهر جويند و در باب حرم كبريا تاج را بر خاك اندازند و سجده كنان تراب مشكيزش را تقبيل نمايند و ليك ليك يا علىّ الاعلى گويان در رواق مقدّسش طواف نمايند و بكمال عجز و ابتهاج آيات باهرات لوح كرمل را تلاوت نمايند و در حدائق و چمنستانهاى وسيعه بديعه اين مقرر اسنى و حظيره غنا و جنت عليا مشى و سير نمايند و روائح معطره اش را استشاق كنند و از اثمار طبيئه جنيّه بديعه اش مرزوق گردند و آلام و محن و بلايا و رزايا و اسارت و مسجونيت و شهادت آن مظلوم عالم را با چشمى اشكبار و قلبى سوزان يك يك بياد آرند و بهاء كرمل و آثار عظمت و قهاريت و غلبه و سيطره محيطه قهار العالمين را در اطراف و اكناف اين بقعه مرتفعه برأى العين مشاهده نمايند و بتسيح و تمجيد اله كرمل پردازند و پس از اداى فرائض زيارت و طواف مراقد مطهره در جوار مقام اعلى و اشتراك در صلوة و تلاوت آيات بينات در مشرق الأذكار آن جبل مقدّس و استفاضه و كسب دستور از مركز ادارى بين المللى آئين بهائى در آن جوار پرانوار و زيارت اماكن متبركه تاريخيه ادبان مختلفه در آن ارض باقليم مجاور عراق توجه نمايند و بسوى مدينه الله بشتابند و فرائض حج بيت الله اعظم را بتمامها ادا نمايند و از آن كشور مقدّس بمهد امر الله موطن اصلى شارع امر اعظم رهسپار گردند و بزيارت بيت مكرم در مدينه شيراز و اماكن متبركه در ارض طاء و ارض خاء و نقاط اخري كه بقدم مبارك جمال قدم و مبشر آن نير اعظم مشرف و از دم عاشقان و شهيدان و فدائيان امرش ريان پردازند و از آن ديار بممالك و اوطان خويش هر يك چون كره نار مراجعت نمايند و با قلبى مستبشر و روحى پرفروش بشكرانه عنايات مبذوله حضرت خفيّ الألفاف و ستايش و نيایش حضرت بديع الأوصاف زبان گشايند و بر آنچه لازمه عبوديت صرفه محضه حقيقيه آستان جمال بيمثال حضرت ذو الجلال است بعزمى متين قيام نمايند

ای برادران و خواهران روحانی شایسته و سزاوار آنکه در این مقام بعضی از آیات باهره و خطابه‌های مهیجه مهمینه لوح عظیم کرمل را بیاد آریم و در بشارت عظیمه و رموز مستوره مکنونه و اشارات خفیه منیعه اش اندکی تفرس نمائیم قوله عزّ اجلاله و جلّ کبرياته "حبّذا هذا اليوم الذى فيه تزوّعت نفحات الرحمن فى الامکان حبّذا هذا اليوم المبارك الذى لاتعاده القرون و الأعصار حبّذا هذا اليوم اذ توجه وجه القدم الى مقامه اذ نادى الأشياء و عن ورائها الملاء الاعلى يا كرمل انزلى بما اقبل اليك وجه الله مالک ملکوت السماء و فاطر السماء ... طوبى لعبد طاف حولک و ذکر ظهورک و بروزک و ما فزت به من فضل الله ربک ... يا كرمل بشرى صهيون قولى اتى المكنون بسلطان غلب العالم و بنور ساطع به اشرفت الأرض و من عليها ... اسرعى ثم طوفى مدينه الله التى نزلت من السماء و كعبه الله التى كانت مطاف المقرين و المخلصين و الملائكة العالين ... هذا يوم

فيه بشرّ البحر و البرّ و اخبر بما يظهر من بعد من عنايات الله المكنونة المستورة عن العقول و الأبصار سوف تجرى سفينة الله عليك و يظهر اهل البهَاء الَّذِينَ ذَكَرَهُمْ فِي كِتَابِ الْأَسْمَاءِ تَبَارَكَ مَوْلَى الْوَرَى الَّذِي بَذَرَهُ انجذبت الذَّرَات و نطق لسان العظمة بما كان مكنوناً في علمه و مخزوناً في كنز قدرته انه هو المهيم على من في الأرض و السَّمَاءِ باسمه المقتدر العزيز المنيع"

چه خوش سروده در این مقام عندلیب خوشنوی گلشن بهاء بر شاخسار عبودیت نقطه اولی بمناسبت استقرار عرش علیّ اعلی در آن بقعه مشرفه مقدسه علیا

"بیال ای کوه کرمل بر زمین و آسمان یکسر
که یک عالم شکوه و فرّز یزدان در تو شد پیدا
ز احجارت سروش آید بگوش هر سروش اکنون
ز اشجارت بگوش آید خروش سدره سینا
گر خوانم ترا جنت ز رویت میکشم خجلت
که جنت از تو در بهجت بود ای جنت علیا
ترا ذو العرش اگر خوانم سزا باشد روا دانم
که عرش اکبر اعظم نمود اندر دلت مأوا
تو ای کوه مقدس مرکز فردوس اعلانی
که هم مجرای کوثر آمدی هم مغرس طویا
تویی آن مغرب اعظم که غارب در تو شد خورشید
تویی آن مشرق اعلی که مشرق از تو شد بیضا
سزد گر کعبه گردد طائف حول تو چون گشتی
مقام عرش اعظم ربّ اعلی نقطه اولی
چو گشت آن مظهر واحد بذیل اقدست راقد
فلک شد در برت ساجد ملک شد بر درت پویا
چو گشتی مرکز اشراق آن خورشید لاهوتی
شدی هر دم مطاف قدسیان عالم بالا
تو ای ارض مقدس شادمانی کن که شد ساکن
بهاءالله در عکا و بابالله در حيفا"

ای والهان جمال کبریا در این سنین اخیر هرچند ارض اقدس منقلب و در معرض خطر عظیم واقع و ناقضان عهد بهاء و اقربا و منتسبین بی وفا فرصت را غنیمت شمرده بفتنه و فساد مشغول و بانواع وسائل در ایجاد مشکلات جدیده سعی و جاهد و یاران ستمدیده صابر صادق جمال ابهی در موطن اصلی حضرت کبریا در پنجه تقلیب گرفتار و مخابرات و مراسلات با یاران راستان در اکثر بلدان و ممالک شرقیه معوق و مختلّ و قلوب عاشقان و ناصران امر یزدان از این هیجان و افتتان و حرمان قرین حزن و اندوه بی پایان ولی شکر مولای بیهمتا را که با وجود این محن و فتن و موانع و مشاکل و مصاعب و مصائب امر عزیز الهی یوماً فیوماً در ارتفاع و دائره خدمات یاران باوفا و متمسکین بعروه وثقی انا فانا در اتساع آئین نازنین ذو الجلال در خاور و باختر اشتهاش بیشتر و شعله اش افزونتر و اساس نظم بدیع در متجاوز از صد ۱۰۰ کشور محکمتر و وعود الهیه ظاهرتر و باهرتر و امدادات غیبیه نافذتر و جلوه مشروعات خطیره بدیعه متعدده مختلفه یاران عظیمتر و پرتو تأیید ساطعتر و تصرقات قوه

قدسیه مکنونه الهیه سریعتر و عجیتر چنانکه بکرات و مرات تأکید گشته در بحبوحه انقلاب آثار نصرت و ظفر نمودار و در اثر هر محنت و ابتلائی فتح و انتصاری جدید آشکار و جلوهئی بدیع و تالوئی شدید پدیدار تاریخ پرهیجان مشعشع محیر العقول صدساله امر حضرت یزدان مثبت این قول و مؤید این بیان است ملاحظه نمائید از بدایت طلوع فجر هدی از افق اقلیم فارس در سنه ستین الی یومنا هذا که بدایت عهد ثانی عصر تکوین که عصر ثانی اولین دور مقدس کور بهائی است هر انقلابی که دست دشمن ستمکار در جامعه پیروان امر کردگار احداث نمود علت استحکام اساس و اسباب اشتهار و باعث اتساع و مورث انتصار امر الهی گشت

در عهد اول عصر رسولی دور بهائی توقیف و تویخ و تحقیر مبشر آئین الهی در مدینه طیبه شیراز و تبعید بجمال آذربایجان و حبس و اسارت در دو قلعه ماه کو و چهریق منجر بصدور ام کتاب دوره بیان و تشریح احکام و تأسیس میثاق مولی الأنام و اعلان استقلال شریعت جدید در ارض بدشت در مجمع اصحاب و اظهار و اثبات قائمیت در عاصمه ایالت آذربایجان در مجلس حکومت بواسطه نفس شارع امر مقدس گشت سپس حوادث مؤلمه هائله مازندران و نریز و زنجان و شهادت شهدای سبعة و مصیبت کبری قتل نقطه اولی در مدینه تبریز و مذبحه کبری در ارض طاء و محبوسیت جمال ابهی در سیاه چال طهران نتیجه اش حلول سنه تسع و اختتام شریعت بیان و ظهور وعده رب اعلی و نقطه اولی و افتتاح عهد مشعشع جمال اقدس ابهی که در آن سنه بفرموده حضرت عبدالبهاء جنین امر بمقام احسن التَّقْویم رسید

و در عهد ابهی اخراج جمال کبریا از ارض طاء و غیبت آن کوکب درّی افق هدایت کبری و هجرتش بجمال کردستان و بروز علامات اولیه نفاق در جمع مؤمنین در اقلیم عراق و موطن اصلی نیر آفاق کلّ مقدمه نهضت جدید در جامعه پیروان امر حضرت رب البریه و هبوب نفحات یوم ظهور موعود در مدینه الله و اظهار امر محیی انام در دارالسلام و استقرار مکلم طور بر عرش ظهور و کشف نقاب از وجه جمال قیوم و تحقّق بشارات حضرت دانیال و ظهور مالک یوم الدین در انتهای واحد و ابتدای ثمانین و صدور توقیعات و رسائل و تفاسیر و ادعیه و الواح مخصوصه از قلم اعلی و ظهور سطوت و اقتدار امر الله و غلیان محبه الله در قلوب و نفوذ کلمه الله در ارواح و نفوس و همچنین حدوث رجفه کبری در ارض سرّ و ظهور فتنه عمیاء صمّا و ارتفاع نفاق ناعق اعظم و فصل اکبر و ظهور سنین شداد و کسوف شمس بهاء و نشر اراجیف و اباطیل و بروز فتنه و فساد در مدینه کبیره کلّ باعث طلوع و سطوع شمس حقیقت از برج اسد و ظهور سرّ ثمانین و اعلان امر الهی بملوک و سلاطین و وزرا و کلا و امرا و سفرا و رؤسای ادیان و امم در شرق و غرب عالم گشت و ایضاً نفی سلطان قیوم باخر مدینا منفاى مجرمین و سارقین و دخول در سجن اعظم و محبوسیت سلطان ظهور در غرف مخروبه قشله نظام و پریشانی دوستان در دو خطه عراق و ایران و ظهور فتنه جدید در مدینه عکا و قتل نفوس معلومه و احضار جمال ابهی در مقرّ حکومت و محبوسیت غصن اعظم و جمعی از اصحاب علت تحقّق وعود صریحه کتب مقدسه و مقدمه نزول کتاب مقدس اقدس و نزول مدینه مقدسه و اورشلیم جدید از آسمان و تعیین مرکز عهد و پیمان و تبیین اصول نظم بدیع الهی و منتهی بخروج مظلوم عالم از سجن اعظم بمرج عکا و استقرار در قصر مشید و ارتفاع خیام عزّ در کرم الهی و تعیین مقرّ استقرار عرش نقطه اولی در آن جبل مقدس گشت

و در یوم میثاق عهد ثالث و اخیر عصر پرانوار دور بهائی طوفان نقض و هبوب اریاح اختلاف و انتشار راحه دفرا در بقعه نورا پس از غروب شمس بهاء و خسوف بدر میثاق در سنین معدوده منجر بفتح اقلیم غریبه و ارتفاع علم امر الله در دو قاره اروپا و امریک و ورود زائرین و زائرات از باختر و وصول عرش اعلی بمدینه حیفا و ابتیاع ارض اعلی در جبل کرم و وضع حجر اساس مقام اعزّ اسنی بدست غصن برومند بهاء گشت سپس تجدید محبوسیت یوسف بهاء در قلعه عکا و مخالفت خصم الدّ خلیفه اسلام عبدالحمید پلید و اعزام هیئت مفتشین و جولان ناقصین پرکین بالمآل نتیجه اش حدوث واقعه

خطیره و انقلاب اعظم در مدینه کبیره و سقوط و خلع و اسارت سلطان جائر و اعلان مشروطیت و استخلاص مظهر عبودیت و استقرار عرش اعلی بدست حضرت عبدالبهاء در جبل الرّب و بنای اولین معبد بهائی در مدینه عشق و ابتیاع اراضی امّ المعابد غرب و انعقاد اولین مؤتمر بهائی در امریک و مسافرت پر عزّت و حشمت مرکز عهد حضرت احدیت بممالک فرنگ گشت

و همچنین اشتعال نائرة جنگ بین المللی و تأثیراتش در ارض اقدس و حدوث مخاطرات عظیمه و اشتداد عداوت و تهدیدات سالار اعظم جمال سفاک و بی باک در اعدام غصن سدره الهیّه و هدم روضه مقدّسه مبارکه و مقام مقدّس مبشر امر حضرت ربّ البریه و سدّ سبیل و انقطاع اخبار و مراسلات و مخابرات بین ارض اقدس و مراکز امریه در شرق و غرب عاقبت باعث مغلوبیت و فرار و هلاک آن ظالم خونخوار و حلول سپاه انگلیز و تشرّف سالار اعظم در رکاب غصن افخم اعظم بمرقد مطهر جمال قدم و تحقّق انذارات کتاب اقدس و ارتفاع حنین برلین و سقوط امپراطوری آلمان و نمسه و هجرت بنی اسرائیل ابناء خلیل و حزب کلیم بارض میعاد و وضع ارکان مشرق الأذکار امریک و صدور فرمان غصن بهاء بیاران مقیم در ایالات متّحده و اقلیم کندا در تبلیغ و تبشیر امر بهاء در شرق و غرب عالم گشت

و همچنین در عصر ثانی این دور مشعشع الهی مصیبت عظمی عروج غصن سدره بقا از عالم ادنی بملکوت ابهی و قیام ناقض اکبر و غصب مفتاح مقام اقدس اطهر بواسطه زعیم ثانی و حصول بحران شدید در ارض اقدس و اقلیم مجاوره و جولان روبهان نقض در این ارض و عربده مشتّی از سست عنصران سبک مغز در مصر و عراق و ایران و امریک و آلمان و غصب بیت اعظم در مدینه بغداد توأم بافتتاح عصر تکوین و تأسیس نظم بدیع و منجر باعاده کلید ضریح مطهر و اثبات تولیت آن مقام مقدّس و رفع قوائم و دعائم و ارکان بیت عدل اعظم و وضع قانون اساسی جامعه در بلدان و ممالک شرقیه و غربیه و تسجیل محافل روحانیّه و تأسیس اوقاف و ابتیاع اماکن متبرّکه و اراضی اولین معبد بهائی در موطن شارع امر الهی و تشیید حظائر قدس در عواصم ممالک مختلفه و تأسیس مدارس تابستانه و ابتیاع اراضی وسیعه در جبل کرم و بنای حجرات ثلاثه در قرب آن مقام اعلی و امتداد طبقات و تأسیس محفظه آثار و تخلیه و تعمیر و ترمیم و تنویر و تزین قصر مشید جمال کردگار و معافیت آن از رسوم دولت و افتتاح باب مخابره بین امنای جامعه اعضای محافل روحانیّه و ولایه امور گردید

و همچنین ضوضا و غوغای علمای سنّت و جماعت در قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و هجوم عنیف دشمنان جدید و کشف نقاب از وجه اسرار مکنونه و احکام مستوره مقتّعه و صدور حکم انفصال شریعت بهائیه از ادیان عتیقه و اخراج از جامعه اسلامیّه و نسبت کفر و الحاد و ارتداد بیروان شریعت جدیده الهیه و فسخ عقد ازدواج و منع دفن اموات و وقوع امتحانات عدیده و حدوث تضییقات شدید و ظهور محن و بلایا در ترکستان و قفقازیا و حجز و استملاک اولین معبد بهائی در مدینه عشق کلّ مقدّمه اعلان رسمیت امر متعال و اثبات استقلال و اشتهار صیت آتین ذو الجلال و خروج از کنائس و معابد و عدم مراجعه بمحاکم شرعیّه اسلامیّه و اقامه شعائر امریه و تدوین احکام کتاب اقدس و تقدیم آن بولایه امور و اعلان تعطیل عمومی در ایام تسعه محرّمه و وضع عقدنامه و طلاقنامه بهائی در بلدان متعدده بواسطه محافل روحانیّه و تأسیس مقابر بهائی و اعتراف برسمیت عقدنامه بهائیان در ارض اقدس و اقبال علیا حضرت ملکه رومانیا بامر جمال ابهی و انتقال رسمین اطهرین بجوار مقام اعلی و منتهی بافتتاح و تنفیذ مشروع هفت ساله یاران امریکا که مرحله اولی در اجرای فرمان حضرت عبدالبهاء بعلمداران حزب مظلوم است و اتمام تزینات خارجه امّ المعابد غرب و تأسیس محافل روحانیّه در هر یک از عواصم جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا و احتفال عید افخم مجلّ مئوی بعثت حضرت ربّ اعلی در صد ۱۰۰ اقلیم از اقلیم شرقیه و غربیه عالم گشت

و حال در این سنین اولیّه قرن ثانی و عهد دوم عصر ثانی دور بهائی با وجود انقلاب و اغتشاش ارض اقدس و وقوع جنگ و جدال بین عناصر و طوائف متضادّه متباغضه در این سامان و بیوفائی اقارب و منتسبین از افنان و ورقات و فروع سدره الهیّه و جفای ناقضین و تهدیدات قوم پرکین که باولاد افاعی تشبیه گشته و بلیات وارده بر مؤمنات و مؤمنین در اثر تعدّیات و تجاوزات و دسائس دشمنان دیرین در مهد آئین حضرت ربّ العالمین و عدم امکان مخابره و مراسله با افراد جامعه و محافل روحانیّه در اکثر ممالک و بلدان شرقیّه آثار غلبه امر الله و خذلان دشمنان دین الله و استقلال شریعت الله و استحکام اساس جامعه سرمستان باده محبّه الله و اتساع دائره خدمات و مشروعات مروّجان کلمه الله در شرق و غرب و جنوب و شمال ظاهر و باهر و مقدّمات ظفر و نصرتی عظیم در بلدان خاور و باختر فراهم و مهیا و علامات اولیّه اعلان امر الهی و اعتراف رسمی عمومی آئین یزدانی و تحقّق بشارات باقیّه مصرّحه در کتاب الهی در جهات عدیده آشکار و پدیدار

صاعقه قهر الهی متتابعاً بر اهل فتور عصبه مغروره و ثلّه مقهوره نازل و ارکان آن فئه ضالّه متزلزل زعیم ثانی بدیع شنیع غاصب مفتاح مرقد مطهر ربّ منیع که مدّت شصت ۶۰ سال بانواع وسائل در ایجاد رخنه در بنیان مرصوص الهی همّت بگماشت و شعاع پرتباه خلیفه ناقض اکبر و برادر حقود و حسودش که خصم الدّ جسور میثاق ربّ ودود بود و قرینه غصن دیگر از اغصان یابسه ساقطه کلّ متعاقباً بدار البوار راجع منتسبین بی وفا که از صراط وصایای محکمه حضرت عبدالبهاء منحرف و در اثر سه ۳ اقتران با ابناء سیّد متمرّد عدوّ مرکز عهد الله و اقتران رابع با دشمنان سیاسی دین الله از سدره منتهی منفصل و بعضی با شکنندگان میثاق جمال ابهی مرتبط و از ارض اقدس در اثر انقلابات داخله سیاسیّه خودسرانه فرار اختیار نموده و سپس بذیل نماینده اعداء امر بهاء متوسّل گشته و بکمال غفلت در سرّ سرّ بتخدیش اذهان و تزئیف و تحقیر این عبد آستان مشغول در گوشه‌ئی خزیده و از سلوک متهورانه خود مأیوس و از اعمال ناشایسته خویش مخجول

رواق مقام اعلی بتأیید مؤسس مشروع اعزّ افخم ابهی و هدایت بانی ضریح مطهر علیّ اعلی مشیّد و اعمده‌اش مرتفع و تاجش منصوب و انوارش متألّی و اسم اعظمش جاذب قلوب و محیّر نفوس طبقاتش در کمال شکوه و جلال ممتدّ و سرچش روشن و مضیء حدائق و خیابانهای متعدّده‌اش که بالوان بیضا و حمرا و صفرا و زبرجدی خضرا ملوّن و باهار و اوراد مختلفه مطرّز و مزین کلّ حیرت‌بخش و بهجت‌انگیز مقدّمات نصب قواعد و ارکان هشت‌گانه قبه رفیعّه ذبیّه‌اش مهیا و فراهم و صیت عظمتش در اکناف و اطراف این صقع جلیل منتشر

تزیینات داخله امّ المعابد غرب در قطب امریک در شرف انجام و اتمام رکن رکن دیوان عدل الهی بهمّت فارسان مضممار الهی در اقلیم کنده منصوب و عنقریب منضمّ بدو رکن دیگر در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا خواهد گست مشروعات بهیّه و نقشه‌های بدیعه یاران عزیز ایران و هندوستان و امریکا و انگلستان و کنده و استرالیا و آلمان و عراق و مصر و سودان بعضی باکلیل ظفر مکّلل و بعضی در شرف اختتام و بعضی بکمال سرعت در تقدّم

مراکز جدید در جزیره العرب و اقلیم مجاوره خلیج فارس و ممالک و جزائر واقعّه در جنوب شرقی قاره آسیا بهمّت یاران ایران و عراق و هندوستان در شرف تأسیس مشروع عظیم الشان فتح اقلیم مرکزی در قلب قاره افریقا باعث استحکام روابط بین محافل روحانیّه پیروان جمال ابهی در جزائر بریتانیا و موطن جمال ابهی و قطر مصر و قاره شمالی امریکا

مصادق وعده الهی ببناء خلیل و وراثت کلیم ظاهر و باهر و دولت اسرائیل در ارض اقدس مستقرّ و بروابط متینه بمرکز بین‌المللی جامعه بهائی مرتبط و باستقلال و اصالت آئین الهی مقرّ و معترف و بثبت عقدنامه بهائی و معافیت کافه موقوفات امریّه در مرج عکا و جبل کرم و لوازم ضروریّه بنای بنیان مقام اعلی از رسوم دولت و اقرار برسمیت ایام تسعه متبرّکه محرّمه موفّق و مؤید

قصر مبارک مزرعه که پس از خروج جمال قدم از سجن اعظم بقدم آن محیی روم در سنین معدوده مشرف پس از پنجاه سال بطیب خاطر بواسطه نمایندگان وزارت ادیان تسلیم متولیان اماکن متبرکه مطهره بهائیان در ارض اقدس گشت حجره مسکونه مولی الانام در قشله نظام تخلیه و از اماکن مقدسه بهائیان محسوب گردید تعمیر و ترمیم و تنویر و تزئین بیت افخم جمال قدم در مدینه عکا که در بحبوحه انقلابات داخله در سنین اولیه سجن اعظم بقدم مبارک مشرف و در ایام هبوب اریاح نقض بقدم غصن فرید و وحیدش مزین منتهی و مانند دو قصر مزرعه و بهجی زیارتگاه زائرین و حیرتبخش واردین از دور و نزدیک گردید

مقدمات تهیه نقشه اولین معبد جبل کرمل که مهندس آن بقلم مرکز عهد الهی تعیین گشته فراهم روابط جدید با نمایندگان عصبه امم در ممالک مختلفه در خاور و باختر مستحکم محافل روحانیه جدید التأسیس در ده ۱۰ کشور از کشورهای قاره اروپا بهمت علمداران حزب مظلوم ثابت و استوار و انجمنهای بین‌المللی بهائی در عواصم این بلدان در اثر این فتح عظیم در هر سنه مرتباً دائر عقدنامه بهائی در خطه عراق پس از مدتی انتظار و در بیست ۲۰ ایالت از ایالات متحده امریک در دوائر رسمیه مشبوت و معتبر

متجاوز از صد ۱۰۰ محفل روحانی بعضی مرکزی و اکثری محلی در دوائر دولتی در قاره شمالی و مرکزی و جنوبی امریکا و هندوستان و برما و پاکستان و اقلیم کندها و آلمان و انگلستان و جزائر فیلیپین و مصر و استرالیا مسجل و بدین واسطه یاران عزیز در این ممالک بتأسیس اوقاف بهائی رسماً مفتخر نشریات امریه متجاوز از شصت ۶۰ لغت در اقطار عالم مطبوع و منتشر علم دین الله در متجاوز از صد ۱۰۰ مملکت از ممالک مستقله و اقلیم تابعه در شرق و غرب مرتفع

و اخیراً بتأییدات رب الجنود و عون و عنایت رب ودود که در جمیع شئون قائد و حافظ و حارس و هادی و ناصر حزب مظلوم است هیئت بین‌المللی بهائی که مقدمه تشکیل اولین محکمه رسمی در جامعه پیروان آئین یزدانی و منتهی بتأسیس دیوان عدل الهی و تمرکز و استحکام مرکز بین‌المللی اداری امر الله در قرب مقام اعلی و جریان سفینه الله بر جبل کرمل و ظهور اهل بهاء خواهد گشت در ظل مقامات مقدسه در ارض اقدس تأسیس گشته تا این عبد مستمند را که در دریای مشاغل و غوائل لاتعد و لاتحصی غوطه‌ور است معاونت کند و در تشیید بنیان مقام رفیع اعلی و استحکام روابط با امنای دولت جدید التأسیس در این ارض و تهیه وسائل جهت تبدیل این هیئت بمرور ایام بمحکمه مستقل بهائی و اجرا و تنفیذ احکام آئین یزدانی مساعده نماید تا بتدریج آنچه در الواح الهیه مسطور و مدون است در این ارض و بلدان دیگر در شرق و غرب کاملاً تحقق پذیرد

ای برادران و خواهران روحانی در این سنه جدید و سنه آتیه که ان شاء الله و اراد منتهی بجهش مجلل عید مئوی حلول سنه تسع و ظهور وعده صریح نقطه اولی و تجلی روح اعظم بر قلب الطف جمال ابهی در سجن ارض طاء و افتتاح عهد اعز ابهی خواهد گشت و صد سال تمام از واقعه هائله مذبحه کبری و بلیه عظمی و توقیف و توهین و سجن جمال قدم در آن مقر انتن اظلم و شهادت نقطه جذیه ورقه طیبیه طاهره زکیه و قتل اصحاب باقیه و رؤسای معدوده حزب مظلوم و نهب اموال و هتک ناموس و اهراق دم جمعی از نفوس بریئه مقدسه ثابتة راسخه منقضی خواهد شد شایسته و سزاوار آنکه بیاد آن بلاای عظیمه و رزایای متتابعه و دماء مسفوکه و اموال منهوبه و بیوت مظموره و بقاع و قرای منهدمه و بشکرانه صون و صیانت الهیه که در مدت صد ۱۰۰ سال بل ازید نهال بیهمال امر الله را از صرصر امتحان و زوابع افتتان و اریاح حوادث و انقلابات عالم امکان محافظه فرمود در این اشهر باقیه معدوده که بکمال سرعت در گذر است و تلافی هر قصور و فتوری که در این ایام واقع من بعد ممتنع و محال عموم من فی البهآ کثله واحده بانچه سزاوار عبودیت این آستان مقدس و فداکاری در سبیل این مشروع اعظم افخم است قیام نمایند قیام تححیر منه سگان ملا الاعلی قیام تستبشر منه ارواح القدیسین و الکرؤیین فی الجنه

العلیا قیام تهنّزّ منه طلعات الفردوس و حورّیات الأنس فی الفردوس الأبھی قیام یتباهی به معشر النّیین و المرسلین فی جبروت البقاء قیام یمجّده غصن البهّاء الجالس عن یمین عرش العظمة فی حرم الکبریّاء قیام یقدّسه النّقطة الأولى فی مقابلة العرش خلف سرادق القدس فی قطب الجنان قیام یشهده سلطان القدم المستوی علی عرشه الأفخم الأعظم فی ظلّ قباب العظمة فی بحبوحة الفردوس فی ملکوته الأبھی تا بمنّه تعالی این مراحل باقیه بتقدیرات الهیّیه و تأییدات مولی البریّه طیّ گردد و این مشروع اعزّ اعلی در ارض اقدس انجام یابد و بمرور ایّام مصداق بشارات الهیّیه در کتب و صحف و زبر و الواح در اطراف و اکناف عالم تحقّق پذیرد و در این عهد و عهد آتیّه این عصر و در عصر ثالث که عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابھی است آنچه در هویت این امر عزیز الهی است ظاهر و نمایان گردد و شریعت الله جلوهئی حیرت‌انگیز در بسیط غربا نماید و علم استقلال دین الله در قطب آفاق موج زند و شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود و جهان بدرجّه بلوغ رسد و عصر ذهبی جمال قدم عالم را منور فرماید و مدنیت الهیّیه چهره بگشاید و سلطنت الهیّیه تأسیس گردد و ملکوت الله در انجمن بنی‌آدم استقرار یابد و عالم ادنی آئینه عالم بالا و قطعهئی از فردوس اعلی و جنت ابھی گردد

البدار البدار یا احبّاء البهّاء البدار البدار یا اصحاب الرّایة البیضاء البدار البدار یا مظاهر الحبّ و الوفاء الرّاکبین فی السّفینة الحمراء و المروّجین للشّریعة الغرّاء هلمّوا بنا علی السّلوک فی هذا الصّراط المستقیم الممدود و الاستقامة فی هذا السّیبل الواضح المشهود و انفاق ما وهبنا ربّنا لتشیید هذا المقام المبارک المحمود و نصب هذا اللّواء المعقود علی اعلی الأعلام فی مشارق الأرض و مغاربها و القيام علی اجراء ما نصحنه و امرنا به مولانا و سیّدنا و محبوبنا مالک الغیب و الشّهود و التّکبیر و البهّاء و التّحیّة و الثّناء و الثّور و الضیّاء علیکم و علی من یحبّکم و یقتدی بکم و یسلک فی منهاجکم و یحمیکم و یعینکم و ینصرکم و یرفع شأنکم و یحقّق آمالکم و یخذل اعدائکم و یأخذ حقّکم من الذّین ظلموکم حبّاً لله ربّ العالمین

توقیع مبارک نوروز ۱۱۰ بدیع

هیئت محترمه مجلله ایادی امر الله و حضرات افنان ثابته راسخه بر میثاق الله و جنود منصوره مجاهدان و مهاجران فی سبیل الله و عصبه جلیله مبلغان و ناشران نفحات الله و اعضای محافل مقدسه روحانیه ارکان و حامیان شریعت الله و افراد جامعه پیروان دین الله در کشور مقدس ایران و خطه هندوستان و برما و پاکستان و اقلیم عربستان و قطر مصر و سودان و ترکیه و افغانستان و عراق عرب و سوریه و لبنان رجلاً و نساءً صغیراً و کبیراً ملاحظه نمایند

ایها المتمسکون بالعروة الوثقی و المضطهدون فی سبیل ربنا البهیّ الغالب القاهر الأبهی و المجاهدون لنصرة امره الأرفع الأعزّ الأعلی و المؤسسون لأركان نظمه الأبدع الأعظم الأمتن الأسنی در این اوان که نوروز فیروز سنه عاشر قرن دوم بهائی با عید منوی دعوت سری جمال اقدس ابهی روحی للمبتلین فی سبیله الفداء توأم گشته و این دو جشن افخم در این سنه مقدسه مبارکه در سراسر عالم بهائی برپا و از مکمن اسنی و رفراف اعلی ندای جانفزای البدار البدار یا معشر الأبرار قوموا عن مقاعدکم و انفقوا ما وهبکم ربکم و اهجرُوا دیارکم و اوطانکم و انصروا بارتکم و بلّغوا الناس ما بلّغکم محبوبکم و مولاکم خطاب باهل بهاء و اصحاب رایة بیضا در قارات خمسه متواصل و هلهله کرّوین و قدیسین و ملائکه مقربین در تشجیع جیش عرمم بهاء و اشتراک در جهاد جهانی روحانی کبیر اکبر متصاعد و شارع قدیر و مبشّر فریدش هر دو از اعلی غرفات جنّت ابهی ناظر و شاهد و نقشه ملکوتی غصن افخمش و مهندس نظم بدیع جهان آرایش که در کتاب وصایا و الواح اخری مدوّن و مسطور در انظار عالمیان مکشوف و فیالق تأیید مستعدّ نزول و نصرت بانیان قصر مشیدند و گروه مجاهدین و مجاهدات در شرق و غرب و جنوب و شمال صفّ بسته مهیای خروج و هجوم و کفاحند این عبد آستان بیاد آن یاران راستان که اکثر در پنجه تقلیب گرفتارند مشغول و بذکرشان مألوف و از تتابع بلایا و تراکم رزایای وارده بر آن حبیبان که در آتش حسرت و حرمان سوزانند متحسّر و متألّم از شدت فوران نار محبت و با وجود مشاغل و غوائل بی حدّ و حصر که در نتیجه اتساع خارق العاده دائره امر الله از شش جهت این عبد را احاطه نموده قلم برداشته تا شمهئی از فتوحات جلیله و انتصارات باهره و حوادث جسیمه و وقائع تاریخیه که در این دو سنه اخیره در جامعه پیروان امر حضرت ربّ البریه جلوه نموده در این اوراق ثبت نماید و این بشارات را بان متغمّسین بحر بلا روحی لمصائبهم الفداء ابلاغ نماید و افتده آن ستمدیدگان را شاد و مستبشر گرداند

ای یاران باوفا چه مقدار عظیم است امر عزیز الهی و چه مقدار متین و رصین است بنیان آئین مقدس یزدانی و چه مقدار عجیب و غریب است تصرفات قوه ازلیّه قدسیّه دافعه ساریه صمدانی که در مدّت صد سال از سنه تسع که میقات انقضای دوره بیان و ظهور ثمره آئین مبشّر امر محبوب و مقصود عالمیان و افتتاح عهد افخم اعزّ جمال رحمن است الی یومنا هذا در بسیط غیرا علی رؤوس الأشهاد ظاهر و باهر گشته ملاحظه نمائید که شجره لاشرقیه و لاغریبه که در عهد آدم ید قدرت الهیه در ارض مشیت غرس نموده و در ادوار سابقه در ارض میعاد در عهد حضرت خلیل و حضرت کلیم و حضرت روح و در جزیره العرب در عهد حضرت خاتم و در کشور ایران و هندوستان در عهد حضرت زردشت و حضرت بودا و سائر انبیای اولو العزم صلوات الله علیهم اجمعین در مدّت شش هزار سال متدرّجاً نشو و نما نموده و بدم شهدای لاتعدّ و لاتحصی سقاییت گشته و با وجود هبوب اریاح مخالف و عواصف گوناگون ریشه اش مستحکم گشته و اغصان و افنان و فروعش در ممالک و بلدان در خاور و باختر تعدّد و امتداد یافته و بمرور ایام بیرگ و شکوفه و گل آراسته و مزین گشته و سایه بر عالمیان افکنده و روائح معطره اش مشامّ مؤمنین و مؤمنات را در بسیط غیرا معطرّ نموده این شجره الهیه شجره اصلها ثابت فی ارض الکبریاء و فرعها فی السّماء که ادیان عتیقه در ادوار مختلفه از این اصل قدیم منشعب و متفرّع گشته در سنه ستین در اقلیم

فارس در مدینه طیبه شیراز بر اثر ظهور قائم موعود "النقطة الأولى التي تدور حولها ارواح المرسلين" ثمره ازلیه جنبه قدسیه اش را که در هویتش مکتون و مخزون بوده پس از انقضای شش هزار سال ظاهر و آشکار نمود و عالم کون را پس از طی مراحل طفولیت و صباوت بمقام بلوغ ذاتی برسانید و این ثمر جنی رطب لطیف "زیتونه لا شرقیه و لا غربیه" "قره عیون النبیین" و "الظاهر بآثار جمیع الأنبیاء" در مدّت شش سنه در آسیاب محن و بلا و رنج و ابتلا مقهور و معصور گشت و عاقبه الامر در خطه آذربایجان در اثر رزیه عظمی و شهادت کبری خود را در سبیل ظهور و اشراق "بهاء السموات و الأرض" فدا نمود

سپس در سنه تسع در زندان ارض طاء آن سجن اتن مظلم زیت این ذبح اعظم و دهن لطیف آن شهید اکبر افخم و فدائی موعود و مقصود امم مشتعل و روشن گشت و بر اثر تجلی روح اعظم بر قلب ممرّد الطف جمال قدم و مظلوم عالم رشحی از نور مهیمن حمرا بر عالمیان در ظلمت آن زندان مبذول گشت سپس آن لمعه نور که در طور اکبر درخشیده و طورین از لمعانش منصع گشته در مدّت ده سال در پس حجابات و سبحات غلیظه اهل غلّ و بغضا در مدینه الله مقنوع گشت و پس از انقضای سنین مهلت در حین حرکت سلطان ظهور از دارالسلام بغداد به مدینه کبیره مصباح محجوب و مغطو جلوهئی شدید بنمود و در انتهای واحد از بحبوحه رضوان پرتو بر عالمیان بیفکند متعاقباً در ارض سرّ بر حسب وعده صریح مبشّر امر حضرت ربّ العالمین در بدایت ثمانین مصباح الهی بفرموده جمال ابهی در بلور اخری مشتعل گشت و انوار ساطعه اش اقالیم مجاوره را روشن و منور گردانید سراج امر که نطق انوارش پس از شهادت حضرت ربّ اعلی منحصر بمهد امر و عراق عرب بود در ایام توقّف شارع اعظم در ارض سرّ و حصن عکا چنان برافروخت که پرتو بر آفاق روم و خطه هندوستان و قفقازیا و برما و ترکستان و مصر و سودان و سوریه و لبنان بیفکند این انوار ساطعه لمعانش رفته رفته باراده غالبه الهیه ازدیاد یافت تا آنکه بر اثر تاسیس میثاق غلیظ و وثیق اتقن اقوم موعود امم در سجن اعظم تجلیات این مصباح در ایام مرکز عهد محیی رمم از خاور بر باختر منعکس گردید

و حرارت این نار ذات الوقود پس از صعود جمال کبریا بقاره آمریکا سرایت نمود و در اقصی الغرب مشتعل گشت و از خطه امریک بقاره اروپا و در اواخر دوره میثاق این انوار شرق اقصی را منور ساخت و در ماوراء البحار در قاره نائیه استرالیا متألّی گشت اینست که میفرماید "لو یسترون النور فی البرّ انه یظهر من قطب البحر و یقول انی محیی العالمین" و قبل از اختتام عصر رسولی دور اول کور مقدّس که مقارن با افول کوکب میثاق حیّ لایموت بوده شعشعات انوار این مصباح سی و پنج ۳۵ اقلیم از اقالیم شرقیه و غربیه را روشن و منور ساخت و قارّات خسته عالم از فیوضات بهیه باهره اش مستنیر و مستفیض گشت اذاً تحقّق ما صدر من قلم الميثاق قوله عزّ بینه "و سترون انّ الأشعة الساطعة من شمس الميثاق احاطت الآفاق و تزلزلت ارض الشبهات و فاض غمام العهد و غیض غدیر النقص یومئذ ترون جمال العهد مستقرّاً علی کرسیّ الجلال و آیات الميثاق تتلی علی الآفاق"

طولی نکشید که بر اثر وضع اساس و نصب قواعد و رفع اعمده اولیه نظم بدیع جهان آرای الهی که مبشّرش ربّ اعلی و نقطه اولی و واضع احکامش شارع قدیر جمال اقدس ابهی و مهندس و مبینش مرکز میثاق بهاء نور جهان افروز این مشعله الهیه بر جمهوریات مرکزی و جنوبی امریک و ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه در قطعات اروپا و آسیا و افریک پرتو بیفکند و در قلب عالم چنان فورانی نمود که مقارن احتفال عید مئوی بعثت حضرت نقطه اولی عدّه ممالک و بلدان که در ظلّ رایت الهی محشور و از انوار بهیه اش مستنیر گشته به هفتاد و هشت ۷۸ بالغ گشت و در این سنین اخیره در مدّت نه ۹ سال که فاصله بین عید مئوی اول و ثانی اهل بهاست لشکر حیات بتأییدات ربّ الآیات البینات بفتح پنجاه ۵۰ مملکت دیگر مفتخر و مجموع عدد ممالک و بلدان که در حین ترقیم این اوراق بقوه اسم اعظم مسخر و از اشراقات محیر العقول این نور جهان افروز منور گشته به یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ بالغ اینست که از قلم غصن اعظم و مبین آیات جمال قدم و مرکز عهد اقوم اتقن

این بیان اکمل اتمّ صادر قوله عزّ اعزازه "سراج میثاق شدّت اشراقش بعد از انکسار زجاج است" و همچنین میفرماید "اگر چنانچه وقتی آید که غصن از عالم جسمانی انفصال یابد و اوراقش بریزد هراسان مشوید زیرا سبز و خرمّ شود و پس از مفارقتش چنان انبات نماید و بروید که عالم وجود را بظلمّ خویش درآورد و اوراقش بذروه علیا سر برآرد و بثمر و فواکهی جلوه کند که جهان را معنیر نماید"

و حال پس از انقضای صد ۱۰۰ سال تمام از بروز و ظهور این لمعه نور و شعله طور که در افق نور ظاهر و باهر گشته نوری که فی الحقیقه ولید ثمره ازلیّه شجره لاشرقیه و لاغربیه است که شش هزار سال قبل ید قدرت الهیه در ارض مشیت کشته و بریزش باران رحمت بی کرانش و حرارت فیض بی منتهایش و نسائم مهبت عنایتش پرورش داده مقتبسین این نور هدی و فارسان جیش کبریا و گروه مجاهدین و مهاجرین و ناصرین امر بهاء که باشتراک در این جشن اکبر افخم اعلی در این سنه مقدسه مبارکه مفتخر پیاس این عنایت کبری و منحه عظمی عزم را جزم نموده و حاضر و مهیا گشته که بتأییدات لاریبیه هاطله از ملکوت ابهی چنان قیامی نمایند که در سنین عشره آتیه که مقدمه احتفال جشن افخم اعظم و عید مؤی ثالث عالم بهائی و صدمین سال دعوت جهری جمال لایزالی و استقرار مکلم طور بر عرش ظهور است بفتح و تسخیر یکصد و سی و یک ۱۳۱ مملکت دیگر از ممالک مستقله و اقالیم تابعه و جزائر مهمه کره ارض نائل و مفتخر گردند تا بمنه و فضله و هدایته عدّه ممالک و بلدان که در مدّت یک قرن بل ازید بقوه اسم اعظم در ظلّ امر الله وارد گشته مضاعف گردد و شعله این آئین نازنین در ارکان عالم برافروزد و لهیب سراجش بعنان آسمان رسد و تجلیاتش آفاق اکوان را احاطه نماید و نورش جهانتاب گردد و صیت عظمت و اقتدار و قهاریت و غلبه ظاهره و سیطره محیطه اش جهانگیر گردد و وعده غصن برومند بهاء که در دو لوح امنع اقدس در تفسیر آیه کریمه سفر حضرت دانیال مدوّن و مسطور است تحقّق پذیرد قوله عزّ کلمته "در آن تاریخ آثار علو و امتناع و سمو و اعتلا از برای کلمه الله در شرق و غرب حاصل گردد ... و تعالیم الله تتمکن فی الارض حقّ التّمکن و تملأ الأنوار مشارق الارض و مغاربها یومئذ یفرح المؤمنون" نعم العزم هذا العزم و نعم القیام هذا القیام بهما استفرحت ارواح الملائع الأعلی و اهتزت هیاکل الصّافین و الکرّوبین فی الأفق الأبهی و ارتفع صوت التّهلیل و التّکبیر فی بحبوحه الفردوس خلف حرم الکبریاء سبحان ربنا البهیّ الأبهی سبحان ربنا العلیّ الأعلیّ تعالی ربنا المسخّر المتجبرّ الناصر الغالب المقتدر القهار له الغلبه و الهیمنه و الاستقلال و العزه لأحبائه و ایادی امره و افنان شجرته و امناء شریعته و انصار دینه و المختارون فی ملکوته یا احبّاء البهّاء و مطالع انواره و مظاهر آثاره وقت آنست که بیمن و مبارکی این سنه مقدسه نظر را بالواح الهیه و صحف قیمه و بیعضی از قصائد و مدائح در وصف و بیان میقات و اثبات عظمت و اهمیّت این سنه که بسنه بعد حین معروف و موصوف است متوجّه و منعطف سازیم و در کیفیّت و رفعت آن تفکّر و تمعّن نمائیم حلول این سنه مقدسه که فی الحقیقه ولید اوّلین عهد پر شور و آشوب عصر رسولی دور بهائی است و مبدأ الف سنه مذکوره در کتاب الهی و اختتام دوره شریعت بیانی و افتتاح عهد مشعشع جمال لایزالی غره محرّم الحرام سنه هزار و دوپست و شصت و نه ۱۲۶۹ از هجرت رسول اکرم علیه الصلوة و السلام است پس از انقضای دو ماه از دخول مظلوم عالم در سجن اکبر مظلّم در ارض طاء که به امّ العالم در امّ الکتاب ملقّب و بافق نور موصوف و بخطاب "قد جعلک الله مطلع فرح العالمین" مخاطب گشته حلول این سال فرخنده فال متعاقب حوادث مؤلمه مازندران و نیریز و زنجان و واقعه هائله شهادت شهدای سبعة در طهران و شهادت نقطه اخری و رافع رایت سودا در خراسان و وحید عصر و فرید زمان در نیریز و شخص شاخص و صاحب قول نافذ در زنجان و شهادت نقطه اولی در تبریز و مذبحه کبری در ارض طاء و مقارن با شهادت نقطه جذیبه سرحلقه نساء دوره بیان و کاتب وحی و انیس و جلیس نقطه اولی در جبلین شامخین و کاتب دیگر که از ارکان شرع بدیع محسوب گشت

در بیان عظمت و تعیین میقات این سنه مقدسه این کلمات درّیات از سماء مشیّت ربّ اعلیٰ نازل قوله جلّت عظمته "و فی سنه التسع انتم کلّ خیر تدرکون" و فی سنه التسع انتم بلقاء الله ترزقون" و همچنین میفرماید "فانّ لکم بعد حین امر ستعلمون" و ایضاً میفرماید "و اشهد انّ فرق القائم و القیوم عدد تسعه ذلك ما تکملنّ الکیونات فی مقاعدهنّ ذلك فرق بین کلّ اعظم و عظیم" و ایضاً میفرماید "من اولّ ذلك الأمر الی قبل ان ینکمل تسعة کینونات الخلق لم تظهر و انّ کلّ ما قد رأیت من النطفة الی ما کسونه لاحقاً ثمّ اصبر حتّی تشهد خلق الآخر اذاً قل فتبارک الله احسن الخالقین" و همچنین میفرماید "امروز بیان در مقام نطفه است و در اولّ ظهور من یظهره الله آخر کمال بیان ظاهر میشود که ثمرات اشجاری که غرس کرده بچینند" و ایضاً میفرماید "و لتراقبنّ فرق القائم و القیوم ثمّ فی سنه التسع کلّ خیر تدرکون" و ایضاً خطاباً للعظیم میفرماید "هذا ما قد وعدناک قبل حین الّذی اجبناک اصبر حتّی یقضی عن البیان تسعة فاذاً قل فتبارک الله احسن المبدعین"

و جمال قدم و اسم اعظم روحی لسلطنته الفداء در این مقام باین بیان ناطق قوله عزّ بهائه "در این ظهور بدع قدس رحمانی در سنه تسع در سرّ سرّ نفوس مقدسه مطهره زکیه در همان حین تکمیل شدند" و همچنین میفرماید "در سنه تسع این ظهور اعظم از مشرق اراده الهی مشرق و لائح لا ینکره الا کلّ غافل مریب"

و از کلک میثاق این کلمات محکّمات صادر قوله عزّ بیانه "سنه شصت و نه ۶۹ که در کتاب باب بسنه بعد حین تعبیر و وعد ظهور حقیقت امر و اسرار خویش نموده" و ایضاً میفرماید "فی الحقیقه در شب و روز دقیقه‌ئی از ذکر او فنور نداشت و جمیع تابعان را بانتظار طلوع او دلالت مینمود بقسمی که در تألیفات خویش بیان مینماید که من از کتاب اعظم حرفی و از آن بحر بی پایان شنیدی هستم و چون او ظاهر گردد حقیقت و اسرار و رموز و اشارات من مشهود شود و جنین این امر در مراتب وجود و صعود ترقّی نموده بمقام احسن التّقیوم فائز و بخلعت فتبارک الله احسن الخالقین مزین گردد و این قضیه در سنه شصت و نه ۶۹ که مطابق عدد سنه بعد حین است کشف نقاب کند و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السّحاب تحقّق یابد" و همچنین میفرماید "در جمیع الواح و کتب ذکر بهاء الله نمودند و بشارت بظهور بهاء الله دادند که در سنه نه ۹ هر خیری میباید در سنه نه ۹ سعادت کلّی حاصل میکنید در سنه نه ۹ بلقاء الله فائز میشوید و از این قبیل بیانات بسیار و جمال مبارک را باسم من یظهره الله ذکر فرموده‌اند"

و در مکاشفات یوحنا این آیه مدوّن و مسطور "وای دوم درگذشته است اینک وای سوّم بزودی میآید" در تفسیر این آیه این کلمات از کلک میثاق صادر "وای اولّ ظهور حضرت محمّد بن عبدالله علیه السّلام وای دوم حضرت اعلیٰ له المجد و الثّناء وای سوّم یوم عظیم است که یوم ظهور ربّ جنود و تجلّی جمال موعود است" و ایضاً در تفسیر این آیه میفرماید "و این وای سوّم روز ظهور جمال مبارک است یوم الله است و نزدیک است بیوم ظهور حضرت اعلیٰ" و همچنین شیخ اجلّ احسانی کوکب درّی صبح هدی در جواب نامه حضرت سیّد مرفوع که نیز بظهور موعود بشارت داده و از میقات آن یوم رهیب استفسار نموده چنین نگاشته "ان اطمننّ بفضل ربّک و لا تبتئس بما یعملون لا بدّ لهذا الأمر من مقرّ و لکلّ نیا مستقرّ و لا یحسن الجواب بالتّعیین فستعلمنّ نباء بعد حین و لا تسألوا عن اشیاء ان تبدلکم تسوءکم و السّلام"

در ذکر بلایای وارده در آغاز این سنه مقدسه بر جمال قدم و مظلوم عالم در آن زندان مظلّم این کلمات درّیات از سماء مشیّت نازل قوله تبارک ذکره "ما را اخذ نمودند و از نیاوران که در آن ایام مقرّ سلطنت بوده سر برهنه و پای برهنه پیاده با زنجیر بسجن طهران بردند چه که یک ظالمی سواره همراه کلاه از سر برداشت و بسرعت تمام با جمعی از میرغضبان و فرّاشان ما را بردند و چهار شهر در مقامی که شبه و مثل نداشت مقرّ معین نمودند اما سجن که محلّ مظلوم و مظلومان بوده فی الحقیقه دخمه تنگ تاریک از آن افضل بوده و چون وارد حبس شدیم بعد از ورود ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه ۳ پله سرایش گذشتیم و بمقرّی که معین نموده بودند رسیدیم اما محلّ تاریک و معاشر قریب صد و پنجاه ۱۵۰ نفس

از سارقین اموال و قاتلین نفوس و قاطعین طرق بوده مع این جمعیت محلّ منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام از وصفش عاجز و روائح منتنه‌اش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی لباس و فراش الله يعلم ما ورد علینا فی ذاک المقام الأنتن الأظلم" و ایضاً میفرماید "در ایام توقّف در سجن ارض طاء اگرچه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود ولکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلاّی رأس چیزی بر صدر میریخت بمثابّه رودخانه عظیمی که از قلّه جبل باذخ رفیعی بر ارض بریزد و بآن جهت از جمیع اعضا آثار نار ظاهر و در آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصغاء آن احدی قادر نه" و ایضاً میفرماید "چهار شهر در مقدّمه حضرت سلطان بعدایی معذب که ذکر و شرح آن از قلم و مداد برنیاید و لسان از ذکرش عاجز و قاصر است"

و در مناجاتی از قلم اعلی در ذکر این رزایا و بلایا نازل "لم ادر من ایّ بلائی اشکو البک اشکو یا الهی عن سجنی فی اشهر معلومات او عمّا ورد علیّ فیه من سلاسل الّذی کسرت عنقی من ثقلها او حدید الّذی کان علی رجلی عمّا اکسبت ایدی الأشقیاء ... او اذکر یا الهی حین الّذی اخذونی و اذهبونی من قریة الی مدینة و کان رأسی عریاناً و رجلی متحافیاً و عنقی مغولاً و یدای مشدوداً ثمّ اجتمعوا علیّ العباد و منهم عرفونی و منهم الّذین ما عرفونی و الّذین هم عرفونی فمنهم کانوا قائمون و متحرّون فی امری فمنهم کانوا ان یثمنونی و الّذین ما عرفونی رموا کلّهم نحوی ما تیسّر لهم من الحجر و الخشب کأنّهم ما شربوا خمر الانصاف و ما شمّوا روائح الائتلاف فوجمالک القدیمة و انوار وجهک البدیعة وردوا علیّ ما استحیی ان اذکره بین یدیک و القلم لن یحرک علیه و المداد لن یجری به و اللّوح لن یحمل و النّفوس لن تطیق"

و در مناجاتی دیگر میفرماید "گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخر در غلّهای محکم بستی و بدنی را که بلباس حریر و دیبا راحت بخشیدی عاقبت بر ذلّت حبس مقررّ داشتی قلّدتنی قضائک قلائد لا تحدّ و طوّقتنی اطواقاً لا تفکّ"

و در تاریخ نبیل اعظم راجع بشدائد این سجن اکبر این عبارات مدوّن و مسطور "چون بانبار رسانیدند در سیاه‌چالی که در قدیم خزینة حمّام بوده جایشان دادند و زنجیر قره‌کهر که در سنگینی معروف است بر گردن و بند گران بر پایشان نهادند و تا سه ۳ یوم مطلقاً نه اکلّی موجود و نه شربی و نه سکونی مشهود و نه نومی"

و همچنین در تاریخ خود مینگارد "در ایام حضور بارها از لسان مبارک شنیده شد که میفرمودند جمیع این نفوسی که در فتنه سنه حین بشهادت رسیدند در انبار طهران با من بودند و ماها دو دسته بودیم که روبروی یکدیگر پا در خلیلی و گردن در زنجیر بودیم من بآنها ذکری تعلیم نموده بودم که شبها بصوت بلند خوانده میشد یک دسته میگفتند هو حسبی و حسب کلّ شیء دسته دیگر در جواب میگفتند و کفی بالله حسیباً بهمین منوال در منتهای شوق و اشتعال هر شب تا نیمه‌های شب صدای ذکر مرتفع بود بحدّی که یک شب شاه در عمارت خود شنیده بود و پرسیده بود که این چه صداست گفته بودند که بایها هر شب ذکر میکنند و این صدای ذکر آنهاست ... و هر روزی میآمدند و اسمی را ذکر مینمودند که صاحب این اسم کیست هر کس که میگفت منم معلوم بود که نوبت شهادت اوست و چون پایش را از خلیلی بیرون میآوردند با من مصافحه میکرد و او را بمقام بقا و افق اعلی بشارت میدادم و خوشنود روانه میکردم و با دیگران هم میگفتم مصافحه میکرد و میرفت و بعد از شهادتش آن میرغضب که با من اظهار محبّت میکرد میآمد و تفصیل حالش را که چه نوع شهیدش کردند و مقام صبر و استقامتش بچه درجه بود ذکر مینمود هر روز بهمین منوال بود"

و اما آنچه راجع بکیفیت نزول وحی الهی و تجلّی روح اعظم بر قلب الطّف اطهر اقدس مظلوم عالم و محبوب امم است این کلمات درّیّات از مخزن قلم اعلی صادر قوله جلّ کبریا "در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمه علیا اصغا شد انا نصرک بک و بقلمک لا تحزن عمّا ورد علیک و لا تحف أنّک من الّامین سوف یبعث الله کنوز الأرض و

هم رجال ينصرونك بك و باسمك الذي به احيا الله افئدة العارفين" در این مقام در سوره هیکل این کلمات عالیات نازل "فلما رأيت نفسى على قطب البلاء سمعت الصوت الأبدع الأحملى من فوق رأسى فلما توجهت شاهدت حورية ذكر اسم ربى معلقة فى الهواء محاذى الرأس و رأيت أنها مستبشرة فى نفسها كأن طراز الرضوان يظهر من وجهها و نضرة الرحمن تعلن من خدّها و كانت تنطق بين السموات و الأرض بنداء تنجذب منه الأفئدة و العقول و تبشّر كلّ الجوارح من ظاهرى و باطنى ببشارة استبشرت بها نفسى و استفرحت منها عباد مكرمون و اشارت باصبعها الى رأسى و خاطبت من فى السموات و الأرض تالله هذا لمحجوب العالمين ولكن انتم لا تفقهون هذا لجمال الله بينكم و سلطانه فيكم ان انتم تعرفون و هذا لسر الله و كنزه و امر الله و عزّه لمن فى ملكوت الأمر و الخلق ان انتم تعقلون انّ هذا لهو الذى يشواق لقائه من فى جبروت البقاء ثمّ الذين هم استقرّوا خلف سرادق الأبهى ولكن انتم عن جماله معرضون"

و همچنین در ابیاتی که در آن ایام از مخزن قلم ابهی صادر نفس مظهر ظهور بتلویحی ابلغ از تصریح اشاره بتجلی این روح اعظم میفرماید قوله تبارک ذکره

رشح عما از جذبۀ ما میریزد

سرّ وفا از نغمۀ ما میریزد

از باد صبا مشک ختا گشته پدید

این نفعه خوش از جعدۀ ما میریزد

بحر خفا از موج لقا کرده ظهور

وین طرفه عطا از جذبۀ ها میریزد

نقرۀ ناقوری جذبۀ لاهوتی

این هر دو ز یک نفعه از جوّ سما میریزد

دور انا هو از چهرۀ ما کرده ظهور

کور هو هو از طفحۀ ما میریزد

یوم خدا از جلوه ربّ شد کامل

این نغز حدیث از غنۀ طاء میریزد

کوثر حقّ از حقّۀ دل گشته هویدا

وین ساغر شهد از لعل بهاء میریزد

آهنگ عراقی بین دفّ نوائی بین

کفّ الهی بین کز مشرق ها میریزد

طفح بهائی بین رشح عمائی بین

کاین جمله ز یک نغمه از لحن خدا میریزد

نخله طوبی بین رنۀ ورقا بین

غنۀ ابهی بین کز لمع صفا میریزد

طلعت لاهوتی بین حوری هاهوتی بین

جلوه ناسوتی بین کز ساحت ها میریزد

نبیل اعظم شیفته و دلدادۀ جمال قدم و مدّاح آن محیی روم در قصیده‌ئی از قصائد خویش در ذکر سنۀ تسع چنین

سروده

آن نبأ را که کاظم مسعود
گشت سائل ز احمد محمود
احمدش گفت کآن رخ باهر
نبأش بعد حین شود ظاهر
سنۀ حین شد مه و ماهی
کرد با عاشقانش همراهی
ماند با عاشقانش از افضال
چهار مه در سلاسل و اغلال
تا که حین رفت و بعد حین آمد
سنۀ تسع والهین آمد
تسع موعود را که ربّ بیان
کرد وصفش چو آفتاب عیان
گفت آن شاهباز عرشی سیر
کاندر او تدرکون کلّ الخیر
شاه ابھی برون شد از زندان
جمله آفاق شد چون گل خندان
عطری از طره‌اش پدید آمد
کآسمان و زمین جدید آمد
و همچنین در وصف عید نوروز آن سنۀ مقدّسه این ایات در آن تاریخ مدوّن و مسطور
مبارک عید نوروزی که عالم زو جدید آمد
که در وی بر همه امکان بخوشنودی نوید آمد
که یاران جام جان نوشید قمیص نور درپوشید
برضوان لقا کوشید که یار ناپدید آمد
جمال الله ظاهر شد ظهور تسع باهر شد
جهان از شرک طاهر شد که سلطان فرید آمد
شهنشاه انام آمد ولی نامش غلام آمد
شب هجران تمام آمد لنا البشری که عید آمد
برون شد یوسف از زندان جهان شد همچو گل خندان
مبارک کنز مخفی را ز عرش الله کلید آمد
زمان پر روح و ریحان شد زمین پر از دل و جان شد
که چشم و قلب وی روشن ز ذی العرش المجید آمد

وزید آن نسمة باقی ز باغ وصل خلاقی

بسر شد لیل نومیدی الا صبح امید آمد

و همچنین عندلیب گلشن بهاء در قصیده‌ئی از قصائد خویش در نعت و ثنای جمال ابهی باین نغمه مترنم

ساقی بده جامی دگر صهبای گلفامی دگر

کاینک دلارامی دگر آمد چه زیبا آمده

از نقطه بعد از نه ۹ سنه با سطوت و با هیمنه

با صد هزاران بیته از کشور طاء آمده

ذرات امکان در ندا کز مشرق قدس لقا

نور احد شمس بهاء با صد تجلاً آمده

عقل نخستین مات او روح القدس مرآت او

و از نفعه آیات او جان در مسیحا آمده

با یک جهان مجد و شرف با عالمی شور و شعف

خود با نبیین سلف آن فرد یکتا آمده

شمس بقا طالع شده صبح لقا طالع شده

یوم خدا طالع شده ربّ البرایا آمده

وجه لمیع کبریا غیب منیع لایری

با نغمه انظر تری بر ارض غیرا آمده

غیب بقا شد جلوه گر سرّ عما شد پرده در

و آن غائب از هر ذی بصر بی پرده پیدا آمده

و همچنین ورقای ایکه وفا بلبل خوش سخن و طوطی شکرشکن در وصف و مدح سنه مقدسه تسع باین نغمه احلی

مترنم

چو گشت میقات تسع بامر حقّ منتهی

ز ذلت امر یافت اله خلق آگهی

چو لجه آمد بجوش غیرت ربّ البهی

نشست سلطان امر بعرش شاهنشهی

بدست حقّ برفکند ز وجه ابهی نقاب

گشت ز شعشاع وجه کون و مکان بحر نور

بزد سرافیل روح بامر حقّ نفخ صور

حشر من فی الوجود بعثر من فی القبور

نشر ما فی الصحف حُصل ما فی الصدور

نزل ما فی السماء برز ما فی التراب

بعرش شد مستوی من هو یحیی العظام

بصور اعلیٰ قلم دمید روح القیام
برآمد از انصعاق قلوب موتی تمام
مهلاً ناطقاً بحمد ربّ الأنام
مسبحاً ناظراً بمن الیه اناب

ز خرمن جود وی بهر کران خوشه‌چین
گروهی از انبیا قبیلی از مرسلین
بحقّ کمین خادمش فدای روح الامین
چو ذره در ساختش شمس حقّ الیقین
دیوک عرشی برش حقیرتر از ذباب

از قلمش منهمر بحر بیان موج موج
جنود الهام و وحی در کنفش فوج فوج
اهل حضائض ز وجد پریده بر اوج اوج
بسوی او دوان منجذبین زوج زوج
ز شوق پراضطرام ز وجد پرانجذاب

چو سدرهٔ هیکلش بحبّ شرربار شد
عشق وی جهان پر از نار شد
چو آذرین طلعتش بجلوه نوار شد
ز نوپهار جمال زمانه گلزار شد
فتاد اندر قلوب ز نار عشق التهاب

شد دل هر قطره‌ئی ز وجد او بحر حبور
ز وجه هر ذره‌ئی تافت شمس سرور
لجّهٔ ظلمت بدل گشت بدریای نور
شد ز قری و مدن پدید شور و نشور
روان قوم کفور فتاد در پیچ و تاب

مهیمنا مالکا بذات سبحانیت
بمظهر اسم ربّ که شد بجان فانیت
بمشرق شمس عهد بغصن قدمانیت
بفرع قدس رفیع بیدر نورانیت
که خلق داده نجات ز ظلمت احتجاب

یا اصحاب الوفاء و الرّاکبین فی السّفینة الحمرآء ملاحظه نمائید که حلول این سنه مبارکه مقدّسه که فاتحه عهد بهیّ الأنوار ثانی نخستین عصر دور اوّل کور مقدّس است و از قلم اعلی و کلک نقطه اولی و یراعه غصن اعظم سدره منتهی بچنین اوصاف عالیه‌ئی موصوف و در کتب انبیا و اولیا و رساله نجم بازغ افق هدی و قصائد و مدائح پیروان آئین اعزّ اسنی بچنین نعوتی منعوت با چه مصائب و نوائبی مصادف و مقارن گشته در آغاز این سنه مقدّسه سیل بلا من کلّ الجهات در مهد امر الله منهمر و باران محن و رزایا از سحاب قضا نازل و هاطل جامعه جدید التّاسیس در معرض مخاطرات عظیمه گوناگون واقع و طوفان امتحان و افتتان در اشدّ هیجان و نار غضب شاهانه و بغض و عداوت مأمورین دولت از وزرا و وکلا و علمای سوء و ملّت غافل و جاهل در اشتعال و فوران حلول این سنه در ایّامی واقع که شارع قدیر امر بدیع خود شهید و نجوم درهره آسمان بیان آفل و فحول اصحاب و بعضی از حروفات یبائیّه و کتاب وحی و خال اعظم آن سید امم مقتول و جمعی دیگر اسیر و مسجون بشهادت مرکز عهد الهی در یک سنه از آن سنوات پر محنت و انقلاب "بیش از چهارهزار ۴۰۰۰ نفر کشته و جمّ غفیری اطفال و نساء بی کس و پرستار پریشان و سرگشته پامال شده تلف گشتند" شخص معلوم که خود را پیشوای حزب مظلوم می‌پنداشت مرعوب و بلباس تبدیل در جبال مازندران متواری بعضی از رؤسای بیان خودسرانه و جسورانه مدّعی مقامات عالیّه و برخی در کمال ذلّت و مسکنت سرگردان و پریشان و نالان

در عراق عرب بفرموده جمال قدم "حرفی از امر الله مذکور نبود و قلبی مشهود نه" و در مهد آئین نازنین بشهادت نبیل اعظم که در آن ایّام در آن دیار سیّار بود "سراج امر خاموش و ارباب دواعی در جوش و خروش" ارکان منهدم نور الهی مقنوع و مغطو و جمال لایزالی یگانه ناصر امر ربّ قدیر در اعماق آن زندان اظلم اسیر غلّ و زنجیر مطابقاً لما اخبر به الرّسول و رواه الشّیخ ابن العربیّ فی کتابه "و یقتلون کلّهم الاّ واحد منهم ینزل فی مرج عکّاء فی المادّیه الالهیّة الّتی جعلها الله مائدة للسّباع و الطیور و الهوامّ" و این شهادت را نیز ناظر امور خارجه ایران میرزا سعید خان در نامه خویش خطاب بسفیر دولت علیّه در مدینه کبیره داده و این عبارت را نگاشته و اطمینان داده "بعد از اهتمامات بلیغه که در قلع و قمع فرقه ضالّه خبیثه بابیه از جانب دولت علیّه بان تفصیل که آن جناب میدانید بتقدیم رسید الحمد لله ریشه آنها بتوجّهات خاطر همایون سرکار اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه جمجاه دین‌پناه روحنا فداه کنده شد"

حال ملاحظه نمائید با وجود این لطمات شدید که بر هیکل امر الهی در سنین اوّلیه وارد گشته و این زویعه عظمی که قندیل الهی را بمجرّد اشتعالش احاطه نموده و این زلزله کبری که ارکان آئین جدید التّاسیس الهی را در بدو نشأه‌اش مرتعش ساخته بمرور ایّام و در طیّ سنین و اعوام چه آتاری از جلوه هیکل زیبای امر الهی و چه تأثیراتی از التهاب و اشتعال این نار موقده صمدانی و چه نتایجی از ارتفاع این بنیان الهی در آفاق و انفس ظاهر و پدیدار گشته و حال در این دو سنه اخیر که پایان این قرن پرانوار سرمدیّ الآثار است ملاحظه نمائید که جند الله و راکبین سفینه الله و ثابتین بر عهد الله و مروّجین شریعت الله و ناشرین نفعات الله و حامیان دین الله و مؤسّسین نظم بهاءالله روحی لقیامهم الفداء چه قیامی نموده‌اند و بچه فتح و ظفری در اقطار جهان نائل گشته‌اند قیام و ظفری که فی الحقیقه مسک الختام این قرن جلیل است یاران جمال ابهی حبّاً و وفاءً لمولاهم و خالصاً لوجهه و منقطعاً عن دونه و ابرازاً لقدرتّه و اشتهاراً لدینه بیاد این بلایا و رزایا که در نخستین عصر دور اوّل کور مقدّس بر مؤسّسین آئین یزدان باریده و پیاس مواهب الهیّه و تأییدات متتابعه که در مدّت صد ۱۰۰ سال بل ازید شامل جامعه اهل بهاء گشته و بشکرانه حفظ و صیانت الهیّه که از بدو ظهور امر الهی الی یومنا هذا در قطعات خمسّه عالم با وجود انقلابات شدید و اختلافات متزایده و محاربات متتابعه بین ملل و امم نصیب بندگان اسم اعظم گشته و تمهیداً لجهادهم الکبیر الاکبر قیامی عاشقانه نموده و سمنند همّت را در میادین خدمت چنان جولانی داده که ندای واطوبی واطوبی از سگان رفیق ابهی مرتفع و هتاف احسنتم احسنتم یا اهل البهّاء و اصحاب الوفاء از ذروه علیا متتابع و متواصل فاتحه این قرن اعزّ اتّم و

میلاد این سرّ منمنم مصادف با بلاء ادهم و ظلمات مدلهّم و ختامش مقارن با فتح و ظفر اعظم در سراسر عالم چنانچه در بدایت این اوراق ذکر شد یاران الهی بدالالت و اعانت امنای امر اللّه و بر وفق نقشه‌های مختلفه متعدده که در مهد امر اللّه و در ایالات متّحده امریک و جزائر بریطانیا و جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا و اقلیم کندا و هندوستان و برما و پاکستان و عراق و استرالیا و آلمان و مصر و سودان طرح گردیده عدّه ممالک و بلدان که بنیروی اسم اعظم مستخر گشته به یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ رساندند و تأیید الهی بحدّی شامل و قوّه امر بدرجه‌ئی نافذ گشت که در مدّت یک سنه هیجده ۱۸ مملکت در ظلّ امر اللّه محشور گشت

بتأییدات الهیه و اعانه محافل مقدّسه روحانیّه و همّت مجاهدین و مجاهدات و مهاجرین و مهاجرات بممالک غربیه و شرقیه و اقطار جنوبیه و شمالیه مجموع مراکز امریه در جزیره العرب از ده ۱۰ و در قطر مصر و سودان از سی ۳۰ و در ممالک اروپ که بهمتّ یاران امریک در این سنین اخیره در ظلّ امر اللّه درآمده از چهل ۴۰ و در جزائر بریطانیا از پنجاه ۵۰ و در قاره استرالیا و جزیره نیوزیلند و تسمانیا از شصت ۶۰ و در مملکت نمسه و آلمان از هفتاد ۷۰ و در اقلیم کندا از نود ۹۰ و در خطّه هندوستان و برما و پاکستان نیز از نود ۹۰ و در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا از صد ۱۰۰ و در مهد امر اللّه از ششصد ۶۰۰ و در ایالات متّحده امریک از هزار و دویست ۱۲۰۰ تجاوز نمود و عدّه مراکز امریه در کره ارض من اقصاها الی اقصاها به دوهزار و پانصد ۲۵۰۰ بالغ گشت و مستظّلین در ظلّ شجره طوبی و مقتبسین از نور هدی و متمسکین بعروه وثقی در این ممالک و بلدان بعضی از جنس ایض و بعضی از جنس اسود و برخی از جنس اصفر و قلبلی از جنس احمر و اسمر کلّ در ظلّ سرابده یگانگی مجتمع و از یک مصدر مستفیض و بحبل المتین یک نظم متمسک و اصول و احکام یک شرع را مروّج و از فیوضات یک آئین مستنیر و مستمد نشریات امریه که در مدّت صد ۱۰۰ سال به چهل و یک ۴۱ لغت از لغات شرقیه و غربیه ترجمه و طبع و منتشر گشته بود در این سنین تسعه اخیره بر اثر همم عالیّه متزایده ناصران امر حضرت ربّ البریه به سی و دو ۳۲ لغت دیگر ترجمه و طبع و منتشر گشت و به پانزده ۱۵ لغت دیگر ترجمه این آثار بهیه مباشرت گردید نطق امر اللّه بحدّی وسعت یافت که در ختام این قرن نمایندگان از سی ۳۰ نژاد از نژادهای مختلفه عالم و از بیست و سه ۲۳ قبیله از قبائل متعدده منتشره در قاره افریقا در ظلّ سراق جمال ابهی وارد و از انوار ساطعه امر مقدّسش مستمد گشتند

در ارض اقدس لانه و آشیانه انبیا قلب العالم و قبله الأمم مرکز عظیم الشان روحانی و اداری پیروان جمال قدم و اسم اعظم در سراسر عالم مقدمات تشیید قبه رفیعہ بدیعہ ذبیّه مقام بهیّ الأنوار رفیع البناء سرمدی الآثار مبشر موعود امم و تأسیس مرکز اداری جهانی امر محیی رمم فراهم ایادی امر اللّه که بر حسب وصایای محکمه متقنه مرکز عهد جمال قدم بصیانت امر اللّه و ترویج کلمه اللّه که اعظم وظائف آن عصبه نورانیّه است مأمور و مکلفند در قارات خمره و از بین یاران فرقانی و مسیحی و کلیمی بعدد واحد معین و چهار نفر از این نفوس مشخصه معینه در ارض اقدس متعهد خدمات خاصه و بر ترویج و استحکام مشروعات مهمّه جدید التّاسیس این ارض قائم هیئت بین‌المللی بهائی که مقدمه تأسیس محکمه علیا در ارض میعاد و منتهی بانتخاب اعظم هیئت تشریحیه عالم بهائی و تأسیس دیوان عدل الهی خواهد گشت تکمیل و وظائف اعضایش و هیئت عامله‌اش کاملاً تعیین گردید

باب زیارت مقامات مقدّسه که در مدّت ده سال بر اثر انقلابات خارجه و داخله مسدود بود بر وجه یاران شرق و غرب مفتوح گردید و بر جلوه و عظمت این مقامات در انظار اولیای امور در مرکز بیفزود

مقام ربّ اعلی و نقطه اولی روحی لمظلومیّه الفداء که جمال قدم و مظلوم عالم در اواخر ایام اقامتش در سجن اعظم تأسیس فرموده و قدس الأقداسش را غصن اعظمش در بحبوجه انقلابات ناقضین و مفتشین بید قدرتش تشیید فرموده و وسائل انتقال عرش مطهر را از ارض طاء بارض میعاد فراهم ساخته و در نوروز سنه ۱۹۰۹ از میلاد حضرت روح بدست مبارکش رمس

مطهر را در تابوت مرمر در قلب آن بنیان مقدّس استقرار داده و پس از انقضای چهل سال در نوروز ۱۹۴۹ بنای رواق آن مقام مقدّس بر وفق میل و اراده غصن اعظم بهاء مباشرت گردیده و دو سال بعد از آن نیز مقارن عید سعید نوروز در سنه ۱۹۵۱ مقدمات نصب ارکان هشت گانه قبه رفیع‌اش در داخل آن مقام فراهم گشته در این دو سنه اخیره بتأییدات ملکوت ابهی بکمال سرعت وضع اساس این قبه در خارج آن مقام انجام و اتمام یافت و طبقه ثانیه‌اش مرتفع شد و مناره‌های بدیع رفیع هشت گانه آن مقام منبع که تاج ثانی آن بنای افخم است منصوب گشت و متعاقب آن طبقه ثالث دارای نوافذ متعدده مطابق عدد حروفات بیانیّه که ارکان شریعت بدیعه و وسائط فیض نقطه ازلیّه بوده بنا گردید و احجار اولیّه قبه ذهیبه که تاج ثالث آن مقام است منصوب گشت و دوازده هزار ۱۲۰۰۰ قطعه از قطعه‌های مذهب جهت نصب آن قبه رفیع که مساحتش به دوپست و پنجاه ۲۵۰ متر مربع بالغ در مدینه اوترخت در کشور هلند سفارش گردید و امید و طید چنانست که در ایام رضوان که جشن اعظم این سنه مقدّسه است وسائل نصب آن فراهم گردد و بتأییدات متتابعه جمال رحمن در پایان این سنه این مشروع عظیم و خطیر اتمام و انجام پذیرد و نیز در ارض اقدس در این دو سنه اخیره نقشه بدیعه اولین معبد جبل کرم که در جوار این مقام مقدّس من بعد تأسیس خواهد گشت ترسیم و حاضر و مهیا گشت و عنقریب به امریک ارسال خواهد شد تا بنظر نفوس مجتمعه در مؤتمر ثانی تاریخی مجلّل این سنه مقدّسه برسد و بر سرور و ابتهاج و حور محتفلین و مشترکین در آن جشن اکبر بیفزاید اراضی مجاوره موقوفه مقام مقدّس نقطه اولی در نتیجه ابتیاع بیست و یک ۲۱ قطعه که متعلّق بنفوس مغرضه از معاندین بوده و مساحتش متجاوز از بیست و پنج هزار ۲۵۰۰۰ متر مربع اتساعی سریع یافت و بوسائل غیبیه مقدمات ابتیاع قطعاتی دیگر که مشرف بر آن مقام است و مدّت سی ۳۰ سال است که یاران الهی طالب و شائق تملک آن بوده و مساحتش متجاوز از بیست هزار ۲۰۰۰۰ متر مربع است فراهم گشت و ایضاً در جوار قبله اهل بهاء محطّ رحال ملاً اعلی اجلالاً و تکریماً لهذا المقام الکریم و المقرّ الأقدس الأطهر الأعزّ العظیم در این سنه مقدّسه که صدمین سال بعثت آن موعود امم و محیی رمم است پس از خذلان ناقضین حسود و جحود و در نتیجه مغلوبیت و هزیمت دشمنان دیرین امر حضرت ربّ العالمین که مدّت شصت سال با ناقضین پرکین عهد جمال مبین مرتبط و در طوفان مفتشین معین و مؤید و مهماندار اعدای امر الله و در سنین عدیده بنوین و تحقیر آن مقام مقدّس مشغول و تعدی بر اراضی مجاوره آن مقرّ اطهر نموده اراضی وسیعه وقف آن روضه مقدّسه گشت و مساحت موقوفات امریه در مرج عکا که منحصر به چهار هزار ۴۰۰۰ متر مربع بود به یکصد و پنجاه و نه هزار ۱۵۹۰۰۰ متر مربع بالغ گشت و در قلب این اراضی موقوفه پس از انقضای شصت سال از صعود جمال احدیه در قطعه‌ئی که مساحتش به سیزده هزار ۱۳۰۰۰ متر مربع بالغ و در شمال و غرب آن مقرّ اطهر واقع بتأیید من الله حرم اقدس بنحو اکمل و اجمل تأسیس گشت و شبهه‌ئی نبوده و نیست که این بقعه نورا و حدیقه غالباً و روضه غنا که مقدمه تشیید ضریح اقدس اطهر امنع ارفع ابهی در سنین آتیه است در نتیجه تسطیح و تنسیق و تزین و امتداد شوارع تسعه و نصب ابواب خمسه و مصابیح مزیئه متألّثه قطعه‌ئی از فردوس اعظم و زیارتگاه ملل و امم و نزهتگاه عموم از اجناس و طبقات و مذاهب مختلفه در این دیار و اقالیم مجاوره گردد

فئه ضالّه ناقضین و ناکصین پرکین بر اثر قضیه غصب مفتاح روضه مبارکه و تخلیه قصر مشید جمال احدیه و در نتیجه ابتیاع اراضی وسیعه و تأسیس موقوفات امریه در جوار مقامات مقدّسه و اسقاط حقوقشان در محکمه مدیّه و انقراض و انعدام رؤسا و زعما و اعوان و متعلّقان‌شان و علی رأسهم زعیم ثانی و خلیفه ناقص اکبر و ابن سید متمرّد بمصیبات و بلیات و نکبات گوناگون در این سنین اخیره معذب و از ظهور و بروز آثار غضب و سخط الهی حیران و پریشان

در قاره امریک مشروع بنای معبد رفیع البناء ابدی الآثار پیروان جمال مختار امّ المعابد غرب و رمز مدنیت الهیه که حجر زاویه‌اش را ید قدرت غصن اعظم ابهی نهاده و مصارفش از دو میلیون و نیم دلار متجاوز بهمت یاران غیور و علمداران حزب

مظلوم در آن خطّه پرنور پس از پنجاه سال انتظار انجام یافت و اتمام تزینات داخله‌اش و تنسيق حدائق نه‌گانه‌اش بر شکوه و جلال و ابّهت آن معبد افخم بیفزود و مقدمات افتتاح رسمی آن معبد جلیل که آیتی از آیات جشن مئوی در آن سامان است بأحسنها و اکملها فراهم گردید

قیمت موقوفات امریّه در آن خطّه مبارکه که بفرموده مرکز عهد الهی "میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار" از سه ۳ میلیون دلار و تعداد مراکز امریّه در کافّه ایالات متّحده از هزار و دویست ۱۲۰۰ و عدّه ایالات که معترف برسمیّت و مستعدّ تسجیل عقدنامه بھائی گشته از بیست ۲۰ متجاوز در شمال آن قاره مبارکه در اقلیم کندا که بفرموده حضرت عبدالبهّاء "مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل" امر الهی یوماً فیوماً در ارتفاع و یاران جانفشان باستحکام مؤسّسات امریّه مشغول و بابتیاع بنائی بمبلغ چهل و نه هزار ۴۹۰۰۰ دلار جهت تأسیس حظیره‌القدس و محفظه آثار ملی بھائی در مدینه تورتو که از مدن مهمّه آن اقلیم محسوب است مؤید و مفتخر

نار موقده در اثر تأکیدات مرکز میثاق جمال قدم در جزیره فسیحه نائیه گرین‌لند مشتعل و سراج امر بهمت مهاجرین فی سبیل الله در جزیره نیوفاندلند روشن و علم الهی در قرب مدار قطب شمال موج و قلوب از سطوع انوار تأیید در آن اقطار شمالیه قرین سرور و فرح و ابتهاج و همچنین در جمهوریات مرکزی و جنوبی امریک بهمت یاران و اماء الرحمن جدید الاقبال در مراکز مختلفه متزایده آن اقلیم دو رکن رکن دیوان عدل الهی منصوب و اساس نظم بدیع در آن دیار بدرجهئی مستحکم که در عواصم اکثر این جمهوریات هیئت منتخبه در جامعه بھائی رسمیت یافته و محافل روحانیّه در دوائر دولتی مسجّل و مساحت کافّه اراضی موقوفه در آن صفحات که یکی از آن اخیراً به کریلا و دیگری به رضوان بین‌النهرین موسوم گشته از چهارصد و پنجاه هزار ۴۵۰۰۰۰ متر مربع تجاوز نموده

در قاره پر شور و آشوب اورپ بتأییدات حضرت ربّ البریه و بهمت مؤسّسین ارکان مدنیّت الهیه و واضعان نقشه ثانی هفت‌ساله دو مؤتمر مجلّل بین‌المللی بھائی یکی در عاصمه مملکت لوکسمبورگ و دیگری در اقلیم هلند منعقد و در نتیجه مذاکرات و مشاورات در ترویج امر خطیر تبلیغ و اتّساع دائره نشریات امریّه روابط روحانیّه بین مراکز جدید التّاسیس در ده ۱۰ مملکت از ممالک مستقلّه که در سنین سبعة اخیره در ظلّ امر الهی مستظّل گشته ایجاد گردید و اساس نظم بدیع مستحکم گشت و رونق مؤسّسات بدیعه ازدیاد یافت

در مدینه مدیر اوّلین مؤتمر بھائی مرکّب از نمایندگان پیروان جمال اقدس ابھی که در دو مملکت پرتقال و اسپانیا بترویج امر اعزّ اسنی مألوف و مشغولند منعقد و در مدینه بروکسل یاران جمال رحمن که در اقلیم ثلاثه هلند و لوکسمبورگ و بلجیک ساکن و مقیمند متفقاً بتشکیل نخستین مؤتمر بھائی مؤید و در عاصمه ایتالیا مرکز حبر اعظم مروّجان و حامیان امر جمال قدم بتأسیس اوّلین مؤتمر بھائی مرکّب از نمایندگان مراکز امریّه در آن اقلیم موفق و در مملکت سویس در قلب آن قاره پر محنت و بلا طلیعه جند هدی و متمسکین بعروه وثقی بانعقاد مؤتمر ثالث و رابع تابعان امر بهاء یکی در عاصمه آن مملکت و دیگری در مدینه بازل مفتخر

و اخیراً یاران عزیز در دو کشور سویس و ایتالیا بکمال اتّحاد و اتّفاق بعزمی راسخ و همّتی بلیغ بتهیه مقدمات اوّلین انجمن شور روحانی در مدینه فلورانس و تشکیل اوّلین محفل مرکزی روحانی و نصب رکن ثانی عشر بیت عدل اعظم الهی در ایام رضوان در این سنه مقدّسه مشغول و مألوف

در قلب قاره افریک نار موقده مشتعل و نمایندگان قبائل و عشائر بافق اعلی متوجّه و بحبل المتین آئین نازنینش متمسک در بیست و پنج ۲۵ اقلیم از اقالیم تابعه در آن خطّه وسیعه علم هدی مرتفع و عدّه مؤمنین و مؤمنات که در یک سنه اقبال بامر ربّ متعال نموده و بعضی اصلاً مسیحی و بعضی فرقانی و بعضی وثنی از دویست و پنجاه ۲۵۰ متجاوز و عدّه لغات متداوله در

آن قاره که آثار امریه بان ترجمه و طبع گشته به دوازده ۱۲ بالغ و در مدینه کمپالا عاصمه اقلیم یوگندا و در مدینه دارالسلام در اقلیم تنگانیکا و در مراکز اخری مهاجرین فی سبیل الله بوضع اساس نظم بدیع جهان آرای جمال ابهی و تشکیل اولین محفل روحانی موفق و مفتخر و در عاصمه اقلیم یوگندا بهمت یاران جانفشان بنائی جهت تأسیس حظیره القدس بمبلغ هفده هزار ۱۷۰۰۰ دلار ابتیاع گشته و متجاوز از ده ۱۰ مرکز در این دو اقلیم و اقلیم لیبیا و کینیا و لیبیریا و اقلیم دیگر که در سواحل شمالیه و غربیه و شرقیه آن قاره واقع مهیا و مستعد تشکیل محفل روحانی در ایام سعید رضوانند و محافل مرکزی در جزائر بریتانیا و قاره امریکا و ایران و هندوستان و برما و پاکستان و مصر و سودان که در این مضممار مجاهد و مساعد یکدیگرند بتمام قوی ساعی که نار موقده یوماً فیوماً مشتعل تر گردد و نعره قبائل از دور و نزدیک بلند شود و مصداق یدخلون فی دین الله افواجاً در ممالک مستقله و اقالیم تابعه و جزائر مجاوره آن قاره وسیعه مستعده ظاهر و نمایان گردد

و همچنین در دو قاره آسیا و استرالیا جنود مجنده امر بهاء بفتوحات و انتصارات عظیمه در این دو سنه اخیره مفتخر و نائل بر وفق نقشه جدیده یاران جانفشان هندوستان و برما و پاکستان پرچم امر الهی در جزیره سیلان مواج و در عواصم اقالیم مجاوره بهمت مهاجرین و مهاجرات مراکز امریه در مجمع الجزائر ایندونیزیا و دو اقلیم سروک و سیام و شبه جزیره ملیا و اقالیم تابعه نپال و هندوچین بعضی در شرف تأسیس و بعضی در تزیاد اراضی وسیعه جهت تقویت و توسعه مدرسه جدید التأسیس پنجگانی که مساحتش از صد هزار ۱۰۰۰۰۰ متر مربع متجاوز ابتیاع گردید و محفل روحانی جدید التأسیس در مدینه معروفه سینغاپور رسماً تسجیل گشت

و بهمت یاران قاره استرالیا انوار ساطعه این امر بر جزائر بعیده کله دنیا در جنوب محیط اعظم پرتو افکند و مساحت اراضی موقوفه در آن قاره و جزیره مجاوره نیوزیلند از یکصد و پنجاه هزار ۱۵۰۰۰۰ متر مربع تجاوز نمود در مملکت ترکیه پس از مدتی رکود در جریان امور امریه محفل روحانی در عاصمه آن مملکت و نقاط اخری تأسیس گشت و در مدینه کبیره قطعاتی از ارض متبرکه مشرفه بقدم مولی الأنام که قیمتش از دوازده هزار ۱۲۰۰۰ دلار متجاوز ابتیاع گردید و مقدمات تملک اراضی دیگر که موطن اقدام مبارک در ارض سر بوده فراهم گشت و نیز اخیراً یمن بعنایت حضرت ذو المنن و همت هموطنان اسم اعظم و دو جزیره فرموزه و کره بواسطه یاران الهی در چین و امریک در ظل امر الهی وارد و از اشراق و لمعان نور هدی مستفیض و مستنیر گشت

یا معشر المحیین این بود شمهئی از انتشار سریع محیر العقول انوار این مصباح که در مشکوه ارض طاء صد سال قبل در بحبوحه طوفان بلا برافروخت و در زوراء از خلف حجبات خارج گشت و در بلور ارض سر متألئ و مشتعل گردید و از افق حصن عکا و قبله اهل بهاء سطوع بر آفاق غریبه نمود و در نتیجه استقرار نظم بدیع الهی شعشات انوارش پس از انقضای یک قرن از مرکز جهانی عالم بهائی بر کره ارض از اقصی شمال باقصی جنوب عالم و از شرق اقصی بغرب اقصی پرتو افکند اگر اندکی تأمل و تفرس نمائیم ملاحظه میگردد که این آثار که در اواخر این قرن پرانوار ظاهر و پدیدار گشته کل فی الحقیقه مقدمهئی بوده جهت انعقاد کنفرانسهای تاریخی چهارگانه بین القارات که اهل بهاء در پایان این قرن پیاس مواهب و فیوضات صدساله امر جمال ابهی و اجلالاً و تکریماً لأمروه و اثباتاً لقدرتیه در این سال فرخنده فال که جشن اکبر اهل بهاست در چهار قاره از قارات عالم منعقد مینمایند و این انجمنهای اربعه که در تاریخ امر الله بی سابقه است هر یک مقدمه جهاد کبیر اکبر است جهادی که فارسان جیش عومرم بهاء در مدت ده ۱۰ سال بتأیید من الملای الاعلی و بمعاونت ایدای امر الله و ناشرین نفحات الله و حامیان شریعت الله در جمیع اقطار و اشطار در آن مشارکت و معاضدت خواهند نمود و این جهاد جهانی روحانی نیز بنفسه مقدمه تأسیس و استحکام نظم بدیع الهی و اقامه ارکان دیوان عدل الهی در جمیع ممالک و بلدان

عالم است که انشاءالله تعالی عموم من فی البهَاء در عهد آتیة عصر تکوین و در طی قرن ثانی بهائی بآن کاملاً موفّق و مفتخر خواهند گشت

مؤتمر اول بتأیید من الله و توفیق من لدنه در قلب قارهٔ افریک در اواسط شهر شباط در این سنهٔ مقدّسه در مدینهٔ کمپالا تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان بریطانیا منعقد گردید و نمایندگان محافل مرکزی ایالات متّحده و ایران و بریطانیا و مصر و هندوستان رسماً شرکت نمودند و جمعی از ایادی امرالله و بیش از سی ۳۰ نفر از مهاجرین و مهاجرات و نمایندگان از نوزده ۱۹ مملکت و سی و دو ۳۲ نژاد و متجاوز از دویست و بیست ۲۲۰ نفر از یاران و اماء الرّحمن در آن انجمن مجتمع و مشترکین اکثر از یاران جدید الاقبال از جنس اسود و حضّار کلّ از زیارت شمایل مبارک نقطهٔ اولی و تلاوت آیات کتاب قیوم الاسماء و مشاهدهٔ صور متحرّکهٔ مقامات مقدّسهٔ علیا در ارض اقدس مستبشر و مذاکرات و مشاورات کلّ حصر در نشر نفحات الله و رفع لواء دین الله در اقالیم باقیه و جزائر مجاورهٔ واقعهٔ در شرق و غرب آن قارهٔ وسیعه

مؤتمر ثانی انعقادش در قارهٔ امریک در جوار امّ المعابد غرب در ایام رضوان تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده مجریان فرمان تبلیغی مرکز عهد و پیمان حضرت یزدان و مرکّب اولاً از نمایندگان آن محفل مجلّل و محفل مرکزی بهائیان در اقلیم کندا که در تنفیذ این فرمان شریک و سهیمند و همچنین نمایندگان دو محفل مرکزی بهائیان امریکای مرکزی و جنوبی که معین و مساعد در اجرای آن فرمانند و ثانیاً از نمایندگان یاران و اماء الرّحمن در هر یک از ایالات متّحده و ولایات اقلیم کندا و جمهوریات مرکزی و جنوبی قارهٔ امریکا و هدفش مشاوره در تهیهٔ وسائل جهت تأسیس امرالله در اقالیم باقیه و جزائر مجاوره در دو محیط اطلس و اعظم

مؤتمر ثالث انعقادش در ایام تابستان در قارهٔ اروپ در عاصمهٔ اسوج تحت اشراف لجنهٔ تبلیغی قارهٔ اروپ که از لجنه‌های ملی محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده محسوب است و مرکّب اولاً از نمایندگان محافل مرکزی بهائیان در ایالات متّحده و جزائر بریطانیا و آلمان و ثانیاً از نمایندگان ممالک اسوج و نروج و بلجیک و هلند و لکسمبورگ و سویس و ایتالیا و پرتقال و اسپانیا و انگلستان و ویلز و اسکوتلند و جزیرهٔ ایرلند و ممالک آلمان و فرانسه و فنلند و نمسه و هدفش مذاکره در ایجاد وسائل جهت تأسیس امر الهی در ممالک باقیهٔ مستقلهٔ آن قارهٔ و جزائر مجاوره در بحر متوسط و اوقیانوس اطلس و بحر شمال

مؤتمر رابع انعقادش در فصل خریف در قارهٔ آسیا در عاصمهٔ هندوستان تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان هندوستان و برما و پاکستان و مرکّب اولاً از نمایندگان محافل مرکزی بهائیان ایران و هندوستان و برما و پاکستان و عراق و استرالیا و ایالات متّحده و کندا و جمهوریات مرکزی و جنوبی قارهٔ امریکا و ثانیاً از نمایندگان بهائیان در ممالک مستقلهٔ و اقالیم تابعه در قارهٔ آسیا و قارهٔ امریکا و قارهٔ استرالیا و جزیرهٔ نیوزیلند و تسمانیا و هدفش تمهید وسائل جهت رفع لواء امرالله در ممالک مستقلهٔ و اقالیم تابعه در قارهٔ آسیا و جزائر متعدّدهٔ واقعه در اوقیانوس هند و محیط اعظم

یا احبّاء البهَاء و مظاهر قدرته بین خلقه انعقاد این انجمنهای اربعه چنانچه از قبل ذکر شد تمهیدات اولیهٔ جهت افتتاح جهاد کبیر اکبر است که بمنظور اجرای وصایای مرکز عهد الله و تنفیذ فرمان تبلیغی مبین آیات الله مستظّلین در ظلّ شریعت الله کل کثلهٔ واحدهٔ در اواخر عقد اول و عقد ثانی دومین قرن کور مقدّس قیام بر آن خواهند نمود آغاز این جهاد جهانی روحانی مقارن با جشن صدمین سال دعوت خفیّ جمال قدم در سجن اکبر مظلم و پایانش توأم با عید مئوی دعوت جهری آن محبوب عالم و موعود امم در رضوان اعظم امتدادش ده سال است و نطاقش اقطار و اشطار در سراسر جهان مصدر و منبع اصلی و محرّک حقیقیش ارادهٔ غالبهٔ نافذهٔ جمال قدم و فیوضات لاریبیهٔ مبشّر اسم اعظم که از عالم بالا بر جند هدی ناظر و حامی و ملهم و مؤیّد گروه مجاهدین و مجاهدات در میادین جهانند سالار اعظمش غصن اعظم بهاء که از ملکوت ابهی دلیل

و هادی و ناصر جنود مجتهد پیمان است قوّادش امنای محافل مرکزی بهائیان در قارّات خمسه که مروّجان دین اللّهند و حامیان و ناصران شریعت اللّه اسباب و وسائل فعّاله که کافل و ضامن موفّقیت مشترکین در این جهاد خطیر است مؤسّسات متینّه نظم بدیع الهی که مدّت سی ۳۰ سال است یاران الهی و امّاء الرّحمن بر وفق احکام شارع قدیر و وصایای غصن بی نظیرش بایجاد و انتظام و استحکام آن پرداخته مقدّماتش نقشه‌های متعدّده که در این سنین اخیره در ممالک مختلفه محافل روحانی مرکزی در جامعه بهائی هر یک مستقلاً بطرح و تنفیذ آن موفّق و نائل گشته و در نتیجه لیاقت و استعداد لازم جهت اقدام و اشتراک در این جهاد عظیم و جسیم اکتساب نموده

مقصد اصلیش در مقام اوّل توسعه و تقویت مؤسّسات امریه در مرکز جهانی عالم بهائی در ارض اقدس و در مقام ثانی ایجاد وسائل فعّاله جهت تقویت جامعه پیروان امر الهی در ده ۱۰ مملکت از ممالک شرقیه و غربیه که مراکز اداری جهت تنفیذ نقشه‌های تبلیغی ملی خواهند بود

و در مقام ثالث استحکام اساس امر در یکصد و هیجده ۱۱۸ مملکت از ممالک مستظلمّه در ظلّ امر الهی و در مقام رابع فتح ممالک و اقالیم تابعه و جزائر مهمّه که عددش به یکصد و سی و یک ۱۳۱ بالغ و تا بحال در ظلّ امر اللّه وارد نگشته

اهدافش که در پیام عمومی این عبد از قبل تصریح و تعیین گشته بس خطیر و عظیم و جلیل است هدف اوّل اتّخاذ تمهیدات اوّلیّه جهت تشیید مقام اعزّ اطهر اقدس افخم جمال قدم و اسم اعظم در قلب حرم اقدس در ارض میعاد در مرج عکّا شمال مدینه منوره بیضا

هدف دوم مضاعفه عدد اقالیم که در ظلّ امر الهی وارد گشته که مستلزم ارتفاع علم دین اللّه در اقالیم مهمّه باقیه عالم است و شامل جمیع اقالیم مذکوره در الواح مرکز میثاق است که تا بحال در ظلّ لواء معقود وارد نگشته مجموع این اقالیم به یکصد و سی و یک ۱۳۱ بالغ و شامل چهل و یک ۴۱ اقالیم در قاره آسیا و سی و سه ۳۳ اقالیم در قاره افریقا و سی ۳۰ اقالیم در قاره اروپا و بیست و هفت ۲۷ اقالیم در قاره امریکا و از این اقالیم فتح بیست و نه ۲۹ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده محوّل گشته که یازده ۱۱ اقالیم از آن در قاره افریقا و هشت ۸ اقالیم در قاره آسیا و شش ۶ اقالیم در قاره اروپا و باقی در قاره امریک واقع و فتح شانزده ۱۶ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان هند و برما و پاکستان محوّل که یازده ۱۱ اقالیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره افریقا واقع و فتح سیزده ۱۳ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان ایران محوّل که هفت ۷ اقالیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره افریقا واقع و فتح سیزده ۱۳ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان کنده محوّل که یازده ۱۱ اقالیم از آن در قاره امریک و باقی در قاره آسیا واقع و فتح یازده ۱۱ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان بریتانیا محوّل که هفت ۷ اقالیم از آن در قاره اروپا و باقی در قاره افریقا واقع و فتح یازده ۱۱ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان آلمان و نمسه محوّل که تماماً در قاره اروپا واقع و فتح نه ۹ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریات جنوبی امریکا محوّل که هشت ۸ اقالیم از آن در قاره امریک و یک ۱ اقالیم در قاره آسیا واقع و فتح هفت ۷ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریات مرکزی امریکا محوّل که چهار ۴ اقالیم از آن در قاره امریک و باقی در قاره آسیا واقع و فتح هفت ۷ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان استرالیا و نیوزیلند محوّل که تماماً در قاره آسیا واقع و فتح شش ۶ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان محوّل که تماماً در قاره افریقا واقع و فتح شش ۶ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان سوئیس و ایتالیا محوّل که تماماً در قاره اروپا واقع

و فتح سه ۳ اقالیم به محفل مرکزی بهائیان عراق محوّل که دو ۲ اقالیم از آن در قاره آسیا و یک ۱ اقالیم در قاره افریقا

واقع

هدف سوم ازدیاد عدد لغاتی که آثار امریه بان ترجمه و طبع شده و یا در دست ترجمه است به بیش از دو برابر و از این لغات جدیده چهل ۴۰ لغت در قاره آسیا و سی و یک ۳۱ لغت در قاره آفریقا و ده ۱۰ لغت در هر یک از دو قاره اروپا و امریک متداول و از این لغات که اکثرش کتاب مقدس انجیل بان ترجمه گردیده سی و یک ۳۱ لغت سهم محفل مرکزی بهائیان بریتانیا و بیست ۲۰ لغت سهم محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده و چهل ۴۰ لغت سهم محفل مرکزی بهائیان هند و برما و پاکستان

هدف چهارم استحکام اساس امر الله در یکصد و هیجده ۱۱۸ اقلیم از اقلیم عالم که در ظل امر الله وارد گشته و شامل بیست و نه ۲۹ اقلیم در قاره امریک و چهل و یک ۴۱ اقلیم در قاره آسیا و بیست و دو ۲۲ اقلیم در قاره اروپا و بیست و چهار ۲۴ اقلیم در قاره آفریقا و دو ۲ اقلیم در قاره استرالیاست و از این اقلیم استحکام اساس امر الله در بیست و سه ۲۳ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده محول گشته که دوازده ۱۲ اقلیم از آن در قاره اروپا و شش ۶ اقلیم در قاره آسیا و سه ۳ اقلیم در قاره امریکا و باقی در قاره آفریقا واقع و چهارده ۱۴ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایران محول که دوازده ۱۲ اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره آفریقا واقع و چهارده ۱۴ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما محول که یازده ۱۱ اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره آفریقا واقع و سیزده ۱۳ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریات مرکزی امریکا محول که جمیعش در آن قاره واقع و یازده ۱۱ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان بریتانیا محول که نه ۹ اقلیم از آن در قاره آفریقا و یک اقلیم در قاره اروپا و یک اقلیم در قاره آسیا واقع و ده ۱۰ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریات جنوبی امریکا محول که تماماً در آن قاره واقع و هشت ۸ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان محول که تمامش در قاره آفریقا واقع و هفت ۷ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان آلمان و نمسه محول که ایضاً تمامش در قاره اروپا واقع و هفت ۷ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان عراق محول که جمیعش در قاره آسیا واقع و شش ۶ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان استرالیا و نیوزیلند محول که چهار ۴ اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره استرالیا واقع و چهار ۴ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان کنادا محول که سه ۳ اقلیم از آن در قاره امریک و یک اقلیم در قاره اروپا واقع و یک اقلیم به محفل مرکزی بهائیان سوئیس و ایتالیا محول و آن در قاره اروپا واقع

هدف پنجم مضاعفه عدد مشارق اذکار در جامعه بهائی که مستلزم اقدام بتشید دو معبد یکی در قاره آسیا در مهد امر الله در ارض طاء که به ام‌العالم و افق نور موصوف و منوع و دیگری در قلب قاره اروپا در مدینه فرانکفورت که در قلب مملکت آلمان است و از آن کشور پراستعداد انوار امر الهی بفرموده مرکز عهد الله ساطع گردد و اقلیم مجاوره را روشن و منور گرداند

هدف ششم تعیین محل و ابتیاع اراضی جهت تأسیس بنیان افخم مشرق‌الاذکار جبل کرمل در جوار مرکز روحانی و اداری جهانی بهائیان در ارض اقدس

هدف هفتم تعیین محل و ابتیاع اراضی لأجل بنای یازده ۱۱ معبد که سه ۳ عدد آن من بعد بتأیید من الله در قاره امریک یکی در شمال آن قاره در اقلیم کنادا در مدینه تورونتو و ثانی در عاصمه جمهوریت پناما و ثالث در جنوب آن قاره در مدینه سانتیاگو عاصمه جمهوریت شیلی تأسیس خواهد گشت و سه ۳ عدد دیگر در قاره آفریقا یکی در قلب آن قاره در مدینه کمپالا عاصمه اقلیم یوگندا و ثانی در شمال آن قاره در مدینه قاهره عاصمه قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و ثالث در مدینه جوهانیزبرگ که از مدن مهمه آفریقایی جنوبی محسوب بنا خواهد شد و پنج عدد دیگر که در آینده در قاره آسیا و قاره اروپا و قاره استرالیا تأسیس خواهد گشت که یکی از آن در مدینه‌الله در جوار بیت اعظم ثالث الحرمین عالم بهائی و دیگری در مدینه دهلی عاصمه خطه وسیعه هندوستان و ثالث در شمال قاره اروپا در مدینه استکهولم عاصمه اسوج و رابع در جنوب

آن قاره در عاصمه ایتالیا در مدینه رومیه که مقرّ حبر اعظم و محور و مرجع اعلاى اقدم و اهمّ مذاهب منشعبه از امت مسیحیه است و خامس در مدینه سیدنی که اولین مرکز امر الله است و از مدن مهمّه قاره فسیحه نائیه استرالیا محسوب هدف هشتم بنای اولین مؤسسه از توابع و ملحقات امّ المعابد غرب در ایالات متّحده که در تاریخ امر بی سابقه و باعث استحکام روابط بین جامعه پیروان امر الهی و ساکنین آن دیار خواهد گشت

هدف نهم تعیین وظائف و اتّساع دائره اقدامات و خدمات ایادی امر الله در سراسر عالم بهائی

هدف دهم تأسیس محکمه بهائی در ارض اقدس که مقدمه انتخاب و تشکیل اعظم هیئت تشریحیه جامعه پیروان امر الهی و استقرار بیت عدل اعظم در ارض اقدس خواهد بود

هدف یازدهم تنظیم و تدوین احکام منصوصه کتاب مقدّس اقدس امّ الکتاب آئین بهائی ناموس اکبر "میزان الهدی بین الوری و برهان الرحمن لمن فی الارضین و السموات"

هدف دوازدهم تأسیس شش ۶ محکمه ملّی بهائی در اعظم مدن ممالک اسلامیّه در مدینه الله عاصمه عراق عرب و ارض طاء عاصمه کشور مقدّس ایران و مدینه قاهره عاصمه قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و دهلی عاصمه هندوستان و کراچی عاصمه پاکستان و کابل عاصمه افغانستان

هدف سیزدهم اتّساع دائره موقوفات بین المللی بهائی در دامنه جبل کرم و مرج عکا

هدف چهاردهم بنای محفظه آثار بین المللی در جوار پرانوار مقام اعلی و در قرب مرقد بقیه البهائه خانم اهل بهاء و رمسین اطهرین غصن شهید بهاء و ورقه مبارکه علیا

هدف پانزدهم بنای مرقد منور حرم نقطه اولی در مدینه طیبه شیراز

هدف شانزدهم تعیین مدفن والد ماجد جمال قدم و اسم اعظم و مخدره کبری امّ نقطه اولی و ابن خال آن حضرت و انتقال رمس آنان به گلستان جاوید بهائیان در جوار بیت اعظم در مدینه الله

هدف هفدهم تملک باغ رضوان در مدینه الله و ابتیاع محلّ و مقرّ سجن اکبر جمال رحمن در مدینه طهران و مشهد نقطه بیان در مدینه تبریز و محبس آن حضرت در جبل شدید در آذربایجان

هدف هیجدهم تربید عدّه محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر که مستلزم تشکیل بیست و یک ۲۱ محفل در قاره امریک و سیزده ۱۳ محفل در قاره اروپ و ده ۱۰ محفل در قاره آسیا و سه ۳ محفل در قاره افریقا و ۱ محفل در قاره استرالیا و از بیست و یک ۲۱ محفل مرکزی که باید بهمتّ محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در قاره امریک تأسیس گردد بیست ۲۰ محفل در جمهوریات مرکزی و جنوبی آن قاره و یک محفل در اقلیم السکا در قاره شمالی واقع و از سیزده ۱۳ محفل مرکزی که در قاره اروپ تأسیس خواهد گشت دوازده ۱۲ محفل بهمتّ محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در عواصم ممالک مستقلّه اسوج و نروج و لکسمبورگ و بلجیک و دانمارک و هلند و فرانسه و فنلند و پرتقال و اسپانیا و سویس و ایتالیا و یک محفل دیگر بهمتّ محفل مرکزی بهائیان آلمان در عاصمه مملکت نمسه تشکیل خواهد شد و از ده ۱۰ محفل مرکزی که در قاره آسیا من بعد تأسیس میگردد چهار ۴ محفل بهمتّ محفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما در عواصم جزیره سیلان و برما و پاکستان و در منطقه واقعه در شرق جنوبی قاره آسیا در مدینه جاکارتا عاصمه مجمع الجزائر ایندونیزیا و سه ۳ محفل بهمتّ محفل مرکزی بهائیان ایران در عربستان در جزیره بحرین و عاصمه ترکیه و عاصمه افغانستان و دو ۲ محفل بهمتّ محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در عاصمه ژاپان و در جزائر محیط اعظم در مدینه سووا عاصمه جزائر فیجی و یک محفل بهمتّ محفل مرکزی بهائیان عراق در شرق ادنی در ارض باء تشکیل خواهد گشت و از سه ۳ محفل مرکزی که در قاره افریقا تشکیل میگردد یک محفل بهمتّ محفل مرکزی بهائیان بریتانیا و موسوم به محفل مرکزی بهائیان افریقیای شرقی و مرکزی و

مرکزش در مدینه کمپالا و دیگری بهمتّ محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده و موسوم به محفل مرکزی بهائیان افریقای غربی و جنوبی و مرکزش در مدینه جوهانیزیرگ و دیگری بهمتّ محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان و موسوم به محفل مرکزی بهائیان در شمال غربی افریقا و مرکزش در مدینه تونس تشکیل خواهد شد و محفل مرکزی اخیر بهمتّ محفل مرکزی بهائیان قاره استرالیا در عاصمه جزیره نیوزیلند در مدینه اوکلند تأسیس خواهد گشت

هدف نوزدهم تزئید تعداد حظائر قدس ملّی به هفت برابر که مستلزم تأسیس بیست و یک ۲۱ حظیره در قاره امریک و پانزده ۱۵ حظیره در قاره اروپ و نه ۹ حظیره در قاره آسیا و سه ۳ حظیره در قاره افریقا و یک حظیره در جزیره نیوزیلند و حظیره‌ئی دیگر در مدینه لندن و این حظائر قدس ملّی در جمیع عواصم و مراکز که در آن در سنین آتیه محافل مرکزی تأسیس خواهد شد استقرار خواهد یافت

هدف بیستم تدوین قانون اساسی و نظامنامه ملّی بهائی و تأسیس موقوفات ملّی در هر یک از عواصم و مدن ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه مذکوره

هدف بیست و یکم تزئید عدد محافل مرکزی روحانی که تا بحال رسماً تسجیل گشته به بیش از پنج برابر که مستلزم تسجیل هر یک از محافل مرکزی ملّی که من بعد تأسیس خواهد یافت و باضافه تسجیل محفل مرکزی بهائیان ایران و عراق هدف بیست و دوم تأسیس شش ۶ مؤسسه مطبوعات ملّی بهائی که دو مؤسسه از آن در قاره آسیا یکی در طهران و دیگری در عاصمه هندوستان و یک مؤسسه در قاره شمالی امریک در شهر ویلمت و دیگری در قاره جنوبی در مدینه ریودوجانه‌رو و مؤسسه دیگری در قاره افریقا در مدینه قاهره و دیگری در قاره اروپ در مدینه فرانکفورت تأسیس خواهد گشت هدف بیست و سوم اشتراک اماء الرّحمن ایران در عضویت محافل روحانی ملّی و محلّی

هدف بیست و چهارم تأسیس شعبه‌های محافل روحانی ملّی بهائیان ایران و عراق و بریتانیا و استرالیا و آلمان و کندا در ارض اقدس بر حسب قوانین و مقرّرات حکومت جدید التّاسیس اسرائیل هدف بیست و پنجم تأسیس مطبعه ملّی بهائی در عاصمه ایران

هدف بیست و ششم تحکیم روابط بین جامعه بین‌المللی بهائی و هیئت امم متّحده هدف بیست و هفتم در صورت امکان انضمام یازده ۱۱ جمهوریت که از اجزاء اتّحاد جماهیر شوروی محسوبند و دو ۲ کشور از کشورهای اروپ که مرتبط و تحت نفوذ آن هیئت است بدائره نظم اداری امر الهی بواسطه محافل مرکزی بهائیان در ایران و امریک و آلمان

هدف بیست و هشتم که هدف اخیر و مسک الختام این جهاد عظیم و کبیر است انعقاد کنگره جهانی بهائی در جوار باغ رضوان که ثالث الحرمین عالم بهائی است بمناسبت جشن افخم اعزّ اعظم که مقارن با صدمین سال دعوت جهری جمال قدم و ارتقاء آن موعود امم و محیی رمم بر سریر سلطنت الهیه خواهد بود و در سراسر عالم بهائی برپا خواهد گشت

یا احبّاء البهّاء و مشاعل حبّه و منابع ذکره بین بریته چه مقدار عظیم و خطیر است این جهاد جهانی روحانی و چه رفیع است مقام و منزلت فارسان مضمار عبودیت و مجاهدان و باسلان این مبارزت در این عصر اعزّ مشعشع نورانی آنچه را لسان عظمت در این روز فیروز بان شهادت داده بیاد آورید قوله عزّ بهائه "لعمر الله از برای ناصر مقدّر شده آنچه که خزانن ارض بان معادله نمایند" در این اوان که جشن اکبر ابهی برپا صدای الوحاء الوحاء یا احبّاء البهّاء العجل العجل یا امناء البهّاء از عالم بالا متصاعد و هتاف یا طوبی و یا بشری و یا عزّاً و یا شرفاً لمن قام بکلیته علی نصره امر البهّاء از ملاً اعلی متتابع و رتّه ملکوتی انصرونی انصرکم العهد منکم و الوفاء من ربکم و معینکم و ناصرکم از خلف سرادق ابهی مرتفع یوم یوم جهاد کبیر اکبر است و زمان زمان تشتّت و هجرت و مجاهدت و مبارزت و جانفشانی و استقامت در سبیل امر مالک قدر میقات ظهور وعود الهیه و

بروز اسرار مکنونه و تحقق بشارات عظیمه و جلوه انتصارات باهره و وقوع وقائع خطیره جسیمه در شرق و غرب و جنوب و شمال جامعه پیروان آئین حضرت احدیه غیث عنایت هاطل است و نسائم جانپرور بشارت‌دهنده طلوع فجر عزت امر بهاء در هبوب و سائل و اسباب در اثر استقرار نظم بدیع الهی کاملاً مهیا "و کلّ الأشیاء" بفرموده ربّ البرایا "حامل فیوضات و استعدادات لاتحصی" جنود الهام صائل و صفوف ملائکه تأیید مصفوف میدان وسیع و دشمنان دیرین در شرفه زوال الواح نصیحیه و ارشادات الهیه منتشر و نقشه ملکوتی در انظار عالمیان مکشوف و کیفیت تنفیذش از قلم غصن بهاء مرقوم و اهدافش مصرّح و معلوم فرمان سالار جند بهاء صادر و اهل ملاً اعلی ناظر و منتظر وقت قیام و خروج و هجوم و جوش و خروش و کفاح و تسخیر مدن و فتح اقطار و غلبه بر جهان و جهانیان است

اهل بهاء کما امرهم مولا هم و محبوبهم باید چون هوا لطیف شوند و چون نار مشتعل گردند و از ثقل ما سوی الله خفیف شوند و چون اریاح بر اقطار و اشطار مرور نمایند و از تلونات و تطورات و انقلابات عالم افسرده و مضطرب نگردند بقوه توکل بیرون آیند و بردای تقوی مرتدی گردند و برجل استقامت قدم بمیدان گذارند و بانقطاعی بی نظیر و با توجهی تامّ و قلبی پرفتوح و عزمی چون کوه آهنین مانند اولیا و اصفیا از پیشینیان در ممالک و بلدان متشتت شوند و عالم کون را بحرکت آورند و در جبال و اودیه و براری و صحاری و جزائر ندای جانفزای یابهاء‌الابهی را بسمع وضع و شریف از طوائف و قبائل و عشائر و مذاهب و ادیان و طبقات و اجناس مختلفه رسانند پرچم امر الله را در ماوراء مدار قطب شمال مرتفع سازند و صیت آئین الهی را در جزائر واقعه در اقصی جنوب نیمکره غربی مرتفع نمایند آواره صحاری عربستان و جبال و اتلال و دشتهای وسیعه قاره آسیا و آجام افریک گردند و در مناطق بعیده صعب المرور در جزائر پاسیفیک در قلب محیط اعظم اقامت نمایند آرام نگیرند راحت نجویند و تاسی بمطالع انوار در عصر رسولی نمایند و مداومت نمایند تا از خود در صحیفه عالم یادگاری گذارند که عرفش الی ابد الدهور مشام روحانیان را معطر سازد

ای یاران عزیزتر از دل و جان تصوّر نمائید که تنفیذ و اجرای این نقشه و وصول باهداف این جهاد خطیر جهانی روحانی در این ایام پر اغتشاش و انقلاب صعب و یا آنکه ممتنع و محال است اگر یاران باوفا چنانچه لایق و شایسته عبودیت آستان بهاست منقطعاً عن الجهات قیام نمایند و استقامت کنند این انقطاع و قیام و استقامت چنان نفوذی در هویت عالم امکان نماید و تأثیر در آفاق و انفس نماید که خود حیران گردند ان اذکروا فی هذا المقام ما صدر من قلم الميثاق "حضرت اعلی روحی له الفداء میفرماید لو ارادت نمله ان یفسر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السرّ الصمدانیة قد تلجلج فی حقیقه الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال قدم روحی لأحبائه الفداء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود"

ای یاران جان‌نثار بیقین مبین بدانید که در نتیجه وقائع خطیره جسیمه که در پیش است و انتصارات باهره که آثار اولیّه‌اش در جامعه بهائی حال نمایان گشته و در اثر تأییدات لاریبیه الهیه و انقلابات جهان که متتابعاً متزایداً از پس پرده قضا ظاهر و پدیدار میگردد امر عزیز الهی در عهد آتیّه عصر تکوین که عصر ثانی دور بهائی است و در عصر ذهبی که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدّس است مراحل باقیه را در کافه ممالک و دیار که بانوار ساطعه‌اش در این قرن پرانوار منور گشته طی نماید و وعود الهیه که در خزائن صحف قیمه مخزون است کلّ تحقق یابد دوره مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نمای جامعه اهل بهاست و مرحله ثانیّه مظلومیت و مقهوریت که در وقت حاضر در کشور ایران امر مبارک جمال ابهی آن را طی مینماید هر دو منقضی گردد و دوره ثالث که مرحله انفصال شریعت الله از ادیان منسوخه عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدمه ارتفاع علم استقلال دین الله و اقرار و اعتراف بحقوق مسلوبه اهل بهاء و مساوات پیروان امر جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان و این استقلال ممهّد سبیل از برای رسمیت آئین الهی و ظهور نصرتی عظیم شبیه و

نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیّه گشت و این رسمیت بمرور ایّام مبدّل و منجر بتأسیس سلطنت الهیّه و ظهور سلطهٔ زمینیّه شارع این امر عظیم گردد و این سلطنت الهیّه مآلاً بتأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوهٔ سیطرهٔ محیطهٔ ظاهری و روحانی مؤسس آئین بهائی و تشکیل محکمهٔ کبری و اعلان صلح عمومی که مرحلهٔ سابع و اخیر است منتهی گردد اینست که میفرماید "این ظلمهای واردهٔ عظیمه تدارک عدل اعظم الهی مینماید" و این عدل اعظم یگانه اساس صلح اعظم و صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیهٔ ملل و امم و این وحدت اصلیهٔ کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم خواهد بود

و این مرحلهٔ اخیره بنفسه مقدمهٔ ظهور و جلوهٔ مدنیت حقیقیهٔ الهیّه و بلوغ عالم برتبهٔ کمال که اعلیٰ المراتب است و تبدیل ارض بقطعهٔی از فردوس اعظم "اذا تری الأرض جتّه الأبهی" فسبحان ربّنا البهیّ الأبهی و سبحان ربّنا العلیّ الأعلیٰ و حال در خاتمهٔ این اوراق شمهٔی از آنچه از سماء مشیت نیر آفاق و از قلم گهربار مرکز عهد و میثاق در بیان لزومیت و اهمّیت امر خطیر تبلیغ امر الله و نصرت دین الله و مهاجرت فی سبیل الله نازل گشته ثبت میگردد لیکن ختامه مسک و فی ذلك کفایه للمتصّیرین و تذکره و تبصره للمخلصین

"يا اهل البهَاء انتم نسائم الرّیبع فی الآفاق بکم زینا الامکان بطراز عرفان الرّحمن و بکم ابتسم ثغر العالم و اشرفت الأنوار ... ان اخرجوا من افق الاقتدار باسم ربّکم المختار و بشّروا العباد بالحکمة و البیان بهذا الأمر الذی لاح من افق الامکان ایّاکم ان ینعمکم شیء عمّا امرتم به من القلم الأعلیٰ اذ تحرّک علی اللّوح بسطان العظمة و الاقتدار طوبی لمن سمع صریره اذ ارتفع بالحقّ بین الأرضین و السّموات ... طوبی لمحلّ و لبيت و لمقام و لمدينة و لقلب و لجبل و لكهف و لغار و لأودية و لبرّ و لبحر و لجزیره و لدسكرة ارتفع فیها ذکر الله و ثنائه ... نفس حرکت لوجه الله در عالم مؤثّر بوده و هست و در کتب قبل مقام توجّه مخلصین باطراف لأجل هدایت عباد مذکور و مسطور ... امروز روز بیان است باید اهل بهاء بکمال وفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلیٰ هدایت نمایند اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیهٔ بنفحات کلمهٔ الهیّه اجساد را بارواح تازه زنده نمایند در هر کلمهٔی روح بدیع مستور طوبی از برای نفسی که باو فائز شد و بتبلیغ امر مالک قدم قیام نمود ... ان یا احبّاء الله لا تستقرّوا علی فراش الرّاحة و اذا عرفتم بارتکم و سمعتم ما ورد علیه قوموا علی النّصر ثمّ انطقوا و لا تصمتوا اقلّ من آن و انّ هذا خیر لکم من کنوز ما کان و ما یكون لو انتم من العارفين ... و نفسه الحقّ سوف یزین الله دیاج کتاب الوجود بذکر احبّائه الذین حملوا الرّزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره و یفتخر کلّ من فاز بلقائهم بین العباد و یتستیر بذکرهم من فی البلاد ... انّ الذین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الأمر یؤیّدهم الرّوح الامین ... فوالله الذی لا اله الا هو لو یقوم واحد منکم علی نصره امرنا لیغلبه الله علی مائة الف و لو ازداد فی حبه لیغلبه الله علی من فی السّموات و الأرض كذلك نفخنا حیثنذ روح القدرة فی کلّ الأشطار"

در کتاب وصایا آخرین ندای حمامهٔ ایکه وفا و غصن برومند سدرهٔ منتهی و مرکز میثاق بهاء خطاب باهل بهاء و جالسین فلک ابهی این کلمات درّیات مدوّن و مسطور" ای ثابتان بر پیمان این طیر بال و پر شکسته و مظلوم چون آهنگ ملاً اعلیٰ نماید و بجهان پنهان شتابد و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا مفقود گردد باید افنان ثابتّهٔ راسخهٔ بر میثاق الله که از سدرهٔ تقدیس روئیده‌اند با حضرات ایادی امر الله علیهم بهاء الله و جمیع یاران و دوستان بالاتفاق بنشر نفحات الله و تبلیغ امر الله و ترویج دین الله بدل و جان قیام نمایند دقیقهٔی آرام نگیرند و آتی استراحت نکنند در ممالک و دیار منتشر شوند و آوارهٔ هر بلاد و سرگشتهٔ هر اقلیم گردند دقیقهٔی نیاسایند و آتی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند در هر کشوری نعرهٔ یابهایهٔ ابهی زنند و در هر شهری شهرهٔ آفاق شوند و در هر انجمنی چون شمع برافروزند و در هر محفلی نار عشق برافروزند تا در قطب آفاق انوار حقّ اشراق نماید و در شرق و غرب جمّ غفیری در ظلّ کلمهٔ الله آید و نفحات قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب ربّانی

شود و نفوس رحمانی گردد در این ایام اهمّ امور هدایت ملل و امم است باید امر تبلیغ را مهمّ شمرد زیرا اسّ اساس است این عبد مظلوم شب و روز بترویج و تشویق مشغول گردید دقیقه‌ئی آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه نمود و آوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند اینست شرط وفا و اینست مقتضای عبودیت آستان بهاء حواریون حضرت روح بکلی خود را و جمیع شئون را فراموش نمودند و ترک سر و سامان کردند و مقدّس و منزّه از هوی و هوس گشتند و از هر تعلّقی بیزار شدند و در ممالک و دیار منتشر شدند و بهدایت من علی الأرض پرداختند تا جهان را جهان دیگر کردند و عالم خاک را تابناک نمودند و بپایان زندگانی در راه آن دلبر رحمانی جانفشانی کردند و هر یک در دباری شهید شدند فبمثل هذا فليعمل العاملون"

و در لوحی از الواح میفرماید "وقت آنست که جوش دریا زد و اوج ثریّا جست ... وقت تنگ است و حرکت خیل الهی بی‌درنگ باید سبقت و پیشی گرفت و شمع نورانی افروخت" و در مقامی دیگر این کلمات درّیّات از یراعه مرکز عهد ربّ الآيات البیّنات خطاب بیاران خطّه امریک صادر "یقین بدانید که هر نفسی الیوم بنشر نفعات الله قیام نماید جنود ملکوت الله تأیید فرماید و الطاف و عنایات جمال مبارک احاطه کند ای کاش از برای من میسر میشد که پای پیاده ولو بکمال فقر بآن صفحات مسافرت مینمودم و نعره‌زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یابهاء الأبهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی مینمودم ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم" و التّکبیر و البهّاء و التّحیّة و التّناء علیکم و علی الذّین سمعوا و اجابوا نداء ربّهم و محبوبهم و ترکوا اوطانهم و نسوا اوکارهم و فدوا راحتهم و رخائهم و سرعوا الی الأقالیم القاصیه و الأفطار الشّاسعة فی مشارق الأرض و مغاربها حبّاً لله و خالصاً لوجهه و اتّباعاً لأمره و اعزازاً لدينه الأعزّ الأوعر الأفخم الأقدس الخطیر

توقیع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع

هیئت محترمه مجلله ایادی امر الله و حضرات افنان ثابته راسخه بر میثاق الله و جنود منصوره مجاهدان و مهاجران فی سبیل الله و عصبه جلیله مبلغان و ناشران نفحات الله و اعضای محافل مقدسه روحانیه ارکان و حامیان شریعه الله و افراد جامعه پیروان دین الله در کشور مقدس ایران و خطه هندوستان و برما و پاکستان و اقالیم افریقا و عربستان و قطر مصر و سودان و ترکیه و افغانستان و عراق عرب و سوریه و لبنان رجالاً و نساءً صغیراً و کبیراً ملاحظه نمایند

یا نصرآء الرحمن فی المدن و الدیار البشارة البشارة که در این روز فیروز و نوروز سنه اولای جهاد کبیر اکبر جهان افروز آثار علو و سمو آئین نازنین و تابشیر نصرت و غلبه گروه مجاهدین و مهاجرین و رافعین لواء مبین امر حضرت رب العالمین اهل آسمان و زمین را هر دو باهتزاز آورده و وله و طریبی زائد الوصف احداث نموده اهل ملاً اعلی از این بطش و صولت حیران و هلهله کنانند و ارواح قدسیین و کرّوین و عن ورائهم معشر التّیین و المرسلین از نهیب این قیام و خروج و هجوم و جوش و خروش و تشّتت و مجاهدت لشکر حیات مستبشر و شادمان و پیروان جمال اقدس ابهی از این فتح و فیروزی علمداران حزب مظلوم در سراسر جهان در اشدّ هیجان و غلیان ندای جان افزای حمداً لربنا العلیّ الاعلیّ حمداً لربنا البهیّ الأبهیّ از حنجر فارسان مضمار مجاهدت و مظاهر انقطاع و قدرت و شجاعت و بسالت و توکل و استقامت که در اقلّ از یک سنه بیروی اسم اعظم و محیی رمم بفتح نود و یک ۹۱ اقلیم در شرق و غرب و جنوب و شمال در قارات خمسّه عالم و دو محیط اطلس و اعظم و اوقیانوس هند و دو بحر متوسطّ و شمال مفتخر گشته اند مرتفع و صلاهی ان استبشروا یا احبائى و امنائى قد اقتربت السّاعة ان ارتقبوا یوم النّصر از خلف سرداق کبریا محلّ استوای عرش قائد اعظم جیش عرمم و مقرّ سریر سلطان ملکوت ربّ الجنود متابع و متواصل

حمداً و شکرأ لربنا البهیّ الباهی الهادی الغالب الناصر القاہر الأبهیّ که سنه مقدسه صدمین سال بعثت سرّی اسم اعظم و موعود ملل و امم باحسن وجه منقضی گشت و عید مئوی ثانی اهل بهاء و اصحاب رایت بیضا در این سال فرخنده فال بنحو شایسته خاتمه یافت و باعث اشتهار آئین حضرت ذو الجلال گردید جشن اکبر کما ینبغی و یلیق بریا گشت و انجمنهای اربعه بین القارات بشارت دهنده انعقاد کنگره جهانی اهل بهاء در جوار بیت اعظم ابهی بابّهت و جلالی بی نظیر و نظم و ترتیبی بدیع و شور و ولهی بی مثل و عدیل بتأییدات خفیّه و جلیّه ربّ جلیل در قلب قاره مشتعله افریقا و جوار امّ المعابد غرب در قاره امریکا و عاصمه کشور اسوج در شمال قاره اورپا و در عاصمه اقلیم هندوستان در قاره آسیا تحت اشراف امنای محافل مرکزی روحانی بهائیان در جزائر بریطانیا و ایالات متّحده امریکا و هندوستان و پاکستان و برما در اواخر زمستان و موسم بهار و ایام تابستان و فصل خریف متتابعاً منعقد گردید و جمعی از اعضای هیئت محترمه مجلله ایادی امر الله و افنان ثابته بر عهد الله و ناشرین نفحات الله و امنای محافل روحانی مرکزی و محلی جامعه پیروان دین الله و برخی از مهاجرین و مهاجرات فی سبیل الله و جمّ غفیری از پیروان اسم اعظم و سالکان سبیل اقوم و متمسکین بحبل المتین شرع افخم اشرف اکرم از رجال و نساء که تعداد آنان از سه هزار و چهارصد ۳۴۰۰ متجاوز و از بیش از هشتاد ۸۰ اقلیم از اقالیم جهان در این مراکز اربعه مجتمع و بعضی از جنس ایض و اسود و قلیلی از جنس اصفر و احمر و اسمر کلّ بکمال محبت و وداد و اتفاق و اتحاد و وله و توجه و انجذاب در ظلّ سراپرده یگانگی مؤانس و مجالس و جمعاً زیارت شمایل مبارک جمال اقدس ابهی و حضرت نقطه اولی روحی لادنی عبد من عبیدهم الفداء مفتخر و فائز و از استماع آیات و غزلیات و ادعیه صادره از مخزن قلم اعلی و منتخبات

کتاب مستطاب قیوم اسماء مهتّر و از مشاهده صور متحرکه مقامات مقدّسه علیا در ارض اقدس در مرج عکّا و جبل کرمّل بالأخصّ قبه مرقد بهیّ الأنوار نقطه اولی و ملاحظه نقشه و مجسمه بدیعه امّ المعابد ارض اقدس علیا محظوظ و مستبشر عید اعظم رضوان که بنصّ قاطع عید الله و سلطان اعیاد است در این سنه مقدّسه با انقضای نود ۹۰ سال تمام از بعثت جهری مالک انام در دارالسلام مقارن گردید و این دو عید مجلّل در قطعه امریک با افتتاح امّ المعابد غرب پس از انقضای پنجاه ۵۰ سال از آغاز تأسیس این مشروع خطیر توأم گشت و همچنین با انعقاد مؤتمر ثانی بین القارّات و انجمن سالیانه شور روحانی یاران امریک مقارن گردید و بر سرور و حبور و شغف و ابتهاج حضّار و شرکت کنندگان و وکلای منتخبه و مدعوین در این احتفال اعظم بیفزود در صحن آن بنیان رفیع الشّان که حجر زاویه اش را ید قدرت مرکز میثاق جمال ابهی نهاده و قیمت اراضی و مصارف بنا و تزینات داخله و خارجه اش از دوملیون و نیم دلار تجاوز نموده و متجاوز از پانصد و سی هزار ۵۳۰۰۰۰ نفس بزیارت آن معبد افخم تا بحال فائز گشته جمّ غفیری از یار و اغیار از طبقات و ممالک و مذاهب مختلفه متعدده که تعدادشان از سه هزار ۳۰۰۰ متجاوز در میقات معین مجتمع و از ترتیل آیات و تلاوت مناجات و قرائت منتخبات کتب مقدّسه الهیه از زیور و تورات و انجیل و فرقان و استماع کلمات دریه بدیعه صادره از کلک نقطه اولی و غزلیات و آیات مهیمه نازله از مخزن قلم اعلی مهتّر و مستبشر و بیگانگان از تعالیم شارع امر الهی مستفیض و بر مقاصد اصلیه اهل بهاء مطلع و بر عمومیت و جامعیت آئین جدید التّاسیس الهی کاملاً واقف و شاهد

و این اجتماع مهیب و عظیم که در اهمّ و اقدم مرکز امر الله در قاره امریک در ظلّ قبه شامخه بیضای معبد جلیل القدر قویّ الأركان سرمدیّ الآثار یاران در آن قاره منعقد و در تاریخ امر بدیع بهیچوجه من الوجوه سابقه نداشته و شور و آشوبی جدید در قلوب دوران و نزدیکان انداخته نیز با افتتاح جهاد جهانی روحانی کبیر اکبر و انتشار نقشه بدیعه ده ساله پیروان مالک قدر در خاور و باختر مقارن گردید و لزومیت اجرای فرمان واجب الازعان مرکز عهد و پیمان محبوب و مقصود عالمیان بر جنود مجتده الهیه در آن محشر عظیم ثابت و مدلل گشت و وظائف موکوله مفروضه مرجوعه حتمیه مقدّسه و تکالیف متعدده مختلفه مجربانش راجع باتخاذ تمهیدات اولیه جهت تشیید ضریح مطهر مقدّس جمال ابهی در مرج عکّا و رفع لواء دین الله در یکصد و سی و یک ۱۳۱ اقلیم از اقلیم دنیا و ترجمه و طبع آثار امریه به نود و یک ۹۱ لغت از لغات شرقیه و غربیه و استحکام اساس مؤسّسات امریه در یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ اقلیم از اقلیم مستظله در ظلّ امر الهی و بنای دو معبد یکی در ارض طاء و دیگری در قلب قاره اروپا و ابتیاع اراضی جهت بنای امّ المعابد ارض اقدس و یازده ۱۱ معبد دیگر در قارّات خمسّه عالم و بنای اولین مؤسسه از توابع امّ المعابد غرب و تشکیل محاکم شرعیّه بهائی در ارض اقدس و عواصم ممالک اسلامیّه و اتّساع دائره اقدامات ایادی امر حضرت ربّ البریه و تدوین احکام منصوصه در امّ الکتاب شریعت بهائیّه و اتّساع دائره موقوفات بین المللی بهائی در ارض میعاد و بنای دارالآثار بین المللی در جبل کرمّل و تشیید مرقد منور حرم نقطه اولی در مدینه شیراز و تعیین مدفن والد ماجد جمال قدم و مخدره کبری امّ نقطه اولی و ابن خال آن حضرت و انتقال رمس آنان بگلستان جاوید بهائیان در مدینه الله و تملک باغ رضوان در مدینه الله و ابتیاع سجن اکبر در مدینه طهران و مشهد نقطه اولی در مدینه تبریز و محبس آن حضرت در آذربایجان و تأسیس چهل و هشت ۴۸ محفل مرکزی روحانی ارکان بیت عدل اعظم و تأسیس پنجاه ۵۰ حظیره القدس ملیّ در قارّات خمسّه عالم و تدوین قانون اساسی و تأسیس موقوفات ملیّ و تسجیل محافل مرکزی روحانی جدید التّاسیس و دو محفل مرکزی روحانی ایران و عراق عرب و تأسیس شش ۶ مؤسسه مطبوعات ملیّ بهائی و اشتراک اماء الرحمن ایران در عضویت محافل روحانی ملیّ و محلیّ و تأسیس شعبه های شش ۶ محفل روحانی مرکزی و تحکیم روابط بین جامعه بین المللی بهائی و هیئت امم متّحده و تأسیس مطبعه ملیّ بهائی در عاصمه کشور ایران یک یک مکشوف و معلوم و واضح گردید

در ارض اقدس لانه و آشیانه انبیا و مرکز روحانی جهانی اهل بهاء و محور و مرجع اعلاى كآفه مؤسسات نظم بدیع جهان آرای پیروان امر ابداع اسنى اجلالاً لهذه السنة المقدسة و تكريماً لمقام التَّقْطِعة الأُولَيَّة الأَزَلِيَّة مشروع محيّر العقول تشييد ضريح اقدس اطهر اكرم باب الله الأعظم و ذكره الله الأعزّ الأفخم بوجه اكمل و اتمّ انجام و اتمام يافت و قبه منيعه بديعه جسيمه ذهيبه مقدسه اش كه تاج ثالث آن مقام اطهر است و ارتفاعش از چهل ۴۰ متر و مساحتش از دوپست و پنجاه ۲۵۰ متر مربع متجاوز و مقدمات نصب ارکان هشت گانه اش در داخل آن مقام مقارن عيد نوروز در سنه ۱۹۵۱ فراهم و احجار اوليه اش مقارن نوروز سنه ۱۹۵۳ منصوب گشته بود در پايان اين سنه مقدسه سنه مئوى ميلاد دعوت سرى جمال قدم مقارن انعقاد مؤتمّر رابع بين القارّات جامعه پيروان اسم اعظم مرتفع گشت و مركز مجلّل مقدّس روحانى جهانی پيروان محيى روم در دامنه كرم الهى بأحسنها و اكملها پس از شصت ۶۰ سال انتظار تأسيس يافت و دستور صادر از فم مطهر كاملاً تنفيذ گرديد در اواسط آن سنه مقدسه در ايام عيد سعيد رضوان بنصب قطعه هاى مذهب گنبد مقام مهيمن مولى الأنام متوكلاً على الله مباشرت گرديد و در يوم تاسع آن عيد اعظم كه با انقضای نود ۹۰ سال تمام از اظهار امر جمال اقدس ابهى در مدينه دارالسلام مقارن گشته بود اجتماعى از مسافرين و مجاورين كعبه مقصود در جوار آن مقام مقدّس انعقاد يافت و مجتمعين كلّ خاضعاً خاشعاً متذكراً متهللاً حامداً شاكراً مولاهم و مقصودهم و مبشّر امر ربهم و معبودهم توجّه بآن ضريح منور نموده و بعضى از محتفلين در آن يوم مقدّس بطبقه اعلاى آن بناى افخم ارتقا جسته و پس از وضع مشتى از تراب سقف حجره سجن مبارك آن مظلوم در جبل ماه كو در عقب قطعه ئى از قطعات مذهب تاج آن مقام محمود و طواف آن قبه شامخه جمعاً بزيارت عتبه مقدسه اش فائز و بذكر بلايى وارده بر آن مولای فريد و وحيد در دو جبل باسط و شديد و قدرت قاهره نافذه و عنايات فائقه مبذوله جمال قدم و اسم اعظم يگانه محبوب و مقصود آن سلطان امم در حق مبشّر امر ميرمش و انذارات و بشارات صادره از قلم مقدّسش كه در قيوم اسماء و توقيع شاه غافل ذاهل مدون مألوف و متذكّر گشتند قوله جلّت عظمته

"قسم بخداوند اگر بدانى در عرض اين چهار سال چها بر من گذشته است از حزب و جند حضرتت نفس را بنفّس نميرسانى از خشية الله الأ و آنكه در مقام اطاعت امر حجّت الله برائى و جبر كسر آنچه واقع شده فرمائى قسم بسيد اكبر اگر بدانى در چه محلّ ساكن هستم اول كسى كه بر من رحم خواهد كرد حضرتت ميبود در وسط كوه قلعه ايست در آن قلعه از مرحمت آن حضرت ساكن و اهل آن منحصر است بدو نفر مستحفظ و چهار سگ حال تصوّر فرما چه ميگذرد" و ايضاً ميفرمايد "يا قرّة العين قل انى انا التور قد كنت على الطور الفؤاد بالحقّ مشهوداً يا قرّة العين انا قد شرحنا صدرك فى الأمر من كلّ شىء على الحقّ بالحقّ بديعاً... اصبر يا قرّة العين فانّ الله ضمّن عزّك على البلاد و من عليها و هو الله كان على كلّ شىء قديراً" تعالى تعالى قدرته التافذة السارية فى حقائق الكائنات تعالى تعالى امره القاهر الغالب على من فى الأرضين و السموات تبارك الذى بدّل النار بالتور و الدّلّ بالعزّ و الاضطراب بالاطمينان و الشدّة بالرّخاء و الحزن بالفرح الأكبر و السّجن بالقصر الرّقيع و المقام الشامخ السامى المتلائى الأعزّ الأطهر الأجل المتقن الأبدع البديع

و اين بنیان رفيع الشان قوی الأركان سرمدی الآثار كه نتیجه شهادت آن سيد اخيار و نفى و تبعيد جمال مختار باين ديار و مقدمه سلطنت ابدیه و سلطه ظاهره و سيطرة محيطه شارع اعظم و مظهر قدرت پروردگار است و بشارت دهنده استقرار مدنيت الهيّه كه وليد امر عزيز كردگار است و بر مدينه منوره فسيحه مباركه حيفا مشرف و در قلب كوه خدا نورافشان حال بمثابه ملكه در انظار آشنا و بيگانه ظاهر و باهر و جالب انظار و جاذب افنده و قلوب جمهور اغيار و ابرار در آغوش آن جبل مقدّس در بحبوحه جنت عليا و در وسط اراضى موقوفه مقام على اعلى بر عرش على جالس و برداء بيضا مرتدى و صدرش باسم اعظم مزين و رأسش بتاج ذهبي متوجّ و حزامش بلونين خضرا و حمرا ملون و بحدائق وسيعه متعدده محاط و در مقابل اقدامش طبقات ممتده كه هر يك بمصاييح مضيئه روشن كآنها طبقات من التور نور على نور وجهش بسوى سجن اعظم ابهى

الموصوف بسماء السماء من القلم الأعلى و قبله اهل بهاء مطاف ملاً اعلى در وادى ايمن مرج عكاً متوجّه و در يمينش اتلال جليل مهد مسيح صبيح و محلّ بعث حضرت روح كه در قرب شاطئ نهر اردن واقع و در يسارش رأس كرمل مقام حضرت ايليا و بقعه مرتفعه عليا كه بقدم جمال اقدس ابهى و صدور لوح كرمل از مخزن قلم اعلى مشرف و مفتخر گشته و در خلفش جبلين صهيون و زيتا و اورشليم قديمه البيت المقدس و محلّ شهادت و مدفن حضرت عيسى و مقرّر استقرار عرش داود و معبد عظيم الشان سليمان و مسجد اقصى ثالث الحرمين عالم اسلامى و عن ورائهم جبل السينا مهد شريعت موسويّه بقعه الطور فاران التور ارض القدس التى فاز فيها الكليم باصغاء النداء من الشجرة المباركة و عن ورائهم جزيرة العرب ارض الحجاز مهد شريعت محمديه و مدينه يثرب و بطحا مكه مكرمه و مدينه منوره قبله الاسلام و مضجع سيد الانام عليه آلاف التحيّة و الثناء

تعالى تعالى هذا المقام الشامخ الأعظم العظيم تعالى تعالى هذا المضجع المبارك المعطر المطهر المتألئى المنيع تعالى تعالى هذا المقرّ الأعزّ الأقدس المبارك الرقيع

يا ملكة كرمل عليك من التحيّات اطيبها و ازكاها و من الصلوات اجملها و ابهاها تبارك الذى شرف مقرّك بقدمه و عين مقامك و ذكرك فى لوحه و كتابه نعم الاقتدار هذا الاقتدار الذى تحيّرت منه افئدة المقرّبين و المرسلين كائى اراك فى منامى مستويه على عرشك العظيم مرتديه رداك البيضاء متوجه بتاجك الذهبى تتلأ الأوار فيك و حولك مناديه بأعلى النداء ناطقه بين الأرض و السماء

و كائى اشاهد ارواح القديسين و الكرويين يسرّع اليك بكلّ شوق و وله و انجذاب و يشيرن بأصابعهم اليك و يطوفن حولك و يستنشقن روائح ازهارك و اورادك و يستبركن بتراب مقامك و يخرن بوجوههم على التراب تلقاء وجهك اجلالاً و اعزازاً لسكينة الله فيك و اللؤلؤ المكنون فى حضنك

طوبى الف طوبى لمن يزورك و يطوفك و يخدمك و يسقى ازهارك و يجد روائح القدس من اورادك و يثنى عليك و يمجّد مقامك حباً لله موجدك فى هذا العصر المشعشع المقدس الأعظم الأعزّ البديع

يا اولياء الله و حزبه حال وقت آنست كه نظر را به نتايج و تأثيرات اين جشن اكبر اعزّ اكرم كه در پايان صدمين سال دعوت سرى جمال قدم در سجن انتن اظلم در اكثر ممالك و بلدان عالم بهمت بيروان اسم اعظم و تحت اشراف نمايندگان جامعه سالكين صراط اقوم برپا گشته متوجه سازيم و در وقائع اخيره و تطورات جديده امر الهى و فتوحات و انتصارات باهره متابعه كه جند هدى بر اثر صدور فرمان رفيع و منبع و يرليغ بليغ قائد آسمانى و مركز عهد ارفع اتقن صمدانى در اين اشهر معدوده در ميادين اين عالم ظلمانى بآن فائز و نائل گشته اندكى تفرس و تمعن نمائيم شكر و سپاس محرّك عالم وجود حضرت معبود و جمال مقصود را لائق و سزا كه آثار اوليه اين نهضت روحانى قبل از انقضاى سنه اولاى نقشه دهساله مشتركين در اين جهاد جهانى در انفس و آفاق نمايان و پديدار گشته و تابشير طلوع و بزوغ شمس عزت موعوده و غلبه ظاهره و سيطره محيطه امر حضرت احديه در آفاق غريبه و شريقيه و جنوبيه و شماليه كاملاً هويدا و نمودار گشته امر عزيز الهى بر وفق تعليمات و ارشادات و تأكيدات متابعه سالار اعظم جند بهاء كه در الواح نصحيه و كتاب وصايا مرقوم و مدون و بر طبق نقشه ملكوتى مرتسمه بقلم معجزشيم مركز عهد اتقن اوفى در الواح متعدده صادره بافتخار علمداران حزب مظلوم در قاره امريكا و بوسيله مؤسسات متينه نظم بديع الهى كه مدت سى ۳۰ سال است باينان اين صرح مشيد بتأسيس و استحكامش مشغول و مألوفند بسرعتى محير العقول در تقدّم و انتشار و تعداد بيروانش يوماً فيوماً در ازدياد و دائره تصرفات عجيبه غريبه مدهشهاش آناً فاناً در اتساع صيت بزرگواريش در اقطار مرتفع و آثار بهيه اش در ممالك و ديار منتشر بساط نظم جهان آرايش در معرض عالم مبسوط و دعائم لايتزعزع و لايتزلزل شرع شريفش در كلّ آفاق مرفوع گروه مجاهدين و مجاهداتش در وله و انجذابند و نار عشق دلدادگانش از شيخ و شاب در غايت اشتعال و التهاب حاميان و انصارش در بسيط غيرا متشتت اسرارش مشتته احكامش نافذ

رافعین رایت بیضایش منصور انوارش متألّی شایب فضل و احسان مؤسس عظیم الشّانست مستمرّاً هاطل و قوّه دافعه ساریه‌اش در هویت کائنات متلجلیج فدائیانش پر شور و آشوب و روائح مسکینه آثار بهیبه‌اش در افطار و جزائر نائیه در نواحی قطبین شمال و جنوب در مرور و هبوب عَلم مبینش در ماوراء قطب شمال مَوّاج و سراج و هَاجش در ابعاد مدن جنوبیه عالم از خطّ استوا مستضیء هلهله منادیانش در میادین اورپ و امریک و آسیا و افریک مرتفع و انتصارات باهره ناشرین نفحاتش متواصل و متزاید و ایادی فعّاله‌اش بتبشیر و ترویج و سیر و سفر و استحکام بنیاد مؤسسّاتش در قارّات خمسّه و بقعه مبارکه مقدّسه لیلاً و نهاراً مشغول و مألوف صاعقه غیرت الهی بر ناقضان عهد وثیق و ناکصان میثاق غلیظ شارع قدیرش متتابعاً نازل و حنین و ناله و ابنین دشمنان و خصماء دیرینش از منابر و معاهد مرتفع ولوله جمّ غفیری از زنگیان از قبائل متعدّده مختلفه در قلب قاره مشتعله افریک متصاعد و اقبال سرخ‌پوستان و زردپوستان در غرب اقصی و شرق اقصی مترادف و متتابع زمامداران از بطش و صولت و انقطاع و استقامت این جنود باسله حیران و علماء سوء از مسیحی و مسلمان بر اثر این فتح و فیروزی فارسان این مضمار مغموم و هراسان

ملاحظه نمایند سپاهیان این جیش عرمرم که در شرق و غرب و جنوب و شمال در قارّات خمسّه عالم و در جزائر اوقیانوس هند و بحرین متوسّط و شمال و دو محیط اطلس و اعظم منتشر و در مدن و قری و صحاری و آجام سیّار و در اودیه و جبال منادی و در جزائر نائیه در ماوراء مدار قطب شمال مقیم بشأنی قیام نموده‌اند و ندای قوموا عن مراقدم و اهجرُوا اوطانکم و انصروا امر ربکم و بارئکم که در الواح نازله از کلک نقطه اولی و جمال ابهی و مرکز میثاق بهاء نازل اجابت کرده‌اند و چنان ثبات و استقامتی ظاهر نموده‌اند که در اقلّ یک سنه بفتح نود و یک ۹۱ اقلیم از اقلیم دنیا موقّف و مفتخر گشته‌اند و جمیع اقلیم باقیه مذکوره در نقشه ده‌ساله را باسثنای جمهوریات اتّحاد شوروی و ممالک تحت نفوذ آن هیئت متعهّد شده‌اند و بنصرت و ظفری نائل گشته‌اند که شبه آن نه در عهود ثلاثه عصر رسولی و نه در نخستین عهد عصر تکوین مشاهده گشته آئین نازنین که در دوره بیان اوّلین عهد نخستین عصر دور بهائی در مدّت نه ۹ سال نطاقش بدو کشور ایران و عراق عرب منحصر بود و در عهد ثانی عهد جمال اقدس ابهی در مدّت سی و نه ۳۹ سال عَلمش در سیزده ۱۳ اقلیم از اقلیم شرقیه و در عهد ثالث عهد مرکز میثاق جمال قدم در مدّت بیست و نه ۲۹ سال در بیست ۲۰ مملکت دیگر از ممالک شرقیه و غربیه مرتفع گشته بود و پس از انقضای صد ۱۰۰ سال از سنه ستّین تعداد ممالک مستظله در ظلّش به هفتاد و هشت ۷۸ بالغ گشته بود و پس از انقضای نه ۹ سال در حین افتتاح جهاد جهانی روحانی اهل بهاء انوار ساطعه‌اش یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ اقلیم را روشن نموده بود حال قبل از اختتام نخستین سنه این جهاد کبیر اکبر دائره‌اش چنان اتّساعی یافته که من حیث المجموع تعداد ممالک مستظله و اقلیم تابعه که در ظلّ شجره لاشرقیه و لاغربیه وارد به دو بیست و نوزده ۲۱۹ بالغ گشته و از این ارقام کاملاً مستفاد میگردد که پس از انقضای سه ربع قرن از بعثت نقطه اولی مقارن انتهای عصر رسولی نخستین عصر دوره اولای کور مقدّس که امتدادش هفتاد و هفت ۷۷ سال و ابتدایش سنه ستّین و انتهایش صعود مرکز میثاق جمال مبین است اقلّ از چهل اقلیم در ظلّ امر الله وارد گشته و در مدّت ربع قرن بل اقلّ از آن از صعود مرکز میثاق جمال ابهی تا جشن صدمین سال بعثت نقطه اولی بیش از چهل ۴۰ اقلیم از انوارش مستفیض گشته و در مدّت نه ۹ سال که فاصله بین عید مئوی اوّل و ثانی اهل بهاست پنجاه ۵۰ مملکت از ممالک دنیا منضمّ بممالک مفتوحه گشته و اخیراً در اقلّ یک سنه از حین افتتاح جهاد کبیر اکبر الی یومنا هذا متجاوز از نود ۹۰ اقلیم بممالک و اقلیم مستظله مفتوحه اضافه گشته و عدّه این اقلیم مفتوحه از حین افتتاح جهاد کبیر اکبر تا بحال سه ۳ ربع کلّیه اقلیمی است که باید بر طبق نقشه در مدّت ده سال در تصرّف امر بدیع درآید

و این اقلیم و جزائر و مراکز که بهمتّ یاران برگزیده امر کبریا و مشاعل حبّ و وفا و فارسان و رسولان جمال ابهی و مجریان فرمان مقدّس غصن دوحه بقا حضرت عبدالبهاء در اندک مدّتی در ظلّ شجره انیسا مستظّل گشته و در دائره نظم

جدید التّاسیس قویّ الأركان سریع الاتّساع عديم المثال جهان‌آرای الهی وارد گشته شامل جميع اقالیم مذکوره در نقشه ده‌ساله و واقعه در قاره اروپا باستثنای جمهوريات و ممالک تابعه اتحاد شوروی و جميع اقالیم واقعه در قاره امريک باستثنای اقليم لبرادر و جميع اقالیم واقعه در قاره آسيا باستثنای دو اقليم تيبست و بوتان و جمهوريات و ممالک تابعه اتحاد شوروی در آن قاره و همچنين شامل کافه جزائر بحر الروم که فعرش در این ایام مقرر و آرامگاه نفس نفیس ایادی امر الله و در ساحلش مضجع شهيد فی سبيل الله واقع و همچنين جميع جزائر بحر شمال باستثنای جزیره سبیتزرگن و اکثری از جزائر نائیه که در قطب محیط اعظم و دو اوقیانوس هند و اطلس واقع و همچنين دو جزیره فرانکلین و فالکلند که یکی در ماوراء مدار قطب شمال متجاوز از هفتاد ۷۰ درجه شمال خط استوا واقع و دیگری در قرب مدینه مجلائیس که ابعاد مدن جنوبیه عالم از خط استواست و در این اقالیم شمالیه که در ماوراء مدار قطب شمال واقع چنانچه معلوم است در اواسط تابستان آفتاب غروب نمی‌نماید و در نیمه شب مشرق و نمایان اینست که از قلم اعلی در کتاب اقدس این آیه مبارکه نازل "و البلدان التي طالت فيها الليالي و الأيام فليصلوا بالساعات و المشاخص التي منها تحدت الأوقات انه لهو الميّن الحكيم"

و همچنين این ممالک مفتوحه جدیده شامل بعضی از مستعمرات بعیده است که در محیط هند و در ساحل اوقیانوس اطلس واقع و محلّ تبعید و اجتماع مجذومین و مبروصین و منفای مجرمین و محکومین باعمال شاقه و برداشت آب و هوا و سگانش بتوحش و تعصب معروف و موصوف و همچنين اقالیم دیگر که ذکرش در تاریخ امر الهی مذکور و مثبت است که یکی از آن اقالیم فیزان است که در حدود صحرای قاره افریقا واقع و آن صحرائی است که در بحبوحه انقلاب مفتشین جالس بر اریکه ظلم خلیفه اسلام عبدالحمید پلید عزم را جزم نموده بود که یوسف بهاء را در آن زندان اندازد و دیگری جزیره شیطان است که سنین عدیده از انوار ساطعه از سجن اعظم محروم بوده و محلّ اقامت و مرکز ریاست مطلع اعراض ناقض عهد نقطه اولی حیة رقطا یحیی بی‌حیا و عدو لدود جمال ابهی که باین خطاب از قلم اعلی مخاطب گشته "تالله الحق عرّ روح الأمين رأسه عن فعلک ... و جلس حوريات الغرفات علی الرماد من ظلمک" و دیگری ارض السّر مدینه مبارکه ادرنه است که ذکرش در الواح شتی نازل و بابدع اوصاف مذکور و موصوف از جمله میفرماید قوله جلّ جلاله "اذأ سمعت بأنّ سراج الحجاز ترک مشکاة العراق لا تحزن لأنّ فيه اسرار عظیم فسوقد فی بلور اخری و هذا تقدیر من عزیز قدیم" زیرا در آن مدینه مبارکه در سنه ثمانین شمس حقیقت از برج اسد از اعلی افق عالم اشراق نمود و در نقطه احتراق بدرخشید و بفرموده مبشر امر حضرت ربّ العالمین "مالک یوم الدین در ابتدای ثمانین" ظاهر و باهر گشت و ایضاً این ممالک مفتوحه بر طبق نقشه ده‌ساله شامل بعضی از جزائر پولینیزیا و میلانیزیا و مایکرونیزیا که در محیط اعظم واقع و در الواح صادره از قلم مرکز میثاق بافتخار یاران و اماء الرحمن در ایالات متحده و کنده مصرّ قوله عزّ بیانه "باید جمعی زبان‌دان منقطع منزّه و مقدّس مملو از محبه الله توجه سه ۳ دسته جزائر عظیمه دریای پاسیفیک مثل پولینیزیا مایکرونیزیا و میلانیزیا و جزائری که متعلق باین سه ۳ دسته است ... نمایند و مسافرت کنند و بقلبی طافح بمحبه الله و لسانی ناطق بذکر الله و دیده‌ئی متوجه بملکوت الله ناس را بظهور ربّ الجنود بشارت دهند" و سگان این جزائر نائیه جنوبیه که بقوه اسم اعظم و همت فارسان جمال قدم پس از افتتاح جهاد کبیر اکبر مفتوح گشته مانند ساموا و تونگا و مارکزا و کوک و کرولین و جیلبرت و الیس و سلیمان و هیریدیز جدید و مجمع الجزائر تواموتو اکثر از جنس اسمر و در قدیم متوحش و آدم‌خوار و جمعی از آنان بهمت مبشرین امر حضرت روح در ظلّ شریعت مسیحیه وارد و حال عدّه معدودی از این نفوس مانند سرخ‌پوستان امریک در این ایام اخیره در ظلّ شریعت بهائیه مستظّل و از انوارش مقتبس و در نشر آثارش بین آن قبائل متأخره متعدده سعی و جاهد و از جمله قبائل و اجناس و نژادهای دیگر که در این نخستین سنه جهاد جهانی روحانی بنور ایمان منور گشته‌اند نژاد بربر است که مسکن آنان در ساحل بحر متوسط واقع و نژاد اهالی کشوران اسلامی شمال قاره افریقا است و همچنين قبیله‌ئی از قبائل آن قاره که در قرب خط استوا ساکن و افراد آن

قصیر القامه و در جنگل و آجام آن قاره ساکن و متوطن و بصید و شکار مشغول و همچنین اسکیموهای جزیره گرینلند که در شمال قاره امریک واقع و ذکر آنان و جزیره هر دو در الواح صادره از قلم مرکز عهد جمال قدم خطاب بیاران و اماء الرحمن ایالات کنده مصرح قوله عزّ بیانه

"باید احبای الهی جانفشانی نمایند ... اگر چنین همّتی بنمایند یقین است که تأییدات کلبیه الهیه بایند و جنود آسمانی بی در پی رسد و نصرت عظیمی حاصل گردد بلکه انشاءالله نداء ملکوت الله بمسامع اسکیموهای اهالی جزائر شمال کنده و گرینلند برسد اگر در گرینلند نائره محبت الهی شعله زند جمیع یخهای آن مملکت آب شود و سرما باعتدال مبدل گردد یعنی قلوب حرارت محبه الله یابد آن خطّه و دیار گلشن الهی شود و بوستان ربّانی گردد و نفوس مانند اشجار پرثمر بنهایت طراوت و لطافت تزین یابند همّت لازم است همّت اگر همّتی نمائید که در میان اسکیموها نفحات الهی منتشر شود تأثیر شدید دارد" و در لوحی دیگر میفرماید "اگر ممکن است مبلغین بسائر ولایات کنده ارسال دارید و همچنین به گرینلند و بلاد اسکیموها مبلغین بفرستید" و نیز در این شهر اخیره بعضی از قبائل سرخپوستان که در جمهوریات شمالی و مرکزی و جنوبی قاره امریک متشکلت بمعرفت امر حضرت ربّ البریه و اطلاع بر تاریخ و تعالیم بهیه اش و مقاصد و مآرب پیروانش فائز و در مقرّ اجتماعشان با شرکت کنندگان در این جهاد کبیر اکبر مرتبط و معاشر از جمله دو قبیله چیهوا و شوانو در ایالت ویسکنسین و قبیله یکیم در ایالت واشنگتون و قبیله ستیلواتر در ایالت نوادا و قبیله چیریو در جمهوریات کستاریکا و قبیله اپاشه در ایالت اریزونا و قبائل نواهر و زونی و هپی در ایالت مکسیک جدید و قبیله ویاندوت در ایالت اکلاهما و قبیله سمینل در ایالت فلوریدا و از جمله قبائل متعدده افریقا که در این سنه اولای جهاد جهانی پیروان امر بهاء در ظلّ سرپرده امر اعزّ اسنی مستظلّ گشته قبائل مسائی و پوکومو و ممبو و بنیا و بنینگ و کیکا و بمتا و برومی است که منضمّ به دوازده ۱۲ قبیله دیگر گشته که قبل از افتتاح این جهاد کبیر اکبر در دائره سریع الاتّساع نظم بدیع وارد شده و بعضی از افراد این قبائل بر مهاجرت و مجاهدت قیام نموده و جمعی را بشریعه باقیه دلالت نموده

و از جمله لغات مصرّحه در نقشه ده ساله یاران حضرت ربّ البریه که تعداد آن به نود و یک ۹۱ بالغ و خادمان فعّال پراهتمام امر ربّ الأنام پس از افتتاح این جهاد مبادرت بترجمه آثار امریه بآن لغات نموده اند لغت چهروکی که از لغات هندیهای قاره امریک محسوب و لغات باسک و مالتی و پیه مونتئی و فلهمی و استونی که در قاره اروپا مستعمل و لغات یه او و ملاگسی و گا و شونا و سوتو و گره بو و کپله و دغبانی و سوسو و بمبا که از لغات قبائل افریک است و لغات بلوچی و منی پوری و پنجابی و پشتو و گرجی و تو و نیکوباری و لپچا و پالی و جاوهئی و آنامی و تیبیتی که در قاره آسیا متداول و ایضاً اخیراً یاران جانفشان مبادرت بترجمه آثار امریه بلغات دیگر نموده که در آن نقشه مذکور نه از جمله لغات موهوک و میاکیچه و گولو و گوارانی و دیاک و اته سو که بعضی از لغات هندیهای امریک و قبائل افریک محسوب و برخی در جزائر محیط اعظم متداول و در نتیجه این مساعی جلیله عدّه لغات که در اقالیم مختلفه آثار امریه تا بحال بآن ترجمه شده من حیث المجموع به صد و بیست دو ۱۲۲ بالغ

و ایضاً از جمله محافل روحانیه که در این سنه جدیده بهمّت مجریان نقشه ده ساله رسماً تسجیل گشته و اعتبارنامه رسمی از طرف اولیای امور بعنوان امنای این محافل صادر گشته محفل روحانی بهائیان دو مدینه فرزنو و سان دیه گو در ایالت کالیفورنیا و محفل روحانی بهائیان مدینه توسون در ایالت اریزونا که از ایالات متحده امریک محسوب و از جمله حظائر قدس که از بدو افتتاح این جهاد بوسیله یاران و خادمان امر مولای عالمیان ابتیاع گشته و رسماً افتتاح یافته حظیره القدس یاران مدینه پاریس است که من بعد بمركز اداری ملّی بهائیان فرانسه مبدل و محور تأسیسات یاران در آن کشور خواهد گشت و ایضاً حظیره القدس بهائیان در مدینه انکورج که از مراکز مهمه امریه در اقلیم السکا محسوب و در

مستقبل ایام آن حظیره نیز بمركز اداری یاران آن اقلیم مبدل خواهد گشت و ایضاً حظیره القدس جدید التأسيس محلی یاران در مدینه اماگساکي که از مدن کشور ژاپان است

و همچنین در این اشهر اخیره متمسکین بعروة الوثقی شریعت مقدسه موفق بتحصیل اجازه رسمی از طرف رؤسای دولت و حکومت جهت معافیت اطفال بهائی از حضور در مدارس در ایام متبرکه محرمه منصوصه در الواح الهیه گشته از جمله یاران مدینه کیولند و کنوشا و می‌ود و لازانگلیز و سیه‌تل و نیوتن و پرنس جورج و نایلز که کل در ایالات متحده امریک واقع و از مراکز مهمه امریه محسوب

و همچنین بانیان نظم بدیع الهی و مجریان فرمان آسمانی و علی رأسهم امنای نه ۹ محفل مرکزی روحانی پس از اعلان این جهاد روحانی جهانی بتهیه مقدمات و تمهیدات اولیه لأجل ابتیاع اراضی معابد متعدده در قطعات خمسه عالم پرداخته و مبالغ باهظه در ممالک مختلفه جهت این مشروعات خطیره که مجموعش از دوپست هزار ۲۰۰۰۰۰ دلار متجاوز بصرافت و طیب خاطر تقدیم نموده از جمله امّ المعابد قاره استرالیا در مدینه سیدنی و امّ المعابد اقلیم کندا در مدینه تورنتو و امّ المعابد امریکای مرکزی در مدینه پناما که در الواح صادره از قلم میثاق مذکور و اهمیتش مصرح و امّ المعابد قطر مصر در مدینه قاهره مرکز عالم اسلامی و عربی و امّ المعابد کشور هندوستان در دهلی جدید و امّ المعابد عراق عرب در مدینه دارالسلام در جوار بیت اعظم مولی الانام و امّ المعابد کشور ایتالیا در مدینه رومیّه محلّ اقامت حبر اعظم و اول و اقدم و اعظم مرکز اداری امت مسیحیه در عالم و امّ المعابد افریقیای جنوبی در مدینه جوهاننیزبرگ که از حیث جمعیت و اتساع ثانی مدینه قاره افریک است و امّ المعابد سه ۳ کشور اسکاندیناوی در مدینه شمالیه استوکهم و امّ المعابد افریقیای مرکزی در مدینه شهیره کامپالا که اولین مرکز یاران و امّ الرّحمن سیاه‌پوست سفیدقلب در آن قاره جسمه پراستعداد است

و همچنین یاران عزیز ثابت‌قدم ممتحن جمال قدم در کشور مقدس ایران با وجود انقلاب امور و تشتت افکار و اضطراب جمهور و تضییقات متمادیه و مشکلات متنوعه متوکلین علی الله بتهیه مقدمات بنای امّ المعابد مهد امر رحمن در آن سامان پرداخته و در ترسیم و طرح نقشه‌های مختلفه ساعی و جاهد و همچنین در قلب قاره پر شور و آشوب اورپ مروّجین امر ربّ الرّبوب و مقلّب القلوب در کشور آلمان که بفرموده مرکز میثاق محبوب امکان و مالک ادیان در مستقبل ایام چنان مشتعل و نورفشان گردد که اقلیم مجاوره را روشن و نورانی نماید با وجود مصاعب و شدائد و متاعب لاتعدّ و لاتحصی که در سنین جنگ و انقلاب بر متمسکین بعروة الوثقی امر حضرت ربّ الأرباب وارد گشته بکمال جدّیت و اهتمام قیام نمودند که محلّ بنای معبد را سریعاً تعیین و ابتیاع نمایند و متعاقباً بوضع اساس و نصب ارکان اولین مشرق‌الاذکار بهائیان در آن قاره پردازند و اخیراً در مدینه مبارکه طهران افق نور امّ عالم و مسقط الرأس محیی رمم بتأییدات اسم اعظم در نتیجه تصمیمات مهمه و مساعی متمادیه وسائل محافظه و تملک سجن اکبر مالک قدر محبس اظلم صیلم و محلّ بعثت سرّی جمال قدم و مرکز تجلی روح اعظم بر قلب ممرّد اطهر الطّف موعود ملل و امم که بر جمیع اماکن متبرکه در آن مدینه مقدم و فی الحقیقه ثانی مقام در آن کشور مکرم است فراهم گشته مقامی که در آن بفرموده مرکز عهد مولی الانام "جنین امر بمقام احسن التّقویم فائز" زیرا در مدّت اقامت مظلوم عالم در آن سجن اتن سنه مبارکه تسع آغاز گردید و دوره بیان منقضی شد وحی الهی نازل گشت و بفرموده نفس مظهر ظهور در عالم رؤیا کلمه علیا اصغا شد و بر اثر آن رؤیا آثار نار در هیکل مظهر ظهور ظاهر گشت و بشارت کبری و خطاب بمن فی الأرض و السّماء و صوت ابداع احلی از حوریّه روح معلّق در هوا استماع گردید وای سوّم آشکار گشت و ثمره شریعت بیان پدیدار گردید و در سرّ سرّ بفرموده مولی البریه نفوس مقدسه مطهره تکمیل شد و وعده طلعت اعلی "و فی سنة التسع انتم کلّ خیر تدرکون" "و فی سنة التسع انتم بلقاء الله ترزقون" "فانّ لکم بعد حین امر

ستعلمون" ظاهر گشت و مصداق "ستعلمن نبأه بعد حين" تحقق یافت و عهد ثانی بهی الأنوار نخستین عصر اولین دور کور مقدس افتتاح گردید

در ارض اقدس مرکز روحانی و اداری جهانی بهائی مقارن این فتوحات عظیمه و انتصارات باهره جنود مجتده الهیه در میادین خمسہ امریکا و افریقا و اروپ و آسیا و متعاقب اتمام و انجام مشروع مقدس اعزاز اسنی تشیید مقام و نصب قبّه ذهبیه مقام اطهر افخم حضرت اعلی و نقطه اولی در آغوش کوه خدا و بر طبق نقشه ده ساله اهل بهاء اراضی امّ المعابد ارض اقدس ناحیه غربی آن مقام مقدس مجلل زیبا در رأس آن جبل در بقعه‌ئی که بقدم جمال ابهی و صدور لوح کرمل مشرف و مفتخر گشته تعیین گردید و مبلغ صد هزار ۱۰۰۰۰۰ دلار لأجل ابتیاع آن محلّ تقدیم و باب مخابره با نمایندگان حکومت اسرائیل مفتوح گشت و در نتیجه این مفاوضات اطمینان تام حاصل گردید که این بقعه مشرفه ابتیاع و بموقوفات بین‌المللی بهائیان منضم خواهد گشت و این بقعه مرتفعه قبلاً متعلق باصحاب دیر بوده و صاحبانش رؤسای طائفه‌ئی از طوائف مسیحیه که مرتبط بکنیسه تابعه حبر اعظم در مدینه رومیّه است و در ایام جنگ بین‌المللی نظر بموقعیت و اهمّیت آن محلّ رؤسای عسکریه دولت انگلیز لأجل دفاع و حمایت و صیانت مدینه حیفا آن بقعه را تملک نموده و اخیراً در نتیجه انقلاب داخله و غلبه کلیمیان بر اعراب و تأسیس حکومت مستقلّ اسرائیل در ارض میعاد مالکیت آن ارض بدولت جدید التّاسیس انتقال یافته و رؤسای حکومت منصوره که در این سنین اخیره پس از استقرار امور در ارض اقدس اقرار برسمیت و استقلال آئین بهائی نموده و در حمایت مقامات مقدسه در دو مدینه عکا و حیفا ادنی فتور و قصوری ننموده و اراضی موقوفه روضه مبارکه علیا و مقام اعلی و اماکن متبرکه و معاهد دیگر را با وجود اتّساع و تعدد از مالیات ملی و محلی هر دو معاف نموده و قصر مبارک مزرعه را بر حسب حکم مبرم بهیئت اوقاف اسلامیّه تسلیم بهائیان نموده و ایام متبرکه محرّمه و عقدنامه بهائی را رسماً شناخته حال بکمال رغبت راضی و مستعدّ بیع این اراضی به بهائیان گشته‌اند و این ظفر عظیم من‌دون شبهه و تردید نتیجه حدوث انقلاب اخیر است که در نتیجه آن مصداق جعل اعلاهم اسفلهم و اسفلهم اعلاهم ظاهر گشت و دشمنان دیرین مغلوب و حکام جدید بر اثر تحقّق وعود و بشارات صریحه که در کتب بهائیان مدوّن در جمیع شئون مساعد و موافق و مستعدّ ایجاد تسهیلات جهت بهائیان و معاهد آنان در ارض اقدس گشته‌اند

و همچنین در نتیجه ابتیاع دو قطعه زمین که یکی مشرف بر رمسین اطهرین و متعلق بیکی از مخالفین و ناقضین عهد ربّ العالمین و دیگری در قرب مضجع حضرت ورقه علیا و متعلق بشخصی کلیمی و قیمت آن دو قطعه از بیست هزار ۲۰۰۰۰ دلار متجاوز مساحت اراضی موقوفه بهائیان در آن جبل مقدس به دو بیست هزار ۲۰۰۰۰۰ متر مربع بالغ گشت و بالتّیجه مساحت اراضی موقوفه در مرج عکا و جبل الکرمل من حیث المجموع از ثلث میلیون متر مربع تجاوز نمود و ایضاً در این ایام اخیره بر طبق قوانین و مقررات حکومت متبوعه شعبه‌های محافل ملی روحانی بهائیان جزائر بریطانیا و کندا و استرالیا رسماً در نهایت اتقان تأسیس گشت و مقدمه انتقال قسمی از اراضی موقوفه بین‌المللی بهائیان در ارض اقدس بنام شعبه‌های این سه ۳ محفل مرکزی روحانی که در سه ۳ قاره واقع فراهم گردید و متعاقب این انتصار جدید که از اهداف مهمه نقشه ده ساله پیروان امر ربّ مجید است بتأسیس شعبه محفل ملی روحانی بهائیان ایران با وجود عدم تسجیل و رسمیت آن هیئت منتخبه در آن کشور مقدس مبادرت گردید و در نتیجه مساعدت و موافقت اولیای امور در این سامان کاملاً اتمام و انجام یافت و عنقریب قسمی از اراضی که در قرب مقام اعلی واقع بنام شعبه این محفل که رکنی از ارکان دیوان عدل الهی محسوب انتقال خواهد یافت و بمرور ایام شعبه‌های سائر محافل روحانی مرکزی در شرق و غرب و جنوب و شمال در ارض اقدس که قلب عالم و قبله امم است تأسیس خواهد شد و بدین وسیله رفته‌رفته وسائل ارتباط ظاهری و باطنی و شرعی و معنوی این ارکان متینّه بیت عدل اعظم الهی بر حسب احکام بدیعه منصوصه در کتاب الهی و قوانین و انظمه جدیده متبوعه در این

ارض بأحسنها و اكملها ايجاد خواهد گشت و اين اقدام بنفسه باعث استحکام اساس و ازدياد جلوه و رونق اوقاف بين المللی بهائی و اشتهار آئين الهی خواهد شد

و همچنين در اين ايام بتأيد من الله نقشه بديعه دارالآثار بين المللی بهائی که تأسيسش در جوار پرانوار مقام مبشر امر مليک مختار از اهداف مهمه نقشه ده ساله در اين ارض مقدس اقدس است بکمال دقت ترسيم و مهيا گشته و عنقریب مقدمات ساختن اين بناى مجلل که بر حسب نقشه بديعه دارى پنجاه ۵۰ ستون است و بر رمسين اطهرين مشرف و صدرش باسم اعظم مزین کاملاً فراهم خواهد گشت و به اين تأسيس که اتقن و احسن و اکمل و اتمّ وسائل جهت جمع و محافظه و ترتيب آثار متزايدة مشتتته مبارکه است قلم اعلى در لوحى از الواح اشاره فرموده قوله جلّ اعزازه

"شأن نزول شأن حقّ است و انتشار شأن خلق و آنه لناشر امره بيد الناشرات من ملائكة المقرّبين لابدّ از خلف سراق عصمت ربّانى عبادى روحانى ظاهر شوند و آثار الله را جمع نمایند و باحسن نظم منتظم سازند و هذا حتم لا ريب فيه"

و اين معهد جليل بنفسه مقدمه تأسيس مرکز عظيم الشان ادارى جهانى بهائيان در آن جبل مقدس است و بدایت جريان سفينة الله و تحقّق بشارت عظيمه که بتلويح ابليغ از تصريح در لوح كرملى اعلى بان اشاره فرموده است قوله عظيم سلطانه "هذا يوم فيه بشر البرّ و البحر و اخبر بما يظهر من بعد من عنايات الله المكنونة المستورة عن العقول و الأبصار سوف تجرى سفينة الله عليك و يظهر اهل البهَاء الذين ذكرهم فى كتاب الأسماء تبارك مولى الورى الذى بذكره انجذبت الذرّات و نطق لسان العظمة بما كان مكنوناً فى علمه و مخزوناً فى كنز قدرته انه هو المهيمن على من فى الأرض و السّماء باسمه المقتدر العزيز المنيع" و شبههائى بوده و نيست که مقصود از اين سفينه که در آخر اين لوح مذکور سفينه احکام است نه سفينه امر الله که ملاحظه شارع اعظم جمال اقدس ابهى و رکابش کافه اهل بهاء و اصحاب سفينه حمرا که بشارتش را نقطه اولی در کتاب قيوم اسماء در سنه اولای عهد اعلى بلغت فصحي و بلحنى مليح و دلربا داده قوله ما احلى بيانه و ما ابهى عزّه و ذکره "و لقد خلق الله فى حول ذلك الباب بحوراً من ماء الاكسير محمّراً بالدهن الوجود و حيواناً بالثمره المقصود و قدر الله له سفناً من ياقوته الرطبة الحمراء و لا يركب فيها الا اهل البهَاء باذن الله العلىّ و هو الله قد كان عزيزاً و حكيماً"

مقصود در اين لوح عظيم که فى الحقيقه کاشف اسرار الهيّه و بشارت دهنده دو تأسيس عظيم و جليل و خطير که يکى روحانى و ديگرى ادارى در مرکز جهانى آئين بهائى است سفينهئى است که راکبينش رجال بيت عدل اعظم که بر طبق وصاياى متقنه مرکز عهد اتمّ و اقوم مصدر تشريع احکام غير منصوصه اند و اين احکام در اين دور بديع از اين جبل مقدس جريان يابد همچنان که در عهد حضرت کليم شريعه الله از صهيون جارى و سارى گشت و اين جريان سفينه احکام اشاره باستقرار ديوان عدل الهى که فى الحقيقه دارالتشريع است و شعبهئى از مرکز جهانى ادارى بهائيان در اين جبل مقدس محسوب و در بنائى مخصوص در قرب دارالآثار بين المللی که حال وقت تأسيس آنست در نقطهئى مشرف بر اين مراقد شريفه منوره و در جوار مقام اعلى استقرار خواهد يافت

و در قرب اين دو بنیان رفيع البناء و اين دو معهد قوى الأركان بنائى ديگر که دارالولايه و مرکز تبیین و تأويل و تفسير احکام منصوصه است و مؤيد و متمم هيئت تشريعيّه است متدرّجاً مرتفع خواهد گشت و نيز بنيانى ديگر منضمّ باين ابينه ثلاثه خواهد شد که مرکز ترويج و دارالتبليغ است و مقرّ استقرار ايدى امر الله که بر حسب نصّ قاطع کتاب وصايا مأمور بمحافظه و صيانته و حمايته امر الله و حفظ وحدت جامعه و انتشار دين الله و ابلاغ كلمه اللّهند

و اين ابينه جليله ساميه که بطرزى زيبا و هندسهئى بديع متدرّجاً در حول اين مراقد تأسيس خواهد يافت کلّ از تفرّعات اين مرکز ادارى عظيم الشان ثابت الأركان عظيم الاتساع پيروان امر مالک الابداع و مليک الاختراع محسوب و اين مرکز ادارى جامعه بهائيان عالم بنفسه محور تأسيسات نظم بديع آن محيى رمم و منبع جود و کرم و رمز وحدت اصليّه دول و ملل و امم و

مقرّر سلطنت و جلوه‌گاه سلطه روحانیّه و زمنیه و مرجع اعلاّی پیروان امر اتمّ اکرم و محلّ انعکاس و معرض تجلیات عرش مصوّر امم بر آفاق عالم و منبع مدنیّت الهیه که اعلی و ابهی ثمره امر اسم اعظم است و در عصر ثالث ذهبی دور بهائی و در ادوار آتیه اثراتش کاملاً پدیدار و فیوضاتش چون سیل جارف منحدر بر عالمیان خواهد گشت اینست که میفرماید قوله تکبّر کبریائه "لعمری سوف نظوی الدنیا و ما فیها و نبسط بساطاً آخر انه کان علی کلّ شیء قدیراً"

و شبههائی نبوده و نیست که مرکزی در ارض اقدس انبساط و اجمل و اجلّ و اعزّ از مرقد شریفه ثلاثه که در سنین اخیره در جوار تربت منوّر معنبر نقطه اولی تأسیس یافته از برای این ابنیه عالیّه که من بعد بمرور ایّام در دامنه کرم الهی مرتفع خواهد گشت متصوّر نه زیرا این سه ۳ نفس زکیّه مطهّره و سه ۳ ودیعه الهیه و سه ۳ لطفیه ربّانیّه و سه ۳ کنز ثمین منتسب بشجره الهیه‌اند و یادگار جمال احدیه و مرکز عهد مولی البریه در بلابای وارده بر مظلوم عالم از نفی و غربت و کربت شریک و سهیم و بعنایات فائقه‌اش مخصّص و در زبر و صحف و الواح و ادعیه‌اش بابدع اوصاف موصوف رتبه و مقامشان بسی عظیم است و قدر و منزلتشان بشهادت قلم اعلی و کلک مرکز میثاق جمال ابهی بغایت رفیع یکی ثمره سدره منتهی خانم اهل بهاء سراج ملاً اعلی بقیّه البهآء و ودیعتّه و دیگری غصن شهید دوحه بقا المخلوق من نور البهآء و ثالث الورقة المبارکة العلیا صاحبة البهآء مونس جمال ابهی امّ حضرت عبدالبهآء در لوحی که باثر قلم اعلی مرقوم و در محفظه‌ئی مخصوص در قرب مرقد خانم اهل بهاء محفوظ و آیاتش بمتابّه تاج در سنگ قبه مضجع منوّرش منقوش این کلمات درّیّات نازل "کتاب من لدنا لّتی سمعت و فازت و أنّها تورّقت من هذا الأصل القدیم ظهّرت باسمی و ذاقت رضائی المقدّس البدیع سقیناها مرّه من فمی الأحلی و اخری کوثری اللّمیع علیها بهائی و عرف قمیصی المنیر" و همچنین در لوحی دیگر قلم اعلی چنین شهادتی داده قوله جلّ احسانه "یا ایّتها الورقة المبارکة التورآء ... قد جعلناک من خیره الامآء و اعطیناک مقاماً لدى الوجه الذی ما سبقته التساء کذلک فضّلناک و قدّمناک فضلاً من لدن مالک العرش و الثری" و در بیان مقام شامخ ارفع غصن الله الأطهر پس از صعودش بافق اعلی این بیان احلی از مخزن قلم ابهی صادر قوله عزّ ثنائّه "طوبی لک بما وفیت میثاق الله و عهده الی ان فدیت نفسک امام وجه ربّک العزیز المختار انت المظلوم و جمال القیوم قد حملت فی اوّل ایّامک ما ناحت به الأشياء و تزلزلت الأركان ... طوبی لک و لمن یتوجّه الیک و یزور تربتک و یتقرّب بک الی الله ربّ ما کان و ما یشکر ... طوبی لک و للذین تمسکوا بذیلک الممدود" و همچنین میفرماید "هذا يوم فيه استشهد من خلق من نور البهآء اذ کان مسجوناً بأیدی الأعداء ... ان یا دال الأبدیة قد تشرقت بک تلك الأرض و ما حولها أنّک انت ودیعة الله و کنزه فی هذه الدیار سوف یظهر الله بک ما اراد أنّه لهو الحقّ علام الغیوب ... انا لو نذکر اسرار صعودک لیتبهنّ اهل الرفود و یشتعلنّ الوجود بنار ذکر اسمی العزیز الودود"

و همچنین میفرماید "ای ربّ قد فدیت ما اعطیتنی لحیة العباد و اتحاد من فی البلاد" و در لوحی که پس از ارتقاء امّ حضرت عبدالبهآء الورقة المبارکة العلیا از قلم جمال ابهی صادر این عنایات لاتحصی مبذول قوله عزّ ذکره "یا نواب یا ایّتها الورقة المنبته من سدرتی و المؤمنة معی علیک بهائی و عنایتی و رحمتی الّتی سبقت الوجود ... قد رضی الله عنک من قبل و من بعد و اختصک لنفسه و اصطفاک بین الامآء لخدمته و جعلک معاشره هیکله فی اللیالی و الايام اسمعی مرّه اخری رضی الله عنک فضلاً من عنده و رحمةً من لدنه و جعلک صاحبة له فی کلّ عالم من عوالمه ... طوبی لأمة ذکررتک و ارادت رضائک و خضعت عندک و تمسکت بحبل حبّک و ویل لمن انکر مقامک الأعلی و ما قدر لک من لدى الله مالک الأسماء و اعرض عنک و جاحد شأنک عند الله ربّ العرش العظیم"

قلم مرکز میثاق نیر آفاق در لوحی از الواح در جواب سؤال یکی از یاران راجع بتفسیر اصحاب پنجاه و چهارم ۵۴ کتاب اشعیا صریحاً شهادت داده که این اصحاب راجع به ورقة علیا امّ عبدالبهاست و در این کتاب این آیات واضحات بیّنات مدوّن

"ذریّت تو امتّها را تصرّف خواهند نمود ... مترس زیرا که خجل نخواهی شد و مشوّش مشو زیرا که رسوا نخواهی گردید ... زیرا که آفریننده تو که اسمش ربّ الجنود است شوهر تو است و قدّوس اسرائیل که بخدای تمام جهان مسمّی است ولیّ تو میباشد ... اینک من سنگهای ترا در سنگ سرمه نصب خواهم کرد و بنیاد ترا در یاقوت زرد خواهم نهاد و منارهای ترا از لعل و دروازه‌های ترا از سنگهای بهرمان و تمامی حدودت را از سنگهای گران‌قیمت خواهم ساخت"

و ایضاً بمرو ایّام و بتأییدات لاریبّه مستمرّه مولی الأنام و سابق الانعام پیروان امر ملیک علاّم بتأسیس ثالث در این جبل در رأس کرمّل که متّمّ این دو تأسیس عظیم است مباشرت خواهند نمود و بتشید امّ المعابد ارض اقدس و توابع و ملحقاتش کاملاً اقدام خواهند کرد و این تأسیس ثالث مرکز عبادت است و رکن ثالث تأسیسات بهیّه اهل بهاء در ارض اقدس نورا تأسیس اوّل در قلب کرمّل که از حیث رتبه و مقام بر کافّه تأسیسات آتیه در این جبل مقدّم مقام علیّ اعلیّ مطلع الأنوار تأسیس ثانی در رأس آن جبل مشرق‌الأذکار تأسیس ثالث در آن جوار پیرانوار مرجع ابرار و اخیار و مرکز رتق و فتق امور جامعه پیروان امر کردگار

تعالی تعالی قدرته التّافذة فی حقائق المکنات تعالی تعالی اسراره المکنونة المودعة فی هویة الموجودات تعالی تعالی سيطرته الغالبة علی کلّ الأشیاء تعالی تعالی سلطنته المحیطة القاهرة علی من فی الأرضین و السموات

یا احبّاء الله و هدایة خلقه از جمله دلائل و علامات شمول تأییدات الهیّه و ظهور و بروز نصرت و غلبه ظاهره امر سلطان احدیّه در این سنه جدیده که آغاز جهاد کبیر اکبر است خذلان و هبوط و سقوط و انعدام دشمنان حقود و جحود و عنود است که پس از مشاهده آثار و علامات حیرت‌انگیز ارتفاع امر الله و اشتها دین الله و نفوذ کلمه الله و فوران نار محبّه الله و نصرت و ظفر حامیان و ثابتان بر میثاق الله و شور و وله ناشرین نفحات و تعیین و قیام ایادی امر الله و استحکام اساس شریعة الله و خروج و خروش و تشتت مهاجرین و مجاهدین فی سبیل الله خائباً خاسراً بمقرّ خود راجع و بگروه ناقضین و مبغضین و معرضین و معاندین و مستکبرین که در سنوات اخیره متتابعاً بأسفل السّافلین ساقط گشته ملحق گشتند

آواره بی حیا نفس مهمله سافله در قعر هاویه ساقط و بادنی درک سجّین راجع گشت این کرم شبتاب که قصد مبارزه با آفتاب جهانتاب نمود و این قطرّه منتنه آسنه که مقاومت با امواج طمطم بحر اعظم را سهل و آسان شمرده بود و از روائح کرپه‌اش خاطر روحانیان سنین عدیده مکدّر و آزرده و از اعمال قبیحه شنیعه‌اش آشنا و بیگانه متنفر و از هجوم عنیفش بر شعائر و مقدّسات و معتقدات اهل بهاء عیون ملاً اعلیّ گریان و در اعراض و اعتراضش از حروفات نفی در ادوار سابقه ثابت‌تر و جسورتر و فظیعت عاقبة الأمر مخذول و منکوب گشت و مأیوساً خاسراً بدرک اسفل السّافلین راجع شد و اراجیف و شبهات واهیه و هذیانات و اوهامات و مقاصد فاسده‌اش کلّ هبّاءً منبثّاً گردید این نفس بی‌مایه بی‌پایه که سی ۳۰ سال با دشمنان دیرین و پرکین امر ربّ العالمین مرتبط بود و بزعم باطلش کشف قناع نموده بود تا امر عزیز الهی را رسوای عالم نماید و نظمش را پریشان و پیروانش را متفرّق نماید و سراجش را منطقی و علمش را سرنگون و بنیادش را منهدم سازد بالمآل هیاو و عربده‌اش کرّنه بعوضه فی الواد خاموش شد و از احداث تفرقه و انشقاق و انقسام و انشعاب در جامعه پیروان امر حضرت ربّ الأرباب کاملاً مأیوس گشت و پس از مشاهده آثار جلیّه علوّ امر الله و امتناع دین الله باسفل سقر راجع گشت بل السّقر یفرّ من نفسه و الجحیم یستعید بالله من وجهه و لقائه تالله یلعنه کلّ ما صدر من قلمه و خرج من فمه تبّاً له و تعساً له قد قضی الله علیه و الحقّه بالهالکین

فرید پلید هاتم در هیما شهورات مصداق "ویل لکلّ همزة لمزه الّذی جمع مالا و عدده" که مدّت چهل ۴۰ سال از صراط امر منحرف و اعمالی را در ایّام مسافرت مرکز میثاق بهاء بقاره امریکا و قبل از آن مرتکب و بتلیس و تزویری ظاهر و در

شهوای منہمک کہ از شدت تأثر ہیکل میثاق لرزان و مرتعش میگشت و پس از انفصالش با دشمن مرکز عہد جمال ابہی در ارض اقدس علناً ارتباط یافت عاقبہ الامر با دست تہی بدار البوار راجع گشت

فلاح مغرور و لجوج کہ بمخالفت اصول و نقض مبادئ نظم بدیع جہان آرای الہی پرداخت و از وصایای محکمہ الہیہ کاملاً منحرف گشت و باعث تشویش افکار و غفلت و محرومیت جمعی از خویشان و اعوانش گردید عاقبت در آتش اندوہ و حسرت بسوخت و بخسران مبین دچار گشت

این نفوس واہیہ مبغضہ ساہیہ ساقطہ کہ حبّ جہ و مال و ریاست و منصب و مقام از صراط مستقیم الہی کاملاً منحرف ساخت و در ایام انقلاب و ہبوب اریاح شدیدہ امتحان و افتتان امر اللہ را موہوم و موہون شمرده و ملعبہ صبیان انگاشته و از صراط مستقیم لغزیدہ در اواخر ایام حیات پرتباہشان ہر یک برأی العین مشاہدہ نمودند چگونہ امر مظلوم عالم صیتش ذائع و شائع گشته و رتہ در عالم انداختہ و تجلیاتش آفاق اکوان را احاطہ نموده و کیہان را نورانی نموده و علمش در قارّات خمسہ مرتفع گشته و وحدت جامعہ پیروانش محفوظ مانده و مؤسسات بدیعہ اش منتظم گشته و احکامش اشتہار یافته و معابد و حظائرش در انظار جلوه نموده و نظم بدیعش علم افراختہ و شعلہ جہان افروزش در قلوب عباد و اماء و شیخ و شاب و وضع و شریف از اجناس مختلفہ و مذاہب متعدّدہ مشتعل گشته و وعود صریحہ کہ در کتب دو مؤسس بی نظیرش و مرکز میثاق شارع اعظمش مدوّن تحقّق یافته و روح تعالیم جانپوررش در ہیکل عالم جاری و ساری گشته

و از حسن تصادف خاتمہ حیات پروبال این نفوس محتجبہ با افتتاح عہد ثانی دومین عصر نخستین دور کور مقدّس مقارن گردید عہدی کہ آغازش با طرح نقشہ‌های بدیعہ متعدّدہ محافل مرکزی روحانی اہل بہاء در اقالیم مختلفہ عالم و صدمین سال دعوت سرّی جمال قدم و تشیید ضریح مبشر امر مبرم و احتفال افخم اکرم در سراسر عالم و انعقاد انجمنہای اربعہ بین القارّات در سنہ مقدّسہ و افتتاح امّ المعابد غرب در قارّہ امریک و اعلان جہاد کبیر اکبر و نصب قبّہ ذہبیہ ضریح مطہّر و ظہور مقدمات اولیہ و تباشیر تأسیس مرکز اداری جہانی اہل بہاء در ارض اقدس و خذلان دشمنان امر اللہ در خاور و باختر توأم گشته

امر اعزّ ابہی در این اوان کہ افتتاح عقد ثانی دومین قرن بہائی و پایان سنہ اولای جہاد روحانی جہانی اہل بہاست علمش در متجاوز از دوہست و ده ۲۱۰ مملکت مّواج و پیروانش در بیش از دوہزار و پانصد ۲۵۰۰ مرکز در شرق و غرب و جنوب و شمال ساکن در ارض اقدس مقام بہیّ الأنوار مبشر فریدش کہ مصارف تشیید و نصب قبّہ ذہبیہ اش از سه ۳ ربع میلیون دلار متجاوز در قلب جبل کرمل مرتفع و متألّئی اوقافش در دو مدینہ عکّا و حیفا بہ چہار ۴ میلیون دلار بالغ و مساحت اراضی تابعہ دو مقام مقدّسش در مرج عکّا و جبل کرمل از ثلث میلیون متر مربّع متجاوز در موطن اصلی دو مؤسس جلیلش اوقاف ملّی و محلّیش لاتعدّ و لاتحصی و مساحت اراضی معبد پیروانش از سه ۳ میلیون متر مربّع و قیمت مرکز اداری تابعانش در عاصمہ آن اقلیم از چہار ۴ میلیون تومان متجاوز در ایالات متّحدہ امریک مہد مدنیّت الہیہ قیمت اوقافش از سه ۳ میلیون و مصارف معبد رفیع البناء پیروانش از دو ۲ میلیون و نیم و میزانیّت محفل مرکزی تابعانش از نیم میلیون دلار متجاوز و تعداد زائرین آن معبد عظیم از نیم میلیون متجاوز قیمت حظائر قدس ملّی تابعانش در اقالیم مختلفہ از دو ۲ میلیون دلار و اوقافش در جمہوریات مرکزی و جنوبی قارّہ امریک از نیم میلیون متر مربّع و قیمت اوقافش در خطّہ ہندوستان و برما و پاکستان از یک میلیون رویہ متجاوز در قارّہ افریک علمش در متجاوز از چہل ۴۰ اقلیم مّواج و تعداد پیروانش از جنس اسود از ششصد ۶۰۰ متجاوز و عدّہ مراکز امریہ بہ صد و پنجاہ ۱۵۰ بل ازید بالغ و تعداد قبائل کہ در ظلّ ظلیلش مستظلّ از شصت ۶۰ متجاوز در مکّہ مکرمہ قبلہ اسلام و نجف اشرف و کربلای معلّ و مدینہ کاظمین و عاصمہ کشور ایتالیا مرکز حبر اعظم و اہمّ و اقدم طائفہ امتّ مسیحیہ و در عاصمہ قطر مصر مرکز عالم اسلامی و عربی و در مدینہ کبیرہ کہ سنین عدیدہ مرکز خلافت مجعولہ و محلّ

استقرار دو عدو لدود شارع امر حضرت احدیّه بوده رسولان و منادیان امرش و مجاهدان در سبیلش بنصب علم مبین و هدایت غافلین و وضع اساس نظم بدیع و نصب ارکان شرع اشرف متین بعزمی خلل‌ناپذیر مشغول و مألوف جمعی از دشمنانش که سالیان دراز در جوار سجن اعظمش ساکن و متوطن و با وجود عنایات لاتحصایش با ناقضین عهد وثیقش معاشر و مرتبط مغلوب و متشتت و حیران و سرگردان در جزیره شیطان عصبه غرور حزب ناعق اعظم یحیی بی شرم بکلی خاموش بل مفقود و معدوم لا تسمع منهم صوتاً و لا رکزا بساط ناکصین میثاق غلیظش پس از لطمات شدید که متتابعاً بسرعتی محیر العقول بر ارکان آن فئه ضالّه وارد منظوی و بقیّه این شردمه قلیله و ثلّه مقهوره در شرفه انحلال و اضمحلال و منحصر به معجد خبیث صدساله عاجز و مفلوج که از فم میثاق حیّ لایموت بمظهر شیطان موصوف و مشتی از سفهای بلها که در گوشه‌ئی چون موش کور خزیده و از احقر و اضعف عباد محسوب اداً ظهر و تحقّق ما صدر من قلم مرکز المیثاق و اخیر عنهم فی لوح من الواحه قوله تبارک ذکره "بگو ای بیچارگان بلعام باعور چه سروری یافت و قیافا چه عطایا دید و ابولهب و ابوجهل چه اجر عمل دیدند و ائیم زبیم چه فوز عظیم جست و یحیی چه حیاتی یافت عنقریب شما نیز در همان حفره‌ها مقرّ و مأوی خواهید یافت شداد بیداد چه کرد نمرود عنود چه از دستش برآمد فرعون بی‌عون چه ظفری یافت کافر منحوس چه سعادتی جست و تقی شقی چه غلبه‌ئی حاصل نمود و حال آنکه با چتر و علم و خیل و حشم مقاومت امر الله خواستند و با لشکر خونخوار منازعه و مهاجمه بر ابرار نمودند عاقبت خائب و خاسر گشتند شما ای صبیان با این عنق منکسره چه خواهید کرد"

بشارت کبری که در خاتمه این اوراق این عبد آستان بیاران و ستمدیدگان ایران و بالأخصّ جمهور امّاء الرّحمن در آن سامان که در خدمات امریه لیلاً و نهاراً سعی و جاهدند میدهد آنکه در این عید رضوان که مسک الختام سنّه اولای جهاد کبیر اکبر است و افتتاح نخستین سنّه عقد ثانی دومین قرن بهائی است و در سنوات آتیه جمهور مؤمنات از سنّ بیست و یک ۲۱ بیالا کاملاً حقّ مشارکت با رجال را در عضویت محافل روحانیّه محلّی و ملّی خواهند داشت سدّ منبع در نتیجه تطوّرات اخیر و خدمات باهره مستمرّه خواهران روحانی در آن سامان و خارج کشور ایران کاملاً مرتفع و مساوات تامّ حاصل ولی امید چنانست که بر اثر این فتح و فیروزی پس از مدتی انتظار و اشتیاق امّاء مؤمنات موقنات وقت را غنیمت شمردند و فرصت را از دست ندهند و در این ایام اکتفا بمساوات اداری ننموده در میدان تبلیغ و مهاجرت فائق بر رجال گردند و در میدان مجاهدت گوی پیشی را از آنان برابند و شجیعت و جسورتر و منقطعتر در جامعه پیروان امر الله مبعوث شوند و بخواهران روحانی خویش در امریک که در فتح ممالک بر رجال سبقت بسته اقتدا و تأسی نمایند و بالأخصّ بر اثر فخر المبلّغین و المبلّغات آیه توکل و انقطاع و قبسه نار محبّه الله مارتا روت مشی نمایند و چنان همّتی بنمایند که عموم من فی البهّاء حیران گردند و ملأ اعلی تحسین نمایند و ندای جمال ابهی از افق اعلی از خلف سرادق کبریا مرتفع گردد که بشری لکنّ یا امائی الزّاکیات القاننات التّاطقات بذکری و التّاشرات لنفحاتی و الرّافعات للواء دینی المبین بین العالمین "عالم نساء" بشهادت قلم ملهم میثاق "در این دوره از فیوضات جمال ابهی در جوش و خروش است و از صهباء الطاف مست و مدهوش روز بروز در ترقّی است عنقریب ملاحظه مینمائید که در بین نساء نفوسی چنان منجذب مبعوث شوند که سبب حیرت گردند شمع روشن شوند و ناطق بحجج و برهان ربّ ذو المنن گردند"

ای دلدادگان جمال ابهی روحی لکم و لمحبتکم و قیامکم الفداء انظروا ثمّ اذکروا ما انزله قلم مرکز العهد و المیثاق فی لوح من الواحه قوله تعالی و تقدّس ذکره "ملکوت الهی در نهایت قوّت ولی لشکر حیات جسور باید تا تأییدات متتابعاً بیخشد ... میدان واسع است و وقت جولان است و هنگام ظهور قدرت و قوّت دل و جان"

یا احبّاء البهّاء یوم شماست و وقت وقت شما آنچه الیوم لازم و واجب و مغناطیس تأیید الهیست قیام جمّ غفیری از مؤمنین و مؤمنات از شیخ و شاب و غنیّ و فقیر و امّی و ادیب و سیاه و سفید بر نصرت دین مبین است باید کلّ کتله واحده

در سنین تسعه باقیه قیامی عاشقانه و دلیرانه نمایند و در بسیط غربا منتشر گردند و بفرموده جمال قدم "قدم انقطاع بر کلّ من فی الارضین و السموات گذارند و آستین تقدیس بر کلّ ما خلق من الماء و الطین برافشانند" و با قلبی فارغ و روحی خفیف و دلی افروخته و عزمی ثابت و قدمی راسخ در اتساع دائرة امر الله و انتشار نفحات الله و استحکام اساس شریعة الله و ارتفاع صیت دین الله و ازدیاد عدد پیروان مذهب الله لیلاً و نهاراً همّت بگمارند نعره زنان و یابهای ابھی گویان بسوی اقالیم غیر مفتوحه و مراکز جدید التأسيس بشتابند و بتأسيس مراکز منفرده که بمنزله نقاطند متوکلاً علی الله مبادرت نمایند و این مراکز منفرده را بأسرع ما ممکن در نتیجه تبلیغ و هدایت نفوس قولاً و عملاً بجماعات که بمنزله حروفاتند مبدل نمایند و جماعات را متعاقباً بمحافل محلّیه که بمثابه کلمات تاماتند تبدیل دهند و در ازدیاد این محافل روحانیّه محلّیه در ممالک مختلفه متماداً همّت بگمارند تا وسائل انعقاد انجمنهای شور روحانی متدرجاً بکمال متانت فراهم گردد و محافل ملی روحانی که بمنزله آیات بیئاتند تشکیل گردد و ارکان دیوان عدل الهی مرتباً منصوب شود و بر این ارکان قبه بنیان الهی که بیت عدل اعظم و بمثابه کتاب مبین است مرتفع گردد و مؤسسات نظم بدیع الهی باین تاج مفخرت عظمی متوج گردد و در دامنه کرم الهی جبل الربّ در مقرّ معین استقرار یابد

ملاحظه نمائید قلم اعلی چه بشارات عظیمهئی در الواح داده و چه وعدههای صریحهئی از قلم محتوم اعلایش نازل فرموده در سوره هیکل این کلمات درّیات مسطور

"سوف یخرج الله من اکمام القدره ایادی القوه و الغلبه و ینصرنّ الغلام و یطهرنّ الأرض من دنس کلّ مشرک مردود و یقومنّ علی الأمر و یفتحنّ البلاد باسمی المقتدر القیوم و یدخلنّ خلال الدیار و یأخذ ربهم کلّ العباد هذا من بطش الله انّ بطشه شدید"

و همچنین در این سوره مبارکه این آیات باهرات مدوّن "سوف یبعث الله بک ایادی غالبه و اعضاء قاهره یخرجنّ عن خلف الأستار و ینصرنّ نفس الرحمن بین الامکان و یصحنّ بصیحه تتمیز منها الصّدر کذلک رقم فی لوح مسطور و یظهرنّ بسطوة یأخذ الخوف سکان الأرض علی شأن کلهم یضطربون"

و ایضاً میفرماید "سوف یرتفع التّداء فی کلّ مدینه و تجد النّاس خائفین و جلیین من سطوة الأمر و کذلک کان الأمر فی الألواح مقضیاً" و ایضاً میفرماید "عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لیبک لیبک مرتفع خواهد شد چه که مفری از برای احدی نبوده و نیست" و ایضاً میفرماید "سوف یظهر الله من هذا الأفق نوراً و قدره و بهما تظلم الشّمس و تمحو آثار من استکبر علی الله و تستضیء وجوه المخلصین و سوف تحیط انوار وجه ربک من علی الأرض انه علی کلّ شیء قدير" و ایضاً میفرماید "سوف ترون الکلالّ مقبلین الی الله و باکین علی ما فات عنهم فی ایامه انه لهو المبین العلیم"

و ایضاً میفرماید "سوف یرون المشرکون رایات التّصر و یسمعون اسم الله من کلّ الجهات یومئذ یقولون انا آمنّا بالله قل الله اعلم بما فی صدور العالمین" و ایضاً میفرماید "سوف یرون الموحّدون اعلام الظّهور فی کلّ الأشطار" و ایضاً میفرماید "قسم بکتاب اعظم که امر الله احاطه نماید و جمیع ارض را اخذ کند"

و همچنین از قلم میثاق مؤیّداً لما صدر من القلم الأعلی این کلمات درّیات صادر "لا تیأسوا من روح الله سینکشف القناع باذن الله عن وجه الأمر و یسطع هذا الشّعاع فی آفاق البلاد و تعلقو معالم التّوحید و تخفق اعلام آیات ربکم المجدید علی الصّرح المشید" و ایضاً میفرماید "عنقریب نور توحید آفاق شرق و غرب را چنان نورانی فرماید که مجال انکار بجهت احدی نماند"

ای برادران و خواهران روحانی حال وقت قیام است و یوم خروج و هجوم و خروش و زمان زمان مهاجرت و مجاهدت و نشر انوار هدایت و جنگ و ستیز با ظلمات ضلالت ایام در گذر است فرصت را باید غنیمت شمرد و الا یا حسره علینا علی ما

فَرَطْنَا فِي جَنبِ اللَّهِ

الوَحَاءِ الْوَحَاءِ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ يَا عِبَادَ اللَّهِ وَ أُمَّةً فِي الْمَدِينِ وَ الدِّيَارِ قَوْمُوا عَلَى التَّصَرُّ
بِكَلِّيَّتِكُمْ وَ دَعُوا الدُّنْيَا وَ زَخْرَفَهَا عَنْ وَرَائِكُمْ وَ اَتْرَكُوا اوطَانَكُمْ وَ اوكَارَكُمْ وَ ذَوِي قُرَابَتِكُمْ وَ شَدَّوْا ظَهْرَكُمْ وَ بَلَّغُوا النَّاسَ مَا بَلَّغَكُمْ
رَبُّكُمْ وَ بَارئَكُمْ وَ بَشَّرُوهُمْ بِمَا وَعَدَكُمْ مَقْصُودَكُمْ وَ مَحْبُوبَكُمْ فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بِقِيَامِكُمْ عَنْ مَقَاعِدِكُمْ تَهْتَلُّ شَأْيِبَ فِيضِ
مَوْلَاكُمْ وَ مَوْجِدِكُمْ وَ بِمَهَاجِرَتِكُمْ اوطَانَكُمْ تَظْهَرُ خَفِيَّاتِ امْرِ مَعْبُودِكُمْ وَ مَسْجُودِكُمْ وَ بِاسْتِقَامَتِكُمْ يَتَزَعَّرُ بِنِيَانِ اَعْدَائِكُمْ وَ
خِصْمَائِكُمْ وَ بَانْقِطَاعِكُمْ تَدْكُ جِبَالِ اوهَامِ رُؤْسَائِكُمْ اَنْ تَثْبُتَ اَقْدَامِكُمْ عَلَى هَذَا الصَّرَاطِ فَوْعِزَّةَ رَبِّكُمْ وَ جَلَالَهُ وَ عَظَمَتَهُ وَ عِلَائِهِ
رُوحِ الْقُدْسِ يَنْفِثَ فِي فَمِكُمْ وَ رُوحِ الْأَمِينِ يَلْهَمِكُمْ فِي قُلُوبِكُمْ وَ رُوحِ الْأَعْظَمِ يَحِيطُ بِكُمْ عَنْ يَمِينِكُمْ وَ يَسَارِكُمْ وَ خَلْفِكُمْ وَ
قَدَامِكُمْ اَنْ اسْتَبَقُوا فِي خِدْمَةِ امْرِ رَبِّكُمْ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ عَمَّا تَطَّلِعُ الشَّمْسُ عَلَيْهَا اَنْ اَنْتُمْ بِأَمْرِهِ مَوْقُونَ وَ هَذَا خَيْرٌ النَّصْحِ مِنِّي
عَلَيْكُمْ اَنْ اَنْتُمْ تَقْبَلُونَ وَ التَّحِيَّةَ عَلَيْكُمْ وَ عَلَيْكُمْ اَجْمَعِينَ

نوروز ۱۱۱

توقیع مبارک نوروز ۱۱۳ بدیع

مستخرجاتی از توقیع منیع مبارک حضرت ولی امرالله

یا معشر المؤمنین و المؤمنات احییکم من هذه البقعة الاحدیة المباركة المقدسة المطهرة التوراء بقلب خافق بمحبتکم و فؤاد منجذب بنفحات ذکرکم و لسان ناطق بثنائکم و محامدکم و عین دامعة لضرکم و اضطهادکم و روح مهتز بشاراتکم و عظیم ولانکم و ولهکم و اشتعالکم و صبرکم و اضطبارکم و ثباتکم و استقامتکم و خدماتکم و مجهوداتکم و فتوحاتکم تکریماً لاسمه الاعزّ العزیز و اجلالاً لظهوره الامنع المنیع و اعزازاً لميثاقه الامتن المتین و تعظيماً لشعائر دينه الاقوم القويم واثباتاً لاصول نظمه الأبدع البدیع و امداداً لجهاده الأكبر الكبير و كشفاً لأسرار شرعه الأمجد المجید و تمهيداً لاعلان أمره الأوعر الافخم الأنور الأقدس المبرم الخطير

صلوات الله و الطافه و عزّه و بهائنه عليكم يا احباء الله و آمنه و خيرة خلقه و رعاة اغنامه و مشاعل حبه و مصايح هدايته و امناء أمره طوبى لكم الف طوبى لكم يا عزّاً لكم و يا روحاً لكم بما اجبتم ندائه و وفيتم بميثاقه و ثبتتم اقدامكم على صراطه و اعتصمتم بحبله و حملتم الشدائد فى سبيله و تركتم اوكاركم و هجرتم اوطانكم تنفيذاً لأمره و افتقرتم من اقاربكم و فديتم راحتكم طلباً لمرضاته و دعوتكم الناس فى مشارق الارض و مغاربها لاستغلال فى ظله و اقتديتم بالذين سبقوكم من آباءكم و اجدادكم فى هداية خلقه و تبليغ رسالته و الانقطاع عن كل ما سواه و الترنج من صهباء الشهادة حياً لجمالها و بذلتهم ما وهبكم ربكم لاعزاز دينه و ترويح مبادئه و كشف اسراره و تعميم تعاليمه و استحکام دعائم نظمه و اثبات استقلال شريعته و اشتهاار صيت امره الأعظم العظيم

تالله تنظركم فى هذا الحين عيون اهل ملا الأعلى و تستبركن بأنفاسكم سگان زرف البقاء و يشيرن اليكم اهل سرادق الأبهى و تنهلل لنصرکم و ظفرکم وجوه حوريات القدس فى الجنة العليا و تسبح ملائكة الأمر حول حرم الكبرياء و يمجّدكم فى مقابلة العرش سيّدكم و محبوبكم مركز عهد الله الامتن الاسمى و يبارككم ربكم و مولاكم النقطة الأولى مبشر امره الأسنى سلطان الرسل قرة عين الأنبياء و يخاطبكم لسان العظمة فى بحبوحة الفردوس جمال الله البهى الأبهى مبعث الرسل بارئكم و موجدكم بأن يا احبائى و حفظة امانتى و هداة خلقى طوبى لكم بشرى لكم مرحى بكم من هذه المنحة العظمى انتم التاصرون لأمرى انتم الشاربون من رحيق حبى انتم اعلام نصرتى فى مملكتى انتم المختارون فى ملكوتى انتم المتكثرون على وسادة عزى طوبى لمن تأسّى بكم و سلك فى منهاجكم تالله يؤيده روح الأعظم كما ايدناكم من قبل و من بعد ان استقيموا على هذا الصراط اياكم ان تخوفكم جنود الجبابرة و سطوة الفراغة اياكم ان تمنعكم عن اداء رسالات ربكم و مولاكم و محبوبكم دولة هاتك او لومة لائم او صولة ظالم او شوكة فاتك سوف يدمدم عليهم العذاب كما دمدم على الذين كانوا من قبلهم و ان هذا لوعده غير مكذوب ...

ای یاران ارجمند دریغ و افسوس که در کشور مقدس ایران موطن اصلی جمال موعود مهد آئین ربّ و دود جمهور سگان از شعشعات انوار این امر عظیم تا بحال پس از تجاوز از صد سال مهلت غافل و ذاهل در سیات عمیقند و بکابوس ثقیل گرفتار و بر اصنام اوهام عاکف قلوبشان از نفحاتش محروم و ابصارشان مرمود و اسیر قیود در بعد ابعند بل معترض و مخالف و در اطفاء سراج و هاج امر ذو الجلال ساعی و جاهد تراهم فى وادی الأوهام هائمین و فى خوضهم لاعبین ...

این است که از قلم اعلى این کلمات دریات و این شهادت عظمی نازل قوله جلّت عظمته

"قسم بآفتاب حقیقت که اگر آن حضرت در مملکت دیگر ظاهر میشد البتّه مقامش مرتفع و امرش ظاهر و نورش باهر و کلمه‌اش محیط می‌گشت"

و از قلم میثاق مؤیداً لما صدر من القلم الأعلى این شهادت اتمّ اوفی نازل "این کوکب روشن اگر از مطلع انجمن اروپا طالع شده بود حال ملاحظه میفرمودی که چه شور و لهی بود و چه ولوله و طربی" و ایضاً میفرماید "شمس حقیقت اگر در سائر اقالیم اشراق نموده بود تا بحال اشعه‌اش جهانگیر گشته بود زیرا اهل آن اقلیم قدر این فضل عظیم را میدانستند ولو مؤمن نبودند مسرور بودند" ...

ای هموطنان جمال قدم و اسم اعظم روحی لضربکم الفداء سلطان قدم مسلّی اعظم میفرماید قوله ما احلی بیانه و ما ابهی عزّه و ذکره "یا حمامة الوفاء خاطبی الضعفاء انه اذا وجدتم الصّراء اشتدّت و البأساء امتدّت و الأرض ارتجفت و الجبال ارتعدت و زوابع الشّدائد احاطت و بحور البلیا فاحت و اریاح الرّزایا هاجت و طوفان الامتحان احاط الامکان علیکم بالصّبر الجمیل فی سبیل ربّکم الجلیل" "قل یا حزب الله ایّاکم ان تخوّفکم قدرة العالم او تضعفکم قوّة الأمم او یمنعکم ضوضاء اهل الجدل او تحزنکم مظاهر الجلال کونوا کالجبال فی امر ربّکم المقتدر العزیز المختار" "قل ایّاکم ان تضعفکم اقویاء الأرض او تخوّفکم امرآء البلاد توکّلوا علی الله و فوّضوا الامور الیه انه ینصرکم بالحقّ و هو المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام الاقتدار" "ایّاکم ان تحزنکم سطوة الظالمین و ظلم المعتدین" "لا تحزنکم کثرة الأعداء سوف یجعلهم الله هباءً و لا تسمع ضوضائهم الا کظنین الذباب انه کان بکلّ شیء علیما"

قسم باسم اعظم که این بلای ادهم را رخائی عظیم از عقب چنانچه صریحاً میفرماید "عنقریب معرضین نادم و خاسر مشاهده شوند و مقبلین بکمال عزّ و تمکین هذا حتم عند ربّک" و ایضاً میفرماید "اگر در این ایّام مشهود و عالم موجود فی الجملة بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلنگ مشوید که ایّام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع آن ایّام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البتّه بجمیع آنها رسیده فائز گردید" ید غیبی در کار است و محتسب حقیقی ناظر و مراقب و بیدار اریاح عدلیّه باراده ازلیّه نافذه مولى البریة در میقات معلوم مرور نماید و این ظلمهای وارده بفرموده مظهر احدیّه تدارک عدل اعظم مینماید و این انقلاب و هیجان بنفسه مقدمه نجات و استخلاص آن ستمدیدگان و شیفتگان روی جمال رحمن از قیود صد سائله امر یزدان در آن سامان است و منتهی بحلول عصر جدید و ورود جامعه پیروان امر ربّ مجید بمرحله ثالث که مرحله انفصال آئین بدیع و منبع از شرع منسوخ و عتیق است خواهد گشت تمهیداً لرفع علم استقلال دینه الأعزّ الأشرف الأفخم العظیم کلمات درّیات را که در این مقام از قلم اعلاّی محیی الأنام صادر بیاد آورید قوله الأحلی "لعمر الله مظلومیّت بسیار محبوب است ... ایّام غلبه ظاهره خواهد آمد و لکن این لذّت را نخواهد داشت و اگر درست ملاحظه کنی عظمت امر را با حالت مذکوره مشاهده نمائی"

ای یاران رشید پروفا چه قدر شکرانه لازم و چه قدر حمد و ثنا سزاوار که در حمل این ثقل اعظم و تحمّل این بلاء ادهم آن یاران مکرمّ تأسّی بجمال قدم و مبشّر اسم اعظم و غصن فرید آن منجی عالم و سیّد امم و محیی رمم نموده وقت آن است که این بلایا و رزایای لاتعدّ و لاتحصی را بخاطر آورید و در شدّت و حدّت و امتداد و اتّساع و تنوّع بلیّات و صدمات وارده بر مظلوم عالم و بشارت دهنده امر مبرم و غصن افخم اعظم تفکّر و تمعّن نمائید در این مقام این کلمات و عبارات حزن‌انگیز از قلم اعلاّی جاری تعالت عظمته "قسم بآفتاب معانی که از ظلم این ظالمان قامت خم شده و مویم سفید گشته البتّه اگر بین یدیّ العرش حاضر شوی جمال قدم را نمی‌شناسی چه که طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل شده و نصارتش تمام شده تالّه قلب و فؤاد و حشا جمیع آب شده و لکن بقوّة الله بین عباد حرکت می‌نمائیم" "تالله یا اعرابی لو تنظرونی لن تعرفونی و قد ایضاً مسک السّود من تتابع البلیا و ظهرت الف الأمر علی هیئة الدالّ من توالی القضا یا ثمّ اصفرّ هذا الوجه المحمّر المنیر"

"تالله قد ابتلى طير القدس تحت الظلم بين طيور البغضاء منهم من يضره بمنقاره و منهم بميسره و منهم بمخلبه و منهم باظفاره كذلك كان البلاء من سحاب الغلّ على هيكل الطير مرشوحاً" و كان قدّامى ثعبان القهر و فتح فمها ليلعنى و عن ورائى غضنفر الغضب و يريد ان يشقنى و عن فوقى يا محبوبى سحاب القضاء و يمطر علىّ امطار البلاء و عن تحتى نصبت رماح الشقا ليحرج اعضائى و بدنّى "لعمرك الله اگر قلم اعلى از اين حين الى اليوم الذى لا آخر له خود را بخطاب يا مظلوم مخاطب سازد حقّ دارد ظلم از هر قسمى و هر شأنى از آن از قبل و بعد بر مشارق نور و مطالع ظهور وارد ولكن بر اين مظلوم وارد شده آنچه كه شبه نداشته و ندارد" "قسم بآفتاب افق محبوب كه نقطه اوليه در ايام خود بحزنم محزون بوده و بر بلايم گريسته" "در كلّ حين در دست شمر كين و خولى بى دين و شدّاد عناد و نمرود مردود و فرعون ملعون و يهود عنود و بوجهل حسد و قاييل بغضا مبتلا بوده و هستم" "تالله قد احاطنى حزن لن تر عين الابداع شبهه . . . و انك لو تريد ان تعرف اسرار الامر فاخرج عن المدينة التى كنت فيها ثم ادخل فى العراء ثم اسكن فى نفسك ثم اصمت عن كلّ الأذكار ثم توجه بقلبك اذا تسمع ضجيج الاشياء و صريخهم فى حزنى و كذلك نقلى عليك فى سرّ الاشارات جواهر الاسرار لعلّ تطالع بما لا اطلع به احد من الخلق" "فوالله لو يطّلع احد على ما ورد علىّ ليسكن فى العراء و يفرّ عن المعاشرين و لن يستأنس باحد و لن يأكل من شىء الى ان يفدى نفسه فى حبّه هذا الجمال المنير و كلّما ورد علىّ فى الظاهر ليس عندى شىء حتى اذكره لكم يا معشر المحبين بل بما ورد علىّ فى الباطن و هذا ما لا يقوم معه اهل السموات و لن يحمله كلّ من فى الملك اجمعين تالله لن اقدر ان اذكر حرفاً منه و لو اذكر حرفاً منه لتنفطر عنه السموات و الارضين" "لو تجعل الفأ من البحر مداداً لمصائبي تالله لتنفد و لن ينفد ذكر مصائبي التى كانت عن افق القضاء مشهوداً و انك ان تريد ان تعرف اثراً منها فاستنشق الهوآء ثم كلّ شىء ان وجدت رائحة الدّم اذا فكر فيما ورد علىّ جمال القدم من سهام هؤلاء الذين كفروا بالله و آياته بعد الذى خلق بقوله انفسهم و كلّ من فى الملك مجموعاً" "حال مليك غيب و شهود بر جميع مشهود و بشأنى ضرّ بر وجود مبارکش وارد شده كه اگر جميع بحور غيب و شهود مداد شوند و كلّ من فى الملك اقلام و جميع من فى السموات و الارض راقم البتّه از ذكرش عاجز شوند" "و فى كلّ يوم ما كان غذائه الاّ من قطعات كبده و شرابه من قطرات دمه" "قسم بخورشيد سماء توحيد كه اگر خورشيد سماء ظاهره بر حزن جمال احديّه مطّلع شود ابدأً از افق خود طالع نشود و قميص نور و ضيا از خود بيندازد" "اى امة الله هنگامى كه در بساط آسائش جالس شوى بذكر اين مسجون مشغول شو و اگر غريبى مشاهده نمائى از غربت و كربت اين غلام روحانى ذكر نما قسم بنقطه وجود كه بلايائى وارد شده كه ذرة آنرا آسمان و زمين و جبال حمل نتواند نمود ذكر مصائب غلام مستور به و انه بكلّ شىء عليم" "يا عين ابكى لضربى و ابتلائى و يا قلب ضجّ بما ورد علىّ نفسى قسم بذكر اعظم كه بلائى بر اين عبد وارد شده كه مظلومان عالم از اول دنيا الى حين بر مظلوميتم نوحه مى نمايند" "يا ليت كنت فانياً و ما ولدتنى امّى و ما سمعت ما ورد عليه من الذينهم عبدوا الأسماء و قتلوا منزلها و خالقها" "فآه آه ليس لى من أم لتبكي علىّ حالى و لا لى من اخت لتعزّى رأسها فى عزائى و مصيبتى و لا عندى من مؤنس ليؤانسنى فى بلائى او يرافقنى فى ابتلائى" "فآه آه فوالذى قد استكفّ ورقاء المحزون فى صدر البهآء لنسيت كلّما شهدت من اول يوم الذى شربت لبن المصفى من ثدى امّى الى حينئذ بما اكتسبت ابدى الناس و كان الله يعلم كلّ ما كان الناس هم لا يعلمون" و در قصيده ورقائيه از قلم مظلوم عالم نازل

"فطوفان نوح عند نوحى كأدمعى

و ايقاد نيران الخليل كلوعتى

و حزنى ما يعقوب بثّ اقلّه

و كلّ بلا ايوب بعض بلّيتى"

و از قلم میثاق در ذکر بلايای وارده این کلمات حزن‌انگیز صادر "الهی تری وحدتی و غربتی و کربتی و تشاهد نحول جسمی و ذهول نفسی و خسوف بدری و کسوف شمسی و ضعف ارکانی و تزلزل اعضائی و تزعزع وجودی و تضییق صدری و خفقان قلبی و زهاق روحی و عدم شروحي و شدّة بلائی فی سبیلک و کثرة ابتلائی فی محبتک ای ربّ استأصلت الزّوابع دوحتی الثّائشة و اقلعت الزّلازل ارومتی الثّابتة و اخذتني اعاصير البلوی و اهلکتني شدائد البأساء و الضّرّاء" "یا محبوبی ... انحنی ظهري و ابيضّ شعري و ذاب لحمی و بلی عظمی و تقطّعت کبدی و احترق قلبی و اتقدت نار الأسی بین اضالعی و احشائی" "ترانی هدفاً لکلّ سهام و غرضاً لكل نصال و خائضاً فی غمار البلاء و غریقاً فی بحار المصائب و الأزّاء ... ارفعنی الیک لأنّ الأرض ضاقت علیّ و الحیاة مريرة لدیّ و الآلام تتموّج کالبحور و الأحزان تهجم هجوم الطّیور علی الحبّ المشثور فنهاری من آلامی لیل بهیم و صباحی مساءً مظلم بهموم عظیم و عذبی عذاب و شرابی سراب و غذائی علقم و فراشی اشواک و حیاتی حسرات و میاهی عبرات و اوقاتی سكرات و بعزّتک لقد ذهلت عن کلّ شیء و لا اکاد افترق بین لیلی و نهاری و غداتی و عشائی و سهري و رقادی بما اشتدّت الأزّاء و عظم لی البلاء و عرض دآء لیس له دواء"

ای عاشقان جمال ابهی قدر این موهبت کبری را بدانید که در این بلايا و رزایا بشرف مساهمت با مظلوم عالم و مرکز میثاق محیی رمم مشرفّ و نائل گشته‌اید و قطره‌ئی از این علقم بلا را چشیده‌اید و این تاج افتخار را بر سر نهاده‌اید در ذکر مصائب وارده بر متقدّمین در آن سرزمین از قلم اعلی نازل قوله عظم سلطانه "مصائب و بلايای شما بمثابة كنوز است و در خزائن امانت الهی محفوظ و مصون" و ایضاً میفرماید "ونفسه الحقّ سوف یزین الله دبیاج کتاب الوجود بذكر احبائه الذین حملوا الرّزایا فی سبیلہ" "فوالله لو كان للدنيا و ما فیها قدر عند الله علی قدر بعوضه لن تصل الذلّة فیها علی احد من المؤمنین" "فاعلموا بانّ البلايا و المحن لم یزل كانت موکلة لأصفیاء الله و احبائه ثمّ لعباده المنقطعین" نفس این بلايا و رزایا را جمال ابهی و غصن اعظمش در الواح شتی طالب و آمل و وقوع و حدوثش را حامد و شاکر در این مقام از قلم اعلی نازل قوله تبارک ذکره "فاعلم ثمّ ایقن أنّا فی اوّل یوم فیہ ارتفع صریر القلم الأعلی بین الأرض و السّماء انفقنا ارواحنا و اجسادنا و ابنائنا و امواننا فی سبیل الله العلیّ العظیم و نفتخر بذلك بین اهل الانشاء و الملاّ الأعلی یشهد بذلك ما ورد علینا فی هذا الصّراط المستقیم" "لعمری لو اذکر حلاوة بلايا التي اکون فیها لتنفد الألواح و تنصعق الاقلام و ربّک علی ما اقول علیم" "لعمری احبّ البلاء فی سبیل الله موجد الأشياء كما یحبّون الناس ابصارهم بل ازید و یشهد بذلك ربّک العزیز المختار" "لعمری انّ السّجن بیتی و هو ابهی من کلّ البیوت ان انتم من العارفين ولو انّ یدی قد فتحت باب السّجن ولكن قلبی یحبّ ان یرکون فیہ ان ربّک لهو المبین الحکیم" "قل انّ البئر بیتی و السّجن قصری و البلاء اکلیل البهّاء ان اعرفوا یا اولی الأبصار من افق الذلّة اشرفت شمس اسمی العزیز" "قد جعل الله البلاء اکلیلاً لرأس البهّاء سوف تستضیء منه الآفاق" "قد تزین رأس البهّاء باکلیل البلاء كذلك قضی الأمر فی لوح کان بخاتم الله مختوماً" "طوبی لحنی الّذی فیہ یفدی الغلام فی سبیل الله الملك العدل الحکیم و طوبی لآن فیہ یسفک دم الغلام حبّاً لمحبوب العالمین فیا حبّداً لساعة کان الغلام فیها مطروحاً علی التراب بین یدی الله مقصود العارفين فومحبوبی الحقّ ارید ان افدی فی سبیلہ بدلاً عن کلّ العالمین لو انتم من العالمین عزیز علیّ بأن یقتل احد فی سبیل الله و انا باقی فی الأرض و بذلك یحزن قلبی و یکدّر عیشتی لو انتم من الموقنین" و كذلك از قلم میثاق نازل "

بالبلاء استضاء وجه البهّاء و بالبأساء و الضّرّاء تبسمّ ثغر کلّ عبد للبهّاء" "یا امة الله اذا احببت دعآء فی حقّ عبدالبهّاء تذلّلی الی الملكوت الأعلی و ابتهلی و قولی ربّ ربّ زد فی بلاء عبدالبهّاء فی سبیلک و املاً له كأس المصائب و الرّزایا و امطر علیه سحاب الامتحانات و زین عنقه بالسّلاسل و الأغلال فی السّجون و القلاع فی محبتک و اجعل دمه مسفوکاً فی سبیلک و ارزقه الجلوس علی سریر الصّلیب بموهبتک حتّی تأخذہ نشوة صهباء الفداء و یطیر بها الی جوار رحمتک الکبری فی ملکوتک الأعلی هذا هو الدّعآء فی حقّ عبدالبهّاء لأنّ هذه غایتہ القصوی و منیته الکبری و موهبته العظمی التي یتمّناها فی کلّ

حين " يا امة الله لا تحزنى و لا تتكدرى من البلايا التى احاطتنى لأنى استبشر بها و افرح بها لأنها نزلت و تنزل على فى سبيل الله و اعلمى اننى ولدت فى البلاء و رضعت من ثدى البلاء و نشئت فى البلاء و بلغت فى البلاء و شببت فى البلاء و شبت فى البلاء فما احلى البلاء فى سبيل الله و ما اشهى نعمة البلاء فى حب الله و ما اعذب كأس البلاء فى محفل التجلى عند مشاهدة نور الكبرياء ليت التجوم سهام و صدرى هدف لها فى سبيل الله و لا اتمنى الا ان اعلق فى الهوآء و يرش الف رصاص على صدرى فى محبة البهآء او تقطع جسمى اربأ اربأ او يرمونى فى قعر البحار او يجرعونى كأساً من سم الهلاك فى محبة الجمال الأبهى هذا منتهى آمالى و غاية مقصدى و اعظم مطلبى و منتهى رجائى "

ای متمسکین بعروء وثقى التى لا انفصام لها این فتنه و آشوب و انقلاب اخير که در موطن مقدس مولای علیم و خبير بغتةً احداث گشت بشهادت کلّ از آشنا و بیگانه و یار و اغیار باعث اشتهاار و ارتفاع صیت آئین کردگار در کلّ اشطار گردید این هجوم عنیف از طرف عصبه مغروره فئه خادعین و مکفرین و مبطلین بر شعائر و مقدسات این امر نازنین و یگانه ملجأ و منجى اهل زمین و وضوا و غوغای باغین و طاغین نفوس واهیه سافله لاهیه ساهیه بمثابة صور اعظم و نفخه اکبر و نقره افخم صیت امر اکمل و اتم را در خافقین مرتفع ساخت و ولوله اش در بسیط خاک رنهئى حیرت انگیز بینداخت و صیت امر الله را دفعهً واحدهً بمقاماتى رساند و جلب انظار نفوسى را نمود که تا بحال حرفى از این ظهور اعظم نشنیده و ادنى اطلاعى از تصرّقات و فتوحاتش در عالم نداشته اهل بها کثلهً واحدهً من دون تأمل و تردد و بعزمى متین بکمال همّت و جدیّت و با قلبى مملو از تأثر و تأسّف و محبّت و شفقت متوکّلین على الله الناظر الشاهد القاهر المقتدر القدير بر دفاع و معاضدت و معاونت و مساعدت ستمديدگان برادران و خواهران روحانى خویش در آن اقليم پريلا موطن اصلى جمال ابهى قيام نمودند قيام استفرحت منه قلوب اهل ملاّ الاعلى و در اعلان مقاصد اصليّه پروان این امر اعزّ اسنى و تظلم نزد رؤسا و امرا و وزرا و وكلا و احتجاج شديد بر روايت كذب و افترا و تبیین و تشریح مبادئ سامیه جامعه راجع به عقائد اصليّه دينيه مروّجان امر حضرت ربّ البريه و اقرار و اعتراف بحقيّت و رسالت شارع شريعت اسلاميه و توجه اهل بها بامور روحانيّه و تمسك آنان بحبل المتين تعاليم سماويه و عدم مداخله در امور سياسيّه و تجنّب از احزاب و فرق مختلفه متنازعه و اثبات اصالت و استقلال و عموميت شريعت بديعه الهيّه و انقياد تامّ و اطاعت احكام و مقررات حكومات متبوعه خويش در ممالك متفرقه متعدده همّت بليغ بگماشتند ...

ايها المقتبسون من نور الهدى این انقلاب اخير در موطن اصلى امر ربّ قدیر از جهتی علّت اشتهاار آئین الهی و انتشار صیتش در کلّ اقطار گشت و از جهتی دیگر اساسش را در قلوب پروانش در کلّ اشطار تقویت نمود و مستحکم ساخت جمعی از كوته نظران در بدو این وضوا و غوغا چنین تصوّر نمودند و بخود وعده دادند که این مقاومت و مهاجمت و اشتداد زجر و عقوبت و تندباد غضب و حدّت و بطش و صولت و سطوت ارباب مکابرت و انذارات و تخویفات خصم الدّ امر حضرت احدیّت و سیل افترا و تهمت عنقریب ریشه شجره مثمره مرفوعه لاشرقیه و لاغربیه را در موطن و منبت اصليّه اش دفعهً واحده قلع و قمع نماید و سراج وهّاج را كاملاً خاموش نماید و جمعی از عشاق جمال ابهى و پرورده يد عنایت حضرت عبدالبهآء را در ممالک و دیار پريشان و مأیوس نماید و از صراط مستقیم منحرف سازد و زلزله بارکان جامعه در کافه ممالک اندازد و شعله نار محبّت الله را در افئده صافیه مؤمنین و مؤمنات و موقنین و موقنات بیفسرد و شمل یاران راستان را متشتت نماید و رخنه در صفوف جنود مجنّده احداث کند و علّت انشقاق و انشعاب و تفرقه و اضمحلال و انقراض گردد

هيهاات هيهاات "بس ما ظنوا و ساء ما حكموا درهم يخوضوا او يلعبوا و يمرحوا و يرتعوا حتى يقضى الله امرأ كان مفعولاً" اشعال نار ظلم و اعتساف و تتابع محن و بلايا و اشتداد رزايا ادنى خللى در وحدت جمع اهل بها و فتورى در عزم متمسکین بعروء وثقى احداث نمود بلکه علّت انتباه نفوس و باعث تقويت بنیه امر الله گردید و روح جدیدی در کالبد مروّجین دین الله و مهاجرین و مجاهدین فى سبيل الله و ناشرین نفعات الله و ایادی و امنای امر الله و مؤسسین شريعت الله و حامیان

حصن الله و راکبین سفینه الله بدمید عباد الله و اماء الله فی مشارق الأرض و مغاربها چون سدّ متین مقاومت سبیل ترّهات و اباطیل و اراجیف و اکاذیب اولو الطّغیان را نمودند و بکمال جدّ و جهد بقلوب مطمئنّه و اقدام راسخه و ارواح منجذبه و افئده مشتعله در هدایت نفوس غافله و انتشار روائح مسکّیه و ندای بملکوت سلطان احدیّه و تکذیب اقاویل و اباطیل و نفی اعتراضات جدید و قدیم دشمنان امر ربّ البریّه و کشف اسرار و رموز شریعت سماویّه و اثبات مقاصد اصلیّه روحانیّه و رفع شبهات و توهمات نفوس محتجبه و اتّساع نطاق جامعه بهائیّه و تشتّت در ممالک و جزائر بعیده و فتح اقالیم غیر مفتوحه و تنفیذ نقشه بدیعه دهساله بیش از پیش همّت بگماشتند لیثبت ما صدر من القلم الأعلى فی الواح شتی قوله الأحلی "بالبلاء علا امره و سنا ذکره" "قل البلايا دهن لهذا المصباح و بها یزداد نوره ان کنتم من العارفين" "بلائی عنایتی ظاهره نار و نعمة و باطنه نور و رحمة" "بالبلاء ربّینا الأمر فی القرون الماضیه سوف تجد الأمر مشرقاً من افق العظمة بقدره و سلطان" "قل انّ البلاء ماء لما زرعناه فی الصّدر سوف تنبت منه سنبلات ینطق کلّ حبّه منها الله لا اله الا هو العزیز الحکیم" "قد جعل الله البلاء اکیلاً لرأس البهائم سوف تستضیء منه الافاق" "قل انّ القضاء مؤید لهذا الأمر و البلاء معین لهذا الظهور" "انا لم نزل ارتفعنا سدرات الأمر بماء الاعراض و الدّم ان انتم من العالمين" "قل انّ الاعراض من کلّ معرض مناد لهذا الأمر و به انتشار امر الله و ظهوره بین العالمين" "قد جعل الله البلاء غادیه لهذه الدّسکرة الخضراء و ذباله لمصباحه الذی به اشرفت الأرض و السّماء" "بظلمهم رفعنا الأمر و انتشار ذکر اسم ربّک فی البلاد بمنعمهم ظهر الاقبال و بظلمهم طلع نیّر العدل تفکروا لتعرفوا یا اولی الألباب" "مرّه بآیادی الظالمین یرفع امره و اخرى بآیادی اولیائه الذین یرون الغافلون ککفّ تراب و ینطقون بما نطق القلم الأعلى فی الافق الأبهی" "قل تالله ترتفع هذه السّدره بماء اعراضکم ولكن انتم لا تشعرون فی انفسکم و تكوننّ من الغافلین" "لو یسترون التور فی البرّ انه ینظر من قطب البحر و یقول انی محیی العالمین" ...

یاران راستان در این ایام انقلاب و افتتان باید نظر را باین بیان صریح که از قلم ملهم معجزشیم مولای خبیر و علیم نازل متوجّه سازند و در آنچه اخبار فرموده تمعّن و تفرّس نمایند قوله الأسنی "الیوم قواى رؤسای ادیان بأجمعهم متوجّه تشتیت انجمن رحمن و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادّی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انظار واضح و لائح" و ایضاً میفرماید "امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید عنقریب نعره قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و امّه چین از دور و نزدیک بلند شود و کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأییدی از ملکوت ابهی بقوّت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان جند هنالك مهزوم من الأحزاب را ثابت و آشکار کنند" ملاحظه نمائید که بصریح عبارت میفرماید "مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید" و شبههئی نبوده و نیست که مقاومت سبیل امر الله و هجوم بر مقدّسات دین الله از طرف جمهور ناس و زمامداران هر دو در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف رؤسای کنائس در دو قاره اروپا و امریک و مبشرین حضرت روح در دو قاره استرالیا و افریک و اقطاب و رؤسای ادیان عتیقه هند و چین در جنوب شرقی قاره آسیا و شرق اقصی خواهد بود شور و آشوب اخیر اولو الطّغیان در اقلیم ایران بنفسه مقدّمه حدوث ولولهئی اعظم و انقلابی اشدّ و هیجانی اکبر در اقالیم سائر جهان است زیرا میفرماید "کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند" و این انقلاب اعظم مقدّمه اعلان امر الله در تمام کره ارض و غلبه جند الله و انهزام و انقراض اعداء الله و تنبّه عمومی اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقّق بشارت "یدخلون فی دین الله افواجاً" خواهد بود ...

نفس این جهاد کبیر اکبر و این قیام و خروج و جوش و خروش و ترک اوطان و تشتّت در ممالک و دیار و نصرت و ظفر در میدان مجاهدت و هدایت جمّ غفیری در ممالک و جزائر متعدّده از اجناس و طبقات و السن و الوان و طوائف مختلفه متنوعه ممهّد سبیل و وسیله تسریع این اصطدام حیرت انگیز و جنگ و ستیز بین اصحاب یسار و یمین است چنانچه

علامات اولیة اتساع نطاق این مبارزه در سنین اخیره در قاره افریک و جزائر بعیده محیط اعظم در نتیجه مقاومت و تحریکات مبشرین ظاهر و نمایان گشته و بتدریج در اثر همت و بسالت و شجاعت و استقامت و اقدامات مستمره متزاید گروه مجاهدین و مهاجرین این مقاومت بسائر طوائف و مذاهب سرایت نماید و رعب الهی را متدرجاً در قلوب زمامداران اندازد و بر شدت و حدت این رزم روحانی و اتساع دائره معرکه اش بیفزاید جمال قدم سلطان الأمم و محیی الرّم بسپاهیان دلیرش در این انقلاب اعظم کاملاً اطمینان داده و باین بیان اکمل و اتمّ وعده نصرت داده قوله تکبّر کبریآئه "عمری لا ینزل علی الاحبّاء الا ما هو خیر لهم یشهد بذلك قلم الله المقتدر العزیز المحبوب" و ایضاً میفرماید "انه ما قدر من قلم التقدير لأحبّائه الا ما هو خیر لهم و نسأله بأن یوفّقهم علی الصبر و الاضطبار لئلا تمنعهم البلیا عن صراط الله العزیز العلیم"...

ایّدکم الله یا احبّاء البهّاء و ایادی امره و حلفاء حبّه علی ما ترتفع به مقاماتکم و تنهلّ وجوه آبائکم و اجدادکم و تظهر خفیّات امر محبوبکم و مولاکم و تتموّج الویه النّصر فی بلدانکم و اوطانکم و تهتّز ارواح المقربین فی ملکوت ربّکم و بارتکم و تقشعّر جلود اعدائکم و خصمائکم و تتحقّق آمالکم و اهدافکم فی خدمه امره الاعزّ الأقدس الأبدع البدیع و تنفیذاً لجهاده الأشرف الأرفع الأمنع الأفخم الخطیر و لکم منی الف تحیه و ثناء من هذه البقعة النّوراء زادکم الله فی خدمه امره و نصره دینه شوکة و اجلالاً و قدره و رجالاً

نوروز ۱۱۳